

پیشگفتار

اعمال رسولان

نشوند و حدود انتقادات شناخته شوند، آنگاه می توانند برای فهم اعمال رسولان مفید باشند.

متن اعمال

برای خواندن یک متن قدیمی، باید آن را تصحیح کرد و در مورد اعمال، کاری پیچیده است. اکثر نسخه های این کتاب به یکی از دو روایت اصلی محوری مربوط می شوند. یکی متن مشهور به سوری یا انطاکیه ای و دیگری متن مشهور به مصری یا اسکندریه ای. اما این دو متن آنقدر به هم نزدیک هستند که جایز است آنها را با هم تلفیق کرده و از آن تحت عنوان «متن جاری» نام برد و آنگاه آن را با روایت سومی که غربی نامیده می شود مقایسه نمود. بطور کلی به نظر می رسد که این روایات غربی نشان دهنده متن اولیه کتاب اعمال نمی باشند ولی با وجود این، قدمت و انتشار آن چه در شرق و چه در غرب و فواید تاریخی و نظری آن قابل توجه می باشند. به همین دلیل است که در توضیحات این ترجمه (خصوصاً در باب ۱۵) بسیاری از روایات نسخه فوق نقل شده است.

کتاب اعمال از نقطه نظر ادبی
وحدت انکار ناپذیر در زبان و اندیشه
کتاب اعمال رسولان مانعی بر تقسیم این کتاب

کتاب اعمال رسولان، همچون انجیل سوم، اثر لوقا می باشد. وی که یار و یاور پولس بوده، اتفاقاتی را در این کتاب به رشتۀ تحریر درآورده که از آنها به خوبی مطلع بوده است. در حدود سال ۲۰۰ تمام کلیسا را اعتقاد بر این بود که این اثر رسولی جزئی از نوشته های مقدس است و به این دلیل معیار راستی و ایمان بوده است. از طرفی و خیلی زود - از قرن چهارم به بعد - کتاب اعمال در مراسم نیایش ایام عید گذر خوانده می شد. به این ترتیب کتاب اعمال، ایمان کلیسای قرون اول را روشنایی بخشیده، زندگی مسیحیان را از تعمید تا شهادت روشن کرده و راهنمایی می کرده است. همان شهادتی که استیفان که خود یکی از «هفت تن» است، اولین کسی بوده که با شهادت خود راه را نشان داده است. تصویر نخستین جامعه مسیحی، روح رهبانیت در حال نشو و نما را، الهام بخشیده و از آن پس کمترین جنبش اصلاحی یا تبشيری بوده که در آن به همراه ندای انجیل و پولس، حسرت زندگی رسولی آنگونه که در متن اعمال رسولان آمده، دیده نشود.

پس از قرن هیجدهم برخی از وجوده اصالت این کتاب زیر سؤال برده شدند. چنانچه این زیر سؤال بردن دقیق بوده و فرضیه های روشنگرانه منتقدین به اصول جزئی تبدیل

گزارش می باشند. تأکیدهای کوتاه پراکنده ۲۰، ۱۰:۱۹؛ ۵:۱۶؛ وغیره؛ ۷:۶؛ ۳۱:۹؛ وغیره؛ وغیره) را نیز می توان به نقل واقعه نزدیک دانست.

سخنرانی ها نیز بسیار متنوع می باشند. بیشتر شان توسط مسیحیان ارائه شده اند: سخنرانی تبشيری متنوع (۱۴:۲ توضیح؛ ۱۰:۳۶ توضیح؛ ۱۵:۱۴ توضیح)، دفاعیه در مقابل دادگاه های یهودی یا رومی (۱۲-۸:۴؛ ۵:۳۲-۲۹؛ ۷:۲ توضیح؛ ۲۲:۱ توضیح)، سخنرانی خطاب به دیگر مسیحیان (۱:۱۶-۱۷؛ ۱۱:۲۲ توضیح؛ ۱۵:۷ توضیح؛ ۱۵:۱۳ توضیح؛ ۲۰:۱۸ توضیح). به این سخنرانی های مسیحی می توان نیایش ها (۲۴:۴ توضیح) و یک نامه (۱۵:۲۹، ۲۳:۱) را نیز اضافه کرد. از طرف دیگر چند خطابه کوتاه (۳۹-۳۵:۵؛ ۱۹:۲۷-۲۵؛ ۲۷-۳۵؛ ۴۰-۳۵) و یک نامه (۲۴:۲-۸؛ ۲۵:۱۴-۲۱) و یک سفر (۲۳:۲۵ توضیح) به یهودیان و یا به افرادی از ملل غیر یهود نسبت داده می شوند.

مطمئناً مؤلف اعمال از منابعی استفاده کرده: نشانه های آن فراوان می باشند. این منابع کتبی بوده اند یا شفاهی؟ شاید هر دو. بهر حال این منابع به اندازه کافی مورد اعتماد بوده اند. به احتمال زیاد همین ها هستند که تنوع دو بخش کتاب را باعث می شوند، بدون این که نظم یکسان تألیف کتاب را - که نتیجه ویراستاری ادبی است - بهم بزنند. متأسفانه تشخیص دقیق و قاطع این منابع بس دشوار است، حتی در مورد یادداشت های راه بآ سفرنامه نیز هر چند که گزارش های آن با ضمیر «ما» وجود چنین سفرنامه ای را تأیید می کند، ولی حدود دقیق آن مشخص نیست.

به دو بخش متمایز نمی باشد. بخش اول (۱-۱۲ یا ۱۵) بصورت مجموعه ای است که عناصر آن به یکدیگر متصل نیستند، بلکه گویا در کنار هم چیده شده اند. اشاره های مربوط به گاه شماری خیلی نادر هستند، زبان رنگ سامی داشته و اندیشه ها بیشتر جنبه دیرینه دارند. بر عکس، قسمت دوم (۱۳ یا ۲۸-۱۶) بافتی منسجم و منظم دارد، داده های گاه شماری متعددند و زبان آن بیشتر یونانی خالص است. در چهار مورد، روایات از ضمیر سوم شخص مفرد به اول شخص جمع تغییر می کنند (۱۰:۱۶ توضیح).

واحدهای ادبی که دارای یک حداقل وسعتی باشند و بتوان آن را تشخیص داد، تقریباً همگی یا گزارش تبشيری اند (۱:۲؛ ۱:۱۳؛ ۱۸:۱۱-۳۲:۹؛ ۴۰-۴:۸؛ ۴۱-۲۶:۲۱ یا گزارش محاکم (۴:۱-۵؛ ۳۱-۱:۴) و آخرین محاکمه با یک گزارش طولانی از یک سفر (۲۸-۲۶) ادامه می یابد. کوچکترین واحدهای ادبی را که با تجزیه و تحلیل در این مجموعه های پیچیده می توان تمیز داد، به دو بخش تعلق دارند: گزارش و سخنرانی.

گزارشات توأم با گفتگو یا بدون گفتگو (۱۰:۲۵-۲۱؛ ۳۳-۲۵:۱؛ ۳۹-۳۷:۲۱؛ ۵-۱:۲۳) وغیره) بسیار متنوع می باشند (۱:۱؛ ۱۱-۶:۲؛ ۱۳-۱:۲؛ ۱۰-۱:۳؛ ۴:۱؛ ۲۲:۱۵؛ ۱۱-۱:۵؛ ۴۲-۱۷، ۱۱-۱:۸؛ ۲۵-۵:۸ وغیره). امور خارق العاده در آن جایگاهی مهم دارند. مطالب فهرست وار و یا توضیحات کلی قسمت اول کتاب که به کلیسای اورشلیم (۲:۴۲ توضیح) مربوط می شوند، از نوع

ارزیابی‌ها بیشتر حکایت از درستی و صحت کتاب اعمال دارند و به ما اجازه می‌دهند عناصر یک گاه شماری - به اندازه کافی استوار - را در باره ابتدای مسیحیت و زندگی و نامه‌های پولس برقرار کنیم. این موقعیت، مورخ را به اعتماد نسبت به داده‌های فراوان کتاب دعوت می‌کند، جایی که اثبات واقعه‌ها بر شواهد خارج از کتاب اعمال میسر نیست، باید به مطالب ثبت شده در این کتاب، با نگاه انتقادی در همین چارچوب اکتفا کند.

این نظر انتقادی، گاه و بیگاه اختلافات و تنش‌های موجود در گزارش‌ها را ضبط کرده، این موارد یا به عدم اطمینان و یا به نبود اطلاعات مؤلف مربوط می‌شوند و یا هم به مواردی مربوط می‌شوند که مؤلف عمدهً داده‌های منابع را تفسیر یا دگرگون کرده است. راست نمای گزارشات ملاک دیگری است ولی استفاده از آن خالی از اشکال نمی‌باشد، زیرا که دلایلی را به میان می‌کشد، که همگی جنبهٔ تاریخی ندارند. در اینجا مشکل ترین موارد مربوط به امور خارق العاده و خصوصاً معجزات می‌باشند. البته ممکن است و گاهی محتمل، که مؤلف و گاهی قبل از وی منابعی، بعضی از قسمت‌های گزارش را تأیید کرده باشند. ولی منتظرین نباید فراموش کنند که معجزه، نقش مهمی در مسیحیت نخستین داشته (روم ۱۸:۱۵ و بعد؛ ۲ - قرن ۱۲:۱۲؛ عبر ۴:۲؛ ر.ک مر ۱۷:۱۶ و بعد).

در این موارد به غیر از گرایش پولس، کتاب اعمال کاری جز ترسیم وقایع تأیید شده در جای دیگر - انجام نمی‌دهد.

واقعیت تاریخی سخنرانی‌ها، مشکلات پیچیده‌تری به دنبال دارد، پیچیده‌تر از آنچه

بر عکس به نحو بهتری می‌توان ریشه این منابع را در زندگی کلیسا می‌نخستین ردیابی کرد. هر کلیسا می‌بایستی خاطرات بنیادگزاری و تاریخش را نگه داری کند (ر.ک ۱ - تیمو ۱:۶؛ ۱ - قرن ۲: ۵ - ۳؛ ۶:۱ و غیره) و بعضی از وقایع پایه گزار خود را بشناسد (۱ - تیمو ۲: ۲ - ۱: ۳؛ ۲ - قرن ۱۱: ۱۰: ۱۲؛ ۲۲: ۱؛ غلا ۱۵: ۱ - ۱۴: ۳؛ غیره؛ عبر ۷: ۱۳) این اطلاعات، آموزنده، اعجاب برانگیز یا زیبا، می‌توانسته از کلیسا‌یی به کلیسا دیگری برود (۱ - تیمو ۸: ۱؛ ۲: ۱ - قرن ۱: ۱۶؛ ۲ - قرن ۸: ۵؛ غلا ۱۳: ۱ - ۲۳؛ ر.ک اعمال ۲۷: ۱۴؛ ۲: ۱۵) و مراکزی مانند اورشلیم و یا انتاكیه (۱۹: ۱۱) توضیح) احتمالاً موقعیت بهتری داشته و اطلاعاتی شفاهی یا کتبی از این نوع را دریافت کرده و نگه داری می‌کرده‌اند. همینطور باید اضافه کرد که چنانچه نویسنده «سفرنامه» همان نویسنده اعمال باشد، این یار و یاور پولس خاطرات شخصی اش را نیز در اختیار خود داشته است.

کتاب اعمال و تاریخ

منابع کتاب اعمال هر چه باشند، موضوع ارزیابی تاریخی کتاب اعمال و قبل از هر چیز ارزش چهارچوبی که گزارشات و سخنرانی‌ها در آن قرار دارند، ممکن و لازم می‌باشد. از یک طرف داده‌های تاریخ عمومی و باستان‌شناسی، و از طرف دیگر داده‌های بقیه عهد جدید و خصوصاً مراسلات پولس به ما اجازه می‌دهند تا این ارزیابی را از طریق مقایسه انجام داده، به دقیق بودن این چهارچوب و بعضی جزئیات آن پی ببریم. نتایج این

خداشناسی کتاب اعمال

طرح کردن کتاب اعمال صرفاً به عنوان مدرک تاریخی اشتباه است، چرا که آن تاریخی را که مطرح می‌کند، در پرتو ایمان آن را بیان و تفسیر می‌کند. در ابتدا، سخنرانی‌ها تاریخ گذشته را به نحو خود تعبیر می‌کند، تاریخی که به مناسبتی خاص به آن، یا به جزئی از آن اشاره می‌کند (۲: ۳۳، ۲۱-۱۶؛ ۴: ۱۰-۱۲؛ ۱۷: ۱۱؛ و بعدی؛ وغیره). اما این تفسیر از روی ایمان در بخش گزارشات نیز، خود را نشان می‌دهد، جایی که خدا به عنوان یکی از عاملین گزارش دخالت می‌کند. او- خدا- توسط فرشته‌اش (۸: ۲۳ توضیح)، توسط روحش (۱: ۸ توضیح)، توسط مبشرین مسیحی (۱۵: ۱۲-۴؛ ۱۱: ۱۹؛ وغیره) عمل می‌کند، رشد کلیساها کار اوست (۲۱: ۱۱؛ ۲۲ و ۴۷: ۲)؛ وغیره. در این کتاب هدف گیری تاریخی، واضح تر از انجیل در اهداف مذهبی جوش خورده، مانند مورخین قدیمی اسرائیل، مؤلف، مورخ است، ولی مورخی مؤمن. برای درک او باید ایمانش را به حساب آورد، ایمانش و محتویات ایمانش را، به عبارتی دیگر «الهیات» یا خداشناسی وی را. این الهیات در همه جای کتاب حاضرند، ولی جوهر آن در سخنرانی‌ها و خصوصاً در سخنرانی‌های تبشيری موجود است.

تاریخ نجات

موعظه مسیحی شامل اعلام تاریخ نجات است، تاریخی که خدا عامل اصلی آن است، خدایی که جهان را آفریده (۱۷: ۲۴؛ وغیره) و قوم اسرائیل را برگزیده (۳: ۲۵؛ ۱۳: ۱۷)؛

مربوط به بخش‌های گزارشی است. می‌دانیم که مورخین قدیم، کم و بیش سخنرانی افراد را ساخته و در دهان آنان می‌گذارند، و این را امری متعارف می‌دانسته‌اند. کوتاه بودن اکثر سخنرانی‌های اعمال مانع از آن می‌شود که آنرا رونویسی کلمه به کلمه و یا محافظه‌تام بدانیم. عدم راستنمایی بعضی از موارد (۱۵: توضیح؛ وغیره) و شباhtی خاص در زبان یا نظر بین سخنرانی‌ها و گزارشات، حاکی از دخالتی کم و بیش مهم از طرف مؤلف به هنگام تألیف سخنرانی‌ها می‌باشد. ولی این موارد سبب تکذیب ارزش سندی آنها نمی‌شوند. دلایل محکمی وجود دارند بر اینکه مثلاً ساختار کلی بر مبنای عناصر سخنرانی‌های تبشيری و یا سخنرانی‌های پولس به پیران افسس (۲۰: ۱۸-۳۸) انعکاس دقیقی از انواع موعظه‌های مسیحی می‌باشد. در مورد سخنرانی‌های دیگر باید گفت که معمولاً راست نما هستند، ولی ارزیابی دقیق تاریخی آنان بستگی به اعتباری دارد که به اطلاعات مؤلف و خصوصاً به اطلاعات «سفرنامه» بدھیم.

آخرین جنبه کتاب اعمال که باید به آن اشاره کرد، سکوت‌های آن می‌باشد. به عنوان مثال این کتاب چیزی درباره تأسیس کلیساهاي متعددی، که از آنها نام می‌برد، نمی‌گوید (۲۸: ۱۳ توضیح) و کلمه ای در مورد درگیری‌های پولس با کلیساي قرنتس (۱۹: توضیح) به میان نمی‌آورد. این سکوت‌ها و چندین مورد دیگر که هستند، نشان می‌دهند که کتاب اعمال نه یک تاریخ عمومی مسیحیت نخستین است و نه زندگی نامه کامل پولس.

امروز خدا

از نقطه نظر کتاب اعمال رسولان، آنچه را که بعد از رستاخیز دیده و می شنیم (۳۳:۲) همان مدام است تحقیق [پیشگویی] سخنان پیامبران است (۲:۲؛ ۱۶-۲۱؛ ۲۱-۲۸؛ ۲۸-۱۵؛ ۱۵-۱۸). خدا همواره عامل اصلی است و بسیع، با وجود ناپدید شدن، به همراهی خدا، محور رویدادها است: رسالت وی ادامه دارد (۲۶:۳)، روح القدس را ارزانی می دارد (۳۳:۲)، روحی که به کلیسا حیات می بخشد (۸:۱ توضیح) و خود، توسط پولس، «نور را به قوم و به ملت های غیر یهود» [اعلام] می کند (۲۶:۲). چنین دیدی از زمان حال تاریخ نجات - و این شایسته توجه است - از سوی نویسنده کتاب اعمال ابداع نشده، چرا که قبل از آن نزد پولس نیز به چشم می خورد. به نظر پولس، « وعده های خدا » در صلیب و رستاخیز بسیع « جواب مثبتی یافته اند » (۲- قرن ۲۰:۱)، و اهمیتی که پولس برای صلیب و رستاخیز قائل می شود، بسیع که در وی وعده های خدا تأیید می شوند، پولس را به این هدایت می کند که با هدف یک « امروز » فکر و عمل کند (ر. ک ۲- قرن ۶، ۲)، امروزی که هنوز نوشته های مقدس در آن تکمیل می شوند، تکمیلی در نجات به توسط ایمان، (غلا: ۳:۶- ۹؛ روم ۱:۱۷؛ ۴: ۳؛ وغیره) به انجام می رسد. از نظر پولس و همینطور از نظر کتاب اعمال رسولان، موعظة تبشيری، عین سخن خدا است که عمل کرده و منتشر می شود (۱- تسا ۲:۱۳؛ ۲- تسا ۳:۱؛ کول ۱: ۵- ۶) و بعد: اصالت آن با نشانه هایی به اثبات می رسد (روم ۱۲- ۲: ۱۹؛ قرن ۱۲- ۱۲). گرویدن

وغیره). بدین ترتیب در قلب تاریخ دنیا، قانون و کتب انبیاء جزئی از انجلی بوده و بخش اول آن را تشکیل می دهنند (۱۷:۱۳- ۲۲: ۲؛ ۵۰- ۷:۲)، بخشی که شامل پیش نماها (۲۵:۷ توضیح) و خصوصاً وعده های پیامبران می باشد، وعده هایی که نقشه خدا را به آگاهی می رسانند (۲۳:۲ توضیح). زمان تحقق و اتمام (۱۸:۳ توضیح) وقتی آغاز می گردد که خدا بسیع را « مبعوث » می کند (۲۲:۳، ۲۶؛ ۲۶: ۲؛ ۲۳:۱۳) و زندگانی، موعظه ها و معجزات وی را (۲: ۲؛ ۲۲: ۲؛ ۱۰: ۳۶- ۳۸) بر عهده خود می گیرد، بدون آن که یهودیان را بر آن آگاهی باشد (۱۳:۳ توضیح) رنج و مرگ بسیع در تحقق مشیت خدا مدام است دارد و وقتی سرانجام خدا بسیع را از میان مردگان بر می خیزاند وی را « خداوند و مسیح » می گرداند (۳۶:۲ توضیح) و روح القدس موعود را به وی ارزانی می دارد (۳۳:۲) و آنگاه « وعده ای را که به پدران داده بود » به نوعی به صورت کمال تحقق فرا می رسد (۲۲:۱۳ و بعد). اما این وعده ای را که به قوم بنی اسرائیل و به بشریت (۸:۱ توضیح) تا « اقصای زمین » (۱: ۲- ۳۹ توضیح) داده شده، تحقق آن خود گشایش گر زمان و مکانی است که در آن تاریخ نجات به راه خود ادامه می دهد. زمان حال آنچنان مورد توجه کتاب اعمال رسولان است (ر. ک ۲۱: ۴ توضیح) که آینده را در یک نوع سایه مبهمنی ترسیم می کند (ر. ک ۱: ۷، ۱۰ و بعد) هر چند که آینده هنوز افق های نهایی کتاب است: روزی که خدا با فرستادن مسیح، « داور زندگان و مردگان »، تحقق مشیت خود را به پایان رساند (۱۰: ۴ توضیح؛ ر. ک ۳: ۲۰).

آسیای صغیر و یونان حرکت می‌کند (۱۳:۱۸) و بعد از آن به رم می‌رسد (۲۸:۳۰). توضیح). این چنین، سیر سخن‌تا به «اقصای زمین» که خواست یسوع برخاسته از مرگ بود (۸:۱) و پیش نماد آن در روز جشن پنجه‌اه به ظهور پیوست (۲:۱۰). توضیح) به مرحله‌ای قطعی رسید. حال اگر انجیل همه‌جا اعلام می‌گردد برای آن است که مخاطب آن «همه بشریت» است (۲:۱۷)؛ نخست قوم اسرائیل (۲:۹:۳۱) توضیح؛ (۲:۵-۲۶)، سپس ملل غیریهود. طبق خواست خدا (۲:۹:۳۹، ۷:۱۵، ۷:۱۱) و خواست یسوع (۲:۲۱ توضیح) انتقال انجیل و نجات به غیریهود (۱۳:۴۶) توضیح) موضوع اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. گرویدن کرنلیوس (۱۰:۱۰ توضیح) و رساندن نوید انجیل به یونانیان انطاکیه (۱۱:۱۹ توضیح) رسالت برنابا و پولس (۱۳:۱ توضیح) از نخستین مراحل این گشایش است که در انطاکیه و اورشلیم زیر سوال برده شده و از این به بعد مورد تأیید قرار می‌گیرد (۱۵:۱۰ توضیح). و به این ترتیب پولس قادر به اجرای رسالت بزرگ خود می‌گردد (۱۵:۳۶ توضیح) که به یمن دوره اسارت‌ش (۲۱:۳-۳۳) - (۲۸:۲۸) امکان می‌یابد تا پیام انجیل را بر حسب رسالت خاص خود تارم، پایتحت ملت‌های غیریهود (۲۸:۳۱ توضیح) برساند. مبهمات در جزئیات هر چه باشند، خطوط برجسته طرح کتاب اعمال در این مراحل هم جغرافیایی و هم انسانی که مشخص کننده نشر سخن خداست به روشنی ظاهر می‌شود.

پولس به یسوع بخشی از مشیت خداست (۱:۱۱ و بعد، ۱۵ و بعد؛ وغیره). زندگی کلیساها از دید او همچون ادامه زمان یسوع است (۱-۱۴:۲ و بعد؛ ر.ک عبر: ۳-۴). بنا بر این مؤلف کتاب اعمال رسولان، اولین شخصی نیست که اهمیت زمان حال را در طرح خدا دیده است، اما به این فعلیت یا «امروز خدا» از این روی اهمیت خاص بخشیده است که تصمیم به نوشتن کتاب اعمال به حکم ادامه نگاشتن انجیل خود گرفته است (۱:۱).

سخن خدا و «فضای آن» طرح [و ترتیب] کتاب اعمال رسولان
از دید کتاب اعمال، این «امروز» قبل از هر چیز زمان کلام خداست، نوید و شهادتی است که یسوع برخاسته از مرگ را خداوند و مسیح اعلام می‌کند. اگرچه نخستین شاهدان این ایمان، منحصرًا دوازده رسول اند (۱:۲۱ توضیح؛ ۲۲ توضیح) ولی استیفان، فیلیپس، برنابا و افراد دیگری با پولس در صفحه مقدم (۱۲:۳۱ توضیح) در امر اعلام سخن، که تا پایان کتاب طنین آن به گوش می‌رسد (۲۸:۳۰ و بعد) مشارکت دارند.
کتاب اعمال رسولان، وضوحاً، به فضای انسانی و جغرافیایی که این کلام در آن منتشر می‌شود، توجه می‌کند. در انجیل لوقا ظهور یسوع از ناصره شروع گردیده و در اورشلیم خاتمه می‌یابد. در کتاب اعمال، انجیل (خبر خوش) از اورشلیم حرکت کرده (۵-۲) به سامره و یهودیه (۸:۱ توضیح) رسیده سپس به فینیقیه، قبرس و سوریه (۱۱:۱۹-۲۲) می‌رسد، جایی که از آنجا مجددًا به طرف

توضیح). تکثر این جماعت‌ها، که در کتاب واضح است، مانع از آن نمی‌شود که آگاه به راه روی در یک «راه خدا» (۲:۹ توضیح) باشند که اعضاً ایش هر جا که باشند، به یک نام نامیده خواهند شد که روزی عنوان همگی آنها «مسيحي» خواهد بود (۱۱:۲۶ توضیح؛ ۲۸:۲۶) پس جای شگفتی خواهد بود که واژه «کلیسا» به معنای مجموع «کلیساها» نیز به کار برده شود. «کلیسای خدا که با خون خود آن را به دست آورده است» (۲۰:۲۸ توضیح؛ ر.ک ۳۱:۹ توضیح). به هر حال روشن است که از دید مؤلف، مجموعه ایمانداران تشکیل دهنده تنها قوم یکتای خدا هستند که در آن ایمان است که مختونان و نامختونان را گردهم می‌آورد (۱۵:۱۴ توضیح؛ ر.ک ۱۰:۱۸) در حالی که کسانی که «به یسوع گوش نداده باشند از میان آن بر کنده خواهند شد» (۳:۲۳ توضیح؛ ر.ک ۱۳:۴۶ توضیح).

این قوم و این کلیساها از آن خدا است و به شیوهٔ خاص به وی و به خداوند یسوع نزدیک می‌باشند. تعدی به مسیحیان در حکم تعدی به شخص یسوع است (۹:۵ توضیح) و ورود به هر یک از این مجامع به مفهوم پیوستن به خداوند است (ر.ک ۲:۷، ۵:۴؛ ۱۴:۵؛ ۱۱:۲۴)، خداوندی که روحش تمام زندگی کلیسا را به حرکت درآورده و آن را رهبری می‌کند (۱:۸ توضیح؛ ۵:۳-۴؛ ۹:۹؛ ۱۵:۲۸؛ ۲۰:۲۸؛ ۱۵:۲۸؛ وغیره).

حيات کلیساها

در همان حالی که مطالب فهرست وار کتاب اعمال خواننده را می‌گذارد که [امکان

گرایش به ایمان، تعمید و موهبت روح القدس

موقعهٔ مسیحی شنوندگان را به گرویدن (۳:۱۹ توضیح)، و بیرون آمدن از جهالت (۳:۱۷ توضیح) و در یک کلام، به این ایمان که یسوع، خداوند و مسیح است (۲:۳۶ توضیح) دعوت می‌کند. با وجود این که ایمان، از دید کتاب اعمال رسولان، عملی است آزادانه از طرف انسان، ولی موهبتی است از طرف خدا (۵:۳۱؛ ۱۱:۱۸؛ ۱۵:۹؛ ۱۶:۱۴؛ وغیره). تنها این خداست که «گشاینده در ایمان است» (۱۴:۲۷) و توسط خداوند یسوع، نجات می‌دهد (۴:۱۲ توضیح؛ ۵:۱۱). به موهبت دوگانه الهی، عفو و بخشش گناهان (۳:۲۶ توضیح؛ ۵:۳۱؛ ۱۰:۴۳؛ وغیره) و مشارکت در روح القدس که توسط یسوع بر ما فیضان می‌شود (۲:۳۸؛ ۲:۳۸؛ ۵:۴؛ ۱۱:۱۷)، به طوری رازگونه، از سوی کلیسای آیینی دوگانه مربوط می‌شود: برای بخشایش گناهان، تعمید در آب «به نام یسوع مسیح» (۲:۳۸ توضیح؛ ر.ک ۱:۵ توضیح؛ ۵:۱۹ توضیح؛ و برای موهبت روح القدس، دستگذاری (۶:۶ توضیح؛ ولی ر.ک به ۱:۱۰ ۴۴:۴ توضیح). ایمان آورندگان نوین از این به بعد «تعمید یافته در روح القدس» هستند (۱:۱۱؛ ۵:۱) و در وعده‌ها شریک می‌شوند.

کلیساها، کلیسا، قوم خدا

بدین نحو گروندگان در جماعت‌های پذیرفته می‌شوند که کتاب اعمال در دادن عنوان «کلیساها» به آنان تأخیر نمی‌کند (۵:۱۱ توضیح؛ ۱۱:۳۸ توضیح؛ ۱۱:۲۶) و در

(۲:۱۳ توضیح؛ ۲:۲۰ توضیح؛ ۷:۲۰ توضیحات). اما نیایش‌ها، صرفاً بخشی از آیین شکرگزاری، یا آیین تعمید (ر.ک ۱۶:۲۲ و آیین دستگذاری (۱۵:۸) (۱۷) و آیین زندگی روزمره کلیساها و نبوده بلکه سراسر زندگی می‌کرد (۱۴:۱۱؛ ۱۴:۱۰؛ ۹:۱۰؛ ۹:۱۲؛ ۵:۱۲؛ و غیره).

دوازده رسول، هفت تن، پولس، پیامبران، پیران

در درون کلیساها گروه‌هایی از ایمانداران وجود دارند که مجری وظایف خاصی اند. قبل از همه گروه دوازده رسول (۲:۱ توضیح) در اطراف پetros (۱:۱۳؛ ۲:۱۴؛ ۳:۵؛ ۲:۲۹؛ ۹:۳۲؛ و غیره؛ ۷:۱۵) در اورشلیم و در خارج این شهر جایی یگانه در نوع خود دارند. نقش آنان در رسالت اساسی شان که شهادت دادن (۸:۸ توضیح) و خدمت سخن (۲:۶) بوده فراتر رفته است (۴:۳۷-۳۳؛ ۵:۱۲، ۱۸، ۴۰؛ ۹:۲۷؛ و غیره). حضورشان در اورشلیم - در ابتدا - بدون تردید حکایت از این دارد که احتمالاً این مجمع صدر مسیحی نقش مرکز و تنظیم کننده را ایفاء کرده است - (۸:۱۴؛ ۹:۳۲؛ ۲۷:۱۱؛ ۲:۱۵؛ ۲۷:۳۰-۲۷) (۲:۱۶ توضیح). رسولان هستند، که غرق در مسئولیت‌های خارج از توان خود و در پی حفظ اساس آن، دست به ایجاد گروه هفت تن زندن (۱:۱۶ توضیح). از طرف دیگر این خود یسوع است که به پولس رسالتی را واگذار می‌کند که هر چند در نقشهٔ رسولان نیست (۱۳:۱۱؛ ۲:۳۱ توضیح) ولی اهمیتش از آن کمتر نیست (۲:۲۲ توضیح) و از وی بنیانگذاری و

آن می‌دهد تا] زندگی کلیساها اولیه را آن طوری که بوده و یا می‌خواسته باشد، حدس بزنده، در عین حال آنچه را به نظر نویسنده، آرمان جامعهٔ مسیحی بوده و می‌بایست به طرف آن برود، بطور کامل آشکار کرده است. نخستین فهرست واره بیش از هر چیز متذکر سعی و کوشش در فراگیری «آموزش رسولان» می‌باشد (۲:۲۴) - که آموزش مسئولان دیگر کلیسا جایگزین آن خواهد شد (۱۴:۲؛ ۲۰:۷، ۱۸:۳۵؛ وغیره). این آموزه کاربرد پیامی را که گروندگان به آن ایمان آورده‌اند مداومت می‌دهد. احتمالاً «اخلاق» در این مقوله با تأکید بر محبت برادرانه (ر.ک ۲۰:۳۵) از جایگاه مهمی برخوردار است. «همرأبی برادرانه» به هر تقدير از جنبه‌های زندگانی مسیحی است که بلافاصله پس از آموزه‌ها قرار دارد. همرأبی برادرانه، مبتنی بر «یک قلب و یک روح» است (۴:۳۲؛ ۲:۴۴ توضیح) - و بخش میانی کتاب در واقع تعریف می‌کند که چگونه این همرأبی کلیساها که در آن هم مختونان و هم نامختونان شرکت می‌کردند از هم پاشیدگی رهایی یافت (۱:۱۵). این همرأبی روحانی با به اشتراک گذاشتن اموال (۲:۴۴ توضیح) و یا حداقل با تقسیم کردن بین برادران (۹:۳۶ توضیح؛ ۱۰:۴۸ توضیح؛ ۲۱:۲۴؛ ۲۰:۳۴) یا بین کلیساها (۱۱:۲۹ توضیح) شکوفا می‌شود.

دو عنصر دیگر تشکیل دهندهٔ زندگی کلیساها که کتاب اعمال آنها را یادداشت می‌کند عبارتند از «پاره کردن نان و آیین نیایش» (۲:۴۲). منظور از پاره کردن نان حتماً همان مراسم شکرگزاری می‌باشد

پیشگفتار اعمال رسولان

بررسی کرد، و آن نظر نویسنده است درباره تحول از یهودیت به مسیحیت و گذر از «نجات توسط قانون» (۱۵:۱، ۵) به سوی «نجات توسط ایمان و فیض خدا» (۱۵:۹، ۱۱)؟

در حضور فرماندار فلیکس پولس تأکید می‌کند - البته نه خالی از تناقض ظاهری - که با پیروی از «راه» و مسیحی بودن، کاملاً به ایمان و امید اسرائیل وفادار مانده است (۲۶:۲ توپیح). یهودیانی که به مسیحیت می‌گرویدند از عمل کردن به قانون موسی (۴۶:۲ توپیح) و ختنه و دیگر سنت‌های یهودی گری پرهیز نمی‌کرندن (۱۵:۵؛ ۱۵:۵ و بعد). پطرس نیز استثنای نبود (۱۰:۹، ۱۴) شاید استیفان کمتر از آنچه دشمنانش می‌گفتند، با قانون موسی مخالفت می‌کرده (۶:۱۳ توپیح) و پولس ادعا کرده (۲۱:۲۴؛ ۲۵:۸) و خود را وفادار به قانون (۱۷:۲۲؛ ۲۱:۳ توپیح) نشان می‌دهد. کلیسای یهودی، با وجود کلیسا بودن، عمیقاً در یهودیت غوطه می‌خورد. به نظر می‌رسد که با انتقاد نکردن از این موقعیت، کتاب اعمال آنرا می‌پذیرد.

ولی این اسرائیل که هم اکنون از طریق یسوع «خداآنده و مسیح» از عده‌ها بهره می‌برد. بایستی - به طرقی که نه یسوع و نه خدا بر یهودیان آشکار ساخته‌اند - ملل غیر یهود را بپذیرد. خدا، خود برای گرایش اولین نامختونان، یعنی کرنلیوس و متعلقینش در قیصریه (۱۰:۱ توپیح) دخالت می‌کند. او به پطرس می‌فهماند که معاشرت با این آدم‌های پاک شده از طریق ایمان و همسفر شدن با آنان، باعث نجاست برای یک یهودی

مسئولی برای کلیساها خواهد ساخت. پیامبران در طرحی دیگر قرار دارند...

پیامبران در طرحی دیگر قرار دارند، آنان هیچ‌گاه به عنوان منصوبین توسط انسان شناخته نمی‌شوند، آنان الهام یافتنگان از روح می‌باشند و نقش مهمی را در زندگی کلیساها اجراء می‌کنند (۱۱:۲۷ توپیح). وقتی کتاب اعمال در چهار چوب کلیساها متعلق به پولس، از پیران سخن می‌گوید، منظورش افرادی هستند که توسط پولس منصوب شده (۱۴:۲۳ توپیح) تا در غیاب وی سربرستی کلیساها را بر عهده گیرند (۲۰:۱۸ توپیح)، (۲۸ توپیح) با نبودن اطلاعاتی دیگر، در اطراف یعقوب می‌توان نقش و ریشه‌ای مشابه برای پیران اورشلیم (۱۱:۳۰ توپیح) (۲۱:۱۵؛ ۱۲:۱۷؛ ۱۵:۱۳ توپیح) تصور کرد. بدون آنکه نویسنده بر آن تأکید کند، نهاد کلیسا و کلیساها محلی حداقل دارای یک نوع سازماندهی می‌باشند. با وجود این، نقش «برادران» ساده و کم اهمیت گرفته نشده است. این که این برادران پیامبر باشند یا نه، در چندین نوبت در تصمیمات مهم شرکت می‌کنند (۱:۱۵ و بعد؛ ۶:۳؛ ۱۳:۱ توپیح) و این یک تصمیم (۱:۳؛ ۱۴:۲۳ توپیح) است که - با اجماع کل کلیسا - «روح» است که - با اجماع کل کلیسا - مجلس اورشلیم را به پایان می‌برد (۱۵:۱۵؛ ۲۲:۲۲ توپیح)، احتمالاً از نقطه نظر نویسنده، اداره و نظام ایده‌آل کلیسا در جهت همرأی‌ی چنین است.

قانون موسی و ایمان به یسوع
باید مطلب دیگری را در باره خداشناسی کتاب اعمال - به دلیل اهمیت آن - جداگانه

کتاب اعمال برای که و برای چه؟

این مسئله که سر سخن نویسنده با کیست و چه اهدافی وی را به نوشتن این کتاب وادر کرده اند، برای فهم تاریخی و عقیدتی اثرا شد. بسیار مهم می باشدند. نویسنده، احتمالاً یهودیان را از حلقه خوانندگانش بیرون ندیده: بعضی از آنان، نسبت به وفاداری مسیحیان مختون به یهودیت و یا نسبت به موضوع به وقوع پیوستن و تکمیل نوشته های یهودی، احتمالاً حساسیت داشتند. ولی کتاب اعمال اساساً خطاب به خواننده یهودی نیست. نویسنده، بیشتر از حد به رد کردن انجلیل توسط قوم اسرائیل و همینطور مسئولیتشان در مرگ یسوع (۲۳:۲؛ ۳:۱۳؛ ۱۵:۱۳؛ ۲۷:۱۳) و مشکلاتی که میشینند مسیحی با آن روبرو شدند اشاره می کند. نظریه مخاطبین از ملت های غیر یهود منطقی تر به نظر می رسد. آخر سر، نجات به غیر یهودیان پیشنهاد شده (۲۸:۲۸). پولس، مبشر اصلی مسیحی، به خاطر تولدش شهر وندرومی است (۱۶:۳۷). توضیح. توسط دادگاه های رومی بی گناه شمرده می شود (۱۸:۱۵ توضیح) و این کاملاً به حق است چرا که او مبشر «راهی» است که نه یک حرکت سیاسی آشوبگر است (۱۷:۷ توضیح) و نه مذهبی جدید و نامشروع (۱۸:۱۳ توضیح). هر چند که محتمل نیست کتاب اعمال جهت دفاعیه ای برای پولس در مقابل دادگاه امپراتور تألیف شده باشد، ولی دلایل زیادی بر این هست که نویسنده - در حالی که کتاب را می نوشته - به این فکر بوده باشد که ممکن است خوانندگانی که هنوز ایمان ندارند آنرا بخوانند و از آن استفاده معنوی ببرند.

نمی باشد (۲۸:۱۰ توضیح، ۳۵ توضیح). کلیساي یهودی - مسیحي اورشليم این واقعه را قبول کرده و گرامی می دارد (۱۸:۱۱)؛ معذالک بعضی از اعضایش آن را یک استثنای نامند: البته زمانی می رسد که می خواهند ختنه و قانون را به عنوان شرطی ضروری برای نجات (۵:۱:۱۵) بر یونانیان مسیحی شده انطاکیه (۱۱:۲۰-۲۱ تحمیل کنند؛ احتمالاً این روش قاطعی بود برای حل مسائل مطرح شده در همزیستی و هم سفره شدن یهودی و غیر یهودی در کلیساها. به نظر نویسنده کتاب اعمال راه حل این مسائل یکباره و برای همیشه در قیصریه داده شده و نویسنده با خرسنديه واضحی پیروزی در اورشليم را شرح می دهد (۴:۱۵-۲۹). درست است که این پیروزی از طریق یک سازش بدست آمده، (۱۵:۱۹ توضیح، ۲۰ توضیح) - سازشی که هم رأی کلیسا را حفظ می کند، البته اساس حفظ شده: مختون یا نامختون، از طریق ایمان و فیض خداوند یسوع است که مسیحیان نجات می یابند (۱۵:۹، ۱۱).

در این صورت یک یهودی مسیحی شده، چه دلیلی می تواند داشته باشد که به قانون و ختنه و فدار بماند؟ نویسنده درباره آن هیچ نمی گوید. شاید هم این سؤال را از خود نپرسیده است. به هر صورت نمی بایستی این سؤال برایش از اهمیت درجه یک برخوردار باشد، چرا که وضوحاً وی فکر می کند که در مقابل رد کردن انجلیل توسط اکثریت یهودیان (۱۳:۴۶ توضیح) از این پس بایستی نجات را خصوصاً بلکه منحصرآ (۲۸:۳۰ توضیح) به غیر یهودیان ارائه داد (۲۸:۲۸ توضیح).

پیشگفتار اعمال رسولان

کرد، بدون شناسایی نویسنده و یا تاریخ تأثیف آن. ولی برای کسی که می‌خواهد کتاب را به خوبی و کمال درک کرده و بفهمد، مسئله شناسایی نویسنده اهمیت کمتری از شناسایی مخاطبین و اهداف نویسنده کتاب ندارد.

نویسنده کتاب اعمال، همان نویسنده سومین انجیل می‌باشد. این باور طی قرن‌های متتمادی در کلیسا مرسوم بوده است. مقایسه مقدمه‌های دو کتاب نیز یگانگی نویسنده را می‌طلبید. هر دو به تئوفیلوس تقدیم شده‌اند (لو ۲۳:۱؛ اع ۱:۱) و مقدمه اعمال به انجیل اشاره می‌کند (اع ۱:۱ توضیح). مطالعه زبان و فکر هر دو اثر نیز موافق یگانگی نویسنده آنها می‌باشد. ولی اوچه کسی است؟ وجود ضمیر «ما» در بعضی از قسمت‌های کتاب، به ما تلقین می‌کند که وی از اطرافیان پولس بوده است. سه دلیل زیر: - کم رنگ بودن این تلقین، - جایی را که کتاب به سفرهای تبشيری پولس داده؛ - و تطبیق با افکار پولس، همگی ما را دعوت به این می‌کند که برای پیدا کردن نویسنده به این جهت برویم و «لوقا، پزشک عزیز...» (کول ۱۴:۴؛ فیل ۲۴ تقریباً تنها شخص ممکن می‌باشد. ولی داده‌های دیگری را نیز باید مورد نظر داشت. در چند موردی مهم، توافق بین افکار اعمال و افکار پولس در نامه‌هایش، مبهم به نظر می‌رسد، مثلاً در مورد مفهوم رسالت (۳۱:۱۳ توضیح) و نقش قانون، همین‌طور بعضی از تأکیدها و یا سکوت‌های اعمال واقعاً تعجب برانگیز می‌باشند: چطور این یاور پولس که از طرف دیگر بطور واضح به مسائل گرایش غیریهودیان توجه نشان می‌دهد، در مورد بحران غلطیه هیچ سخنی

و اما بالاخره، خود محتویات کتاب، ایمانی که در آن به روشنی و بطور مداوم اظهار می‌شود، مسائلی که به آنها پرداخته شده، همگی نشان می‌دهند که قبل از هر چیز برای مسیحیان نوشته شده است. آیا هدف اولش این بوده که از نظریه‌های تبیهیری پولس در مقابل یهودی - مسیحی‌ها (یعنی یهودیان گرویده به ایمان مسیح) دفاع کند؟ در این صورت احتمالاً وفاداری به یهودیت اولین نسل مسیحی بیشتر پوشانده می‌شد، چرا که این وفاداری چیزی جز دلیل و برهان اضافی به دست چنین مخالفان نمی‌داد. در حقیقت به نظر می‌رسد که مشغله اصلی وی اساساً مثبت است: او قبل از هر چیز کتاب اعمال را همچون انجیل‌ش، برای آموزش و سرمشق دادن به مسیحیان، نوشته است. به این هدف است که انتشار کلام را تا روزی که با اطمینان و بدون مانع، در رم طنین می‌اندازد نقل می‌کند. با تأکید بر نقش ایمان، با جهت گیری‌های احتمالی «یهودی گرایی» (رنگ یهودی دادن به مسیحیت) مخالفت می‌کند. با محترم شمردن وفاداری به یهودیت مسیحیان مختار، بدون شک، انتقاداتی را که ممکن است از طرف برادران نامختار مطرح شود، بی‌رنگ می‌سازد. در حقیقت وی مرد اتحاد و ارتباط است که کلیسا را دعوت به زندگی به رهبری روح القدس می‌کند، همانند کلیسای اورشلیم که یک قلب و یک روح داشته است.

نویسنده و تاریخ تأثیف اعمال رسولان

همان طور که این مقدمه نشان می‌دهد می‌توان مدت زیادی از کتاب اعمال صحبت

موضوع اصلی کتاب معطوف می‌شود: اعلام مژده نبیکو در رم و در اقصاء نقاط زمین (۲۸: ۳۰ توضیح) توسط کسی که رسالت گواهی دادن و شهادت دادن را در رم همچون اورشلیم (۱۱: ۲۳) دریافت کرده است. این تعبیر پایان کتاب اعمال به ما دیگر اجازه نمی‌دهد تاریخی دقیق برای تأثیف آن تعیین کنیم. منتقدین معاصر، انجیل سوم را به سال‌های ۷۰ نسبت داده و مایل اند که نوشتن اعمال، به تاریخی در حدود سال ۸۰ با تقریبی در حدود ۱۰ سال نسبت داده شود.

باب روز بودن کتاب اعمال

به یک مفهوم می‌توان گفت که کتاب اعمال رسولان از تمام کتب عهد جدید بیشتر باب روز است چرا که زمان و مکانی را که برای کلام بکار می‌برد برای مسیحیان باز بوده و تا آمدن خداوند یسوع (۱۱: ۱) باز خواهد بود. اگر امروز برادران یاد بگیرند که این کتاب را با هم و با حوصله مطالعه کنند، از آن خواهند آموخت و یا دوباره خواهند آموخت که باید همواره و با هم گواهان یا شاهدان آن برخاسته از مرگ باشند، شاهدانی تا اقصاء نقاط زمین در کلیساها یکی که تنوع آنان نباید مانع برای تشکیل شدن قوم واحد خدا باشد. و روح مقدسی را که خداوند یسوع، امروز همچون دیروز به آنها منتقل می‌کند، شاید به آنها تصمیماتی به اتفاق آراء (۱۵: ۲۵) تلقین کند، تصمیماتی که به آنها اجازه خواهند داد تا با یکدیگر راه خداوند را ادامه دهند.

نمی‌گوید؟ این مسائل واقعی هستند. آیا با وجود این می‌توان نتیجه گیری کرد که اعمال و انجیل سوم اثریکی از همراهان پولس نمی‌باشد و بنابراین باید محتمل بودن لوقا را کنار گذاشت؟ حداقل می‌توان گفت که این قابل بحث است.

درباره تاریخ نوشنی کتاب، یک نکته روشن است: بنابر مقدمه آن (۱: ۱)، پس از انجیل لوقا نوشته شده است. مدت‌های طولانی، تعیین تاریخی دقیق، مسئله ساده به نظر می‌رسید. اگر مؤلف در مورد محاکمه پولس در رم چیزی نمی‌گوید، در حالی که بخش فلسطینی همین محاکمه را بطور مفصل گزارش می‌کند، احتمالاً به این دلیل است که وقتی کتابش را می‌نوشته یعنی «دو سال» (۲۸: ۳۰) پس از رسیدن پولس به رم - حدود سال‌های (۶۲-۶۳) - و قبل از پایان محاکمه پولس، از آن بی خبر بوده است. ولی انجیل لوقا و بیشتر از آن انجیل مرقس که از آن نیز قدیمی‌تر است باید در تواریخی قدیمی‌تر نوشته شده باشند، ولی منتقدین جدید فکر می‌کنند که این را نمی‌توانند قبول کنند. از طرف دیگر، معلوم نیست چرا مؤلف منتظر پایان محاکمه (۲۸: ۳۰ توضیح) نشده تا کتابش را بنویسد و یا حداقل به پایان ببرد؟ خوانندگانش از یک محاکمه (ر. ک ۲۰: ۲۰ - ۲۱: ۲۴ - ۲۱: ۱۱-۱۴) و یا از یک حکم برائت (۲۶: ۲۲؛ ر. ک فیل ۲۲) متعجب نمی‌شدند. در حقیقت به محض رسیدن پولس به رم، توجه به محاکمه به

اعمال رسولان

انتظار آن وعده پدر، که از من شنیده اید،
بمانید.^۵ فی الواقع چون که بیوختنا با آب
تعمید داد، اما شما پس از اندک روزهایی،^۶ لو
در روح القدس^۷ تعمید خواهید یافت.

صعود به آسمان

پس ایشان که دور هم گرد آمده بودند،
حقیقتاً از او سؤال کرده و می گفتند:
«خداآندا، آیا در این زمان، پادشاهی^۸ را
دوباره برای اسرائیل برقرار خواهی کرد؟»^۹
به ایشان گفت: «بر شما نیست که زمانها
یا اوقاتی ارا بدانید که پدر به قدرت خود

پیش‌گفتار

- ۱ ای تئوفیلس [حقیقتاً] کتاب اول
لو ۱۰:۱ ای تئوفیلس [حقیقتاً]
۲۴:۱۹ را تألیف کردم^{۱۰} درباره همه آنچه که
لو ۲۴:۱۹ یسوع کرد و آموزش داد^{۱۱} از ابتدا،^{۱۲} تا آن
روزی که پس از دادن دستورها به وسیله
روح القدس، به رسولان^{۱۳} برگزیده خود^{۱۴}، به
لو ۲۴:۳۷، ۱۴:۲ بالا برداشته شد^{۱۵}،^{۱۶} پس از آنکه رنج کشید،
لو ۱۳:۶ با برهان های فراوان به آنان زنده حاضر شد،^{۱۷}
لو ۱۳:۵۱ پاد ۹:۱۱ به مدت چهل^{۱۸} روز بر آنان پدیدار شده در
لو ۱۳:۳۱ مورد امور پادشاهی خدا^{۱۹} می گفت.
لو ۲۴:۴۲ و چون با ایشان جمع شد، به ایشان
لو ۲۴:۴۹ دستور داد: از اورشلیم دور نشوید بلکه در

a- منتظر انجیل لوقا است. اعمال رسولان به مانند جلد دوم اثری است که انجیل لوقا جلد اول آن باشد. ر. ک. مقدمه.

b- یعنی از آغاز مأموریت یسوع، دقیقاً از تاریخ تعمید او (ر. ک. ۳۷: ۱۰؛ لو ۲۳: ۳).

c- بر طبق انجیل لوقا، رسولان، عبارت از دوازده نفر از بیرون و همراهان یسوع است. درباره ایشان در لو ۱۳: ۶ ذکر شده چنانچه در اع ۶: ۶ و ۶ نیز آمده است. این بیان خاص لوقا (در تعریف رسول) اختنالاً او لین بیان در این مورد نیست.

d- ترجمه دیگر: به وسیله روح القدس به بالا برداشته شد.

e- صعود یسوع به آسمان مجدداً در بندهای ۱۱ و ۲۲ با همین لغت ذکر خواهد شد.
f- چنین به نظر می رسد که لوقا رستاخیز و صعود یسوع را به آسمان محبد به یک روز کرده بود (لو ۵: ۲۴ توضیح). در صورتی که در اینجا این دو واقعه به فاصله چهل روز می باشد. این چهل روز را می توان به عنوان نمونه و مبنای مدتی درک نمود که برای فرا گرفتن آموزش های مسیح رستاخیز کرده می باشد یا حداقل به عنوان مدتی که به منظور استقرار مقام و اختیارات نخستین گواهان لازم بوده است، ر. ک. ۹: ۱ توضیح.

g- این نکته موضوع آموزش و موضعه یسوع در انجیل لوقا است (لو ۴: ۴۳ توضیح) همچنین موقعه های رسولان که در اعمال رسولان ذکر شده است (اع ۸: ۱۴: ۱۲؛ ۱۹: ۲۲؛ ۲۰: ۸؛ ۱۹: ۲۳؛ ۲۸؛ ۲۵ و ۳۱).

h- ر. ک. توضیح مت ۱۱: ۳: ۳. تعمید در روح القدس عنصر اساسی انجام یافتن نبوت های پیامبران است (۱: ۱؛ ۸: ۲؛ ۳۳: ۲) و در اعمال رسولان با کلمات اعطاء، آمدن، دریافت روح القدس بیان می شود. و اما اصطلاح تعمید با آب، از این پس به معنی تعیید به نام یسوع می باشد (۲: ۳۸؛ ۸: ۱۶؛ ۱۹: ۱۶؛ ۵: ۵) ذکر نام یسوع، اعطاء روح القدس که پس از تعیید (۲: ۳۸؛ ۸: ۱۵ و ۷: ۱۷؛ ۹: ۱۹؛ ۱۷: ۶) و استثنائاً قبل از آن انجام می شود (۱۰: ۴۳-۴۸) مختص تعیید مسیحی است و این تعیید را از تعیید یوختا متمایز می سازد (ر. ک. ۱۹: ۵ توضیح).

i- این سوال بیان آرزوی یهودیان و تحقق قریب الوقوع آن برای قوم اسرائیل بوده و به معنی استقرار مجدد حاکمیت ملی آن اظهار شده است (ملا ۳: ۲۳؛ بنسی ۱: ۳۶؛ ۱۷: ۱-۲؛ مر ۱۹: ۱۱؛ لو ۲۱: ۱۷) ر. ک. ۱۱: ۱۶ توضیح و ۲۱: ۸. پاسخ یسوع (بندهای ۷ و ۸) زمان و مکان گواهی رسولانی را یکجا افتتاح می کند: طرح و مفهوم کتاب اعمال رسولان در این پاسخ خلاصه شده است.

j- یعنی مراحل اجرای مشیت الهی و محتوای آن به وسیله خدا و روح القدس به تدریج در جریان اعمال رسولان آشکار خواهد شد (بند ۸ توضیح). ر. ک. ۳: ۲۰، ۲۱: ۱۷؛ ۷: ۲۶، ۲۰: ۲۱، ۳۰).

گروه رسولان

۱۲ آنگاه به اورشلیم برگشتند، از کوهی مشهور به کوه زیتون که نزدیک اورشلیم و به فاصلهٔ یک راه سبت می‌باشد^p،^{۱۳} و چون وارد شدند، به بالا خانه رفته‌اند، جایی که در آنجا اقامت داشتند: پطرس و یوحنا^{لو۱۳:۶؛ مر۱۹:۳؛ مت۴:۲۰} هر دو و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما^{مر۱۹:۱۶؛ مت۱۶:۱۶-۱۷}، برتوالما، متی، یعقوب [پسر] حلفی و شمعون غیرتمند و یهودا [برادر] یعقوب،^{۱۴} همهٔ اینان با زنان و مریم مادر یسوع و برادران او^۹، مدام و یکدل نیایش^{۱۵} می‌کردند.

افزوden متیاس به گروه یازده رسول
 ۱۵ و در آن روزها پطرس در میان برادران^r [که عدد اسامی شان نزدیک به صد و بیست بود] برپایخاسته گفت: «ای

مقرر کرده است.^k اما چون روح القدس بر شما می‌آید^k قدرت خواهید یافت و شما اش^{۱۰:۴۳} گواهان من^۱ هم در اورشلیم و در تمام یهودیه و سامره و همچنین تا به آخرین نقطهٔ زمین^m خواهید بود.»

^۹ و چون اینها را گفت همچنان که لوط^{۵۱-۵۰:۲۴} می‌نگریستند به بالابرده شد و ابریⁿ او را از [پیش] چشمانشان برگرفت.^{۱۰} و در حین اینکه نگاهشان را بسوی آسمان^{لو۴:۲۶} دوخته بودند، در حالی که او می‌رفت، اینک دو مرد سفید پوش برایشان حاضر شدند،^{۱۱} و گفتند که: «ای، مردان جلیلی! چرا ایستاده به سوی آسمان می‌نگرید؟ این یسوع که از نزد شما به سوی آسمان برداشته شد پس به همان^{لو۶۹:۲۲} گونه که او را مشاهده کردید که به سوی آسمان رفت، خواهد آمد.^۵

- بنابر مفاد اعمال رسولان، روح القدس مبتکر و عامل واقعی مأموریت رسولان است، چنانکه در مأموریت خود یسوع نیز بوده است (لو۱:۴ توضیح). خاصیت قدرت روح القدس در رفتار بشر گاهی به نحو عجیبی پدیدار می‌شود: مثلاً سخن گفتن به زبان‌ها (۲:۴) که تشییه به موهبت نبوت است (۱۷:۲)؛^{۱۱} وی بروز این قدرت بدون نظم و ترتیب نیست: بلکه روح القدس که به یسوع منتقل گردیده و به وسیلهٔ او منتشر گردیده (۳۳:۲) در ارتباط با تعیید به نام یسوع دریافت می‌گردد (۵:۵ توضیح)؛ و اساساً اعطاء روح القدس به منظور موعظه و گواهی دادن است (۸:۴؛^{۱۲} ۳۲:۵؛^{۱۳} ۱۰:۱۰) و در مورد مأموریت به نزد غیر یهودیان، روح القدس با دخالت در عمل و رفتار رسولان مستقیماً وارد صحنه می‌شود (۱۵:۸)؛^{۱۴} و مثلاً در عمل و رفتار فیلیپس (۸:۲۹، ۱۰:۱۹) و پطرس (۱۰:۱۹، ۱۱:۲۱) و پولس (۱۶:۶-۷، ۱۹:۱-۷) و پولس (۱۶:۸) و پولس (۱۶:۸-۱۵).

- منظور از گواهی دادن در مورد مسیح قبل از هر چیز گواهی است (۲۲:۱ توضیح) و در کتاب اعمال رسولان گواهان مسیح همان دوازده رسول هستند (۱:۲۲ توضیح؛^{۱۵} ۱۰:۴ توضیح) ولی کسان دیگری هم گواه او بشمار می‌آیند (۱۳:۳۱).

- توضیح: ۲۰:۲۲ توضیح.

- m- یعنی از اورشلیم و یهودیان گرفته تا به همه دنیا و قلمرو غیر یهودیان: این است میدان رسولان در گواهی دادن و طرح کتاب اعمال رسولان بدین گونه تعیین و مقرر شده است (ر.ک. مقدمه)

- n- در نوشته‌های عهد عتیق «ابر» یکی از عوامل تجلی خدا (مثلاً خروج ۱۳:۲۱-۲۲) و نیز تجلی پسر انسان است (کتاب دانیال ۷:۲۱، ر.ک. لو۲۱:۹ توضیح؛^{۱۶} ۲۱:۲۷ توضیح؛^{۱۷} ۱۴:۱۳؛ مر۶۲:۷).

- o- یسوع که پس از این غایب است، با این همه همیشه در زندگی کلیسا حضور خواهد داشت (ر.ک. مقدمه). لذا آمدن او به جای اینکه بازگشت باشد، تجلی نهایی این حضور دائمی خواهد بود.

- p- یعنی مسافتی را که یهودیان مجاز بودند در یک روز سبت راه پیمایی نمایند (اندکی کمتر از یک کیلومتر).

- q- درباره وجود تعدادی از برادران خداوند ر.ک. ۱- قرن ۵:۹؛ مر۳:۶؛ مت۴:۱۲.

- r- کلمهٔ برادران معمولاً در مورد مسیحیان و مخصوصاً مسیحیان اورشلیم بکار می‌رود (مثلاً ۱:۱۱؛ ۱:۱۲؛ ۲:۱۴؛ ۱:۱۷؛ ۲:۲۱؛ ۱:۱۷؛ ۲:۲۱ توضیح).

۲۳ و دو نفر را بر پا داشتند: یوسف که برسایا نامیده می شد و ملقب به یوسفیس بود و [دیگری] متیاس. ۲۴ و نیایش کرده گفتند: «خداوندا، تو که قلب همگان را می شناسی، بنما کدام یک از این دورا برگزیده ای، ۲۵ تا جای خدمت و رسالتی را، ۴:۶ بگیرد که یهودا از آن منحرف شده و به جای خودش رفت». ۲۶ و بین ایشان قرعه کشیدند و قرعه به [نام] متیاس افتاد و او به یازده رسول پیوست.

آمدن روح القدس

۱ و چون که روز پنجاهه^x فرا رسید
۲ همگی در یکجا دور هم جمع بودند.
۳ و ناگهان از آسمان صدایی مثل هجوم باد
۴ شدیدی رسید و تمام خانه ای^y را که در آن
۵ نشسته بودند پر کرد؛^۳ و زبانه هایی مثل یو
۶ آتش^z که از هم جدا می شدند بر ایشان ظاهر شد.^۴
۷ گردید و روی هر یک از آنان [یک زبانه]^۵ اعدام
۸ قرار گرفت.^۶ و همه ایشان از روح القدس پر
۹ شده شروع کردند به سخن گفتن به زبان های

برادران! نوشته ای را که روح القدس از دهان داود درباره یهودا پیشگویی کرده بود لو ۴۷:۲۲ باید به انجام برسد. آن یکی که راهنمای آنانی شد که یسوع را دستگیر کردند.^۷ چونکه در شمار ما بود و سهمی از این ۱۰-۳:۲۷ خدمت به او رسیده بود.^۸ پس او^۹ فی الواقع با مزد بی عدالتی [خود] زمینی خرید و به روی در افتاده از میان پاره شد و همه روده هایش پراکنده شدند.^{۱۰} و تمام سکنان اورشلیم از آن با خبر شدند به طوری که آن زمین را به لهجه خود حقل دما یعنی زمین خون می نامیدند.^{۱۱} زیرا در کتاب

مزامیر نوشته شده است:

«خانه اش بیابان شود و هیچ کس در آن ساکن نگردد و سمت او را کسی دیگر بگیرد.^{۱۲} پس باید از بین مردانی که همراه ما بوده اند، در تمام مدتی که خداوند یسوع در میان مارفت و آمد کرده است^{۱۳} از ۱۶:۱۶ [زمان آغاز] تعمید یوحننا تا روزی که از میان ما به بالا برده شده، یکی از اینان با ما گواه رستاخیز او شود.^۷»

- بندهای ۱۸ و ۱۹ جمله معتبره ای در میان سخنرانی پطرس است. ر.ک. مت ۱۰-۳:۲۷ که بر طبق آن کاهنان اعظم زمین را خریداری کرده اند.

- مز ۲۶:۶۹ و ۱۰:۹.

- ترجمه دیگری: در مدتی که در راس ما راه می رفت. (ر.ک. اعد ۲۷:۲۷ اع ۲۸:۹).

- همراهی یسوع در زمان زندگی او و پس از مرگ او (۱:۱-۳:۳ ر.ک. ۴۱:۱۰) شرط لازم بوده جهت مشارکت در جمیع دوازده رسول و در ماموریت اصلی آنان (۸:۱) که اراده خدا (۱۰:۱۰) بوده و عبارت از گواه بودن است: ۲۰:۴؛ ۱۵:۳؛ ۳۲:۲، ۲۰:۴؛ ۱۱:۱۱.

- توضیح).

- منظور از این عبارت سرنوشت یهودا و کیفری است که استحقاق آن را داشته است. ر.ک. لو ۲۸:۱۶.
X- روز پنجاهه: نام یکی از عیدهای یهودیان است که پنجاه روز پس از عید گلور برگزار می شد و به یادبود پیمانی بود که در سینا بین خدا و قوم اسرائیل بسته شده بود. در این روز تعداد زیادی از یهودیان از سرزمین های دیگر آمده و در اورشلیم جمع می شدند. صحنه اعطای اولیه روح القدس بوسیله یسوع در چنین روزی بوده است (۳۳:۲). اعطای این موهبت، همزمان با شکوفایی عجیب سخن آغاز شده است. ضمناً بر طبق انجیل لوقا موضعه و آموزش یسوع در ناصره آغاز گردیده (لو ۱۶:۴-۳:۳). و در اینجا موضعه رسولان (۱:۱-۱۰) در اورشلیم شروع می شود (ر.ک. ۸:۱).

- مسلمان همان محلی است که در ۱۳:۱۴-۱۴:۱۳ ذکر شده، جایی که رسولان برای گرد همایی و نیایش در آنجا جمع می شده اند.

- زبانه های آتش، پس از هجوم باد شدید، اشاره به منع قدرت واحدی می کند که موهبت سخن گفتن به زبان های جدید و تکلم به روشنی نورا عطا می کند.

همچنین یمفلیه، مصر و نواحی لیبی که در نزدیکی قیروان است و رومیانی^c که در اینجا سکونت داریم،^{۱۱} همچنین یهودیان و [هم] نوگرایان^d، اهالی کربلا و عرب‌ها می‌شنویم که اینان به زبان‌های ما از اعمال عظیم خدا سخن می‌گویند.^{۱۲} باری همگی ۴۶:۱۰ «معنای این چیست؟»^{۱۳} و دیگران استهزا کنان می‌گفتند [که] «ایشان از شراب ۲۳:۱۴ قرن ۱- شیرین آنکه شده‌اند.»

سخنرانی پطرس

^{۱۴} اما پطرس که با یازده تن ایستاده بود، صدای خود را بلند کرده به ایشان اظهار کرد:^e «ای مردان یهودیه!^f و همهٔ اهالی

دیگر^a، بر طبق آنچه روح [القدس] به ایشان عطاء می‌کرد تا بیان کنند.

^b باری در اورشلیم مردان پارسای یهودی از تمام امت‌های زیرآسمان سکونت داشتند.^b

^c چون این صدا در رسید، انبوه مردم جمع شده و متوجه بودند، زیرا [وقتی که ایشان

سخن می‌گفتند] هر کدام لهجه [مخصوص]^c خود را از ایشان می‌شنید.^۷ باری مبهوت مانده، و در حال تعجب می‌گفتند: «مگر

همهٔ اینان که سخن می‌گویند جلیلی نیستند؟

^d نیز چگونه است که هر یک از ما [صدا] ایشان را] به لهجه محل تولدمان

می‌شنویم؟^۹ پارت‌ها و مادها و عیلامیان و اهالی بین النهرين و یهودیه همچنین کاپادوکیه، پنطوس و آسیا.^{۱۰} و فریجیه و

^a- پدیده ای که بوجود آمده یادآور موهبت زبانها است: بدین معنی که رسولان تا اندازه ای به روش پیامبران کهن سخن می‌گویند (ر. ک. اعد ۱۱:۲۵-۱:۲۹-۶:۵-۶:۱۰-۱:۲۲-۱۰:۶-۱:۵-۶:۱۰) و به مانند مسیحیان تحسین هستند که در حال شور و هیجان و تحت تأثیر روح القدس صدایها و کلماتی بر زبان می‌آورند (ر. ک. ۴۶:۱۰-۱:۱۹-۶:۱۹-۱:۱۲ تا ۲۴) و حالت خاص خلسله است (۱۳:۲). ولی سخن گفتن به زبان‌های دیگر آن است که به زبان‌های سخن گویند که اقوام دیگر در کنایه نمایند و به نظر نویسنده اعمال رسولان، مهمترین جنبه پدیده است. ضمناً موهبت روح القدس موجب می‌شود وحدت زبان‌ها که در هنگام بنای برج بابل از بین رفته بود مجدداً برقرار شود (پید ۹:۱-۱:۱۱) و بدین گونه این موهبت شکل آلتی مأموریت جهانی رسولان را تجسم می‌کند (۸:۱).

^b- ترجمهٔ دیگر: یهودیانی از همهٔ امت‌ها که به سبب پارسایی در اورشلیم اقامت اختیار کرده بودند. به هر صورت منظور فقط زائران یهودی نیستند که به مناسبت عید پنجاهه به اورشلیم می‌آمدند بلکه یهودیانی که از تمام نقاط دنیا آمده و در اورشلیم مقیم شده بودند.

^c- ترجمهٔ تحت الفظی: به لهجه خودمان که در آن متولد شده ایم. البته منظور اهالی شبه جزیره آسیای صغیر است. در اینجا نام دوازده امّتی ذکر شده که از سرزمین‌های شرقی تا به مغرب می‌زیستند و یهودیه تقریباً در مرکز آنها قرار دارد و احتمالاً منظور تمام دنیا مسکون آن دوران است.

^d- منظور از کلمه نوگرایان که در اینجا و در ۵:۶ آمده کسانی هستند که از زمان تولد یهودی نبوده و بعداً به قوم برگزیده پیوسته بودند، این افراد نه تنها قوانین یهود را رعایت می‌کردند بلکه ختنه را پذیرفته بودند. برای مفهوم وسیع تر کلمه ر. ک. ۴:۱۳ توضیح.

^e- سخن پطرس، طرح موعظه رسولانی را ارائه می‌دهد که خطاب به یهودیان است. در این طرح، تعدادی از وقایع ذکر می‌شود که در اظهارات دیگر پطرس (۱۳:۳-۵؛ ۱۰:۴-۱۲؛ ۱۰:۳-۵؛ ۱۳:۱۰-۱۲) و در بیانات پولس در انطاکیه (۱۳:۱۳-۱۷؛ ۴:۲۶-۱۳:۲) بدان اشاره می‌شود. این وقایع قبل از هر چیز مصلوب شدن یسوع (۲:۲) و رستاخیز او بوسیله خدا (۲:۲) و احتمالاً یادآوری مأموریت او بر روی زمین (۲:۲) و یا آمدن نهایی او است. وقایعی که در ضمن این موعظه اعلام می‌شوند در ادامه عهد عتیق (ر. ک. ۱۳:۱۶-۲۵) و اجرای پیشگویی‌های پیامبران (۲:۱۶-۲۵؛ ۲:۲۴-۲۵، ۲:۲۵-۲۶) است که در ۲:۲۴ توپیخ) یافته و بسیع به عنوان خداوند و مسیح شناخته شده است (۲:۳۶ توپیخ). ارائه این طرح کلی خدا (۲:۲۳-۲:۲۴ توپیخ) با دعوت به توبه کردن و ایمان آوردن پایان می‌یابد (۲:۲-۳:۳ توپیخ). در مورد موعظه رسولان به غیر یهودیان (ر. ک. ۱۴:۱۵ توپیخ) ۲:۱۷ توپیخ).

^f- این کلمه که معمولاً یهودیان ترجمهٔ اهالی یهودیه آمده است.

زمین که خون و آتش و ستون های دود است،
خورشید به ظلمت و ماه به خون تغییر
خواهد یافت،
پیش از آنکه روز بزرگ و پر شکوه عا۵:۱۸-۲۰
خداآند بیاید،
و چنین خواهد بود که هر کس که نام روم:۱۳:۱۲:۴
خداآند را یاد کند، نجات خواهد یافت. قرن:۱:۲:۱

ای مردان اسرائیل! این سخنان را
گوش کنید: یسوع ناصری^۱، مردی که
بوسیله خدا در بین شما تعیین شد، با
معجزه ها و شگفتی ها و نشانه هایی^۲ که خدا
بوسیله او در بین شما انجام داد، چنانکه
خدوتان می دانید؛^۳ او را که بر طبق مشیت
و پیش دانشی خدا^k تسليم گردید، به دست
بی قانونان^۱ به صلیب کشیده و کشید،
خدا او را برخیزانیده، از دردهای مرگ مز:۶-۴:۱۸
رهانیده است، زیرا ممکن نبود گرفتار آن یونانی
بماند.^{۲۵} زیرا داؤد در باره او می گوید:

اور شلیم، این را خوب بدانید و سخنان مرا
گوش بگیرید،^{۱۵} زیرا نه چنانکه شما می
پندارید، ایشان مست نیستند، زیرا سومین
ساعت روز است^g؛^{۱۶} اما بوسیله پیامبر
بیوئیل چنین گفته شده است^h:
^{۱۷} و خدا می گوید که در روزهای آخر
چنین خواهد بود
از روح خود بر روی هر تنی فیضان خواهم
کرد
و پسران و دختران شما نبوت ها خواهند
کرد
و به جوانان شما الهام ها خواهد شد
و پیران شما رویاها خواهند دید،
^{۱۸} و در آن روزها حتی بر خدمتگزاران و
بر کنیزان روح خود را فیضان خواهم کرد
اعد:۱۱:۲۹ و ایشان نبوت خواهند کرد،
^{۱۹} و در بالا شگفتی هایی در آسمان
خواهم نهاد و در پایین نشانه هایی بر روی

g- یعنی ساعت ۹ صبح.

h- متن بند ۲۱-۲۱ که از روایت یونانی عهد عتیق (هفتاد تنان) نقل شده (یول ۵-۱:۳) قسمتی اضافه بر متن عبری دارد و

شاید از منبعی مربوط به اعمال رسولان است. در مورد اضافه شدن نبوت خواهد کرد (بند ۱۸) ر.ک. ۲۷:۱۱ توپیح).

i- کلمه ای که ناصری ترجمه شده، در متن یونانی به طرز مخصوصی نوشته شده و با املاء کلمه ناصری در جاهای دیگر تفاوت دارد و منع و مفهوم آن معلوم نیست (مت ۲۳:۲ توپیح) و به این صورت در کتاب اعمال رسولان در مورد یسوع بکار برده شده است (۲۲:۲:۳؛ ۶:۶؛ ۱:۱۰:۴؛ ۹:۲۶؛ ۵:۲۴؛ ۸:۲۲؛ ۱۴:۶؛ ۳:۳۷؛ ۱۸:۱۸؛ ۵:۲۴ توپیح) ر.ک. اع ۵:۲۴ توپیح).

j- این عبارت که با سبکی رسمی انشاء شده احتمالاً از عهد عتیق الهام گرفته شده است (خرrog ۳:۷؛ تث ۳:۴؛ ۲۲:۶؛ ۲۲:۴؛ ۲۲:۶ توپیح) ر.ک. اع ۱۹:۲ (۳۶:۷) و اساساً در مورد شفای یافتن هایی است که بوسیله یسوع انجام شده است (ر.ک. ۳۸:۱۰). عبارت های مشابهی که مختصرتر بوده و با دو کلمه بیان شده مربوط به معجزه هایی است که خدا بوسیله آنها به موقعه های رسولی اعتبار خواهد داد: (۴:۳؛ ۴:۴؛ ۲:۵؛ ۳:۳؛ ۱:۴؛ ۲:۶؛ ۸:۶؛ ۳:۱۵؛ ۱۲:۱۵؛ ۱:۲:۵ توپیح) ر.ک. ۲:۳ توپیح.

k- از نظر اعمال رسولان، تاریخ نجات بر طبق طرح و نقشه ای انجام می شود که مشیت خدا مقرر کرده است (۱۴:۲۲) و به دست او تحقق می یابد (۲۸:۴؛ ۲۸:۷؛ ۲۱:۱۱؛ ۱۱:۱۳؛ ۲۱:۱۱). تحقق این طرح که در عهد عتیق آغاز شد (ر.ک. ۳۶:۱۳) و پیش دانشی خدا، ادامه آن را از زبان پیامبران اعلام نموده است (۱۸:۳ توپیح)، تا آمدن یسوع به مرحله قطعی خود رسیده (ر.ک. ۲۸:۴، ۲۸:۳۰) و بر طبق زمانها و لحظه هایی است که خدا مقرر کرده است (۷:۱). ضمناً مخالفت ها (۳۸:۵) و بندهای بعدی) یا محدودیت فهم آدمیان (۱۸:۳ توپیح) مانع از تحقق یافتن این طرح که حتمی الاجراء است نخواهد بود (۲۱:۳ توپیح). اعلام کردن طرح خدا نخستین وظیفه مبلغ مذهبی است (۲۷:۲۰) که نکات اصلی آن را در موقعه های خود یادآوری می نماید (۱۴:۲ توپیح).

l- یعنی غیر یهودیان.

m- این نقل قول از ترجمه یونانی مز ۱۱-۸:۱۶ است. در متن عبری، بجا کلمه یونانی که اینجا بوسیله گی ترجمه شد (بندهای ۲۷ و ۳۱)، گوری آمده است و به موضوع رستاخیز اشاره می شود.

خورده که از شمره کمر^۰ او بر روی تخت او بنشاند،^۱ درباره رستاخیز مسیح پیش بینی کرده و گفته که نه به دنیا ای مردگان رها می شود و نه تن [و گوشت] او پوسیدگی می بینند.^۲ این یسوع را خدا برخیزانیده که همگی ما گواه هستیم.^۳ این چنین با دست راست خدا^۴ برافراشته شده و روح موعود را [آن که] مقدس [است] از نزد پدر دریافت کرده و این را که شما نیز ملاحظه می کنید و
۴:۱ می شنوید، فیضان کرده است.^۵ زیرا داود که به آسمان بالا نرفته است، خودش می گوید^۶: خداوند به خداوند من گفت:
درست راست من بنشین،
۴:۲
۳:۵ تا] وقتیکه] دشمنانت را همچون چهارپایه زیر پاهای تو قراردهم.^۷
۴:۳
۴:۴ پس تمام خاندان اسرائیل با اطمینان مت:۱۰:۶:۱۵ بدانند: نیز خدا همین یسوع را که مصلوب

همواره خداوند را در مقابل خود می دیدم
زیرا به دست راست من است تا دچار لرزش نشوم،^۸
۲:۶ بدین سبب قلب من شادمان است و زبان من هم به وجود درآمده و حتی تن من نیز در امید ساکن خواهد بود؛^۹
۲:۷ زیرا توروح مرا در دنیا ای مردگان رها ۲۷-۳۴:۱۳ نخواهی کرد و نخواهی گذاشت که قدوس تو^{۱۰} پوسیدگی را بینند؛
۲:۸ سوراههای زندگی را به من شناسانده ای، با چهره ات [روح] مرا از شادی سرشار خواهی کرد.
۲:۹ مردان! ای برادران می توانم با اطمینان در برابر شما، درباره داود نیای بزرگ خودمان بگویم که او نیز مرده و دفن شده و قبر او تا به امروز در بین ماست.^{۱۱} پس چون پیامبر بود و می دانست که خدا برای او قسم

۱۱- در متن عبری به جای قدوس تو (ر.ک. ۳۵:۱۳)، وفادار تو آنکه فدایی تو، آمده است (ر.ک. ۳:۳ توضیح).

۰- یعنی از نسل او. مز ۱۳:۲ سمو ۲:۷-۱۲:۱۳. ر.ک. مز ۴:۵-۴:۸.

۱۰- این جمله را به دو نوع می توان تفسیر کرد: ما گواه یسوع هستیم (۱:۸) یا ما گواه رستاخیز (۳:۲) یسوع هستیم.

۱۱- یعنی بوسیله دست راست خدا (و نه: به دست راست خدا) بر شده است، چنانکه در مز ۱۶:۱۱:۱۰ منظور قرارگاه دست راست خداست. در اینجا هم مفهوم رستاخیز و هم صعود یسوع استباط می شود.
۱۲- مز ۱۱:۱۰.

۸- خدا با برخیزانیدن یسوع از میان مردگان، او را شکوهمند ساخته و با عنوان خداوند بدست راست خود نشانده است همچنان که در مزمور ۱۱ ذکر شده (و در بند ۳۴ و بندهای بعدی نقل گردیده است)، همچنین او را عنوان مسیح داده چنانکه در مزمور ۱۶ (نقل قول در بندهای ۲۸-۲۵) و مزمور ۱۳۲ (نقل قول در بند ۳۰) ذکر می نمایند. با اعلام اجرای این طرح خدا، موظه های رسولی به اوج خود می رسد (ر.ک. ۲:۱۴-۲:۱۳ توضیح) یسوع، مسیح است یعنی پادشاه و مسیح موعودی که نوشته های مقدس اعلام کرده بودند و مبلغان و اعظام مسیحی آنرا به یهودیان اعلام کرده و ثابت می نمایند (۵:۴-۵:۴؛ ۹:۲۲-۹:۹؛ ۹:۱۷-۹:۱۸). لقب و عنوان خداوند همچنین متنضم مفهوم مسیحی (خداوند من است که در مز ۱۱:۱۱ آمده به معنی پادشاه و مسیح رجوع می دهد) است ولی از این معنی فراتر می رود، در کتاب اعمال رسولان در طی روایت ها خدا با کلمه خداوند نامیده شده است زیرا در ترجمه، یونانی کتاب مقدس بهوه را که نام مختصر خدا است، خداوند ترجیه کرده اند. ولی بمانند انجیل لوقا (۷:۱۳ توضیح) در کتاب اعمال رسولان این عنوان و لقب به یسوع هم داده شده است به طوری که به دشواری می توان گفت که منظور از کلمه خداوند دقیقاً کیست. این ابهام به راز یسوع در روابط او با خدا اشاره می کند (ر.ک. ۵:۱۰-۵:۱۱ توضیح). به هر صورت در موضعه ها و آموزش های رسولی در هر مورد سخن از خداوند یسوع مسیح است (۳:۲۸) (۳:۲۸) تا همه بتوانند به او (۱۱:۱۷) یعنی در یسوع خداوند ایمان بباورند (۲۰:۲۱؛ ر.ک. روم ۱۰:۹؛ قرن ۱:۱۲؛ فی ۲:۹). ر.ک. ۹:۲۰ توضیح (پسر خدا).

و با اصرار ایشان را شهادت داده، گفت: «خود را از این نسل کچ [رفتار] نجات دهدید.»^{۴۱} پس حقیقتاً آنانکه سخن او را فی غلای^{۴۲} پذیرفتد، تعیید یافته و در آن روز تا حدود سه هزار نفس^X [به ایشان]^{۴۳} افزوده شدند.

نخستین جمعیت مسیحیان^{۴۴}

^{۴۴} و اینان در آموزش رسولان و در هم رأی و پاره کردن نان و نیایش پا بر جا بودند.^{۴۵} و هر کسی در درون خود می ترسید، چون^{۴۶} شگفتی ها و نشانه های بسیاری بوسیله رسولان روی می داد.^{۴۷} و همه ایمانداران^Z با هم بودند^a در همه چیز یکسان و مشترک بودند.^b و املاک و دارایی های خود را می فروختند و آنها را بین همه بر طبق نیاز

کرده اید، او را خداوند و مسیح قرارداده است.»

نخستین گرویدن ها

^{۴۷} ایشان با شنیدن این (سخنان)، پریشان دل شده و به پطرس و رسولان دیگر گفتند: «مردان! ای برادران، چه باید کرد؟»^{۴۸} و پطرس به ایشان [گفت]: «توبه کنید و هر یک از شما، برای بخشایش گناهانتان به نام یسوع مسیح تعیید^t گرفته و شما موهبت روح القدس^{۴۹} را دریافت خواهید کرد، زیرا این وعده برای شما^v و فرزندان شما اش^{۵۰} است و تمامی آنان که دور هستند، آنها یکی که خداوند، خدای ما ایشان را خواهد خواند.»^{۵۱} و با سخنان بسیار دیگر

^t- تعیید به نام یسوع مسیح داده می شود (ترجمه تحت اللفظی: در جهت نام یسوع مسیح با به منظور نام یسوع مسیح). یا اینکه تعیید با یادآوری نام خداوند یسوع دریافت می شود: ^{۱۶:۸} ۱۶:۲۲، ^{۵:۱۹} ۵:۲۲، ^{۰:۴۸} ۰:۴۸. این عبارات نشان می دهند شخصی که تعیید یافته در ارتباط نزدیک با نام یعنی شخص یسوع رستاخیز یافته است (ر.ک. ۱۶:۳ توضیح).

^{۵۰}- ر.ک. ۵:۱ توضیح.

^{۵۱}- کلمه شما، شامل مخاطبانی است که پطرس مخصوصاً آنان را مسئول مرگ یسوع می داند (بند ۲۳).

^w- منظور از این اصطلاح که از اش ۱۹:۵۷ اقبیاس شده، غیر یهودیان است (ر.ک. ۲۱:۲۲). طرح مختصر مأموریت رسول را می توان بدین گونه خلاصه نمود: اول یهودیان و سیس غیر یهودیان. ر.ک. ۲۶:۳ توضیح.

^x- افزوده شدن تعداد افراد کلیسا مخصوصاً در کتاب اعمال رسولان ثبت شده است: بند ۴۷:۴؛ ۴:۵؛ ۱۴:۵؛ ۷-۱:۶؛ ۳:۱:۹. ۵:۱۶؛ ۲-۲۱:۱۱.

^y- در کتاب اعمال رسولان سه بار در مورد زندگی جمعیت مسیحیان اورشیلیم توضیحاتی داده شده که بندهای ۴۲ تا ۴۷ نخستین توضیح اجمالی در این باره است (ر.ک. ۳۲:۴ توضیح). این توضیحات مختلف عناصر مشترکی دارند و ترکیب عبارات و انشاء آنها مشابه است به طوری که می توان آنها را مجموعه واحدی بشمار آورد. در هریک از این توضیحات با توجه به اوضاع و احوال مربوطه در باره یک موضوع تأکید می شود (چنانکه در اینجا تأکید بر وحدت و شکوفایی جمعیت است). ضمناً یادآوری مختصراً درباره موضوع های دیگرهم می شود: مثلاً فعالیت رسولان در اجرای معجزه ها (بند ۴۳ که در ۱۵-۱۲:۵ مشروح تر ذکر گردیده و اشتراکی ساختن اموال (بندهای ۴۵-۴۴) که در ۳۵-۳۲:۴ تشریح شده است.

^z- این کلمه نام جدیدی برای مسیحیان است (ر.ک. ۲۶:۱۱ توضیح). کلمه یونانی که در این مورد بکار رفته اسم فاعل فعل ایمان داشتن است (۴:۳۲؛ ۱۸:۱۸؛ ۲۷:۱۸؛ ۱۸:۱۹؛ ۲۰:۲۱). این کلمه قدیمی است (ر.ک. ۱-تسا ۱:۲؛ ۱۰:۲، وغیره). بکار بردن این کلمه که در تمام صفحه های کتاب اعمال رسولان آمده، گواه بر اهمیتی است که مسیحیان اولیه برای ایمان در یسوع قائل بودند.

^a- کتاب اعمال رسولان بر نکات اصلی زندگی مسیحیان اولیه تأکید نموده تا به حدی که آنها را تا به حد کمال ارائه می نماید (ر.ک. ۴:۳۲ توضیح: ۱:۶ توضیح). این نکات عبارت از وحدت (ر.ک. ۱:۲)، اتفاق آراء (۲:۴؛ ۴:۶؛ ۲:۲۴؛ ۵:۱۲؛ ۵:۲۴؛ ۴:۲۰)، هم رأی برادرانه (۴۲:۲)، مشترک ساختن اموال (ر.ک. ۳۲:۴ توضیح: ۳۶:۹ توضیح) است. این جمعیت سرمشق برای همه ایمانداران و همه کلیساها می گردد (۲۹:۱۱ توضیح) که اتحاد آنها نظریه هم و اساسی کتاب اعمال رسولان است (ر.ک. مقدمه).

^b- آموزش رسولان و هم رأی برادرانه (ر.ک. ۴:۴ توضیح) دو جزء مهم زندگی جمعیت مسیحیان وظاهر آنیین نیایش آنان بشمار می رود. این آیین شامل مواردی چند از جمله پاره کردن نان - یعنی آیین سپاسگزاری - و نیایش است. ترجیحاً نیایش های خاص مسیحیان (ر.ک. ۴:۲۴ توضیح) و نه عبادات یهودی که ایمانداران اولیه در آن هنوز شرک می کردند (بند ۴۶ توضیح).

وارد معبد می شوند، [از آنها] صدقه خواست. ^۴ اما پطرس، با یوحنا، چشم بر او دوخته گفت: «به ما نگاه کن» ^۵ و او متوجه ^{۹:۱۴} ایشان شده، انتظار داشت چیزی از ایشان دریافت نماید. ^۶ اما پطرس گفت: «طلا و نقره در اختیار من نیست اما آنچه دارم به تو می دهم: به نام یسوع مسیح^۱ ناصری برخیز و راه برو!» ^۷ و دست راستش را گرفته، او را بلند کرد؛ و در همان لحظه پاها و مج ^{۱۰:۱۴} پاهایش محکم شدند. ^۸ با یک جهش ایستاد و راه می رفت، [سپس] با ایشان وارد معبد شد، [در حالی که] راه می رفت و می جست ^{۱۰:۱۴} و خدا را سنتیش می کرد. ^۹ و همه مردم او را دیدند که راه می رود و خدا را سنتیش می کند.^{۱۰} و چون او را می شناختند: همان که برای [دریافت] صدقه نزدیک در ^{لوب ۱:۱۸:۲} ^{۹:۵} همان که برای [دریافت] صدقه نزدیک در ^{۲۶:۵}

هر یک تقسیم می کردند. ^۴ هر روز متفقاً در معبد^۵ پا بر جا بودند و در خانه نان را پاره کرده و غذا را با خوشی و سادگی دل صرف می کردند. ^۷ خدا را سنتیش می کردند و در نزد تمامی مردمان^۴ مورد لطف بودند، و خداوند هر روز نجات یافتنگان را به جمعیت ایشان می افزود.

شفا دادن یک مرد فلنج در معبد^e

^۳ ^۱ و در ساعت نهم^f ، پطرس و یوحنا^{۳:۹، ۹:۳} با هم دیگر جهت نیایش به معبد ^{۲۱:۹} تث^{۳:۱۰} می رفتد، ^۲ و مردی لنگ مادرزاد^۱ در آنجا ^{۱:۹} بود که هر روز او را آورده^۱ نزدیک در معبد که زبیا^k نامیده می شد می گذشتند تا از کسانی که وارد معبد می شوند صدقه بخواهد. ^۳ چون پطرس و یوحنا را دید که

-c- ایمانداران به معبد می رفتدند تا در نیایش شرکت کرده و به آموزش رسولان گوش دهند: (ر.ک. ۱۲:۵، ۲۱-۲۰، ۱۳:۳).

-d- ترجمه های دیگر: فیض، راه ایشان را به نزد قوم باز می کرد. (ر.ک. ۳:۴) توضیح.

-e- در اینجا مطالعی آغاز می شوند که به صورت مجموعه، تالیفی است و شامل این موارد است: روایت یک معجزه (۱۰:۳)، و یک سخنرانی تبیشری که ارزش و اهمیت این معجزه را توضیح می دهد (۲۶-۱۱:۳)، و بازداشت و محکمه ای که در پی آن روی داده است (۲۳-۱:۴)، و انجام نیایشی (۳۰-۲۴:۴) که با دریافت روح القدس و از سرگرفتن موعده شروع می شود (۳۱:۴).

-f- یعنی: ساعت سه بعد از ظهر.

-g- پطرس و یوحنا در بین دوازده رسول، دو نفر اولی هستند: ۱۳:۱ (ر.ک. لوب ۵:۱ توضیح) این دو رسول یک «زوجی» را تشكیل می دهند (۱۹:۷، ۱۳، ۱۳) که در آن یوحنا نقش بدون سخن دارد (۳:۴، ۱۲، ۸-۷:۴). این معجزه را که در کتاب اعمال رسولان، این روایت، تخصیص روایت معجزه است که در اینجا شروع می شود (۳:۱-۱:۱۱).

-h- پطرس انجام داده شباهت هایی، با یک معجزه دیگر که توسط پولس انجام شده دارد (۱۴:۱-۸:۱۰). این معجزه را که خواهد داد (۲:۲۲ توضیح و ۸-۶:۸ و ۱۳:۱۳ و بندهای بعدی)، شانه ها و کارهای شگفت انگیز دیگری همراه با موعده های رسولی روی می نماید (۴:۳۰، ۱:۱۴، ۲:۲۷، ۱۲:۱۲، ۲:۲۷، ر.ک. قرن ۲) همچنانکه در مورد یسوع بود (۲:۲۲ توضیح)؛ همچنین

-i- ۱۰:۱ توضیح و ۲۱:۴ توضیح را ملاحظه کنید.

-j- در ترجمه های دیگر قید «هر روز» وجود ندارد.

-z- ترجمه تحت الفظی: از زمان رحم مادرش.

-k- احتمالاً دری است که آنرا در قرنی می نامیدند و به محوطه زنان باز می شد. منظور از معبد در اینجا محوطه مقسّ معبد می باشد که فقط یهودیان مجاز بودند به آنجا وارد شوند.

-l- وقتی که گفته می شود بنام یسوع یعنی با قدرت یسوع (ر.ک. ۱۶:۱۸) که در متن ۳:۱۱ الی ۴:۳۱ موضوع اصلی است. همچنین به بند ۳:۱۶ توضیح توجه کنید.

-m- ر.ک. ۴:۲۱ توضیح و ۳:۱۰ توضیح.

زیبای معبد می نشست، از آنچه بر او رسیده بود بر از حیرت و تعجب شدند.ⁿ

سخنرانی پطرس

۱۱) چون او از پطرس و یوحنا جدا نمی شد، تمام مردم^۰ حیرت زده به طرف ایشان به رواقی موسوم به سلیمان^۱ دویدند. ^۲ پطرس که چنین دید به مردم گفت: «ای اسرائیلیان، چرا از این امر تعجب می کنید و چرا به ما خیره شده اید مثل اینکه با قدرت یا تقوی خودمان، او را قادر به راه رفتن کرده ایم؟

۱۲:۵ یو ۲۳:۱۰: ۱۱:۲۶

۱۳) خدای ابراهیم و خدای اسحق و

- معجزه های رسولان ناظر معجزه های یسوع (لو:۵:۲۶؛ ۷:۱۶ وغیره) کسانی که شاهد آنها هستند سردرگم کرده و برایشان مسئله ایجاد می کند. فقط بوسیله ایمان می توان به ارزش و اهمیت آنها پی برد (۱۱:۲ و بندهای بعدی، ۴۱:۹، ۳۵:۶؛ ۴۲:۲ و ۱۷:۱۹ و بندهای بعدی) و خدا را ستایش نمود که موجد این معجزه ها است (۴:۲۱ توضیح). بدون ایمان این معجزه ها مانند پرسشی است که یاسخی ندارد (۲:۱۳؛ ۸:۱۳؛ ۱۴:۱؛ ۱۸:۲۸؛ ۶:۲۸).

۵- در متن نسخه «غیری» عبارت بدین صورت است: چون پطرس و یوحنا خارج می شدند او هم با ایشان بیرون آمد بدون اینکه آنان را رها کند؛ ایشان حیران شده توقف کردند بنا براین صحنه واقعی بعدی در خارج از معبد اتفاق افتاده است (۲:۳) (توضیح)

p- این رواق احتمالاً در کنار شرقی صحن بیهودگان قرار داشته است.

q- عنوان خدمتگزار که شاید مختص آینین نیایش بوده، یوسوپ را به عنوان خدمتگزاری ارائه می نماید که در اش ۱۳:۵۲ الى ۱۲:۵۳ ذکر شده است (ر.ک. ۳۲:۸، ۲۷:۴، ۳۰). این عنوان که تنها در کتاب اعمال رسولان بکار رفته، عنوانی کهن است (۳:۳۶، ۴:۲۷، ۳۰) ر. ک. ۱۴:۳ توضیح ۱۵:۳ توضیح.

۱- خدا که با پرخیزاندن یوسوپ از میان مردگان او را شکوهمند نموده، وعده هایی را که به پدران داده بود انجام داده است (ر.ک. ۱۸:۳ توضیح: ۳:۲۵ توضیح).

۸- این عنوان ها که به مسیح داده شده اند، دو عنوان کهن هستند (ر. ک. ۲:۷؛ ۵:۲؛ ۳:۵؛ ۱:۳؛ ۲:۲؛ ۱:۴؛ ر. ک. ۳:۳ توضیح:

^۱- عنوان «رئیس زندگی» که به مسیح داده شده مورد مشابهی در نوشته های عهد جدید ندارد به جزء ۳۱:۵ و عبر ۱۰:۲؛
^۲- ظاهرا عنوانی کهن است (ر.ک. ۱۳:۳، ۱۴:۳ توضیح: ۱۴:۳ توضیح) و احتمالاً بدین معنی است که یسوع نخستین بهره مند

از زندگی و حتی می شود نعمت بنیانکار زندگی است (ر. ک. ۲۶: ۳۲).
۸- منظور (ایمان در یوسوپ) است که این معجزه را ممکن ساخته است (پادداشت های بعدی را ملاحظه نمایید): بدین معنی که ممکن است ایمان مرد افليج و انتظاری که داشته (۳: ۵) و ايماني که برای پطرس لازم بوده است تا اين نخستين معجزه را انجام دهد. (لو ۱۷: ۶؛ ر. ک. ۱- قرن ۹: ۱۲؛ ۱۳: ۲).

۷- در اینجا نام، مترادف (ر.ک. ۶:۳ توضیح: ۷:۴) با شخص یسوع رستاخیز یافته است که عامل حقیقی این معجزه است (۴:۱۰؛ ر.ک. ۴:۳). حتی به معنی عمق نر، این نام است که برای آدمیان نجات می‌آورد (۴:۱۲ توضیح: ۱۲:۴) و معجزه هایش جز تصویری از آن نیست. رسولان به خاطر این نام رنج می‌برند (۵:۱:۴؛ ر.ک. ۲۱:۲۱) و ایمانداران به این نام تعمید می‌یابند (۲:۳۸ توضیح) و به این نام توشیل می‌جویند (۴:۱۴؛ ر.ک. ۲۱:۲؛ ۲۲:۱۶؛ ر.ک. ۲۱:۲) توضیح. این نظریه خداشناسی درباره نام، در بین نوشه‌های عهد جدید، شاخص کتاب اعمال رسولان است و ریشه‌های کهن دارد (ر.ک. ۹:۲ ف. ۲:۹ بنددها، بعلت).

حضور خداوند فرارسند، و آن را که
پیشاپیش [به عنوان] مسیح برای شما
تعیین شده بفرستد: یسوع را^{۳۱} که تا
زمان اعاده همه چیز^c، آسمان^d باید اورا
بپذیرد و خدا از زیان انبیاء مقدس خود لو^e:
از زمانهای کهن در باره او سخن گفته
است. ^۲زیرا موسی گفته است که
خداؤند خدا از بین برادران شما، نبی به
مانند من برایتان برخواهد انگیخت: به
تمام آنچه به شما خواهد گفت گوش لو^{۹:۳۵}
خواهید کرد، ^{۲۳} واقع شود که هر نفسی که

طريق او^w می آيد به اين [مرد] که در
جلو شماست سلامت كامل داده است.

۱۷ واکنون، اي برادران، می دانم که هم
شما و هم رؤسایتان به سبب نادانی^x
چنین [رفتار] کرده ايد.^{۱۸} و خدا آنچه
را که از دهان [زمان] همه پیامبران
پیشاپیش اعلام کرده بود، مبنی بر اینکه
مسیح او رنج خواهد کشید^y، این چنین به
انجام رسانید^z.^{۱۹} پس توبه کنید و
بگروید^a، تا گناهانتان زدوده
شوند؛^b آشاینکه اوقات طراوت در

- ترجمه دیگری: ایمان به او. در این عبارت ضمیر «او» یا به جای «نام» آمده، و یا (با احتمال بیشتر) به جای «یسوع». بدین معنی ایمانی که مرد را شفاذاده (ر.ک. لو ۴۸:۸ و بندوهای دیگر)، این ایمان، خود از یسوع ناشی شده است.

- نادانی: عبارت نشناختن مشیت خدا است که توسط پیامبران اعلام شده است (۱۸:۳؛ ۲-قرن ۱۴:۳-۱۶). اینکه نادانی، عذری محسوب شود (ر.ک. ۲۴:۲۳ توضیح) مانع از آن نیست که خطابی بشمار آید که یهودیان را از خدا دور می نماید (ر.ک. ۲۷:۱۳ توضیح) همانطوری که نوعی دیگر از نادانی، غیر یهودیان را از خدا دور می نماید (ر.ک. ۱۷:۳۰ توضیح). ولی هم یهودیان و هم غیر یهودیان فقط بوسیله توبه و آمرزش از این وضعیت بیرون آیند (۱۹:۳ توضیح).

- ر.ک. ۴:۲۶ توضیح.

Z- این اظهارات جنبه بنیادی و اساسی ایمان و بیام رسولی را توضیح داده، تصریح می کند (ر.ک. ۱۴:۲ توضیح): بدین معنی که خدا پیشگویی های خود و وعده های عهد عتیق را به انجام رسانده است (ر.ک. ۱- قرن ۳- ۱۵:۱۵- ۴- ۳). این واقعی با آمدن یسوع آغاز شده (۲:۶- ۳:۲)، با رنج و عذاب او (۱:۱۶- ۲:۸- ۲:۲۵- ۴:۲۸- ۲:۲۷- ۱:۱۳) و رستاخیز او (۲:۳- ۳:۲- ۲:۲) یسوع آغاز شده (۲:۶- ۳:۲)، با پیشاپیش گناهان (۱:۱۰) و اعطای روح القدس (۲:۳۳، ۲:۲۱- ۱:۱۶) و انجام موعده های رسولی (۳:۱۳- ۳:۲۲- ۳:۳۷) و با پیشاپیش گناهان (۱:۱۰) و اعطای روح القدس (۲:۴۳) و انجام موعده های رسولی (۳:۱۳- ۴:۲۰ و بعد: ۴:۴۶) و تشکیل کلیسا (۱:۱۵- ۱:۱۶- ۱:۱۹) ادامه داشته و سرانجام با آمدن شکوهمند مسیح به پایان خواهد رسید (۲:۲۰- ۳:۲۱).

a- ترجمه‌ دیگر: [به خدا] باز بیاید. این دعوت به گرایش برای پخشایش گناهان، نتیجه گیری عادی سخنرانی‌ های تبلیغی است (۳۸:۲)؛ (۲۶:۳؛ ۳۸:۱؛ ۴۳:۱۰؛ ۳۸:۱۷). گرایشی را که رسولان توصیه می کنند به مفهوم تغییرات بروونی است که انسان را از نادانی (۱۷:۳ توضیح) به ایمان و نزدیک شدن به خدا می رساند (۲۶:۲۶-۱۸:۲۰). برای یهودیان، نزدیک شدن به خدا عبارت از برگشتن به سوی اوست (۹:۳۵) و برای غیر یهودیان، امداد به سوی خدا است (۱۴:۱۵؛ ۱۵:۱۹).

b- ترجمة دیگر: لحظات آسایش، راحتی. زیرا آمدن بیسوع وجود و زندگی آدمیان را تغییر خواهد داد.

c- اعاده وضع همه چیز، گرچه این اصطلاح را می توان به مفهوم نظریه ای در سطح کیانیات درک نسود (ر.ک. ۲- پطر ۳: ۱۳؛ ۵: ۲۱- ۲۵)؛ ولی در اینجا و در بند ۶: ۲۵ آن را باید بیشتر در مورد اسرائیل محدود دانست. کلمه همه چیز درباره استقرار مجدد سلطنت در خاندان داد (ر.ک. ۱: ۶؛ لو ۶۹: ۱) و قوم پراکنده اسرائیل است که پیامبران استقرار مجدد آنان را اعلام کرده اند.

d- باید آسمان اورا بیدیرد: در کتاب اعمال رسولان، اکفر، نظیر اینجا عباراتی بکار برده شده که نوعی لزوم و ضرورت را بیان می کنند (ر.ک. لو۹:۲؛ ۴:۹؛ ۳:۶؛ ۲:۶ و غیره). مثلاً: چنین واقعه ای باید روی دهد، یا فلان مرد باید چنین کاری انجام دهد. در بعضی از موارد این ضرورت در نتیجه آموزش بسیع است (۳۵:۲۰؛ ۱۴:۲۲) ولی به طور کلی مستقیماً مربوط به طرح خدا است (ر.ک. ۲۳:۲؛ ۷:۶ توضیح) که به دنبال نوشتۀ های عهد عتیق اعلام شده (۱:۱۶؛ ۲:۱۷؛ ۳:۱۶) که اکنون به بعضی از انسانها الهام گردیده (۶:۶؛ ۱۹:۱؛ ۲۳:۲؛ ۱۱:۱؛ ۲۷:۴) است. یا اینکه بواسیله ایمان و در ایمان، درک و

e- این نقل قول، مجموعه ای از منابع مختلف است (تث ۱۸: ۱۵، ۱۸ و بندهای بعدی؛ لاو ۲۹: ۲۳) و در اینجا یسوع همچون پیامبری به مانند موسی معرفی شده است: ر.ک. ۲۵: ۷ توضیح، ۳۷: یو ۱: ۲۱؛ ۶: ۱۴؛ ۷: ۴۰.

چون آنها مردم را آموزش می دادند و
رستاخیز مردگان را در یسوع اعلام
می کردند^۱، آنها را دستگیر کرده و چون
عصر شده بود تا روز بعد به زندان مکان^۵
انداختند.^۴ اما بسیاری [از آنان] که سخن
را شنیدند ایمان آوردن و تعداد این مردان
نزدیک پنج هزار بود.^m

باری، روز بعد رؤسای [یهود] و
پیران و کاتبان در اورشلیم گرد
آمدند.^۶ همچین حنا کاهن اعظم و قیافا^۷
و یوحنا و اسکندر و تمام آنانکه از^۸
خانواده کاهن اعظم بودند.^۷ و آنها را در
میان گذاشته از آنان پرسیدند: «شما با
چه قدرتی یا به چه نامیⁿ این کار را
کرده اید؟»^۸ آنگاه پطرس، سرشار از
روح القدس، به ایشان گفت: «ای
رؤسای قوم و ای پیران،^۹ اگر امروز از ما
در باره عملی نیک، نسبت به مردم علیل^{۱۰}

به آن نبی گوش ندهد از میان قوم
ریشه کن خواهد شد.^{۱۰} و اما همه
بیامبران از سموئیل گرفته تا آنانکه بعداً
سخن گفته اند نیز این روزها را اعلام
کرده اند.^{۱۱} شما پسران انبیاء و پیمانی
هستید که خدا برای پدرانتان منعقد
ساخته^g، در حالی که به ابراهیم گفت: از
نسل تو، همه خانواده های [روی] زمین
برکت خواهد یافت.^{۱۲} خدا، نخست،
به خاطر شما^{۱۳}، خدمتگزار خود را
برانگیخت^{۱۴} و فرستاد تا با برگرداندن هر
کدام اتان از شرارت هایتان^k شما را برکت
نسل تو، همه خانواده های [روی] زمین^{۱۵}
برکت خواهد یافت.^{۱۶} لعل، نخست،
به خاطر شما^{۱۷}، خدمتگزار خود را
برانگیخت^{۱۸} و فرستاد تا با برگرداندن هر
کدام اتان از شرارت هایتان^k شما را برکت
نسل تو، همه خانواده های [روی] زمین^{۱۹}
برکت خواهد یافت.^{۲۰} دهد.

پطرس و یوحنا در مقابل سانه درین

۴ ^۱ چون ایشان با مردم سخن
می گفتند، کاهنان و سربرست معبد
و صدوقيان سررسیدند، سخت مضطرب

f - به عبارت دیگر؛ فقط یهودیانی که یسوع را بذریغه و یا خواهند بذریغه قوم خدا خواهند ماند؛ ر. ک. ۱۴:۱۵ توضیح.
g - ذکر پیمانی که خدا با پدران نموده است اشاره به خدای پدران (بند ۱۳:۳) را روشن می کند. اصطلاح «پسران پیمان» در

نوشه هایی که در قمران بددت آمده گواهی و تأیید شده است.
h - در متنی که نقل شده (بید ۳:۱۲:۱۸:۲۲) سخن از «همه امت های روی زمین» است و نظریه ای است که همه جهان را در بر
می گیرد (ر. ک. ۲۹:۸:۳). در اینجا که به جای کلمه «امت ها»، «خانواده ها» بکار برده شده است، نشان می دهد که اگر
منحصرآ خطاب به اسرائیل نباشد ولی بدؤا در مورد اسرائیل است (ر. ک. ۲۶:۳ توضیح) و به هر صورت متبادرک شدن به
اسرائیل خطاب شده است. ۲۶:۳ ر. ک. ۳۱:۵ توضیح.

i - در این صورت خدا اولویت اسرائیل را در تاریخ نجات اظهار نموده است (ر. ک. ۳۹:۲ توضیح؛ ۱۳:۴۶ توضیح). ترجمه
دیگر؛ «بخاطر شیاست که خدا خدمتگذارش را اول برانگیخته و بعد فرستاده».

j - این کلمه برانگیخت به بند ۲۲:۳ برمی گردد. به معنی برخیزاندی هم آمده است. خدا، اول، خدمتگذار خود را برانگیخته و
برخیزاند.

k - توبه و گرایش، عطیه خدا، و یسوع خدمتگذار او است (ر. ک. ۳۱:۵؛ ۳۶:۱۰؛ ۱۸:۱۱؛ وغیره). ولی می توان عبارت را
چنین ترجمه و تفسیر کرد؛ تا هر یک از شما را متبادرک گرداند، اگر از خطاهای خود برگردید. ترجمه دیگر؛ تا هر کدام از شما
را برکت دهد اگر از شرارت هایتان برگردید.

l - فرقه صدوقيان که به رستاخیز عمومی معتقد بودند (ر. ک. ۲۳:۶ توضیح) نمی توانستند رستاخیز مخصوص و ممتاز یسوع را
بپذیرند (۲۳:۲۶ توضیح).

m - این بند به مانند جمله معتبرضه ای است. می توان فهمید که تعداد مسيحيان به پنج هزار نفر رسید. ر. ک. ۴۱:۲ توضیح.

n - در قسمت های بعدی، نام یسوع موضوع اصلی بحث خواهد شد. ر. ک. ۳:۱۶ توضیح.

به ضدّ چیزی بگویند.
 ۱۵ پس فرمان دادند که ایشان از سانه‌درین خارج شوند و با یکدیگر مشورت می‌کردند؛^{۱۶} می‌گفتند با این یو۱۱:۴۷-۴۸ مشخص [انسان‌ها] چه کنیم؟ زیرا این حقیقتاً بر تمام ساکنان اورشلیم آشکار شده که توسط ایشان نشانه ای قابل توجه روی داده و مانعی توانیم آنرا انکار کنیم.^{۱۷} اما برای این که بیشتر در بین مردم منتشر نشود آنان را تهدید کنیم که دیگر به این نام^{۱۸} با هیچ کس سخن نگویند.^{۱۹} و ایشان را خوانده و ملزم کردند که به هیچ وجه به نام یسوع^{۲۰} زبان باز نکنند و آموزش ندهند.^{۲۱} اما پطرس و یوحنا به سخن آمده گفتند: «اگر در مقابل خدا درست است که گوش دادن به شما را برگوش دادن به خدا ترجیح دهیم، [پس] داوری کنید!»^{۲۲} زیرا ما لوب۱۰:۲۲-۲۳ نمی‌توانیم آنچه را دیده و شنیده ایم بیان

که سبب نجات^{۲۳} وی شده، سؤال می‌شود،^{۲۴} [پس] همه شما و تمام قوم اسرائیل بداند که بوسیله نام یسوع مسیح ناصری که شما او را مصلوب کرده‌اید و خدا او را از بین مردگان برخیزانیده است، توسط اوست^{۲۵} که این شخص در مقابل شما تقدیرست ایستاده است.^{۲۶} او سنگی است که شما سازندگان، آن را خوار کردید و سنگ سرزاویه شده است.^{۲۷} و در هیچ کس دیگر نجات نیست^{۲۸}، زیرا نامی دیگر در زیرآسمان به آدمیان داده نشده^{۲۹} که بوسیله آن می‌باید نجات یابیم.^{۳۰} پس چون اعتماد به نفس^{۳۱} پطرس و یوحنا را ملاحظه کردند و فهمیدند که آدمیان بی‌سود و ساده‌ای هستند تعجب کردند و دانستند که ایشان همراهان یسوع بودند.^{۳۲} البته چون شخص [انسان] شفا یافته را در کنار ایشان ایستاده می‌دیدند، نمی‌توانستند

۰- یعنی شفا یافته، ولی این تقدیرستی اگر نشانه نجات نباشد، تصویری از آن است (۱۲:۴) توضیح ر.ک. ۱۶:۳؛ ۱۴:۹ توضیح: لو۳۶:۸ توضیح).

۱- بوسیله نام یا بوسیله یسوع که به هر صورت معنی آن یکی است (۱۶:۳ توضیح).

۲- مز۲:۱۱۸؛ ضمناً لو۱۷:۲۰ توضیح را ملاحظه کنید.

۳- این جمله در بعضی از نسخه‌های خطی وجود ندارد.

۴- ترجمه دیگری: زیرآسمان هیچ اسم دیگری نیست که به بشر اهدا شده باشد و برای نجات ما لازم باشد. تنها یسوع، نجات دهنده است (۳۱:۵؛ ۳۲:۱۳). این نجات در عهد عتیق اعلام شده (۲۱:۲؛ ۴۷:۱۳) و نمودارهای آن داده شده است (ر.ک. ۲۵:۷) و در ضمن موضوع اصلی بحرانی است که در باب ۱۵ اعمال رسولان آمده است (۱۱:۱۵)؛ نجات بوسیله موعظة رسولی اعلام شده (۱۱:۱۴؛ ۱۶:۱۳) و راه نجات (۱۶:۱۷؛ ۲۶:۱۳) را برای همه افراد بشر (۴۷:۱۳) باز می‌شود، البته به شرط ایمان (۱۶:۳۰ و بعد) و یهودی بودن دیگر مطرح نیست. ر.ک. ۱۵:۱۵ توضیح.

۵- داشتن اعتماد به نفس نشانه اطمینان درونی و موئی است که از اختصاصات موعظه‌های رسولی است حتی وقتی که در موقعیت های دشواری قرار دارند و این موضوع از آغاز کتاب اعمال رسولان (۲۹:۲) تا پایان کتاب (۴۸:۲۹) تا پایان کتاب (۳۱:۲۸) تایید می‌شود. اطمینان و اعتماد به نفس رسولان بر مبنای خدا، بر بیانه نام و به انتکای خداوند است که حضور او بوسیله نشانه‌ها و شگفتی‌ها تجلی می‌نموده و همراه موعظة رسولان است (۳۱:۳؛ ۴:۹ و بعد؛ ۲۷:۳ و بعد؛ ۱۴:۳) و همچون حالت و صورتی از ایمان جلوه می‌نماید.

۶- یعنی تهدید کردند که رسولان دیگر از نام یعنی از یسوع و از یسوع رستاخیز یافته سخن نگویند (ر.ک. ۱۶:۳ توضیح).

۷- یا: ملزم کردند که به هیچ وجه نام یسوع را بر زبان نیاورند و آموزش ندهند.

آفریده‌ای، [تو]^{۲۵} که بوسیله روح القدس از دهان پدر ما داود، خدمتگزار^z گفته‌ای: چرا امت‌ها خروشیده و قوم‌ها بیهوده فکر کنند؟^{۲۶} پادشاهان زمین صفات آرایی کرده، رئیسان بر ضد خداوند و برضد مسیح^a او گرد آمده‌اند.^{۲۷} زیرا در حقیقت در این شهر هیرودیس و همچنین پنطیوس پیلاطس با امت‌ها و اقوام اسرائیل^b علیه خدمتگزار قدوس تو، یسوع که مسح کرده بودی، گرد آمده‌اند،^{۲۸} تا آنچه را دست تو و مشیت [تو]^{۲۹} قبلًا تعیین کرده بود، انجام دهنده.^{۳۰} و اکنون، خداوند! به تهدیدهای ایشان بینگر و به بردگانت عطا کن تا با اعتماد به نفس^c تمام سخن تورا اعلام کنند،^{۳۱} با دراز کردن دست برای شفا

نکنیم^w.^{۳۲} اما ایشان را تهدید کرده و رها نمودند، چیزی نیافتنند، چگونه ایشان را تنبیه کنند چونکه [می ترسیدند] از مردم که همگی خدا را برای آنچه فرا رسیده بود، ستایش^x لوازمه کردند.^{۳۳} زیرا شخصی [انسانی] که برایش معجزه شفا شده بود بیشتر از چهل سال داشت.

جمعیت مسیحیان در نیایش

چون آزاد شدند، به نزد کسان خود رفتند و هر چه را که کاهنان اعظم و پیران به ایشان گفته بودند نقل کردند.^{۳۴} اینان وقتی شنیدند، یک دل صدای خود را به سوی خدا بلند کرده گفتند:^{۳۵} «ای خداوند حاکم! تو که آسمان و زمین و دریا و هرچه را در آنها است

- رسولان یسوع را قبل (۲۲:۱) توضیح؛ (۳۹:۱۰ و بعد) دیده و سخنان اورا شنیده بودند و به او ایمان آوردن. قبل از هرجیز به عنوان گواه و شاهد (۲۲:۱) یسوع رستاخیز یافته و نجات دهنده نمی‌توانستند ساکت بنشینند (۱۰:۴) و گواهی ندهند (۲۲:۱) توضیح.

- در کتاب اعمال رسولان به مانند انجیل لوقا (لو ۲۰:۲ توضیح) موضوع ستایش خدا و تکریم او خیلی ذکر شده است. پس از ستایش کردن، جمعیت مسیحیان نخستین (۴۷:۲) و ستایش شخص علیل شفا یافته (۹-۸:۳) و سپس ستایش کربنیلیوس (۴۶:۱۰) و غیر یهودیان دیگر (۴۸:۱۳؛ ر.ک. ۱۷:۱۹) جمعیت مسیحیان نخستین به خاطر این گرایش‌ها خدا را می‌ستاید (ر.ک. ۲۰:۲؛ ۱۸:۱۱)، زیرا در این وقایع دخالت خدا را تشخیص می‌دهند و ستایش کامل خدا مستلزم داشتن ایمان است (ر.ک. ۴۸:۱۳) و بوسیله ایمان می‌توان عمل خدا را در یافت تاریخ تشخیص داد. (بر عکس این وقایع در ۲۳:۱۲).

- در کتاب اعمال رسولان تعداد کمی از نمونه‌های نیایش مسیحیت وجود دارد: دو نیایش به خدا خطاب می‌شوند (۲۴:۱) و بعد (۳۰-۲۴:۴) و در دو نیایش کوتاه خداوند یسوع را می‌خوانند (۷:۵ و بعد). در دو نیایشی که به خدا خطاب می‌شوند طرز ترکیب و ساختار آنها یکی است و به این معنی که ابتدا خدا را با عبارتی کم و بیش مفصل خطاب کرده (۱:۲ توضیح؛ ۲۸-۲۴:۴) سپس موضوع درخواست بیان می‌شود (۱:۲۵-۲۴:۱؛ ۴:۲۸-۲۸:۴).^{۳۰}

- من ۱:۲-۲ (ر.ک. مز ۷:۲ که در ۱۳:۳ و لو ۲۲:۳ نقل گردیده است).

- ترجمه، دیگر: برضد مسح شده او. با توجه به اینکه در بند ۲۷ هم آنکه مسح کرده بود آمده است بعضی از مترجمان این ترجمه را ترجیح می‌دهند. در مزمور ۲-۲ سخن در باره مسح کردن پادشاهان اسرائیل است که اکنون به صورت پیش نماد مسح کردن یسوع به نظر می‌رسد (۱۰:۳۸).

- چنین به نظر می‌رسد که هیرودیس، پیلاطس و رؤسای اسرائیل (ر.ک. ۵:۴) با پادشاهان و رؤسایی که در مزمور ۲:۲ ذکر شده است تطبیق می‌نماید (۲۶:۴). ضمناً منظور از کلمه امت‌ها و اقوام که در مزمور آمده است فقط امت‌های غیر یهود بودند که در اینجا با کلمه امت‌ها ذکر شده‌اند.

- ر.ک. ۱۳:۴ توضیح.

که مالک زمین‌ها یا خانه‌ها بودند،
می‌فروختند و بهای فروش را می‌آوردنده
و جلوی پای رسولان می‌گذاشتند و طبق^{۳۵}
نیاز هر کس توزیع می‌شد.^{۴۵:۲}

و یوسف-لاؤی و قبرسی‌الاصل - که
رسولان او را بر نابا^۱ لقب داده بودند و
ترجمه آن پسر تسلي است،^{۳۷} مزروعه‌ای در
اختیار داشت که فروخته و پول آن را آورد.
و جلوی پای رسولان نهاد.

۵ ^۱ اما مردی به نام حنانیا با توافق
زنش سفیره، ملکی را فروخت،^۲ و
از بهای آن [مقداری را] را با همدستی
زنش برای خود برداشته^k و قدری را آورد
در جلوی پای رسولان نهاد. ^۳ اما پطرس
گفت: «ای حنانیا! چرا شیطان قلب تو را^{۳:۲۲}
پرکرده است تا به روح، [آن که] مقدس^۱

دادن و انجام دادن نشانه‌ها و شگفتی‌ها^d
به نام خدمتگزار قدوست، یسوع.»^{۳۱} و
چون نیایش کردند، جایی که در آن جمع
شده بودند تکان خورد و همگی ایشان
سرشار از روح القدس^e شده و سخن خدا^{۴:۱-۲}
را با اعتماد به نفس اعلام می‌کردند.^{۴۶-۴۴:۱۰}

تقسیم اموال، بر نابا، حنانیا و سفیره^f
^{۳۲} و انبوه آنانی که ایمان آورده بودند یک^{۴۲:۲}
دل و [یک] روح داشتند، هیچکس هیچ^{۲۸:۱۸}
جزئی از اموالش را شخصی نمی‌گفت بلکه^{۴۴:۲}
ایشان در همه چیز شریک بودند.^{۳۳} و رسولان
با قدرتی بزرگ، رستاخیز خداوند یسوع
[سیح] را گواهی می‌دادند و فیضی عظیم بر^{۳۶:۲}
همه ایشان بود.^{۳۴} زیرا یک نفر در بین
ایشان نیازمند نبود؛ زیرا تمام آنانی

d- همچنانکه قبلًا خدا بخاطر بسیع شگفتی‌ها انجام داده بود (۲۲:۲ توضیح؛ ۲:۳ توضیح).
e- این ریش و پراکنیدن روح القدس و قابع روز پنجه‌اه را به یاد می‌آورد (۴:۱-۲) زیرا روح القدس همواره در کلیسا
حاضر است. ر. ک. ۴۶:۱۰ توضیح.

f- دومین گزارش اعمال رسولان (۳۲:۴-۳۳:۴؛ ر. ک. ۴۲:۲ توضیح) با یادداشت مختص‌الری درباره بر نابا شروع می‌شود
(۳۶:۴) و سپس روایت قضیه حنانیا و سفیره آمده است (ر. ک. ۱۲:۱۸-۳۳:۲). موضوع اصلی این مجموعه (۳۲:۴-۳۳:۴)
اشتراک اموال افراد جمعیت است (ر. ک. ۶:۱۲-۲۲:۲). ولی لازم به یادآوری است که انجام این عمل به
اختیار و داوطلبانه بوده (۴:۵) و به طوری که در گزارش ذکر گردیده (۳۲:۴-۳۳:۴) شامل کلیه افراد جمعیت نبوده است؛ در
صورتیکه در جمعیت قمران اجباری بوده است.

g- مطالب این بند با موضوع گزارش (۳۲:۴) ارتباطی ندارد، ممکن است در نگارش افزوده شده باشد (ر. ک.).
۴۲:۲ توضیح. قدرت بزرگی که در این بند ذکر شده اختصاراً از آن رسولان نیست (ر. ک. ۱۲:۳) بلکه از خداست که نشانه
ها و شگفتی‌ها را انجام می‌دهد (ر. ک. ۲:۳ توضیح)؛ همچین فیض عظیم، منبع بشری ندارد (= تقبل مردم، ر. ک.
۴۷:۲؛ ۱۳:۵) بلکه فیض از سوی خداست که موضعه رسولی را پشتیبانی می‌کند (۳۰:۴؛ ۶:۱۱؛ ۲۳:۱۱؛ ۸:۶؛ ۲۶:۱۴؛ ۱۵:۱۵).

h- یا شاید: بهای آن را دریافت می‌کردند (ر. ک. ۳۷:۴ توضیح)
i- نخستین باری است که از یکی از چهره‌های بر جسته جمعیت اویهه مسیحیان یاد می‌شود (۲۲:۱۱). بر نابا که در صفحات
بعدی به عنوان رسولی توصیف شده (۴:۱۴ توضیح) با پول آشنا شده و از او پشتیبانی می‌کرد (۲۷:۹؛ ۲۵:۱۱؛ ۲۷:۹-۱۳).
۱۴) و با عقاید و رسالت و مأموریت پولس موافق بود (۱۵:۱۵؛ ر. ک. ۱-قرن ۶:۹)، بجز در مورد مرقس (۱۵:۱۵).
j- یا شاید: وجه آن را دریافت کرده (ر. ک. ۳۴:۴ توضیح).

k- فعلی که در این مورد بکار رفته همان است که گناه عخان را در بیوش ۱:۷ توصیف می‌کند. در هر دو واقعه‌ای که روایت شده
است موضوع هلاک شدن گناهکاران و ترس عظیمی که بر مردم مستولی شده به طرز مشابهی به هم بیوسته اند.
l- ترجمه دیگر: به روح القدس دروغ نگویی. فربیت دادن روح القدس یا دروغ گفتن به روح القدس مورد مشابهی در نوشته‌های
قدس ندارد (ر. ک. بند ۴ توضیح)؛ ولی در جمعیت قمران، دروغ گفتن در مورد اموال و دارایی پیروان (ر. ک. ۳۲:۴).
توضیح)، نخستین خطای بشمار می‌آمد که بر طبق قواعد و مقررات آن جمعیت مستوجب بازخواست و تنبیه بود.

کرده اند به آستانه در است و تورا خواهند
برد!»^{۱۰} و در همان لحظه به پاهای او افتاده
و جان داد و جوانان که وارد شده بودند او
را مرده یافته و بیرون برده در کنار شوهرش
دفن کردند.^{۱۱} و ترس عظیمی تمام کلیسا^۹
و همه کسانی را که این چیزها را شنیدند
فراگرفت.

معجزات رسولان^p

^{۱۲} و توسط دست های رسولان نشانه ها و
شگفتی های بسیار در میان مردم انجام می
شد و همه^۹ ایشان متفقان در [زیر] رواق^{۱۱:۳}
سلیمان بودند.^{۱۳} اما از دیگران هیچ کدام^{۱۰:۱۰}
جرأت نمی کرد به ایشان ملحق شود؛ ولی
مردم ایشان را تکریم می کردند.^{۱۴} [بیشتر]
و بیشتر به انبوه مردان و زنان مؤمن به
خداآوند افزوده می شد.^{۱۵} به طوری که
حتی بیماران را به میدان ها آورده و روی

[است] دروغ گویی و قسمتی از بهای زمین
را [به نفع خود] برداری؟^{۱۶} آیا وقتی که
بوده، از آن تو نبوده؟ و وقتی که فروخته
شده در اختیارت^m نبوده؟ پس چطور این
عمل را در قلب نهادی؟ نه به انسان ها،
بلکه به خدا دروغ گفتی.»^{۱۷} و حنایا با
شنیدن این سخنان افتاده و جان داد و همه
کسانی را که از این با خبر شدند ترسی
عظیم فراگرفت.^{۱۸} اما جوانان برخاسته، او را
کفن کرده و به بیرون برده دفن کردند.
^۷ و تقریباً سه ساعت که گذشت، بعداً نیز
زنش که نمی دانست چه روی داده است،
وارد شد.^۸ و پطرس به او جواب داده گفت:
«به من بگو، آیا به همین قدر زمین را
فروخته اید؟» و او گفت: «آری، به همین
قدر!»^۹ و پطرس به او [گفت]: «چرا بین
شما توافق شده که روح خداوندⁿ را امتحان
کنید؟ ببین پاهای آنانکه شوهرت را دفن

- اشتراک در اموال عملی به اختیار و آزادانه بود (ر. ک. ۴: ۳۲ توضیح). گناه این زن و شوهر دروغ گفتن است و بدین سبب
واجد اهمیت است که در مورد دخالت روح القدس می باشد (ر. ک. بند ۳ توضیح؛ بند ۹ توضیح؛ لو ۱۰:۱۲ توضیح).

- در اینجا هم روح خداوند به صورت شخصی مجسم شده است (ر. ک. بند های ۳ و ۳۲) که در مقابل دروغ با شدت و سرعت
عکس العمل نشان می دهد و قدرتی است که در زندگی جمیعت فعال است و کاملاً حضور دارد.

- در اینجا برای نخستین بار کلمه کلیسا پیدا شده که از این پس یا به معنی اجتماع ایمانداران در محل معینی است، یا گروهی
که در شهری تشکیل می شود و یا اینکه شامل مجموعه جمیعت های مسیحیان است (۹: ۳۱ توضیح؛ ۱۱: ۲۶ توضیح؛ ۲۰: ۲۸ توضیح).
توضیح) در دنیای یونانی کلمه ekklesia به معنی مجلس شورای شهر وندی بوده که در دادن رأی شرکت می کردند؛ و در میان
لغت های کتاب مقدس، این کلمه در مورد اجتماع قوم اسرائیل بکار برده شده، مخصوصاً موقعی که در صحراei سینا بودند
(ر. ک. ۷: ۳۸ توضیح). قابل توجه آن است که نویسنده، کلمه کلیسا را وقتی بکار می برد که قبلاً گروه نخستین شاگردان
اورشلیم را به عنوان اتحاد ایماندارانی توصیف می کند که از گواهی رسولان بر مبنای ایمان به مسیح رستاخیز بافته به وجود
آمده و روح القدس محرک آن است.

- در اینجا سوئین گزارش اعمال رسولان ارائه می شود (ر. ک. ۲: ۴۲ توضیح) و موضوع اصلی آن فتاویت رسولان در اجرای
معجزه ها است. امکان این فتاویت (۲: ۴۳: ۳) نتیجه و پاسخ به نیایشی است که در ۴: ۳۰ آمده است. بند های ۱۲ [نیمه
دوم] و ۱۴ یادآوری اوّلین گزارش اعمال رسولان است و تسلسل منطقی بین بند ۱۲ [نیمه اول] و ۱۵-۱۶ را قطع می نماید.

- منظور تمام ایمانداران بوده و منحصر به رسولان نیست.
- ترجمه دیگر؛ مردان و زنان بسیاری بوسیله ایمان به خداوند به جمیعت می پیوستند. ترجمه دیگری که کمتر محتمل است: با
ایمان آوردن به خداوند، به جمیعت می پیوستند. ر. ک. ۱: ۲۴ توضیح) نیز بیوستن به جمیعت مسیحیان، همانا بیوستن به خداوند
است و بدین ترتیب نوعی یگانگی بین خداوند و ایمان آورندگان به خداوند تلقین می گردد (ر. ک. ۹: ۵ توضیح).

[رسولان] را از زندان بیاوردند.^{۲۲} ولی نگهبانان که به آنجا رسیدند آنها را در زندان نیافتدند، برگشته و خبر دادند،^{۲۳} گفتند: «زندان را یافتیم که با امنیت کامل بسته بود و زندان بانان جلو درهای آن ایستاده، ولی [درها را] باز که کردیم هیچ کس را در داخل نیافتدیم.»^{۲۴} و فرمانده معبد و کاهنان بزرگ چون این سخنان را شنیدند، در باره این چیزها بهتر زده شدند: این ها چه می توانند باشد؟»^{۲۵} اما کسی رسید و به آنها خبر داد: «مردانی را که شما در زندان انداخته بودید، اینک در معبد ایستاده و مردم را آموزش می دهند.»^{۲۶} پس فرمانده [معبد] با نگهبانان رفته و آنها را آورد، [البته] بدون خشونت چون از سنگباران^{۲۷} شدن توسط مردم می ترسیدند.

^{۲۷} آنها را آورده و در سانهدرین نهادند. کاهن اعظم از آنها سؤال کرده و گفت:^{۲۸} «ما وضوحاً شما را از تعلیم به این نام منوع کردیم و اینک شما اورشلیم را از آموزشها یتان پر کرده و می خواهید خون این مرد را برگردان ما بنهید.»^{۲۹} اما پطرس و

تحت خوابها و بسترها می گذاشتند تا وقتی که پطرس عبور می کند اقلال^{۳۰} سایه اش^{۳۱} بر یکی از آنان بیفتند.^{۱۶} و همچنین انبوهی از اطراف شهرهای اورشلیم، بیماران و آنان را که از ارواح پلید در رنج بودند می آوردن و همگی آنان شفا می یافتند.

دستگیر شدن و رهایی یافتن رسولان

^{۱۷} اما کاهن اعظم و همه کسانی که با او بودند - یعنی فرقه صدو قیان^{۳۲} - بپا خاسته، سرشار از حسادت بودند،^{۱۸} و رسولان را دستگیر کرده و به زندان عمومی انداختند.^{۱۹} اما در هنگام شب فرشته خداوند^{۲۰} درهای زندان را گشود و ایشان را خارج کرده و به آنان گفت:^{۲۱} «بروید و ایستاده در معبد همه سخنان این زندگی^{۲۲}

^{۲۳}،^{۱۵:۳}^{۱۸:۱۱}^{۴۸-۴۶:۱۳} را به مردم بگوئید!»^{۲۱} وقتی این را شنیدند از سپیده دم وارد معبد شده و به ۲:۴ آموزش پرداختند.

اما کاهن اعظم، و آنانکه با او بودند رسیده، سانهدرین و تمام شورای فرزندان^{۲۳} اسرائیل را احضار کرده و فرستادند تا ایشان

۸- ر.ک. پولس در ۱۹:۱۱-۱۲.

t- صدو قیان، بیشتر از فریسان متشكل بوده و حزبی واقعی بشمار می رفتند که قدرت و نفوذ زیادی داشتند و مخصوصاً با شاگردان پسوند داشمن بودند (ر.ک. ۲:۴ توضیح).

۱۰- اصطلاح زندان عمومی نشان می دهد که بازداشت و زندان رسولان سخت تر از آنست که در بند ۳:۴ ذکر گردیده است.

۱۱- بعضی از مفسران آن فرشته خداوند ترجمه می کنند. این اصطلاح در نوشته های عهد عتیق به مفهوم فرستاده خدا است و دخالت مخصوص خدا را به نفع قوم خود به صورت یک شخص مجسم می کند (ر.ک. ۸:۲۳ توضیح).

۱۲- همه سخنان این زندگی: ترجمه تحت الفظی است و این اصطلاح به هدف اصلی موعظه رسولی اشاره می کند. اصطلاح مشابهی در بند ۱۳:۲۶ آمده است.

۱۳- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده به معنی مجمع سالخورده‌گان یا مجلس سنا است و تنها موردی می باشد که این کلمه در نوشته های عهد جدید بکار می رود، در صورتی که در زبان یونانی کلمه ای متداول است. احتمالاً نویسنده، این کلمه را به منظور توضیح نام سانهدرین مخصوصاً برای خوانندگان غیر یهود بکار می برد.

۱۴- کلمه سنگباران مخصوصاً به جای سنگسار ترجمه شده زیرا سنگسار کردن مقررات و ترتیبات معینی داشته است.

۱۵- یعنی ما را مسئول مرگ او کنید. ر.ک. مت ۲۷:۲۵؛ اع ۶:۱۸ توضیح.

تقریباً چهارصد تن به او پیوستند، او کشته شد و تمام متعلقینش منهدم شده و از بین رفتند.^{۳۷} پس از او در ایام سرشناسی، یهودای جلیلی^f بپاخصاست و عده‌ای را به دنبال خود کشید، او از بین رفت و تمام متعلقینش پراکنده شدند.^{۳۸} و اکنون به شما می‌گویم از این انسانها دور شوید و آنان را به حال خود بگذارید زیرا اگر این رأی یا عمل از انسانها باشد، از بین خواهد لو.^{۴۰}

اما اگر از خدا باشد، شما نخواهید توانست ایشان را از بین ببرید. مبادا نیز زمانی معلوم شود که با خدا می‌جنگید.^{۳۹}

۱۹:۷-۲ مک

و ایشان با او موافقت کردند.^{۴۰} و پس از حضار رسولان و کتک زدن آنان، ایشان را از سخن گفتن به نام یسوع منع کرده آزاد نمودند.^{۴۱} پس آنان از حضور سانه‌درین خارج شدند. شادمان از اینکه [محاکمه شده و] مستحق این بوده که:^{۱۳:۲۱}
بخاطر نام^g با آنان رفتار تحقیرآمیز^{۱-۷ یو ۳-۴ پطر}

۱۹:۴ رسولان در جواب گفتند:^a «ترجیحاً باید از خدا اطاعت کرد تا اینکه از انسان‌ها.

۳۰ خدای پدرانمان، یسوع را که شما با غلای^{۱۳:۳} آویزان کردن از دار کشته اید، برخیزانید؛^{۱۳:۲۱} این اوست که خدا او را با [دست]^{۳۳:۲} راست خود به مقام رئیس و ناجی ارتقاء داده تا توبه و بخشش گناهان را به اسرائیل^{۳۶:۱۰ ۱۸:۱۱} بدهد.^b و ما گواهان این امور هستیم، [ما] و روح [القدس] که خدا به مطیعانش عطا کرده.^c

۳۳ و آنان با شنیدن [این] دلریش شده و می‌خواستند اینها را بکشند.^{۳۴} اما یک فریسی به نام **عمالائیل**^d - عالم قانون[شریعت یهود] و محترم در نزد تمام مردم در سنه‌درین، بپاخصته و دستور داد تا رسولان را اندک زمانی بیرون ببرند.^{۳۵} آنگاه به ایشان[سانه‌درین]^e گفت: «ای اسرائیلیان مواظب آنچه که می‌خواهید با این مردان کنید باشید.^{۳۶} زیرا این اواخر تیودا^f بپاخصته و خود را کسی می‌گفت و

a- بندهای ۳۲-۲۹ چکیده‌ای از موضعه رسولی است که بر محور مطالب اساسی آیین است. ر.ک. ۱۴:۲ توضیح.

b- چنین می‌نماید که در اینجا مجدداً مأموریت نجات بخش‌ی سوی فقط در مورد قوم اسرائیل است. ر.ک. ۲۵:۳ توضیح: ۳۹:۲ توضیح.

c- منظور، اطاعت از مشیّت خدا است (۲۳:۲ توضیح) که همان ایمان می‌باشد (ر.ک. ۳۸:۲).

d- آنچه درباره **عمالائیل**، آستان و معلم سولس طرسوسی (بولس) می‌دانیم (۳:۲۲) با دلالتی که در اینجا خواهد کرد تطبیق می‌نماید. وی یک فرد فریسی است با افکار باز و آزاد.

e- بر طبق آنچه فلاویوس یوسفوس (مورخ مشهور یهودی که در فلسطین، در قرن اول می‌زیسته و آثارش فقط به صورت ترجمه‌های یونانی و لاتین در دست است) نوشته است، تیودا ادعای پیامبری داشته و به پیروان خود و عده می‌داد که آنان را از رودخانه اردن عبور خواهد داد بدون اینکه پاها ایشان تر شود. همچنانکه یوشع، آزاد کننده سرزمین موعود، انجام داد بود. کتاب اعمال رسولان تاریخ فعالیت کوتاه او را در گذشته نسبتاً دوری، قبل از سرشناسی (بند ۳۷)، تعیین نموده (ر.ک. ۲:۲ توضیح)، در صورتی که یوسفوس تاریخ آن را احتمالاً به اشیاه سال‌های ۴۶-۴۴ میلادی ذکر کرده است.

f- این واقعه را مورخ یهودی یوسفوس (ر.ک. توضیح قبلى) هم گواهی کرده است، طغیان پیروان یهودای جلیلی، در سال ۴ یا ۶ میسیحی ایجاد شده و در لو ۲ ذکر گردیده است. این طغیان موجد نهضتی به نام زلت گردید و برخلاف آنچه ظاهرآ عمالائیل می‌گوید، زود خاتمه نیافت.

g- یعنی برای یسوع جلال یافته. کلمه نام را یهودیان در مورد خدا بکار می‌برند و نامیدن یسوع بدین گونه برای آنست که گفته شود، او خداوند است (ر.ک. ۳۶:۲ توضیح: ۱۶:۳ توضیح).

نیست که نام سخن خدا را برای خدمت خروج^{۱۷:۱۸}-^{۲۳} ترک کنیم؛^۳ پس ای برادران، در^{۲:۱۶}،^{۲:۲۰}
سفره‌ها^۵ بین خودتان هفت مرد را که مشهور به لوه^{۴:۲۲}-^{۴:۲۰}

نیکی بوده و سرشار از روح و حکمت باشند، جستجو کنید تا ما آنان را برای این کار تعیین کنیم؛^۴ و اما ما، پیوسته در^{۴:۲۲}،^{۲:۲۰}
نیایش و در خدمت سخن خواهیم بود.^۵ و تمام جماعت را از این سخن خوش آمد و استیفان که مردی سرشار از ایمان و روح القدس بود و فیلیپس و پروخرس و نیکانور و تیمون و پرمیناس و نیقولاوس^P^{۱۱:۲}

شود.^{۴:۲} و هر روز در معبد و در خانه از تعلیم و نوید دادن مسیح یسوع باز نمی‌ایستادند.^h

تشکیل گروه هفت نفری^۱

^۱ و در آن روزها شاگردان زیاد می‌شدند. و یونانی گرایان بر ضد عبرانیان^k به زمزمه پرداختند زیرا از بیوه‌های ایشان در خدمت روزانه غفلت می‌شد.^۲ پس آن دوازده^m جماعت شاگردانⁿ را احضار کرده گفتند: «شایسته

^h- اعلام کردن این موضوع که مسیح موعود، همان یسوع است.
ⁱ- در طرح کلی کتاب اعمال رسولان، تشکیل گروه هفت نفری (۷:۱-۶)، روایت سرگذشت استیفان و تعقیب و شکنجه ای که در بی آن می‌آید (۴:۸-۶)، نقطه تحولی بشمار می‌رود: بدین معنی که اشاعه انجلی که از اورشلیم آغاز شده است، از این پس در بین امتهای دیگر (غیر یهود) نیز ادامه خواهد یافت (ر. ک. ۱:۶ توضیح).

^j- کلمه شاگردان، یکی از عناوین است که مسیحیان یکدیگر را به این عنوان می‌نامیدند (ر. ک. ۲۶:۱۱ توضیح) و در اینجا برای نخستین بار بکار برده شده است. این کلمه در خارج چهارچوب اولیه فلسطین متداوی شد (ر. ک. ۱:۹-۱۶؛ ۲:۶-۲۳).

^k- تمایزی که بین عبرانیان و یونانی گرایان (یا هلنیست‌ها) در جمیعت مسیحیان اولیه وجود دارد، انعکاس وضعیت است که از مختصات یهودیت در اورشلیم بوده است (ر. ک. ۲۹:۹ توضیح). کتاب اعمال رسولان، تنها مدرکی است که از این دو گروه سخن می‌گوید و به دشواری می‌توان گفت چه مشخصاتی این دو گروه را از یکدیگر متمایزی کرده است. ممکن است محل تولد معیار این تقاضوت بود، بدین معنی که عبرانیان در فلسطین و یونانی گرایان در خارج از فلسطین متولد شده بودند، ولی این شرط لازم نبوده است چنانکه پولس با اینکه در طرسوس زاده شده و در اورشلیم تعليم و تربیت یافته بود، خود را عبرانی می‌نامید (۲- قرن ۲:۱۱؛ فی ۳:۵)؛ زبان مادری یا زبان معمولی افراد که آرامی یا یونانی بوده، ممکن است دوین شاخص این تمایز بوده و کتاب مقدس را به هر دو زبان، عبری یا یونانی می‌خواندند. به طور کلی یونانی گرایان افرادی بوده اند که در درک آینین یهود افکار بازتری از عبرایان داشته اند و بعداً هم در جمیعت مسیحیان یونانی گرایان در مورد ایمان خود همین روش را ادامه داده اند (ر. ک. توضیح بعدی: ۸:۶ توضیح).

^l- این اختلاف‌ها با تشکیل یک گروه برای خدمت سفره‌ها مرتفع خواهد شد (بند ۲ توضیح) و شاید نویسنده در این اقدام مبنای تشکیل خدمت شمامی را می‌بیند (فی ۱:۱) که از خدمت رسولی نیایش و سخن جدا می‌شود (بند ۴). در حقیقت این اختلاف ساده و بی اهمیت نشان دهنده تیرگی روابطی بوده که در داخل جمیعت مسیحیان وجود داشته تا بدانجا که در خارج از جمیعت نیز احساس می‌شده است. جنین به نظر می‌رسد که بعد از استیفان (۶:۸ توضیح)، مسیحیان یونانی گرا هستند که هدف اصلی ضدیت و دشمنی مقامات یهودی اورشلیم می‌شوند (۸:۱ توضیح). ضمناً بدنال فیلیپس (۵:۸) که یکی از افراد گروه هفت نفری (بند ۵) بوده و مثل استیفان از خدمت سفره به خدمت سخن در آمده بود، یونانی گرایان انجلی را به خارج از اورشلیم و فلسطین به نزد غیر یهودیان می‌برند. (ر. ک. ۱۹:۱۱ توضیح: ۲۰:۱۱ توضیح).

^m- ر. ک. ۲:۱ توضیح.

ⁿ- مجموع شاگردان، اجتماع کلیه افراد کلیسا است که برای مشورت گرد هم آمده بودند. ر. ک. بند ۵:۱۵؛ ۱۲:۱۵، ۳۰. امور اموال مشترک هم می‌شده است بحدی که رسولان از ماموریت اصلی خود که اعلام سخن خدا است دور می‌شدن.

^P- این هفت نفر نام‌های یونانی دارند بایرانی محتمل است که هر هفت نفر یونانی گرا بوده و از گروه خود دفاع می‌کردند و این امر قابل بحث و تردید است زیرا اگر این هفت نفر نفس حکمیت و داوری داشته اند بایستی از عبرانیان و یونانی گرایان تشکیل شده باشند یا احیاناً عبرایانی که نام یا لقب یونانی داشته اند.

می گفت مقاومت نمایند.^{۱۱} آنگاه مردانی را اجیر کردند که بگویند «ما شنیده ایم که او سخنان کفرآمیز علیه موسی و خدا می گوید.»^{۱۲} و مردم و مهتران و کاتبان را تحریک کردند و آمده اورا دستگیر نموده و به سانه‌درین بردن.^{۱۳} و شاهدان دروغین^{۱۴} را بر پا داشته که می گفتند: «این انسان [مرتبًا] سخنانی علیه این مکان مقدس و قانون [يهود]^۷ می گوید.^{۱۴} زیرا شنیده ایم که او را خراب خواهد کرد و رسومی را که موسی به ما منتقل نموده است تغییر خواهد داد.»^{۱۵} و همه آنانکه در جلسه سانه‌درین بودند نگاه ها را به سوی [استیفان] دوخته و چهره او را همچون چهره فرشته ای دیدند.^۸

نوگرایده اهل انتاکیه - را برگزیدند.^۶ آنان را در حضور رسولان بر پا داشتند و اعد ۲۰-۱۸:۲۷ [ایشان] نیایش کرده، دست ها را بر آنان نهادند.^۹

^۷ و سخن خدا پیشرفت می کرد و در اورشليم تعداد شاگردان به غایت زیاد می شد و انبوهی از کاهنان^{۱۰} اطاعت از ایمان می کردند.

فعالیت استیفان و بازداشت او
^۸ واستیفان^۸ که سرشار از فیض و قدرت بود، شگفتی ها و نشانه هایی بزرگ در بین مردم انجام می داد.^۹ اما چند نفر از کنیسه ای به نام آزاد شدگان^{۱۱} و قبروانیان و [اهاالی] اسکندریه و اهالی قیلیقیا و آسیا به پا خاسته با استیفان مباحثه می کردند،^{۱۰} ولی قدرت نداشتند ^{۱۱} با حکمت و روحی که بوسیله آن سخن

۹- عمل دست نهادن بر روی کسی، مکرراً در کتاب اعمال رسولان می آید. در اینجا به مناسبت آغاز خدمتی است که برای جمعیت انجام می شود؛ در جاهای دیگر در مورد اعطاء موهبت روح مقدس و بلافضله پس از تعیید دادن است (۱۷:۸)؛
^{۱۰} ر. ک. (۱۷:۹)، یا به منظور شفا دادن (۱۲:۹، ۱۷، ۸:۲۸) و یا به منظور اعزام کسی به مأموریتی است (۳:۱۳).

۱۱- هزاران کاهن در اورشليم وجود داشته اند.
^{۱۲}- نخستین فرد گروه هفت نفری (بند ۵) استیفان است که درباره او روایتی طولانی (۸:۸ الی ۲:۸) ذکر شده و محتوای آن (بند ۱۳ توضیح) نشان می دهد که نویسنده اعمال رسولان برای او اهمیت شایانی قائل است. با طرز رفتار او نسبت به معبد اورشليم و قوانین یهود (بند ۱۳ توضیح) و با تفسیری که از تاریخ اسرائیل می کند (۷:۲ توضیح) آشکار است که به احتمال قوی یونانی گرا بوده است.

^t- یعنی یهودیان آزاد شده از اسارت. منظور یهودیانی بودند که خود یا اجدادشان پس از اسارت و بندگی آزاد شده بودند؛ مثلاً یهودیانی که پیپه، امپراتور روم در سال ۶۳ پیش از میلاد به اسارت به روم برده بود. این گروه نظیر گروه های دیگری که ذکر شده در اورشليم کنیسه ای مخصوص به خود داشتند.

۱۲- قضیه گواهان دروغین (بند ۱۱) و اتهام های مبالغه آمیزی که مطرح کرده اند (ر.ک. توضیح بعدی) محاکمه یسوع را به یاد می آورد (مت ۶:۲۶؛ مر ۱۴:۵۸-۱۴:۵۸ ر.ک. یو ۱۹:۲) که در انجلیل لوقا ذکر نشده است. نتیجه محاکمه استیفان هم انعکاسی از محاکمه یسوع است (۷:۵۶ توضیح: ۷:۵۹ توضیح).

۱۳- البته استیفان با معبد موافق نبود (۷:۴۸ توضیح)، ولی قوانین یهود را به عنوان سخنان زندگی توصیف می کرد (۷:۳۸) (۲۸:۲۱) توضیح)، بدون اینکه آنها را با همان شدت و سختی رقیبانش تفسیر نماید. پولس را هم به گناه های مشابهی متهم می کردند.

۱۴- روایت محاکمه استیفان که با این کلمات قطع شده مجدداً در بند ۷:۵۵، پس از سخنرانی استیفان ادامه می یابد.

کرد^۷، و پس از آن بیرون خواهند آمد و مرا در همین مکان پرسش خواهند کرد.^۸ و ^{۶:۱۳، ۲۱:۲۸} به پیمان ختنه را داد، و بدین سان [ابراهیم] اسحاق را آورد و اورا در پیدا ^{۱۰:۱۷} هشتین روز ختنه کرد و اسحاق یعقوب را و پیدا ^{۲۱:۴} یعقوب، دوازده نیاکان را.^۹ نیاکان بر یوسف حسد برده، او را به پیدا ^{۱۱:۲۸} مصر فروختند. اما خدا با او بود.^{۱۰} و اورا پیدا ^{۲۱:۲۳، ۳۹:۳۲} از همه محنت هایش آزاد کرد و در برابر فرعون، پادشاه مصر به او فیض و حکمت پیدا ^{۴:۲۱، ۳۷:۳۹} عطا نمود که او را بر مصر و بر تمام خاندان خود رئیس کرد.^{۱۱} اما یک قحطی بر تمام مصر و بر کنعان فرا رسید و محنتی پیدا ^{۴:۲۱، ۴۲:۵} عظیم بود و پدران ما آذوچه ای نمی یافتدند.^{۱۲} و یعقوب که شنید در مصر پیدا ^{۲:۱، ۲۲:۲۱} غله هست ^{ZZ} برای بار اول پدران ما را [به آنجا] فرستاد.^{۱۳} و در دومین [سفر]^{۱۴}، یوسف، خود را به برادرانش شناسانید و پیدا ^{۴:۳۴، ۴۵:۳۴} دودمان یوسف بر فرعون آشکار پیدا ^{۱۶:۴۵} گردید.^{۱۵} و یوسف، پدرش یعقوب و تمام بستگانش را که هفتاد و پنج نفر بودند فرا خواند.^{۱۶} و یعقوب به مصر فرود آمد و او و پیدا ^{۶:۵، ۴۶:۲۷} ۳۳:۴۹

سخنرانی استیفان

^۱ و کاهن اعظم گفت: «آیا چنین است؟»^۲ او گفت:^X «ای مردان، ای برادران و ای پدران، گوش کنید: خدای شکوه بر پدر ما ابراهیم که در بین النهرین بود، پیش از آنکه در حران سکونت کند^۳، ظاهر گردید؛^۳ و به او گفت: «از سرزمین خودت و بستگان خارج شو و به زمینی که به تو نشان خواهم داد، برو!»^۴ آنگاه [او] از سرزمین کلدانیان بیرون آمده، در حران سکونت گزید؛ و از آنجا، پس از مردن پیدا ^{۵:۱۲} پدرش، [خدان] او را به این سرزمین کوچ داد که اکنون در آن سکونت دارد.^۵ و در تث ^{۵:۱۲} اینجا، میراثی و جای پایی به او نداد اما پیدا ^{۷:۱۲}، وعده داد که آن را به او، و پس از او به تبارش به مالکیت دهد، با اینکه او را فرزندی نبود.^۶ و خدا به او چنین گفت که تبار او در سرزمین بیگانه مقیم خواهد شد و آنان را به بندگی خواهند کشید و مدت چهار صد سال با آنان بدرفتاری خواهند کرد.^۷ و خدا گفت: «امتی را که ایشان را به بندگی خواهد کشید، من داوری خواهم

X- سخنرانی استیفان، طولانی ترین قسمت کتاب اعمال رسولان است که اهمیت آن را نشان می دهد. این سخنرانی شامل مروری بر تاریخ گذشته اسرائیل است که از ابراهیم گرفته (۸-۱) به سلیمان و بنای معبد رسیده (بندهای ۴۹-۴۶) و بالآخره قسمتی طولانی درباره موسی دارد (بندهای ۴۳-۱۷) و ظاهراً اورا به عنوان چهره اعلام کننده یسوع ارائه می نماید (بند ۲۵ توضیح). ولی در این مرور تاریخ، به مانند موضعه های رسولان (۱۳:۱۷-۲۲:۲، ۱۴:۲ توضیح) فقط به پادآوری نعمت های خدا اکتفا نشده بلکه بلافصله به صورت کیفرخواستی علیه اسرائیل درآمده که همواره در مقابل روح القدس مقاومت کرده است (بند ۵۱:۷ ر.ک. به بندهای ۲۷، ۳۵، ۳۹، ۴۲ و ۵۲) و علیه معبدی که بیش از اندازه برای آن ارزش قائل می شدند (۴۸:۷ توضیح).

Y- بر طبق پیدا ^{۱۱:۳۱} ظاهر شدن خدا بر ابراهیم در حران روی داده است ولی در اینجا استیفان، نظریه موارد دیگری در سخنرانی خود از یک روایت خارج از کتاب مقدس پیروری می کند که فیلون و یوسفوس هم آن را گواهی کرده اند.

Z- پیدا ^{۱۵:۱۲-۱۳} و خروج ^{۱۳:۱۴} ولی در آنجا سخن از این کوه است در صورتی که استیفان می گوید در این مکان یعنی اورشلیم و معبد (ر.ک. بندهای ۶، ۱۳، ۱۴)، البته اگر منظور مکان مرموزی نباشد که در بند ۴۹:۷ ذکر شده است (ر.ک. ۴۸:۷ توضیح).

- ترجمه دیگر: در مصر روزی هست.

و چون چهل سالگی اش^d تمام می شد
به دلش برآمد که از برادرانش، پسران
اسرائیل دیدار کند.^{۲۴} و چون دید به یکی خروج^{۲-۱۱:۲}
ظلم می شود، دفاع کرده، با زدن مصری
انتقام مظلوم را گرفت.^{۲۵} و فکر می کرد که
[شاید] برادران [او] بفهمند که خدا
بوسیله دست او، ایشان را نجات می دهد^e،
اما نفهمیدند.^{۲۶} و روز بعد توسط کسانی
که نزاع می کردند دیده شد^f و برای اینکه خروج^{۲-۱۳:۲}
ایشان را آشتباه دید^g گفت: «ای مردان، شما
برادر هستید، چرا بر یکدیگر ظلم
می کنید؟»^{۲۷} اما آن که به همسایه خود ظلم
می کرد او را پس زده^{۲۸} گفت: «چه کسی تو
را رئیس و داور بر ما تعیین کرده
است؟^{۲۸} یا می خواهی مرا بکشی، به همان
گونه که دیروز مصری را کشته ای؟^{۲۹} پس خروج^{۲-۱۵:۲}
موسی از این سخن فرار کرد و در سرزمین
مديان غریب شد، جایی که در آنجا دو پسر خروج^{۲-۱:۳}
آورد.

پدران ما مردند.^{۱۶} و آنان را به شکیم
 منتقل کرده و در مقبره ای گذاشتند که
ابراهیم از پسران حمور در شکیم به بهای
نقره خریده بود.^a
^{۱۷} و چون زمان وعده ای که خدا به
ابراهیم سوگند یاد کرده بود نزدیک
می شد، قوم در مصر زیاد شده و افرایش
یافت.^{۱۸} تا این که پادشاه دیگری [بر
مصر] برخاست که یوسف را نشناخته
بود.^{۱۹} او با قوم ما جیله نموده، با پدران ما
بدرفتاری کرد [دستورداد] اطفال خود را
بیرون اندازند تا زنده نمانند.^{۲۰} در این
خروج^{۲-۱۰:۱} وقت موسی زاده شد و زیبایی خدایی
عیرب^{۲-۱۳:۲} داشت^{aa}. او سه ماه در خانه پدر، بزرگ
شد.^{۲۱} چون به بیرون گذاشته شد، دختر
فرعون او را برداشت و به عنوان پسر خودش
بزرگ کرد.^{۲۲} و موسی [در] تمام حکمت
مصریان^b تربیت یافت، در سخنان و اعمال
خود توانا بود.^c

a- در بعضی از نسخه های خطی: پسران حمور شکیم. در این بند موضوع غار مکفیلا که بوسیله ابراهیم خریداری شده (بید ۲-۲۳:۲) به جای مزروعه ای که بعقوب در شکیم خریده بود ذکر شده همچنین تدفین یعقوب در مکفیلا (بید ۵:۷-۷:۱۳) به جای تدفین یوسف در شکیم (بیوش ۲۴:۳۲) آمده است. این اختلال از روایتی شفاهی ناشی شده که ممکن است از منبع سامری می باشد.

-ترجمه دیگر: به فضل خدا نیکو منظر بود.

b- این موضوع هم محتملا از روایتی یهودی است (ر.ک. ۲-تیمو^۳:۸) و موسی ممکن است با حکمت افسانه ای مصر آشنا بوده باشد (اش ۱۹:۱۱) که برای معاصرین استیقان شامل علوم سحر و جادو بوده است. (ر.ک. ۱۱:۷، ۱۲، ۲۲ وغیره).

c- این اظهارات نظیر چیزی است که شاگردان عمواس می گفتند (لو ۲۴:۲۴). آیا موسی به عنوان چهره نجات بخش معرفی می شود (ر.ک. بند ۲۵ توضیح)?

d- ر.ک. بند ۳۰. در روایات یهود، زندگی موسی را به دوره های چهل ساله تقسیم می کردند (خرож ۷:۷-۷:۳۴).

e- در سطور قبلی، بیسوغ به مانند پیامبری چون موسی ارائه شده (۲۲:۳) توضیح: ر.ک. ۳۷:۷ و در اینجا موسی همچون تجسم قبلی بیسوغ ظاهر می شود (ر.ک. بند ۲۲ توضیح). نجات را می آورد (بند ۲۵)، رئیس و داور است (ر.ک. ۴۲:۱۰ توضیح).

f- نجات بخش است (بند ۳۸) و مخصوصاً با مخالفت اسرائیل موافق می باشد (ر.ک. بند ۲۷ توضیح).

- ترجمه تحت الفظی: ظاهر شد. که اشاره پوشیده ای به ظاهر شدن های مسیح رستاخیز یافته است (ر.ک. بند ۲۵ توضیح).

g- این موضوع در بند های ۳۵ و ۳۹ مجدد خواهد آمد. موسی هم بیمانند بیسوغ رد و انکار شده است: ر.ک. ۱۳:۳؛ ر.ک. ۲۵ توضیح.

چهل سال در سرزمین مصر و دریای سرخ و خروج: ۳:۷
در صحراء، شگفتی‌ها و نشانه‌های اجرا: ۲:۱۴
اعده: ۳:۳۳
اع: ۲:۲۲

می‌کرد.^۱ همان موسی است که به پسران اسرائیل گفت: «خدا از بین برادران شما، برایتان پیامبری به مانند من برخواهد انگیخت.^۲» او است که در هنگام اجتماع^۳ در صحراء، با فرشته که روی کوه سینا^۴ با او سخن می‌گفت و همین طور با پدران ما بود که گفتار زندگی^۵ را دریافت کرد تا به شما بدهد.^۶ همان که پدران ما نخواستند مطیع او باشند بلکه او را رد کردند.^۷ به هارون گفتند: برای ما خدایانی بساز که در جلو ما راه بروند، زیرا این موسی که ما را از سرزمین مصر بپرورن آورده، نمی‌دانیم او را چه شده است.^۸ و در آن روزها گوساله‌ای ساختند و به آن خروج: ۴:۳۲
۳:۱۴
۵:۱۰
۶:۱۷-۱۹
۷:۱۷-۱۹
۸:۱۲

بت، قربانی تقدیم کردند و از اعمال دست‌های خود شادی می‌کردند.^۹ و خدا روی برگرداند و واگذشت تا ایشان لشکر آسمان^{۱۰} را بپرستند و بر طبق آنچه در کتاب

۳۰ و چون چهل سال سپری شد در
صحراهای کوه سینا، فرشته‌ای در شعله آتش
بتوه‌ای بر او ظاهر گشت.^{۳۱} و موسی از
دیدن این رؤیا تعجب کرد، چون نزدیک
رفت تا ملاحظه کند، صدای خداوند
رسید:^{۳۲} «من خدای پدرانت، خدای
ابراهیم و اسحاق و یعقوب^h هستم» و موسی
لرزان شده جرأت نمی‌کرد بینگرد.^{۳۳} و
خداوند به او گفت: «کفش‌هایت را از
پاهایت بیرون بیاور، زیرا جایی که بر روی
آن ایستاده‌ای، سرزمین مقدسی
است.^{۳۴} همانا بدرفتاری به قوم خود را در
مصر دیده‌ام و ناله‌ایشان را شنیده‌ام و
فرود آمده‌ام تا ایشان را نجات دهم؛ و
اکنون بیا که تو را به مصر می‌فرستم.^j»
۳۵ همین موسی را که انکار کرده می‌
خرجو^{۱۴:۲} گفتند: «چه کسی تو را رئیس و داور تعیین
کرده است؟»، همو را خدا به عنوان رئیس
و رهایی بخش^k فرستاده است، با دست
فرشته‌ای که در بتوه بر او ظاهر
گشت.^{۳۶} او ایشان را بیرون آورد و به مدت

- ۱- خروج .۶:۳

۲- خروج .۵:۳

۳- خروج .۳:۳

۴- بند ۲۵ توضیح .

۵- ترجمه دیگر: آزادی بخش. یا نجات بخش بمانند یسوع (ر.ک. لو۱:۶؛ ۲:۳۸). ر.ک. بند ۲۵ توضیح.

۶- بمانند یسوع (ر.ک. ۲:۲۲ توضیح): ر.ک. بند ۲۵ توضیح.

۷- ثت ۱۸:۱۵؛ ر.ک. اع۳:۲۲ توضیح .۷:۲۵ توضیح .

۸- اشاره به دعوت قوم در صحرای سینا است که در خروج ۱۹:۷-۱۵ آمده است (ر.ک. ثت ۹:۱۰؛ ۱۰:۴). آیا این اجتماع کلیسا نشانی از کلیسای اورشلیم است؟ (ر.ک. ۵:۱۱).

۹- این نقش واسطه، مأموریت یسوع را به یاد می آورد (ر.ک. بند ۲۵ توضیح).

۱۰- ترجمه تحت الفظی: الهام زنده. این کلمات موظعه های رسولان را در بند ۵:۲۰ به یاد می آورد. بکار بردن این اصطلاح در مورد قوانین یهود (لو ۱۰:۲۶-۲۸) نشان می دهد که گواهان دروغین در مورد دشمنی استیفان با قوانین یهود مبالغه می کردند (۱۴:۱۱، ۱۳:۱۱).

۱۱- خروج .۲۳:۱۳.

۱۲- منظور ستارگان هستند که در بند بعدی اشاره به پرستش آنها شده است.

چهارپایه زیر پاهای من است، چه خانه ای
برای من بنا خواهید کرد یا چه جایی برای
آسایش من است؟ [خواهد بود]

^۵ مگر دست من همه اینها را نساخته است^۷

^{۱۱} ای گردنشکشان، وای نامختونان خروج ۹:۳۲
گوش و دل، شما همواره با روح [آن که] ار ۹:۶
مقدس [است] مخالفت می کنید^w،
چنان که پدران شما این چنین بودند،
شما هم هستید.^{۵۲} کدام یک از انبیاء را
پدران شما جفا نکردند؟ و آنان را که^{۳۵}
پیش‌آپیش، آمدن عادل^x را اعلام^{۱۶}
می کردند کشتند، و اکنون شما خائنان و
قاتلان او شده اید.^{۵۳} [شما] که قانون را غل ۱۹:۳۱
از طریق فرشتگان دریافت کرده و نگه^{عیر ۲:۲}
داشته اید.

^۴ آنها وقتی این را شنیدند دلریش
شده و علیه او دنداهه را
می فشدند، ^{۵۵} اما او که سرشار از
روح القدس بود، به سوی آسمان
نگریسته، شکوه خدا را دید و یسوع را که
در سمت راست خدا ایستاده بود.^{۵۶} و
گفت: «اینک آسمان‌ها را نظاره می کنم
که گشوده شده اند و پسر انسان^۸ در دان^{۱۳:۷}

انبیاء نوشته شده است:

«ای خاندان اسرائیل، آیا در مدت چهل
سال در صحراء فدیه‌ها و قربانی‌هایی به من
تقدیم کرده اید؟

^{۴۳} و شما خیمه مُلک و ستاره خدای خود
ریفان و تصویرهایی را که ساخته بودید
حمل کرده اید تا آنها را پرسش نمایید، و
من شما را به ماورای بابل تبعید خواهم
کرد.^۹»

خرож ۲۱:۲۷ خیمه شهادت در صحراء پدران ما

بود، بر طبق آنچه [گوینده] به موسی
خروج ۴:۹-۲۵ دستور داده، آن را مانند نمونه ای که

^{۵:۸} عیر ۱۵:۱-۱۵:۲ دیده بود بسازد.^{۴۵} که نیز پدران ما آن را
دریافت کرده با یوش به ملک ملت‌هایی

^{۹:۲۳} یوش ۱۸:۲۳ که خدا از جلو پدران ما به عقب رانده
بود وارد کردن [و چنین شد] تا روزهای

^{۱۲:۷} ۲-سمو داود، ^{۱۶} که مشمول لطف خدا شد و
^{۵:۱} مز ۱۳۲ درخواست کرد که مسکنی برای خدای

یعقوب^t بیابد.^{۴۷} و سلیمان برای او
^{۱:۱۴-۱} ۲۰-۱۹:۸ خانه ای بنا نمود.^{۴۸} اما باری تعالی در خانه
^{۲:۲۶:۱۷} ۲۶:۱۹ دست ساخت^۹ سکونت نمی کند،
^{:۵۸:۱۴} عیر ۲۴، ۱۱:۹ همانطور که نبی می گوید:

^{۴۹} آسمان برای من تخت و زمین

۸- نقل قول از ترجمه یونانی عهد عتیق: عا ۵:۲۵-۲۷. در این نقل قول که استیفان آن را قدری تغییر داده است، بت پرستی مصرانه در قوم اسرائیل تسبیح شده و زمینه بقیه سخنرانی را درباره مکان مقدس آماده می سازد (بندهای ۵۰-۴۴).

t- در بعضی از نسخه های خطی قدیمی: برای خاندان یعقوب.

۹- ترجمه تحتاللفظی: ساخته های دست. در اینجا استیفان همان استدلالی را بکار می برد که پولس در موضعه های خود به روش یهودیان در مقابل معبد های مشرکان (۱۷:۲۴ توضیح) و در مقابل بت های ایشان بکار می برد (۱۷:۲۹ توضیح). بنابراین وضعیت استیفان در مقابل معبد خیلی ملاحظه کارانه است (ر. ک. ۷:۷ توضیح).

۷- اش ۲:۱-۶۶.

W- که همواره به وسیله موسی و پیامبران سخن می گفته است (بند ۵۲) و اکنون هم بوسیله سخنرانی و اعلام کنندگان انجیل سخن می گوید (ر. ک. بند ۵۵).

X- ر. ک. ۱۴:۳ توضیح.

۱۰- تنها موردی که به عنوان پسر انسان خارج از انجیل یا از زبان یسوع ذکر می شود و ظاهراً اشاره به یکی از اظهارات یسوع در طی محکمه او است (لو ۲۲:۶۹؛ ر. ک. اع ۱۳:۶ توضیح).

نخستین شکنجه بر کلیسا

▲ ^۱ رسول با قتل او موافق بود. و در آن روز جفای ^۲ شدیدی علیه ^{۱۹:۱۱} کلیسای اورشلیم ^۳ اتفاق افتاد به طوری که همگی به استثنای رسولان ^۴ در نواحی یهودیه و سامره پراکنده شدند. ^۵ و مردانی پارسا استیفان را دفن کرده و بر او زاری پیدا ^{۱۰:۵} بسیار کردند. ^۶ اما رسول به کلیسا صدمه ^{۴:۲۲} می زد. به وسیله وارد شدن خانه ها، مردان ^{۱-۱۰:۲۶} و زنان را در بند کشیده و به زندان تسليم ^{۱:۱۵} فرن ^{۹:۹} غلام ^{۲۳:۱۳} فی ^{۶:۶} می کرد. ^۷ حقیقتاً [اما] آنان که پراکنده شده بودند، هر جا که می رفتد نوید سخن را اعلام می کردند.

سمت راست خدا ایستاده است.» ^{۵:۷} و آنها با صدای بلند فریاد برآورده، گوش های خود را گرفته و یکدل بر او هجوم آوردند. ^{۶:۸} و او را از شهر بیرون رانده سنگسار کردند، و شاهدان ^{۷:۱۷} عبر ^{۱۲:۱۳} لوب ^{۲۹:۴} کن ^{۱۹:۱۴} جامه های خود را جلوی پای جوانی به نام سولس ^۷ انداختند. ^{۸:۹} و در حالی که سنگسارش می کردند، استیفان نیایش لوب ^{۴:۲۳} کن ^{۶:۶} می گفت: «ای خداوند یسوع، روح مرا بپذیر. ^{۹:۰} سپس زانو زده با صدای بلند فریاد برآورده: «خداوندا، این گناه را بر ایشان مگیر.» و چون این را گفت، به خواب فرو رفت. ^b

- کتاب اعمال رسولان یادآوری می کند که پولس در هنگام مرگ استیفان حضور داشته (۱۰:۲۶؛ ۲۰:۲۲) و بدین وسیله می خواهد تلقین کند که این واقعه در او اثر گذاشته است.

a - در اینجا و در بند ۶۰ سخنان استیفان، که خطاب به یسوع است، ما را به یاد سخنانی می اندازد که یسوع بر روی صلیب به زبان آورده و مختص به انجیل لوقا است (لو ۲۳:۳۴-۴۶). در اینجا شاهدان نخستین شهید مسیحیت در پیروی و به مانند مرگ یسوع ارائه شده است. ر. ک. ۱۳:۶ توضیح.

b - ترجمه بالا تحت الفظی است. ترجمه دیگر: مرد (فوت کرد).

c - از آخر بند ۱ تا بند ۴، پرداختن به مرحله مهمی از اعمال رسولان است (۸:۵ الی ۱۱:۲۶)، بدین معنی که انجیل پس از اورشلیم (ر. ک. ۸:۱) از یک محل به محل دیگری رفته (۸:۴) و مخصوصاً بوسیله فیلیپس به سامره (۸:۵-۴۰)، سپس با پطروس به قیصریه (۹:۲۳ الی ۱۱:۱۸) و با یونانی گرایان به انتاكیه می رسد (ر. ک. ۹:۱۶ توضیح). از سوی دیگر آن کسیکه بعدها رسول ملتها می شود، به مسیحیت می گردد و آغاز به موضعه می کند (۹:۱-۱۰:۳). به طوری که مشاهده می شود شکنجه ای که بر مسیحیان وارد می شده، بدون اینکه خواسته باشد موجب انتشار سریع رسالت می شود (۱۰:۴ و ۱:۸). تویسته این پدیده را به واقعه شهادت استیفان مربوط می کند (۸:۲). از سوی دیگر رسول شکنجه گر است، ناخوداگاه بسوی مسیحیت گرایش می کند (۳:۸).

d - در اینجا نخستین باری است که پس از کلمه کلیسا نام محل جغرافیایی ذکر شده، و احساس می شود که کلیساهای محلی دیگری تأسیس خواهند شد (ر. ک. ۱۱:۲۲؛ ۱:۱۳).

e - تا اینجا فقط پطروس و یوحنا (۴:۲-۱۷:۵؛ ۲۲:۴) و سپس استیفان مورد تعقیب و شکنجه بودند و نخستین بار است که این فشار متوجه کلیسا و یا بهتر بگوییم قسمتی از کلیسا می شود (احتمال دارد که یونانی گرایان هدف این اقدامات بوده اند ۱:۶ توضیح). در اینجا منظور از کلمه «رسولان»، رسولان و ایمانداران عبرانی است که وفاداری شان به یهودیگری محلی، آنان را از شکنجه و آزار در امان نگه می داشت.

۱۳ و شمعون هم خود ایمان آورد و چون تعمید یافت به همراه فیلیپس ماند و از دیدن کرامات و معجزه‌های بزرگی که روی می‌داد مبهوت می‌بود.

۱۴ اما رسولان که در اورشلیم بودند وقتی شنیدند سامرہ سخن خدا را پذیرفته است، ۱۱:۱۷، ۱:۱۱

پطرس و یوحنا را به آنجا فرستادند. و چون آمدند، برای ایشان نیایش کردند تا روح القدس را دریافت نمایند.^{۱۵} زیرا هنوز بر روی هیچ یک از ایشان نزول نکرده بود و ۱۵:۱۱، ۴۴:۱۰

فقط به نام خداوند یسوع تعمید یافته بودند.^{۱۶} آنگاه آنها دستهای را روی آنها می‌گذاشتند^۱ و آنان روح القدس را دریافت می‌کردند.

۱۸ اما شمعون که دید با گذاشت دستهای رسولان، روح [القدس] داده می‌شود، پولی به ایشان تقدیم کرد،^{۱۹} [و] گفت: «به من هم این قدرت را بدھید تا روی هر کس دست ها را بگذارم، روح القدس را دریافت کند». ^{۲۰} ولی پطرس به او گفت: «پول تو با خودت نیست باد! زیرا تصویر کرده ای

سخن خدا در سامرہ

^۵ اما فیلیپس^f که به شهری از سامرہ^g وارد شده بود، مسیح^h را به ایشان اعلام می‌کرد.

^۶ اما جمیعت متفقاً به [سخنان] فیلیپس گوش دادند [چون] کراماتی را که انجام می‌داد، می‌شنیدند و می‌دیدند.^۷ زیرا از افراد بسیاری که ارواح پلید داشتند، این ارواح با صدای بلند فریاد برآورده و خارج می‌شدند. و بسیاری از مفلوجان و لنگان شفا یافتند.^۸ و در آن شهر شادی عظیمیⁱ روی داد.

^۹ اما مردی به نام شمعون در آن شهر قبل^j

۳۶:۵ بود که جادوگری می‌کرد و مردم سامرہ را مبهوت نموده، او خود را شخص بزرگی می‌خواند.^{۱۰} و همه از خرد و بزرگ به او توجه می‌کردند، می‌گفتند که این قدرت خدا است، [قدرتی]^k که بزرگ^۱ می‌نامندش.^{۱۱} و به او توجه می‌کردند، زیرا از مدتی طولانی بوسیله جادوگری‌های خود، آنان را مبهوت کرده بود.^{۱۲} اما وقتی فیلیپس مژده نیکو درباره ملکوت خدا و نام یسوع مسیح^k را به ایشان اعلام کرد ایمان آوردن و مردان و زنان تعمید می‌یافتد.

f- فیلیپس یکی از هفت نفر مأموران خدمت سفره‌ها و احتمالاً یونانی گرا بوده است (۶:۵ توضیح). وی مژده را (۸:۵، ۱۲، ۳۵، ۴۰) به سامرہ برد است (۸:۵-۲۵)، جایی که قبلًا توجه لوقا را جلب کرده بود (۹:۲۵ توضیح). همچنین پس از تعمید دادن خواجه سرای حبشه (۸:۲۶-۳۹)، نوید را به شهرهای دیگر تا قیصریه (۸:۳۰) می‌برد. و روزی پولس او را در قیصریه می‌یابد که با عنوان مروج نوید خدمت می‌کند، عنوانی که کاملاً شایسته او است (۸:۲۱).

g- مثلاً شهر سوخار (یو ۴:۵) یا شهر دیگری است. در بعضی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: شهر سامرہ؛ در این صورت منظور شهر سیاست است، یعنی سامرہ جدید، که بوسیله هیرودیس کبیر ساخته شده بود.

h- منظور مسیح موعود است (۲:۳۶ توضیح) که سامریان هم انتظار او را داشتند (یو ۲:۲۵).

i- مثل لوقا (۱:۱۴ توضیح) اعمال شادی را اغلب ذکر کرده است (۱:۱۱؛ ۸:۹؛ ۱۱:۱۱؛ ۱۳:۲۴؛ ۱۳:۴۸-۵۲؛ ۱۵:۵۲-۵۴). ر.ک.

j- شمعون را تجلی مستقیم و عظیم قدرت خدا می‌دانستند.

k- ر.ک. ۱۳:۱۶ توضیح.

l- ر.ک. ۶:۶ توضیح. روح القدس که به کلیسا اورشلیم داده شده بدين گونه به سامریانی که تعمید یافته اند منتقل گردیده است. ضمناً فرستادگان رسولان یعنی پطرس و یوحنا (بند ۱۴) به مأموریت فیلیپس اعتبار کاملاً رسولانی می‌بخشند.

رئیس تمام خزانه او بود، برای پرسشش به اورشلیم آمده بود.^۹ و او در راه بازگشت، روی ارابه خود نشسته، [کتاب] اشعیای نبی را می خواند.^{۱۰} و روح [القدس] به فیلیپس گفت: جلو برو و به آن ارابه بپیوند.^{۱۱} فیلیپس پیش دویده و شنید که او [کتاب] اشعیای نبی را می خواند^{۱۲} و گفت: «آیا آنچه را که می خوانی نیز می فهمی؟»^{۱۳} او گفت: «چطور بتوانم، اگر کسی مرا راهنمایی نکند؟» و از فیلیپس دعوت کرد سوار شده و با او نشست.^{۱۴} و قسمتی از نوشته [المقدس] را که می خواند این بود:

«مانند گوسفندی به کشتارگاه برده شده و مانند بره ای بی زبان جلوی آنکه پشمتش را می چیند، دهان خود را نمی گشاید.^{۱۵} در سرافکنندگی [او]، حق از او گرفته شده از تیار او چه کسی سخن خواهد گفت زیرا زندگی او از زمین برگرفته شده است.^{۱۶}»^{۱۷} خواجه سرا به سخن درآمده به فیلیپس گفت: «بفرما، پیامبر درباره چه کسی این را می گوید؟ در مورد خودش یا در باره دیگری؟»^{۱۸} پس فیلیپس دهان خود

به وسیله پول موهبت خدا را بدست می آوری.^{۱۹} برای تو سهمی یا بهره ای در این امر نیست. زیرا دل تو در برابر خدا، راست نمی باشد.^{۲۰} از این بد جنسی خود توبه کن و به خداوند نیایش نما، شاید این طرح دل تو بخشیده شود.^{۲۱} زیرا می بینم که گرفتار زهره تلح و اسیر بی عدالتی هستی.^{۲۲} اما شمعون پاسخ داده گفت: «شما برای من، [خودتان] نزد خداوند نیایش کنید تا از آنچه گفتید چیزی بر من نرسد».^{۲۳}

اینان پس از شهادت دادن و اعلام سخن خداوند به اورشلیم بر می گشتند و در بسیاری از دهات سامریان مژده نیکو را اعلام می کردند.

فیلیپس و خواجه سرای حبسی

^{۲۴} و فرشته خداوندⁿ به سخن درآمده، به فیلیپس گفت: «برخیز و به سوی جنوب^o، به راهی که از اورشلیم به غزه می رود برو و این راه بیابانی است.^{۲۵} و او برخاسته به راه افتاد. و آنگاه مردی حبسی، که خواجه سرا و کارمند عالیرتبه کنداکه^p ملکه حبسیان و

m- در قرون وسطی در زبان های اروپائی اصطلاح simonie (روش شمعونی) به رفتاری اطلاق می شد که در آن، مقدسات با بول میادله می شد و این عمل را محکوم می کردند.

n- ر. ک. ۸:۲۳ توضیح. فرشته خداوند در بندهای ۲۹ و ۳۹ روح القدس می شود (ر. ک. ۱:۱۰ توضیح).

o- ترجمه تحت لالفظی: برخیز و برو، این عبارت به روش بیان زبان های سامی است و در بند ۱۱:۹ نیز آمده است. کلمه ای را که به طرف جنوب ترجمه شده می توان در حدود نیمروز ترجیمه کرد، ر. ک. ۶:۲۲.

p- این کلمه ایم خاص نیست، بلکه عنوان ملکه حبسی است چنانکه کلمه فرعون، عنوان پادشاه مصر بوده است. q- یا برای زیارت.

r- به صدای بلند می خواند. در دوران کهن عادت بر این بود که به صدای بلند بخوانند.

s- نقل قول از ترجمه یونانی اش ۸:۵۳ آمده و در کتاب اعمال رسولان تنها مورد (ضمناً ر. ک. ۱۳:۳ توضیح) نقل قول سروشی است که در اش ۱۳:۵۲ تا ۱۲:۵۳ آمده است. در کتاب اعمال رسولان تنها مورد (ضمناً ر. ک. ۱۳:۳ توضیح) نقل قول سروشی ها و مصلوب شدن یسوع داشته است. ملاحظه کنید لو ۳۷:۲۲ توضیح: مت ۸:۱۷ توضیح؛ روم ۱۰:۱۶ و ۱۵:۲۱ پطر ۲:۲۴، ۲:۲۵).

پیام نیکو را اعلام می کرد تا این که به
قیصریه رسید.^a

دعوت پولس^z

۹ اما سولس که هنوز تهدید و قتل
نسبت به شاگردان^a خداوند را می
دمید، به کاهن اعظم نزدیک شد،^۲ و از او^۱ -۱۵:۱۵ مک.
نامه هایی خطاب به کنیسه های دمشق^{۲۴}
درخواست کرد تا اگر کسانی را بیابد که از
[اهل] این طریق^b هستند، مرد یا زن، بند^{۳:۸}
کشیده به اورشلیم بیاورد.

۳ در هنگام پیمودن راه، او چون نزدیک
دمشق رسید، ناگهان در اطراف او نوری^{۱:۱۹}
درخشید که از آسمان می آمد.^۴ و به زمین
افتاده، صدای شنید که به او می گوید:
«سولس، سولس^c، چرا مرا شکنجه

لو ۲۷:۲۴ را گشوده^t و از این نوشته [مقدس] آغاز
کرده^{۱۰} نوید یسوع را به او اعلام نمود.^{۳۶} و
چون راه را ادامه می دادند به قدری آب
رسیدند و خواجه سرا گفت: «اینک آب،
چه چیزی مانع از آن است که تعیید یابم؟»^{۱۷:۱۰}
۳۷ [و فیلیپس گفت: «اگر از [صمیم] قلب
ایمان بیماری ممکن است»] و او جواب داد:
«ایمان دارم که یسوع مسیح پسر
خداست.»^۷ **۳۸** و دستور داد ارباب را
نگهدارند و فیلیپس و خواجه سرا، هر دو
نفر در آب^w فرو رفته و او را تعیید
داد.^{۳۹} وقتی که از آب بیرون آمدند، روح
۱-پاد ۱۲:۱۸ خداوند فیلیپس را بر گرفت و خواجه سرا
دیگر او را ندید، در حالیکه شادمان به راه
خود می رفت.^{۴۰} اما فیلیپس در اشدود پیدا
۱-سمو ۷-۱ شد و همچنان که می گشت در تمام شهرها

t- این اصطلاح در کتاب مقدس (ر.ک. دان ۱۰:۱۶؛ ایوب ۳:۱؛ وغیره) برای تاکید در مورد اهمیت مطالبی است که بیان
خواهد شد. ر.ک. ۳۴:۱۰.
u- ر.ک. ۱۸:۳ توضیح.

۷- بند ۳۷ مخصوصاً در نسخه های خطی غربی گواهی شده است (از قرن دوم میلادی) و بدین صورت آمده: اگر از صمیم قلب
خود ایمان داری، مجاز است. خواجه سرا پاسخ داد: ایمان دارم که یسوع مسیح پسر خدا است. این جملات احتمالاً انعکاس
عبارات کهنی هستند که در هنگام تعیید دادن بیان می کردند. ر.ک. ۲۰:۹ توضیح.

w- منظور تعییدی است با فرو رفتن در آب (ر.ک. ۱:۹-۱۰). ضمناً تصویر تدفین در روم ۶:۴ نیز مستلزم این نوع آئین است.

x- شادمانی بر اثر ایمان (۸:۸ توضیح) که پس از ناپدید شدن فیلیپس هنوز باقی مانده است شاید به علت همین ناپدید شدن
شگفت آور است.

y- پطرس هم به قیصریه خواهد آمد (۱۰:۲۴-۲۸) و پولس هم در اینجا در خانه فیلیپس منزل خواهد کرد (۸:۲۱).
z- موضوع گرویدن سولس - پولس به مسیحیت سه بار در کتاب اعمال رسولان روایت شده که در اینجا نخستین آنها آغاز می
شود (۱۹:۱-۹). دور روایت دیگر (۲۲:۲۶-۴:۲۱) جزء سخنرانی های پولس ذکر شده است. این روایت که سه بار
تکرار می شود و تقاویت های قابل ملاحظه ای با یکدیگر دارند، کشان می دهد که به نظر لوقا این واقعه اهمیت شایانی دارد
(ر.ک. ۱:۱۰ توضیح)، زیرا با اینکه ماوراء چهل روز روی داده است (۳:۱ توضیح) با این همه دخالت کم اهمیتی نیست و
یسوع پس از برخاستن از میان مردگان به پولس مأموریت داده است که نامش را به پیش ملت های غیر بهود ببرد (بند ۱۵).

a- ر.ک. ۱:۶ توضیح.

b- کلمه طریق معمولاً به معنی طرز عمل و رفتار است (ر.ک. اش ۱۵:۳۱؛ امث ۱۵:۲۱). ولی کتاب اعمال رسولان و فقط این
کتاب، مفهوم جدیدی برای این کلمه قائل شده است، زیرا یکی از کلمه هایی است (ر.ک. ۱۱:۲۶ توضیح) که در مورد
مسیحیان بکار می رود (۹:۱۹، ۲۳:۲۲، ۴:۲۴، ۲۲:۲۳)، چونکه مسیحیان طریقی را پیروی می کنند که طریق خداوند،
طریق خدا (۱۸:۲۶، ۲۵:۱۸). مت ۲۲:۱۶؛ وغیره) و طریق نجات است (۱۶:۱۷؛ ر.ک. مت ۲۱:۲۲).

c- در متن یونانی اعمال رسولان، نام عبرانی پولس، به صورتی که می توان تا حد امکان در زبان یونانی تلفظ کرد (ر.ک.
بند ۱۷) ذکر شده است.

در خانهٔ یهودا، سولس نام طرسوسی را جستجو کن، زیرا او در حال نیایش است.^{۱۲} و در [رؤیایی] دیده است^۱ که مردی به نام حنانیا وارد شده و دست‌ها را بر روی او گذاشته است تا دوباره ببیند.^{۱۳} پس حنانیا پاسخ داد: «خداؤندا، در بارهٔ این مرد خیلی شنیده‌ام که چقدر به مقدسان^a تو در اورشلیم بدی رسانده است.^{۱۴} و در اینجا، از طرف کاهن‌ان اعظم اختیار دارد همه آنانی را که نام تو را می‌خوانند^k به بند بکشد.^{۱۵} و خداوند به او گفت: «برو، زیرا این ظرف برگزیده من است تا نام مرا^۱ به مقابله امت ار^{۱۰:۱} و همچنین پادشاهان و پسران اسرائیل ببرد.^{۱۶} زیرا من به او نشان خواهم داد همه آنچه را که باید به خاطر نام من رنج بکشد.^{۱۷} پس حنانیا رفته و به خانه وارد

می‌کنی؟^۵ و گفت: «خداؤندا، تو کیستی؟» [گفت:] «من همان یسوع لو^{۱۰:۱۰} هستم^d که تو او را شکنجه می‌کنی.^۶ اما برخیز و به شهر وارد شو و به تو خواهند گفت چه بایستی بکنی.»^۷ و مردانی که با او راه می‌پیمودند توقف کرده، [از حیرت] خاموش مانده بودند، چون که صدرا را می‌شنیدند اما کسی را نمی‌دیدند.^f و سولس از زمین برخاست: اما با این که چشمانش باز بود چیزی نمی‌دید.^۸ پس دست او را گرفته به دمشق برداشتند،^۹ و سه روز شد که نایبنا بود و نمی‌خورد و نمی‌آشامید.

^{۱۰} در دمشق شاگردی به نام حنانیا^h بود و خداوند در رؤیایی به او گفت: «ای حنانیا»، او گفت: «خداؤنده، اینک من.»^{۱۱} و خداوند به او [گفت]: «برخیز و به خیابانی که آن را راست می‌نامند برو، و

d- اصطلاح من هستم، در اینجا نظیر موارد دیگر (لو ۸:۲۱؛ ۳۹:۲۴؛ ۷۰:۲۲؛ ۳۵؛ ۲۰:۶؛ ۳۹:۲۴؛ ۷۰:۲۲؛ ۳۵؛ وغیره) کلماتی مبنی بر تجلی و مکاشفه‌الهی است.

e- این خداوند است که در وجود شاگردانش تعقیب و شکنجه را تحمل می‌نماید. ر. ک. ۱۴:۵ توضیح.

f- فقط پولس، خداوند را دید (ر. ک. بند ۲۷) و همراهان او در حاشیه واقعه قرار داشتند (ر. ک. ۹:۲۲).

g- پولس بر اثر درخشش نورانی تجلی خدا نایبنا شده بود (ر. ک. ۱۱:۲۲). h- حنانیا اصلاً یهودی بوده (۱۲:۲) (چنانکه سایر شاگردن دمشق هم بودند)، زیرا در غیر این صورت، نویسنده که به گرویدن افراد سایر ملت‌ها توجه داشته، آن را بیادآوری می‌کرد. ضمناً در بارهٔ تأسیس کلیسا‌ی ایضاً در دمشق اطلاعی در دست نیست.

i- کلمه در رؤیایی فقط در بعضی از نسخه‌ها آمده است. دو رؤیا به موازات هم آمده و دخالت خدا را در اعزام به مأموریت به سوی ملت‌ها را نشان می‌دهد. ر. ک. ۲۰-۱۹:۱۰.

j- کلمه مقدسان، نام دیگری برای مسیحیان است (ر. ک. ۲۶:۱۱؛ ۳۲:۹؛ ۴۱:۱۰؛ ۲۶:۱۸)، در نوشته‌های پولس فراوان است (روم ۷:۱-۱-قرن ۲:۱؛ ۳:۲؛ ۱۴:۲؛ ۱۶:۱؛ ۳:۳؛ وغیره)،

ر. ک. کلمه تقدیس شده (۳۲:۲۰ توضیح). در آیین یهود، به طور کلی این صفت را به اعضای جماعت مسیحیانی که خواهد آمد اخلاق می‌کردند (دان ۱۸:۷ توضیح)، ولی جماعت قمران این صفت را پیشاپیش به خود نسبت داده بودند. مسیحیان خود به خوبی آگاهند که هم اکنون جماعت مسیحیابی را به دور یسوع، مسیح موعود، مقدس به تمام معنا، تشکیل داده اند.

۱۴:۳ توضیح.

k- طرز دیگری (ر. ک. ۲۶:۱۱ توضیح) برای نامیدن مسیحیان (ر. ک. ۱۶:۲۲؛ ۲۱:۹) که مسلمان از بول ۵:۳ اقتباس شده است.

l- منظور از بردن نام من کمتر به مفهوم انتقال و اعلام نام می‌باشد و بیشتر به معنی گواهی و اعتراف است، در حالی که متهم شده و تحت تعقیب و شکنجه قرار می‌گرفت (ر. ک. ۱۹-۱۲:۲۱) چنانکه در بند بعدی تاکید خواهد شد. به این ترتیب همان کسی که تعقیب و شکنجه می‌داد، اکنون خود مورد تعقیب و شکنجه قرار دارد.

یسوع یهودیان ساکن دمشق را منکوب می کرد.

^p اما چون روزهای بسیاری گذشت،

یهودیان با هم تصمیم گرفتند او را بکشند.^{۲۴} ولی سولس بر دیسیسه ایشان

مطلع شد و ایشان نیز شب و روز هم دروازه ها را مراقبت می کردند تا او را

بکشند.^{۲۵} پس شاگردان^q، شبانه او را

گرفته، در زنبلی گذاشته و از طریق حصار او را پایین آوردند.

شد و دست ها را بر روی او گذاشته^m گفت: «ای برادر سولس، خداوند مرا فرستاده است، یسوع که در راهی که می آمدی بر تو ظاهر شده، تا دوباره بینایی را باز یابی و پر از روح القدس باشی.»^{۱۸} و طوⁿ همان دم از چشمان او به مانند فلس هایی افتاده و بینایی را باز یافت و بپاخته تعمید داده شد.^{۱۹} و با خوردن غذا دوباره نیرو گرفت.

موقعة سولس در دمشق

و او چند روزی با شاگردان در دمشق گذراند.^{۲۰} و بلا فاصله در کنیسه ها موقعه می کرد به یسوع که او پسر خدا^{۲۱} است. و همه کسانی که می شنیدند مبهوت [متخبر] بوده و می گفتند: «آیا این همان نیست که با خوانندگان این نام در اورشلیم بدفتراری^{۲۲} گذراند.^{۲۳} و^{۲۴} بدانندگان این نام در اورشلیم بدفتراری می کرد و به این خاطر به اینجا نیامده بود تا ایشان را به بند کشیده و به نزد کاهنان اعظم ببرد؟»^{۲۵} اما قدرت سولس [هر روز]^{۲۶} بیشتر می شد و با ثابت کردن مسیح بودن

^m- چنین به نظر می رسد که در آنجا گذاشتن دست ها با عمل شفا دادن و اعطای روح القدس ارتباط دارد. ر. ک. ۶:۶ توضیح.

ⁿ- عبارت را بایستی چنین درک: گویا بلا فاصله فلس هایی از چشمانش افتاد.

^۰- عنوان پسر خدا در جای دیگر (به استثنای بند ۳۷:۸ که در بعضی از نسخه های خطی وجود دارد)، در کتاب اعمال رسولان به یسوع داده نشده، مگر اینکه نقل قول در ۳۳:۱۳ را نیز در نظر بگیریم. به هرجهت در هر دو مورد پولس این عنوان را بکار برده. که در نامه های خود آنرا اکثراً می آورد (۱۰:۱؛ ۱۶:۱؛ ۲۰:۲؛ ۲۰:۲؛ وغیره). بکار بردن این عنوان به موازات عنوان مسیح موعود (بند ۲۲)، مفهوم مسیحیان آنها را تاکید و یادآوری می نماید. ۳۲:۱ توضیح: ۱:۳۵ توضیح.

^p- آیا نویسنده از مسافرت پولس به عربستان اطلاع داشته؟ (غلای ۱۷:۱).

^q- در بعضی از نسخه های خطی آمده است: شاگردانش ۱۴:۲۰ توضیح. قضیه فرار از دمشق را پولس در ۲-قرن ۱۱:۳۳ یادآوری کرده است.

^r- ر. ک. ۳۶:۴ توضیح.

^s- بندهای ۲۷-۳۰ در مورد روابط پولس با رسولان و با اورشلیم یادآوری و تاکید می کنند (این موضوع را با آنچه در غالیا ۱۸:۱-۲۴ آمده است مقایسه نمایید).

^t- ترجمه دیگر: که او [سولس] با [خداوند] سخن گفته.

^u- ر. ک. ۱۳:۴ توضیح.

برخیز و خودت بسترت را جمع کن»، و هماندم او برخاست.^{۳۵} و تمام ساکنان لده و سارون او را دیده و به خداوند گرویدند.

برخاستن طابیتا از مرگ در یافا
^{۳۶} و در یافا شاگردی به نام طابیتا بود که ترجمه آن غزال^c است. او سرشار از اعمال نیک و صدقه^d دادن بود.^{۳۷} و در آن روزها بیمار شده و مرد. پس از شستن او را در بالاخانه گذاشتند.^{۳۸} لده در نزدیکی یافا است^e و شاگردان که اطلاع یافتند پطرس در آنجا است، دو مرد را به نزد او فرستاده درخواست کردند که «در آمدن به نزد ما تأخیر ممکن!». ^{۳۹} پس پطرس برخاسته با ایشان آمد. وقتی که رسید او را به بالاخانه بردنده و همه بیوگان حاضر، گریان لباس‌ها و جامه‌هایی را که غزال، وقتی با آنها بوده، درست می‌کرده به او

و آمد می‌کرد و با اطمینان به نام خداوند سخن می‌گفت.^{۴۰} و نیز او با یونانی گرایان^۷ سخن می‌گفت و بحث می‌کرد. اما ایشان در صدد کشتن او برآمدند.^{۴۱} ولی برادران که پی بردنده، او را به قیصریه برد و [از آنجا] او را به طرسوس فرستادند.^w ^{۴۲}:۲۰ از آنگاه کلیسا^x حقیقتاً در تمامی یهودیه و جلیل^y و سامرہ آرامش یافت، در ترس از خداوند بنا می‌شد و رفتار می‌کرد و به وسیلهٔ ^{۴۳}:۱۰ تسلی روح القدس افزایش می‌یافت.^z

شفا یافتن اینیاس در لده

^{۴۴} اما پطرس که به همه جا می‌رفت^a، به نزد مقدسان ساکن لده^b نیز وارد شد.^{۴۵} و در آنجا شخصی به نام اینیاس را یافت که برای هشت سال بر روی بستری خوابیده، فلچ بود.^{۴۶} ^{۴۷}:۳ و پطرس به او گفت: «ای اینیاس، یسوع مسیح تو را شفا می‌دهد،

۷- منظور یونانی گرایان یهودی هستند که مخالفت شدید ایشان با پولس نشان می‌دهد که چندان با پیام رسولان موافقت نداشتند. ر. ک. ۱:۶ توضیح.

W- طرسوس شهر زادگاه پولس در ایالت قلبیقیه است (۳:۲۲) که در آنجا چندین سال اقامت خواهد کرد. (ر. ک. ۲۵:۱۱؛ ۲۱:۱).

X- کلمه کلیسا - اگر روایت بعضی از نسخه‌ها را که آنرا به صورت جمع (کلیساها) نقل می‌کنند رد کنیم - در اینجا به معنی مجموعه کلیساها است (ر. ک. ۱۱:۵ توضیح). این یکی از دو موردی است در کتاب اعمال رسولان در دو مورد، یکی در اینجا، دیگری در ۲۸:۲۰، اصطلاح کلیسا‌ای خدا به معنی مجموعه کلیساها آمده است.

Y- در مورد ایجاد کلیسا‌ای در جلیل، اطلاعی در دست نیست. Z- ذکر توسعه و افزایش آرام کلیسا (ر. ک. ۴۲:۲ توضیح)، مقدمه‌ای بر ذکر مسافرت‌های پطرس و همراهانش می‌باشد (۳۲:۹ توضیح).

a- ترجمه دیگر: اما پطرس که مرتباً جایه جا می‌شد.

b- نویسنده از وقایع مسافرت‌های پطرس فقط دو معجزه را ذکر کرده است (۴۲-۳۲:۹) که از نظر زمینه وقایع و شکل، بعضی از معجزه‌های یسوع را به یاد می‌آورند (ر. ک. ۲:۳ توضیح). این دو روایت (ر. ک. ۴۳:۹ و ۵:۱۰-۶:۱۰) مقدمه واقعه مهمی است که در قصیره روی می‌دهد (۱:۱۰ توضیح).

c- در متن یونانی Dorcas (دورکاس) آمده، ترجمه نام عبری طابیتا؛ ر. ک. ۲۳:۱؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۲:۱۳؛ ۹، ۱:۱۳ توضیح.

d- ذکر صدقه‌ها شاید یادآوری صدقه‌های کرنیلیوس است (۱:۱۰ توضیح). به هر صورت در آینه یهود برای صدقه دادن ارزش قاتل بودند (طو ۷:۴-۱۱:۱ ر. ک. مت ۶:۱-۴) و در مسیحیت نوعی توزیع ثروت بشمار می‌رود (ر. ک. ۴۴:۲ توضیح)، که لوقا به آن علاقمند است (لو ۱۱:۴۱ توضیح).

e- در حدود بیست کیلومتر.

پیش دباغی به نام شمعون اقامت نمود.

رؤای کرنیلیوس در قیصریه^f

۱۰ ^{۴۰:۸} ^{۲۳:۲۳:۲۳} ^{۱:۲۷} ^{۲:۷} ^{۳۵:۲۲:۱۰} ^{۵۰:۲۶:۱۶:۱۳} ^{۱:۱۶} ^{۳:۶:۹} ^{۵:۷:۲} ^{۳:۷:۲} ^{۲:۳:۴} ^{۱:۱:۸} ^{۱:۳} ^{۹:۱:۸} و در قیصریه^g مردی بود به نام کرنیلیوس، فرمانده یک سپاه صد نفری به نام ایتالیانی^h. ^۲ وی با تمام خانوارⁱ متلقی و خدا ترس^j بوده، به مردم^k صدقه فراوان می داد و همواره به هر نوع خدا را عبادت می کرد.^۳ حدود ساعت نهم روز^l در رویا^m به موضوع

لو:۸-۵۲ نشان می دادند. ^{۴۰} پس پطرس همگی آنان را به بیرون راند و به زانو درآمده نیایش کرد و به سوی جسد برگشته گفت: «ای مرد^{۴۱} طابیتا، برخیز!» او چشمان خود را باز کرد و چون پطرس را دید، نشست. ^{۴۱} وی دست به آن [زن] داده، او را بلند کرد و مقدسان و بیوگان را صدا کرده، او را به ایشان زنده سپرد. ^{۴۲} و در تمام یافا، از این امر اطلاع یافته و بسیاری به خداوند ایمان آوردن. ^{۴۳} و وی روزهای زیادی را در یافا،

- مرکز (۴۸:۱۰) و اوج (۴۸:۱۱) طولانی ترین گزارش اعمال رسولان (۱:۱۰ - ۱۸:۱۱) (۱۸:۱۱)، اوین تعمیدهای غیر یهودیان است. ورود غیر یهودیان به زندگی نوین (۱۸:۱۱) (۱۸:۱۵:۱۱) توسط پطرس پذیرفته شد (۱۸:۱۱) و سپس کلیسا اورشلیم (۱۸:۱۱) آنرا تأیید کرد. به نظر می رسد این واقعه از نظر محلی، نتیجه فوری نداشت ولی این سابقه اساسی و آینده بر شکوهی را تشکیل می دهد (۷:۱۵) توضیح: این رویداد را با اصرار بعنوان ابتکار خود خدا معرفی کرده اند، خدائی که عموماً دخالت های اصلی اش را دو بار نقل کرده و بیاد آوری می کنند: رؤای کرنیلیوس (۱۰:۸-۳:۱) = کرده اند، خدائی که اصولاً دخالت های اصلی اش را دو بار نقل کرده و بیاد آوری می کنند: رؤای کرنیلیوس (۱۰:۸-۳:۱) = ر.ک. (۱۳:۱۱) و رؤای پطرس (۱۰:۱۱ = ۱۶-۹:۱۰ = ۱۰-۵:۱۱ = ۱۰:۱۰ ر.ک.)، دخالت های کم اهیت (۲۰:۱۰) = ر.ک. (۱۲:۱۱) و یا پراهمیت روح (۱۰:۱۱ = ۴۶-۴۳:۱۰ ر.ک.) از طرفی، این طرح خدا فقط بطور تدریجی (۱۰:۱۷، ۵:۱) و (۳:۱۱ = ۴۵:۲۰) بر ذینفعانی که آنرا اجراء می کردد آشکار می شد. ذینفعانی که با فهم تدریجی آن از طریق یک رشته تبادلات در قیصریه (۱:۱۰-۸)، در یافا (۲۳-۹:۱۰) و باز هم در قیصریه (۱۰:۴۸-۲۴) و بالآخره در اورشلیم (۱۰:۱۱-۸) آنرا به انجام می رسانند.

- بخش اول از این مجموعهⁿ (۱:۹-۱۸:۱۱) در قیصریه به وقوع پیوسته (ر.ک. ۸:۴۰ توضیح) رؤای کرنیلیوس (۱۰:۸-۱:۱۰) تکرار و بیاد آوری می شود (ر.ک. توضیح قبلي) به تناوب بین فرشته و روح توجه کنند. (ر.ک. ۲۶:۸ توضیح: توضیح).

- احتمالاً گروهان دوم ایتالیانی که اصولاً از بین ایتالیائی ها استخدام می شدند. ^h - در اینجا و همیشه در (۱:۱۱ = ۱۴:۱۶ و ۸:۱۸) (ر.ک. ۱:۳۱ و ۱۵:۱۶ و ۸:۱۸) منظور از خانوار، تمامی خانواده، غلامان و حتی همکاران و یا دوستان (ر.ک. ۰:۷ و ۲۴) می باشد. عموماً تمام خانوار گرایش نموده و تعمید می گرفتند (۱۶:۱۵:۱۶:۱۳)، (۲۱:۳۱)، (۱۶:۱۸:۸:۱۸) (۱۶:۱) قفر.

- یا: متین و خداترس. تقوی (۳:۱۰ = ۷:۱۰:۱۰ ر.ک. ۲۳:۱۷) کلمه و مفهوم یونانی است که مسیحیت ابتدائی با تأخیر آنرا پذیرفته است. (۱-تیمو^۲: بطری^۲: تیمو^۱: قفر^۱) ترس از خدا اصطلاحی یهودی است که اعتقاد به خدای اسرائیل را همراه دارد. این امر وفاداری به تمام خواسته های عهد در رایطه با خدا و دیگری را شامل می شود و منتهی به شناختی شده که بر مبنای آن و گاهی برخلاف طواهر، دنیا هدف و جهتی دارد. (امت ۱:۱۱:۱ بنسی ۲۰-۱۱:۱) بنا بر این جای تعجب نیست که در اعمال ۳۱:۹، برای بیان تمام ایمان و زندگی کلیسا کفایت کند. منظور از خداترسان افرادی هستند که به یهودیت گرویده (۱۶:۱۳)، (۲۶:۲: ر.ک. ۷:۱۸: پرستندگان خدا) بدون این که به مرحله ختنه برسند (۱۱:۲:۱۱ توضیح). کرنیلیوس و متعلقنش جزء این دسته (۳۵-۲۲:۱۰) هستند که تعداد زیادی از گروندگان به مسیحیت را تشکیل می دهند (۴۳:۱۳ توضیح).

- احتمالاً این صدقات، هدایای بوده که به امت یهودی قیصریه داده می شده است (ر.ک. ۵:۷). این سخاوت ها هستند که نظر خدا را به کرنیلیوس جلب می کنند (۳:۱۰، ۳۱:۳)، (۱۰:۹:۳۶:۹ توضیح).

- یعنی ساعت سه بعد از ظهر.

- کلمه رؤایها در اعمال رسولان خیلی بکار برد می شود: ۷:۵۶-۵۵: ۱۰:۹ و ۱۲: ۱۰ و ۱۷: ۱۰ و ۱۹: ۱۱: ۹: ۱۶: ۹ و ۱۰: ۹: ۱۸ توضیح). ولی هیچ وقت این کلمه برای ظهور یسوع بردوازده رسول بکار برد نشده است.

رؤای پطرس در یافا

^۹ و فردای آن روز وقتی که اینها راه می‌پیمودند و به شهر نزدیک می‌شدند، پطرس حدود ساعت ششم^{۱۰} به پشت بام ^{۶:۲۲} رفت تا نیایش کند.^{۱۱} پس خیلی گرسنه شده و می‌خواست چیزی بخورد. در حالی که [آن را] تهیه می‌کردند، وی به خلسه^{۱۲} فرو رفت.^{۱۳} او آسمان را گشوده دید، و مت^{۱۶:۳} شیئی مثل یک سفره بزرگ که چهار گوشه^{۱۵:۱} حرق آن گرفته شده بود پایین می‌آمد و بطرف زمین نازل می‌شد.^{۱۶} در داخل آن همه چهار پایان و خزندگان روی زمین و مرغان^{۱۷:۱} هوا قرار داشتند.^{۱۸} و ندایی به وی رسید: روم^{۸:۲} «برخیز پطرس، بُکُش و بخور!»^{۱۹} اما پطرس گفت: «نه، نه! خداوندا. زیرا من

فرشتۀ خدا^{۲۰} را دید که نزد او آمد و به او گفت: «ای کرنیلیوس!^{۲۱}» پس با چشمانی خیره شده (بر فرشته) و ترسان گفت: «ای خداوندا! چه شده؟» و او وی را گفت: «دعاهای و صدقات توجهت یادگاری^{۲۲} به پیشگاه خدا برآمدند^{۲۳} و حالا^{۲۴} کسانی به یافا بفرست و شمعونی را که ملقب به پطرس است طلب کن.^{۲۵} او نزد شمعون دباغ که خانه اش نزدیک دریاست، سکونت دارد.»^{۲۶} پس از رفتن فرشته ای که با او صحبتی کرد، [کرنیلیوس] دو نفر از خدمتکاران و یک سرپاز متقدی از آنها یار ملازم او بودند.^{۲۷} صدا زد^{۲۸} و بعد از آنکه همه چیز را برایشان نقل کرد آنها را به یافا فرستاد.

- فرشته خدا (بندهای ۷:۳ و ۲۲:۱۱؛ ۱۳:۱۱) در بند ۳۰ تبدیل به مردی می‌شود. (ر.ک. لو۴:۲۴ و ۲۳): ر.ک. اع ۸:۲۳ توضیح.

- یادبود. مثل یک بنای یادبود یا جشنی برای بزرگداشت (یوش ۷:۴؛ خروج ۱۴:۱۲). شاید هم فربانی (لاو ۲:۲) یا نیایشی (طوف ۱۲:۱۲) که مخصوصاً برای جلب رضایت خدا باشد. در هر صورت منظور این است که دعاها و صدقات کرنیلیوس (۲:۱۰ توضیح) در خاطره خدا حاضرند (ر.ک. ۳۱:۱۰).

- حالا شروع مقطعي تعیین کننده را نشان می‌دهد که با تعمید گرفتن تمام خواهد شد (ر.ک. ۴۸:۱۰). متن در مورد انتظارات کرنیلیوس هیچ نمی‌گوید، مگر چند نسخه خطی که در آخر بند ۶ اضافه کردند: او آنچه را باید انجام دهی به تو خواهد گفت (ر.ک. ۶:۹) جزئیات بعداً توضیح داده شده (۲۲ توضیح) همه چیز با تبادلات مهمان نوازانه همراه است. ر.ک. ۱۸:۶ و ۲۳.

- در برخی نسخه‌ها، در ادامه، عباراتی افزون تر دارد.

- در شرق قدیم و در عهد عتیق، رسولان همیشه دو نفرند (به عنوانِ دو شاهد). در اینجا یک سرپاز همراهشان است. (ر.ک. ۱۱:۱۱:۱۹:۱۰).

- تقریباً ظهر، ساعت غذا خوردن (ر.ک. ۶:۲۲) ساعت معمولی عبادت نبوده است. - کلمه «خُلَسَة» در عهد جدید خیلی نادر است. منظور از آن واخوردگی کامل است که رویا سبب آن است (۱۸:۹ توضیح). رؤایائی که در آن خدا و یا یسوع خواسته هاشان را ابراز می‌دارند. (۱۱:۵:۲۲؛ ر.ک. ۱۷:۲۲) همین کلمه یکی از کلماتی است که تعجب عمیق حاصل از دیدن یک معجزه را بیان می‌کند. (۳:۱۰ توضیح؛ لو ۵:۲۶).

- از قسمت پائین می‌آمد؛ تن و تفسیر این بند ناظم‌مئن می‌باشد. بنظر می‌رسد که پطرس خیمه وسیعی را دیده (عبداتگاه سماوی؟) که بالای آن به آسمان و پائین آن به چهار نقطه زمین (چهار جهت اصلی) می‌رسد. در یکی از نسخه‌های مهم دیگر به نظر می‌رسد که این چادر در هوا توسط چهار گوشه آن معلق است، بدون اینکه مفهوم سفره را داشته باشد. بعضی از ظواهر این رؤایا، رؤای حرقیال (باب ۱) را به یاد می‌آورند: آسمان باز، عدد چهار، حضور حیوانات (توضیح بعدی را ببینید)، صدا [ای خدا].

- این شمارش، همانند تکرار تقریبی آن در ۶:۱۱، شمارش سُفْر بیدایش ۲۱:۱ تا ۲۴ را تداعی می‌کند. علیرغم کمبودها، هر دو متن تمام حیوانات مخلوق خدا را در نظر دارند. ر.ک. توضیحات بندهای ۱۴ و ۱۵.

که آنان را فرستاده ام.»^{۲۱} پس پطرس ۹:۱۵، ۱۲:۱۱ بطرف این مردان^{۲۲} پائین رفت و گفت: «اینک منم آن کسی که شما در جستجویش هستید. سبب آمدن شما چیست؟»^{۲۳} و آنها گفتند: «فرمانده کرنیلیوس، مردی متقد و لوط:۶، ۲۵:۲ خدا ترس، او که تمام امت یهود درباره اش شهادت نیک می دهنده، توسط فرشته مقدس با خبر شده که تو را نزد خانه خود بخواند و سخنان^۲ را بشنود.»^{۲۴} پس [پطرس] آنان را به خانه خوانده و از آنان پذیرایی نمود. روز بعد بلند شده با آنان رفت و چند تن از برادران اهل یافا^{۲۵} نیز با وی رفتند. روز بعد به قیصریه رسیدند. و کرنیلیوس در حالی که [تمام] اقوام و دوستان صمیمی اش را فراخوانده بود منتظر آنان بود.^{۲۶} وقتی پطرس داخل شد، کرنیلیوس به دیدارش آمده^b، خود را به پاهاش انداخته، تعظیم عرب:۷، ۱۰-۱۱:

حزر:۴ هیچگاه چیز کشیف و یا نجسی نخورده ام.^۷»^{۱۵} و از نو، بار دوم، صدایی به او گفت: «آنچه را که خدا پاک اعلام کرده^۸، تو آنرا کشیف مخوان!»^{۱۶} و این سه روم:۱۴، ۴:۴؛ بار اتفاق افتاد. و بلا فاصله آن شیء بطرف افس:۴، ۲۹:۲ آسمان بالا برده شد.^{۱۷} اما در حالی که پطرس، مردد، از خود تعبیر این رویا را می پرسید، اینک فرستادگان کرنیلیوس، که در باره خانه شمعون تفحص کرده بودند، به جلوی در ورودی رسیدند.^{۱۸} و صدا زده و سوال کردند: «آیا شمعون ملقب به پطرس در اینجا سکونت دارد؟»^{۱۹} و چون هنوز پطرس در حال تفکر راجع به رویا بود، روح به او گفت: «اینک دو نفر^X تو را جستجو می کنند.»^{۲۰} پس بلند شو، پائین برو و بدون ملاحظه کاری^{XX} همراه آنان برو، زیرا من^y

۷- پطرس، بعد فرمانی را که صدا به او داد، نفهمید (ر.ک. توضیح بعدی) همچون یهودی پارسا به دستورات باب ۱۱ لاوبان که حیوانات پاگ و نحس را از یکدیگر تمیز داده، و این آخری ها را ممنوع کرده و آنها را سرچشمه نجسی برای مراسم مذهبی می داند، وفادار مانده است.

۸- تحتاللغظی: پاک کرده. بنا بر این صدای بند ۱۳ به نیابت از طرف خدا صحبت کرده و فرمان بکش و بخور دلیلی است مبنی بر اینکه از این به بعد تفاوت بین حیوانات نجس و حیوانات پاک برداشته شده. (ر.ک. ۲۰:۱۵ توضیح). آخرین بعد این مکاشفه در بند ۲۰ تلقین شده در بند ۲۸ تا ۳۴ (توضیحات) تأیید می شود.

۹- در بعضی از روایات مردان و یا سه مرد نوشته شده.

۱۰- یا: بدون شک و تردید. ر.ک. ۹:۱۵ توضیح.

۱۱- به یقین روح از طرف خدا صحبت می کند. وی به پطرس تلقین می کند که آن تَقْيِيد مذهبی را که در مورد حیوانات بکار برد، نباید در مقابل انسان ها تکرار کند (بند ۱۴) این جوابی است به سوالات بی جواب پطرس که مفهوم رویا را از خود می پرسید (بند های ۱۷-۱۹). وی این جواب را درک می کند، چرا که با وجودیهودی بودن، از نامختونان پذیرایی می کند (بند ۲۳)، افرادی که طبق قانون مذهبی نباید با آنان مراوده کند (ر.ک. ۲۸ توضیح). در نتیجه منظور رویای پطرس انسان ها می شوند.

۱۲- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر است. ۱۳- کلمه ای که اینچنین ترجمه شده (ر.ک. ۳۷:۱۰ و ۱۴:۱۱ و ۱۶:۴۳) گاهی معنی اتفاق دارد و گاهی معنی کلام و گاهی هر دو بطور همزمان. در اعمال رسولان، اغلب به معنی یک اتفاق - دخالت خدا در تاریخ، که توسط کلام توضیح داده شده باشد. بند ۵ نمی گوید که کرنیلیوس چه انتظاری می بايست از پطرس داشته باشد (۲۴:۱۰) در اینجا موضوع انتظار بطور مرموز گفته شده (ر.ک. بند ۳۳) و فقط در بند های ۳۷ و ۴۴ واضح گردیده.

۱۴- این برادران همراه پطرس، گواهانی بر عطیه روح به امت های غیر یهود می باشند (۱۰:۱۱؛ ۱۱:۴۵).

۱۵- روایت نسخه غربی: وقتی پطرس به قیصریه نزدیک شد، یکی از خدمتکارانش جلو دویده و رسیدنش را اعلام کرد. کرنیلیوس بیرون شتافت به استقبالش آمد.

بفرست تا از یافا، شمعون ملقب به پطرس را که نزدیک دریا درخانه شمعون دیاغ سکونت دارد، بیاورند.^{۳۳} در همان لحظه به دنبالت فرستادم و تو خوب کردی که رسیدی، پس فی ۱۴:۴ آنکون همه‌ما در پیشگاه خدائیم^d تا آنچه را یو ۶۸:۶ که بوسیله خداوند به تو دستور داده شده بشنویم."

سخنرانی پطرس در خانه کرنیلیوس

^{۳۴} پس پطرس دهان^e گشوده گفت: «براستی می‌فهمم که خدا اصلاً تبعیض^f ثبت: ۱۷:۱۰ غلام: ۶:۶؛ روم: ۱۱:۲؛ افسن: ۹:۶؛ کول: ۲۵:۳؛ پتر: ۱:۱۷ نمی‌شود. ولی در هر امتنی، کسی که از او بترسد و به عدالت عمل کند دلپذیر اوست.^g [این چنین است] کلامیⁱ را که او به پسران اسرائیل فرستاده، و [به مز: ۲۰:۱۷؛ اش: ۷:۵۲؛ روم: ۱۵:۱۰] آنان] مژده نیکوی صلح را از طریق یسوع مسیح که خداوند همگی است، اعلام کرده روم ۱۲:۱۰ است.^j

نمود. اما پطرس او را بلند کرده گفت: «برخیز که من هم یک انسانم!»^{۲۷} و در حالی که با وی صحبت می‌کرد وارد شد و بسیاری را یافت که [در آنجا] جمیعند.^{۲۸} و به آنان اعلام کرد: «شما می‌دانید که تماس و یا نزدیک شدن به بیگانگان برای یک یهودی عملی نامشروع است، ولی خدا به من نشان داده که نباید هیچ انسانی را کشیف و یا نجس نامید.^c نیز به این خاطر است که بدون چون و چرا، و به در خواستان آمده ام. بنا بر این از شما می‌پرسم: به چه خاطر مرا به این جا آورده اید؟»^{۳۰} و کرنیلیوس گفت: «چهار روز قبل در همین ساعت، در حالی که در خانه ام نیایش می‌کردم، در ساعت نهم، مردی بالباس‌های نورانی روبروی من ایستاد^{۳۱} و گفت: «کرنیلیوس! دعاهاست مستجاب شده و در پیشگاه خدا، صدقات تو بخاطر آورده شده است. ^{۳۲} پس کسی را

c- در اینجا پطرس مفهوم عمیق رؤیایش را بیان می‌کند: دیگر نباید نامختونان را تیخیس به حساب آورد. با لغو تمایزین بین حیوانات پاک و نجس، خدا، امکان نجاست مسی (ر.ک. لاو ۱۱) را که مشرکان با خوردن حیوانات نیخس به آن گرفتار می‌شوند، لغومی کند، و به این ترتیب آن مانع اصلی که یهودیان را از معاشرت با مشرکان باز می‌داشت (ر.ک. بند ۲۰ توضیح) از بین می‌رود. خصوصاً تناول غذا با آنان (۳:۱۱). در نظر خدا، تنها ارزش اخلاقی و مذهبی مردم به حساب می‌آید (۳۵:۱۰) توضیح).

d- در بعضی از نسخه‌ها: در مقابل خدا. اصطلاحی متدالو که شاید از بند ۳۱ گرفته شده است. ر.ک. ۳۵:۸ توضیح.

e- تحت اللفظی: خدا بین افراد تمایز نمی‌گذارد (لو ۲۰:۲۱). او تعلقات ملی و موقعیت اجتماعی را به حساب نمی‌آورد (ر.ک. توضیح بعدی).

g- یا: او مطیوع خدا است. بنا براین، این پاکی و یا نجاست نیست که شخص را در مقابل خدا همچون یک قربانی، دلپسند می‌گرداند (فی ۱۸:۴؛ ۱:۵-پطر ۵:۵) بلکه ترس خدا (ر.ک. بند ۲ توضیح) و عدالت (یعنی کیفیت کلی زندگی مذهبی و اخلاقی) و بطور عمیق تر ایمان به یسوع است که قلوب یهودی و غیر یهودی را پاک می‌گرداند (۹:۱۵) ر.ک. روم ۱۸:۱۴ تاکی که از غذاهای پاک و نجس صحبت می‌شود. حالا مفهوم رؤیا کاملاً روشن می‌شود.

h- تأکید اساسی در بندهای ۳۵-۳۴، نمونه جدیدی از مواضع رسولی است (۱۴:۲ توضیح). پس از اعلام مفهوم آمدن یسوع (۳۶)، مراحل رسالتش بطور خلاصه و مطابق انجیل نظیر (۳۷ تا اویل ۳۹). تا فرجم آن یعنی مرگ و رستاخیز و ظاهر شدن‌ها و سپردن رسالت به رسولان (آخر ۴۲) تقل شده و در پایان دعوتی ضمنی به ایمان [به یسوع]. دعوتی مؤید با گواهی پیامبران (بند ۲۳). آشتفتگی روحی پطرس در این بندهای ۳۶-۳۹ ملموس است.

i- پیام نجات که خدا توسط آن صلح بین خود و ادمیان را اعلام می‌کند (اش ۷:۵۲؛ مز ۲۰:۱۰۷؛ ۱۸:۱۴۷). j- اگر در ابتدا، پیام برای یهودیان بوده (۴۶:۱۳ توضیح)، ولی حالا، بدون تمایز برای همه است، زیرا یسوع خداوند همگی است (۳۶:۲) توضیح).

کشتنند.^۴ همان کس را خدا روز سوم^۹ برخیزانده^{۹۹} و [امکان] ظاهر شدن را به او داد،^{۱۰} نه به تمام مردم، بلکه به شاهدانی که از قبل توسط خدا انتخاب شده بودند.^{۱۱} به ما که بعد از رستاخیز وی از بین مردگان، با او خورده و آشامیده ایم.^{۱۲} و به ما دستور داد که به مردم اعلام کرده و شهادت دهیم که او است که توسط خدا [به عنوان] داور زندگان و مردگان^{۱۳} منصوب شد.^{۱۴} تمام انبیاء بر او شهادت می دهند^{۱۵} که هر کس به او ایمان آورد توسط نام او بخشش گناهانش را دریافت کند.^{۱۶}

^{۱۷} شما آنچه را در تمام یهودیه اتفاق افتاده می دانید^{۱۷} که در جلیل شروع شده^{۱۸} بعد از تعمیدی که یرحنا [یوحنا] تعمید دهنده^{۱۹} اعلان می کرد.^{۲۰} یسوع از ناصره که خدا او را آن طوری در روح مقدس و قدرت^{۲۱} مسح کرد، که در حالی که راه می رفت، اعمال نیک انجام می داد^{۲۲} و تمام آنانی را که توسط شیطان اذیت می شدند شفا می داد زیرا که خدا با وی بود.

^{۲۳} و ما شاهدیم^{۲۳} تمام آنچه را که او در سرزمین یهودیان و در اورشلیم انجام داده. همان را که آنها^{۲۴} نیز به دارآویخته و

- این تأیید، بطور همزمان، دو هدف دارد: اتفاقات قبلی و اتفاقات بعدی. نه تنها شوتوندگان، فرزانگی کافی را دارند که آنچه را به آن اشاره خواهد شد بدان، بلکه می توانند مفهوم و قایق را آنطوری که در بند^{۲۵} و تمام سخنرانی هست قبول کنند. به یک مفهوم از ابتدا مؤمن هستند و با این عنوان (ر.ک. ۱۷:۱۱) است که روح را دریافت می کنند (۴۴:۴). ر.ک. ۱۵:۱۱

- ر.ک. ۱۸:۴ تا ۲۱ (نقل قول اش ۱:۶۱) که تلقینی است مبنی بر این که نزول روح بر یسوع در هنگام تعمید (لو ۲۱:۳) -m ۲۲ یک مسح است. همین روح برنامختونان مؤمنی که به پطرس گوش فرا می دهند نزول می کند (بند ۴۴). ر.ک. ۸:۱

توضیح.

-n یا: به عنوان نیکوکار. عنوان نیکوکارگاهی به فرمانروایان یونانی اطلاق می شد (ر.ک. لو ۲۵:۲۲).

-o ر.ک. ۲۲:۱ توضیح: ۸:۱ توضیح.

-p منظور از آنها احتمالاً یهودیان است ولی بدون اینکه در این مورد پافشاری شود (ر.ک. ۲۳:۲-۱۳:۳-۱۵:۱۳).

-q این دقت ترتیب زمانی که در فرصت مناسب، موضعه رسولی (ر.ک. ۴:۱۵ و ۱) به آن اشاره می کرد، تنها در این قسمت اعمال رسولان آمده است. (ر.ک. لو ۲۲:۹-۲۲:۱۳-۳۲:۱۸-۳۳:۷-۲۴:۷ و ۴۶).

-qq تحت الظرفی: اورا به پا کرده.

-r اینچین، سوای گروه گواهان ممتاز، امت یهود تنها یک برتری دارد: اینکه او لین مقصد پیامی باشد (بندهای ۳۶ و ۴۲) که پطرس آنرا در این زمان به ملل غیر یهود اعلام می کند. ر.ک. ۴:۳

-s متن روایت غربی ادامه می دهد: و اینکه مدت چهل روز در ارتباط زنده کی با وی زندگی کردیم.

-t منصب قضی فقط در دو قسمت اعمال رسولان به یسوع اطلاق شده (ر.ک. ۲۵:۷-۲۵:۱۷ توضیح: یکبار در این بند و دیگری در ۳۱:۱۷ (ر.ک. ۲-تیمو ۱:۱-۱-پطر ۴:۵-۵:۱). می ۲۵:۲۱ تا ۴۶). در ایمان یهود، قضاوتش، خاص خداست (روم ۱۶:۲-۶:۳-۱-پطر ۱۷:۱ وغیره) این قضاوتش زندگان و مردگان یقیناً در آخرین برگشت (۱۱:۱) یسوع اجرا خواهد شد. (ر.ک. مردگان و زندگان در ۱-تیمو ۱۳:۴-۱۸-۱۸:۴): ولی همینظور برای مؤلف یک واقعیت زمان حاضر هم هست، همیطور که برای ۲-تیمو ۱:۵-۱-پطر ۱۷:۴: یوحنا، وغیره.

-u در این گفتار، این تنها موردي است که در آن از یک وجهه اساسی موضعه رسولی، که محقق شدن نیوت هاست (۱۸:۳ توضیح) بطور واضح کمک گرفته شده است. مؤلف به متون انبیاء در رابطه با ایمان و بخشش گناهان فکر می کند. (مثل متنی که در روم ۱:۱۷-۳۳:۹-۱۰:۱۰ وغیره آمده اند).

-v این سخن، حرفي را که موضعه با آن آغاز می شود، تکمیل می کند (۳۵ توضیح) و به سخنی اشاره می کند که به گزارش درباره کرنیلیوس خاتمه می دهد (۱۸:۱۱). به هر کسی، یهودی یا غیر یهودی (ر.ک. ۱۷:۱۱) که به یسوع مرده و برخواسته از مرگ، خداوند همه، ایمان آورد، نجات عطا می شود. تنها ایمان است که قلوب همگی را ترکیه می دهد (۱۵:۹ توضیح).

گزارش پطرس در اورشلیم

۱۱ ^۱ پس رسولان و برادرانی که در ۴۵:۱۰
یهودیه بودند، از اینکه حتی
[افرادی از] امت‌ها [ای غیر یهود] کلام خدا
را پذیرفته اند باخبر شدند. ^۲ و وقتی پطرس
به اورشلیم مشرف شد، اهل ختنه با وی به ۱۱:۱۷
مقابله برخاسته ^{۳b} می‌گفتند: «تو نزد ختنه ۱۲:۲۱-۱۷:۲
نشدگان ^۴ رفته و با آنها غذا خورده!» ^۴ اما ۱۲:۲۱-۱۷:۲
پطرس گزارش مفصل را برایشان شروع کرد،
^۵ گفت: «من در شهر یافا در حال نیایش
بودم، در حال خلسه فرو رفته، رویایی دیدم: ۱۱:۱۰
شیئی مثل یک سفره بزرگ که از چهار
گوشه گرفته شده باشد، پائین می‌آمد، از
آسمان نازل شده و به من رسید، ^۶ در حالی
که چشمان به آن خیره شده بودند، مشاهده
کرده و چهارپایان زمین و حیوانات وحشی و ^۷ پید ۱۴:۷
خرندگان و پرندگان آسمان را دیدم. ^{۸c} و
همینطور صدایی شنیدم که به من گفت:

آمدن روح بر غیر یهود

^۴ پطرس هنوز در حال گفتن این کلمات
بود که روح القدس است بر تمام آنانی که
کلام را گوش می‌کردند نازل شد^۹. ^۵ و
تمام مؤمنان اهل ختنه که همراه پطرس
بودند از آنکه موهبت روح القدس حتی
روی [اشخاصی] از امت‌ها [ای غیر یهود]
پخش شده مبهوت ماندند. ^۶ زیرا
[صدای] آنها را می‌شنیدند که با زبان‌ها
سخن رانده و خدا را تمجید می‌کردند^{۱۰}،
پس پطرس [صحبت را] ادامه داده
گفت: ^۷ «آیا کسی می‌تواند کسانی را که
همچون ما نیز، روح مقدس را دریافت
کرده اند، از آب تعیید محروم کند؟!» ^۸ و
او دستور داد که آنها را به نام یسوع مسیح
تعیید دهند^۹. پس آنها از وی خواهش
کردند تا چند روزی [نزد آنان] بماند^{۱۰}.

W- در حالی که هنوز پطرس سخنرانی خود را تمام نکرده، یا بهتر بگوییم اندکی از شروع آن می‌گذرد - (۱۵:۱۱) خدا (و خداوند یسوع ۳۳:۲) با پخش روح نشان می‌دهد که خود ابتکار این امر مهم را در دست دارد، هر چند که در این مورد موظمه رسولی نقشی ناگیر اجراء می‌کند.

X- این جمله روایت پنجاهه را تداعی می‌کند (۱۴:۲)؛ و اکنون پنجاهه ملل غیر یهود است (ر.ک. ۲:۱۹؛ ۱۵:۱۱ توضیح).

Y- جلو آب را بگیرند که آنها تعیید داده شوند. در اینجا عطیه روح قبل از تعیید به وقوع پیوسته و منوط به دست گذاری نیست (۶:۶ توضیح). با دست گذاری وی بدون آن، عطیه روح از خدا است.

Z- در اینجا مثل مواردی دیگر (۹:۵؛ ۱۴:۱ و ۱۷:۱ و قرن ۱-۲:۸). رسولان خود تعیید نمی‌دهند (ر.ک. ۱۲:۸).

a- اشتراک در زندگی و احتمالاً در سفره (میز غذا) که با مهمنان نوازی همراه است، وجود کلیساي جديد قبصريه را مشخص می‌کند.

b- نسخه غربي: پس از مدققى نسبتاً طولاني، پطرس تصميم به رفتن به اورشلیم گرفت. برای استوار کردن برادران، آنان را مخاطب قرار داد (سپس رفت) از دشت و صحراء حرکت کرده و با سخنرانی های متعدد تعلیم می داد. آنگاه که پيش آنان رسید، فضی خدا را به آنها اعلام کرد. ولی برادران مختون با او به مشاجره برخاستند.

c- تحت اللفظى: مردانی که هنوز غلافشان را دارند.

d- به نظر می رسد که در این مرحله مؤمنین مختون اورشلیم، به نامخونی غیر یهودی گرویده به مسیحیت هنوز چندان اهمیت را نمی دادند که بعدها اهمیت دادند (۱۵:۱ توضیح). پطرس، بویژه بواسطه هم سفره شدن با مشرکین سرزنش می شود. هم سفره شدن مهم ترین منبع نجسی برای یهودیان به حساب می آید (۲۸:۱۰ توضیح): در حقیقت این مشکل حادی برای امت مسیحی است. امّتی که بطور عادی، مراسم نیایش شکرگزاری در چارچوب سفره غذای وی قرار دارد (۷:۲۰ توضیح).

e- ر.ک. ۱۲:۱۰ توضیح.

است بر آنها نازل شد^j، همانطوری که بر ما در ابتدا^{۱۶}، پس بخاطر آوردم کلام خداوند لو^{۲۲}:۶۱،^{۲۴} را که می گفت: یوحنای حقیقتاً با آب تعمید یو^{۱۴}:۲۶ می دهد اما شما در روح مقدس تعمید^{۱۱} لو^۵:۱۶ خواهید یافت.^{۱۷} پس اگر خدا به آنان همان عطیه ای را داده که به ما نیز که به خداوند یسوع مسیح^k ایمان آورده ایم، پس من که هستم که با خدا بتوانم مخالفت^۹-۸:۱۵ کنم!^{۱۸} پس آن ها با شنیدن این، آرام^۵:۳۹،^{۱۵} ۱۰:۱۵ گرفته و در حالی که خدا را تجلیل می^{۱۴}:۲۱ کردند، می گفتند: «پس خدا به امت روم^{۱۵}:۷-۱۳» ها[غیر یهود]^m هم آن توبه زندگی[بخش]ⁿ را داده است.^{۲۷:۱۴}

بنیان گذاری کلیسا در انطاکیه^{۱۹}

پس آنانی را که [غم و] اندوه متعاقب^۸-۴:۱ جریان استیفان پراکنده ساخته بود، تا فنیقیه، قبرس و انطاکیه می گشتند و کلام را به هیچ کس جز یهودی اعلام نمی کردند.^{۲۱} ۳:۲۷،^۷^۲ پس اما چند نفری که از اهالی قبرس و^{۲۰} ۴:۱۳،^{۳۶:۴} ۱۶:۲۱ قیروان بوده و به انطاکیه آمده بودند، با

۱۳:۱ «برخیز! پطرس، بگش و بخور!»^{۱۰} اما من گفتم: «نه! نه! خداوندا، زیرا هیچ گاه آنچه ۱۴:۱ کشیف یا نجس باشد به دهان من وارد نشده!»^۹ پس بار دوم صدایی از آسمان ۱۵:۱۰ تکرار گرد، گفت: «آنچه را که خدا پاک اعلام کرده تو [دیگر] کشیف مخوان!»^{۱۰} و ۱۶:۱۰ این [اتفاق] سه بار واقع شد و همه چیز دوباره به آسمان بالا کشیده شد.^{۱۱} و اینک در همان لحظه، سه مرد که از قبصه برایم ۱۷،۷:۱۰ فرستاده شده بودند، به در خانه ای آمدند که ما در آنجا بودیم^f.^{۱۲} و روح به من گفت: ۱۹:۱۰ «بدون ملاحظه کاری^g همراهشان برو»، و این شش برادر نیز همراه من آمدند و ما ۹:۱۵،^{۲۰:۱۰} به خانه آن مرد وارد شدیم.^{۱۳} و او ما را ۲۲:۳:۱۰ آگاه کرد که چگونه در خانه اش فرشته را ۳۳-۳:۱۰ دیده که ایستاده بود و گفت: «کسانی به یافا بفرست و شمعون ملقب به پطرس را ۱۲:۴ بطلب!^{۱۴} او با تو سخنانی خواهد گفت که ۱۶:۱۰ به [فیض]ⁱ آنها [تو] نجات خواهی یافت، ۱-قرن^{۱۵} تو و تمام خانوارت.^{۱۵} و در حالی که شروع ۴۴،۳۴:۱۰ به سخن کرده بودم، آن روح که مقدس ۴-۱:۲ -f روایتی دیگر: تأجیلی که بودیم.

-g یا: بدون قضاوت و تقاضای قائل شدن. این عبارت، عبارت ۲۰:۱۰ را تداعی می کند و زمینه ۹:۱۵ را آماده می نماید.

-h کلمه ما تأکیدی است براین که پطرس تنها بوده (ر.ک. ۱۰:۲۳ توضیح).

-i وابستگی کرنیلیوس به خانوارش (۱۰:۲ توضیح)، موافق با وابستگی پطرس به برادران اهل یافا (۱۲ توضیح) می باشد.

ر.ک. ۱۵:۱۶ و ۳۱ و بعد: ۸:۸).

-j ر.ک. ۳۶:۱۰ توضیح.

-k ر.ک. ۴۳:۱۰ توضیح.

-l تحت الفظی: جلوی خدا را گرفن (ر.ک. ۱۰:۴۷ توضیح).

-m تحت الفظی: گرویدن به زندگی. داستان کرنیلیوس (۱۰:۱ توضیح) اینچنین شروع یا خاتمه می یابد. بطور یکسان برای یهودیان و غیر یهودیان، زندگی و گرایشی که به آن منتهی می شود، یک عطیه الهی است. در سطور بعد پطرس آنرا فیض خداوند یسوع نامد (۱۵:۱۱).

-n با رسیدن نوبت (انجیل) به سامره (۸:۵ توضیح) و به لطف خدا، به او لین اهالی ملت های غیر یهود (۱۰:۱ توضیح)، مؤلف به پراکنده گان اورشلیم بر می گردد: بعضی به انتکار خویش، خبر خداوند بودن یسوع را به مشرکان انطاکیه (باختخت سوریه) اعلام می کنند. این واقعه قاطع، سبب یک سری مبادلات بین این شهر و اورشلیم شده و بویژه پولس را که مدتی طولانی نایدنا بود وارد صحنه می کند (۹:۳). این شهر بزرگ مشرک، انطاکیه، علیرغم بدنامی اش، از این به بعد مرکز تبلیغی مهمی خواهد بود (۱۳:۳-۱۴:۲۸-۲۶:۱۵-۳۵:۳۶-۳۷:۱۸-۲۲).

خداؤند اضافه شد.^{۲۵} برنابا در جستجوی سولس به طرسوس^{۲۶} رفت. و او را پیدا غلا^{۱:۲-۱۸:۱} کرده و به انطاکیه آورد. پس ایشان یک سال تمام در کلیسا^۱ جمع شده جمعیت زیادی را تعلیم دادند؛ و در انطاکیه بود که برای اولین بار شاگردان^۷ را مسیحی نامیدند.

عمل برای امداد

^{۲۷} و در آن ایام انبیایی از اورشلیم به انطاکیه آمدند.^{۲۸} و یکی از آنان به نام آغابوس به پا خاسته و از طریق روح^w اعلام ۱۴-۱۰:۲۱

یونانی‌ها^۰ نیز صحبت کرده، مردہ نیکوی مت^{۳:۱۳} خداوند مسیح را [به آنها] می‌دانند. و دست خداوند همراه آنان بود^p و تعداد بسیاری ایمان آورده، به خداوند گرویدند.^{۲۹} اما خبر ایشان به گوش کلیسا مسیح در اورشلیم رسید و برنابا را به انطاکیه فرستادند.^۹ وقتی که رسید و فیض خدا را دید، شادمان شده و همه را نصیحت کرد که با قلبی استوار به خداوند ملحق بیانند.^{۲۴} زیرا که او مردی نیکو، پر از روح مقدس و ایمان^r بود. گروهی بسیار برای انجام دهد.

۰- احتمالاً یونانی گرایانی هستند (۱:۶ توضیح). یکی از هفت نفر از اهالی انطاکیه بود (۶:۵). برنابا (۳۶:۴) و مناسون

p- خداوندی که بطور مستقیم گرایش کرنیلوس و متعلقینش را فراهم آورده، چیزی را جز تأیید ابتکار مبلغین انطاکیه، نمی‌تواند انجام دهد.

۹- گرایش غیریهودیان به یسوع توجه کلیسا اورشلیم را (ر.ک. ۱:۱۱) به خود جلب می‌کند. کلیسا ای که بار دیگر بدین مناسبت وظیفه اش را در مورد برقراری و تداوم روابط با کلیساها دیگر ابراز می‌دارد. در باب های قبل، رسولان شخصاً این ارتباط را بر عهده داشتند (۳۲:۹-۱۴:۸)؛ در اینجا به دلایلی نامشخص (زبان؟ فاصله؟ شهر غیریهودی؟) اولین کلیسا فقط یک نماینده می‌فرستد. پطرس، شخصاً در زمانی نامعلوم، به انطاکیه آمد (غلا ۱۱:۲ و بعد).

۱۰- بنا براین، این روح مقدس است که از طریق برنابا ابلاغ مژده نیکو را به غیریهودیان بطور مؤثّر تأیید و تقویت می‌کند.

۱۱- سولسی که در این گزارش، بعد از طرسوس از او سخنی به میان نمی‌آید (۳۰:۹-۱۸:۱) بنا بر غلا ۱:۲، این غبیت پولس احتمالاً ده سال به درازا کشیده است. اقدام برنابا به پولس اجازه می‌داد که رسالتش را که مأموریت به پیش ملل غیریهود می‌باشد شروع کند (۱۵:۹-۱) - در حقیقت، اگر در این مدت پولس غیریهودیان را مخاطب موضع خوبی قرار داده بود، اعمال رسولان به آن اشاره ای می‌کرد.

t- در اینجاست که برای نخستین بار کلمه کلیسا (۱۵:۱ توضیح) به امّتی خارج از فلسطین، امّتی شامل مختون و نامختون، اطلاق می‌شود. این کلمه، که در گزارش کرنیلوس دیده نمی‌شود احتمالاً بی منظور نیست، (ر.ک. توضیح بعدی). از این به بعد متدال ترین لفظ است برای تعریف جمیع ایسناداران.

۱۲- باز هم عبارتی جدید برای آنای که مؤلف با عباراتی چون برادران (۱۵:۱ توضیح)، مؤمنان (۴:۲ توضیح) و شاگردان (۱:۶ توضیح)، طریق (۲:۹ توضیح)، قدیسین (۱۳:۹ توضیح) و غیره مشخص کرده و خواهد کرد. مسیحی ترجمه کلمه یونانی Christianos که از نام مسیح Christos مشتق شده. در حالی که تمام تسمیه های دیگر (و یا تقریباً تماشان ر.ک. ۵:۲۴ توضیح) از خود ذینفعان صادر شده است، کلمه مسیحی که در محافای غیر مسیحی بوجود آمده، به معنی طرفدار یا مرید مسیح است. ظهور این کلمه دال بر این است که کلیسا ای انطاکیه در نظر مردم، به عنوان یک فرقه یهودی شناخته نمی‌شده (ر.ک. ۴:۵-۲۴).

۱۳- احتمالاً به ابتکار خودشان. بنا براین ابتدا در کلیسا اورشلیم (ر.ک. ۱:۱۵-۳۲:۱۰) و پس از آن در انطاکیه (۱:۱۳) و افسس (۶:۱۹) و قیصریه (۹:۲۱)، انبیایی مسیحی بوده که نبوت می‌کردند. این نبوت مسیحی، توسط روح مقدس (۲۸:۱-۱۳ و ۱۹:۶-۱۱:۲۱) القاء می‌شد و به نظر می‌رسد که نبوت ذکر شده در ۱۸:۲ را به انجام می‌رساند. انبیای مسیحی همچون انبیای عهد قدیم، گاهی از آینده خبر می‌دادند (۲۸:۲۱-۱۰:۲۱)، که با توجه به وضع موجود، سرگرمی یا پشتیبانی را به مردah داشت (۱۵:۱۰-۳۲:۱)؛ ر.ک. ۱-۱۴:۱ توضیح).

w- تحت اللفظی: توسط روح یا در روح (ر.ک. بند ۲۷ توضیح).

برادر یوحنا را با شمشیر کشت.^۳ و با دیدن اینکه این عمل مورد پسند یهودیان است، دستگیری پطرس را نیز بر آن اضافه کرد. و ایام فطیر^۴ بود. او را گرفته و به زندان لو ۱:۲۲ انداخت، و حفاظت از وی را به چهار دسته‌ی چهار سربازه سپرد و هدفش این بود که بعد از [عید]^۵ گذر او را در نزد مردم به نیایش گذارد.^۶ پس پطرس در زندان ۷:۲۶ نگهداری می‌شد، در حالی که کلیسا به ۴:۲۲ بیهودیه ۹:۴ شدت برای او خدا را نیایش می‌کرد.

^۶ باری، چون هیرودیس می‌خواست وی را محکمه کند، آن شب پطرس با دو زنجیر بسته شده بین دو سرباز خوابیده بود، در ۲۴:۱۸-۵ ۲۵:۱۶ حالی که محافظانی جلوی درب، زندان را

کرد^X که قحطی بزرگی در تمام زمین اتفاق خواهد افتاد. این همان است که در زمان غلام ۱:۲ و کلودیوس^۷ اتفاق افتاد. ^{۲۹} و شاگردان روم ۱۵:۲۶ قرن ۴:۸، تصمیم گرفته که هر یک مطابق ۱۳-۱:۹ امکاناتشان، سهمی را برای خدمت به روم ۱:۱۵ این کار برادران ساکن یهودیه بفرستند.^{۲۰} این کار را نیز با فرستادن آن به پیران^۸ توسط برنا با و سولس^۹ انجام دادند.

اعدام یعقوب،

دستگیری و رهایی پطرس

۱۲ ^{۲۳:۱۹} ^۱ و در این زمان^۹ پادشاه هیرودیس^d تصمیم به بدرفتاری با بعضی از اعضای کلیسا گرفت. ^۲ و یعقوب

X- روایت غربی: شادی فراوانی بود. در حالی که ما دور هم جمع بودیم، یکی از پیامبران به نام آگابوس صحبت کرد و گفت. ضمیر «ما» که در این روایت دیده می‌شود، در رابطه با «ما»هایی است که متشخص بعضی از قسمت‌های نیمه دوم این کتاب هستند (۱۶:۱۰ توضیح).

y- در اقع در سال‌های ۴۸-۴۶، قحطی حادی در بعضی از نقاط امپراتوری بوقوع پیوست.

Z- رابطه اورشلیم و انطاکیه یک جانبه نیست. در جاهای دیگر ابتکار عمل از اورشلیم به انطاکیه بود (۲۷، ۲۲) ولی در اینجا ابتکار یک جانبه شروع می‌شود، و بدین ترتیب، هم خوانی که مشخص امت نخستین است توسعه می‌یابد (۴:۲ توضیح).

a- و چرا نه به رسولان؟ مؤلف آنرا نمی‌گوید. در اینجا برای اولین بار این گروه پیران کلیسا اورشلیم سخن به میان می‌آید. همراه رسولان و پس از آنان، این گروه نقش مهمی در شورای اورشلیم خواهد داشت (۱۵: ۲، ۳، ۶ و غیره: ۴:۱۶). بعدها این گروه به تهایی و در کنار یعقوب دیده خواهد شد (۱۸:۲۱). به گروه‌های مشابهی در خارج اورشلیم در کلیساها لستره، قونیه، انطاکیه پیسیدیه (۲۳:۲) و افسس (۱۷:۲۰) اشاره شده ولي یقیناً این به معنای آن نیست که این چنین گروه‌هایی در کلیساها دیگر وجود نداشته. سکوت اعمال رسولان فقط قیاساتی را در مورد منشاء این نهاد مجاز می‌کند. احتمالاً قریبی است برای شورای پیران [یا معمتمدین] که در رأس جوامع یهودی بوده: در اورشلیم این پیران [با معمتمدین] بعد از کاهنان بزرگ قرار می‌گرفتند (۲۳:۴؛ ر. ک. ۸:۵) تقریباً مثل پیران مسیحی پس از رسولان. در مورد انتصاب پیران به ۲۳:۱۴ توضیح و در مورد نقش آنها به توضیح ۱۸:۲۰ مراجعه شود.

b- دومن آمدن پولس به اورشلیم (ر. ک. ۳۰-۲۶:۹). آیا این همان سفری است که در غلام ۱:۱۶ آمده؟ (ر. ک. ۱۸:۱)؟ توضیحات ۱۲ و ۲۵:۱۵ و ۳:۳ را بخوانید.

c- بار دیگر در اورشلیم (بندهای ۱-۱۹) بیدادگری علیه رسولان (ر. ک. ۱:۸ توضیح) شروع می‌شود: مرگ یعقوب، دستگیری مجدد و آزادی معجزه‌آسای پطرس (ر. ک. ۱:۴ و ۱۸:۵-۱۹) که سپس نایدید می‌شود (۱۷:۱۲ توضیح). هیرودیس، ستمگر، در قیصریه می‌میرد (بندهای ۲۰-۲۳: ر. ک. ۱۴:۲۳ و ۱۵:۲۵) تقریباً مثل پیران مسیحی پس از رسولان. آنچا برای رسالت خواهند رفت (۱:۱۳ توضیح).

d- هیرودیس اغripas اول، برادززاده هیرودیس آنتیپاس (لو ۲۳:۸-۱۲) در سال ۴۱ پس از دیسیسه‌های مختلف در رم، شاه یهودیه و سامره شد. سیاست وی پشتیبان یهودیتی از نوع فریسیان بود (ر. ک. بندهای ۳ و ۱۱). درباره مرگش به توضیح بند ۲۲ مراجعه شود.

e- این هفت روز با بزرگداشت عید گذر شروع می‌شدند (ر. ک. بندهای ۴). بنابراین پطرس تقریباً در همان فصلی از سال دستگیر می‌شود که یسوع دستگیر شده بود (لو ۴۱:۲۲).

^{۱۲} چون این را فهمید به خانهٔ مریم مادر یوحنا ملقب به مرقس^h آمد، مکانی که تعداد زیادی در آنجا گرد هم آمده، و نیایش می‌کردند.^{۱۳} چون او در خانه را کوبید کنیزی به نام رودا به درب آمد تا [به او] گوش کند.^{۱۴} او صدای پطرس را شناخت و لو ۴۱:۲۴ از خوشحالی [فراوان] درب را باز نکرد، بلکه بطرف داخل دوید تا خبر دهد که پطرس جلوی درب ایستاده است.^{۱۵} و آنها به او گفتند: «تودیوانه‌ای!» ولی او با اصرار [از گفتة خود] دفاع می‌کرد که اینچنین است و آنها گفتند: «این فرشتهⁱ او است!»^{۱۶} اما پطرس پیوسته [درب را باز هم]^j می‌کوبید. وقتی که آنها [درب را باز کردن، او را دیده و میهووت شدند.^{۱۷} ولی [پطرس]^k با دست اشاره کرده که ساكت شوند و برایشان نقل کرد که چطور خداوند او را از زندان آزاد کرده و گفت: «این را به یعقوب و برادران اطلاع فرن ۷:۱۵ دهید.» سپس از آنجا خارج شده به مکانی اندک زمانی: ۱۲:۱۳؛ ۲۵:۱۳؛ ۲۱:۱۳؛ ۲۱:۱۸-۲۱ دیگر رفت.

نگهبانی می‌کردند.^۷ و اینک فرشته درخشید. به پهلوی پطرس زده، وی را بیدار کرد درحالی که می‌گفت: «برخیز، زود!» و زنجیرها از دستهایش افتاد. ^۸ و فرشته به او گفت: «کمریند را ببند و نعلینت را بپوش!» او چنین کرد. و [باز] به او گفت: «ردايت را بپوش و به دنبالم بیا!»^۹ و [پطرس] بیرون رفت و او را دنبال کرده، بدون آنکه بداند که آنچه توسط فرشته واقع می‌شود حقیقت دارد، پس خیال نگهبانی گذشته، سپس از دومی و جلوی در آهنه که به شهر مشرف است، آمدند.^{۱۰} و از اولین [درب]^{۱۱} به خودی خود از پیشاپیشان باز شد.^{۱۲} بیرون رفته در خیابانی به پیش رفتند و بلا فاصله فرشته او را ترک کرد.^{۱۳} و پطرس به خود آمده گفت: «حالا حقیقتاً می‌دانم که خداوند فرشته اش را فرستاده و مرا از دست هیرودیس و آنچه مردم یهود در انتظار آن بودند، بیرون کشیده است.

f- ر.ک. ۸:۲۳ توضیح. این فرشته بار دیگر در بند ۲۳ برای زدن هیرودیس دخالت خواهد کرد (در هر دو مورد یک فعل بکار برده شده).

g- در ۱۹:۵ درب با عملی از طرف فرشته باز می‌شود و در ۲۶:۱۶ پس از لرزش زمین.

h- برای مشخص کردن این مریم، مؤلف از پسر وی نام می‌برد. پسری را که خوانندگان احتمالاً می‌شناختند. (همین روش در ۲۱:۱۵ و ۴۰ بکار رفته) یوحنا ملقب به مرقس که برای اولین بار در اینجا دیده می‌شود، ابتداء همراه پولس برنا با (اندک زمانی: ۱۲:۱۳؛ ۲۵:۱۳؛ ۲۱:۱۳) و سپس همراه برنا با (۱۳:۳۷؛ ۲۱:۱۵) به مأموریت رسولانی می‌رفته است. ولی که پسر عمومی برنا با می‌باشد بعدها در کنار پولس (کول ۱۰:۴؛ فیل ۲۴) و پطرس (۱۳:۵ پطرس) دیده می‌شود. سبک خیلی زنده این گزارش، گزارشی که مرقس در آن دیده می‌شود، روش ممیز انجیلی را که به وی منسوب است تداعی می‌کند.

i- یعنی چیزی مثل شیوه وی. ر.ک. مت ۱۷:۱۰؛ عبر ۱:۱۴؛ ط ۵:۱۴.

j- تا اندازه ای مانند زنانی که گور خالی را به یازده رسول خبر دادند (لو ۹:۲۴) چیزی که با یادآوری آغازین مصلوب شدن یسوع در تفاوت است. توضیح بند ۳ را بینید.

k- یا سرنوشت دیگری. چیزی که در نهایت می‌توان اشاره ای به شهادت پطرس باشد. به هر صورت، پطرس بار دیگر در اعمال رسولان (ر.ک. غلا ۷:۷-۱:۵-پطر) پیدا نمی‌شود مگر در ۱۱:۱۵-۱۱ برای نتیجه گیری نهایی تعمید کرنبیلوس. از این به بعد کتاب به طرف اعلان نوید [انجیل] به غیر یهودیان سوق داده می‌شود و فقط از پولس صحبت می‌گند (ر.ک. غلا ۹:۲۱-۱۰).

دیارشان از دیار پادشاه آذوقه تأمین می کرد.^m ۲۱ و در روز معین،ⁿ هیرودیس، لباس سلطنتی بر تن کرده و بر مسند حکومت نشسته، آنان را خطاب کرد. ۲۲ و مردم فریاد می زدند:^o «صدای یک خدا و نه صدای یک انسان!»^p ۲۳ ولی در همان لحظه فرشته خداوند او را زد، چونکه خدا را تمجید نکرد. پس کرم او را خورد و مرد.^q ۲۴ اما کلام خداوند رشد کرده و چند برابر می شد.^r ۲۵ و [از طرف دیگر] برنابا و سولس، بعد از انجام دادن خدمت^s، از آنجا به اورشلیم^t برگشته، یوحنای ملقب به مرقس را همراه خود آوردند.

^{۱۸} روز شد و اضطراب میان سربازان کم نبود: «پطرس را چه شده؟»^{۱۹} هیرودیس او را طلبید و چون او را نیافت از نگهبانان بازیرسی نمود و دستور داد آنها را [برای مجازات] ببرند.^{۲۰} [آنگاه] از یهودیه به قیصریه رفت، جایی که در آن اقامت گزید.

مرگ هیرودیس

^{۲۰} اما [هیرودیس] به شدت از مردم صور و صیدون خشنماک بود. اینها با اتفاق نظر نزد او آمده و پس از آنکه بلاستس، خدمتکار پادشاه را مقاعده ساختند، طلب صلح کردند چونکه

- برای اعدام آنان.

^m- کشمکش بین شهرهای آزاد ساحلی و شهرهای دیگر که تولیدکنندگان گندم هستند، گندمی که محتاج به آن هستند، در عهد عیق نیز دیده می شود: ۱ پاد ۱۱:۹؛ حرق ۱۷:۲۷. نگارش این قطعه کوتاه در مورد تاریخ سیاسی و اقتصادی، مقدمه ای است برگزارش مرگ هیرودیس.

ⁿ- در روز معین برای بزرگداشت پایان موقبیت آمیز مذاکرات. تشریفات این مراسم ما را به فکر یک جشن می اندازد. شاید جشنی که جهار سال یکبار برای بزرگداشت بنای قیصریه توسط هیرودیس کبیر برگزار می شد. به هر صورت یوسفوس، مورخ یهودی، مرگ هیرودیس را به این جشن مرتبط می کند (بند ۲۲ توضیح).

^o- در جوامع ملت های مشرک، حکمرانان را بسهوالت تا حد خداشی بالا می بردند. این هلهله و شادباش چیزی بالاتر از یک تملق ساده است. هلهله هایی که صدای نرون امپراتور را صدای خدایی می نامد برای اعمال رسولان، این کفر است. یوسفوس مرگ هیرودیس را چنین نقل می کند: هنگام طلوع، ملیس به لباسی تمام از نقره و پارچه ای نفیس وارد تئاتر شد. پس مبتلا به شکم درد شدیدی شده و سه روز بعد مرد. یعنی سه روز بعد از جشن یادبود پایه گزاری قیصریه (بند ۲۱ توضیح) در آوریل سال ۴۴. به لحاظ الهیات گزارش اعمال رسولان به اندازه کافی به موارد مربوطه در گزارش مرگ آنتیوخوس ایپیانس شباهت دارد (۲۸-۱:۲۹).

^p- مسلمان منظور خدمتی است که کلیسا ای انتاکیه^{۱۱} (توضیح) به آنها و اگرар کرده است. دو عنصر بادداشت مربوط به این سفر در متن ۱۲:۱ از هم جدا شده اند. آیا مؤلف می خواهد بگوید که پولس و برنابا منتظر حرکت پطرس و مرگ هیرودیس در آوریل^{۴۴} بوده اند تا به انتاکیه برگردند؟ ویا نوعی بازی با جملات است برای گفتن اینکه مثلاً حرکت آنی پولس برای رسالت، مشروط به ناپدید شدن پطرس است (بند ۱۷ توضیح). جوابگویی مشکل است.

^q- بروایتی دیگر بعد از اتمام خدمتشان در اورشلیم، متن را از لحاظ دستوری می توان اینظور ترجمه کرد: پس از آنکه خدمتشان را تمام کردن به اورشلیم برگشتند. ولی این ترجمه با توجه به نقیه متن غیر ممکن است (ر.ک. ۳۰:۱۱). احتمالاً این ابهام متن است که پیدایش روایتی همچون: وقتی کارشان تمام شد، آنها از اورشلیم به انتاکیه دوباره عزیمت کردند را توجیه می کند.

فرستاده شدند به سلوکیه رسیدند و از آنجا بادیان ها را به طرف قبرس برآفراسند.^۵ و با وارد شدن به سلامیس، در کنیسه ها^۶،^۷ ۱۲:۱۲ سخن خدا را به یهودیان اعلام می کردند و یوحنا نیز دستیارشان بود.^۸ و پس از عبور از تمام جزیره تا پافس، در آنجا مردی را مت ۱۵:۷ یافتند، جادوگر و نبی دروغین یهودی که نامش باریشوع بود.^۹ او همراه با سرجیوس پولس والی، که مردی فهمیده بود، می بود. همان برنابا و سولس را نزد خود خوانده و ۱۴:۶-۷،^{۱۰} ۵:۲۳ خواست کلام خدا را بشنو.^{۱۱} ولی علیمای جادوگر، که این ترجمه اسمش است^{۱۲}، با ۲۴:۱۳،^{۱۳} ۴:۷-۸ آنان مخالفت می کرد و به دنبال آن بود تا والی را از ایمان منحرف کند.^{۱۴} ولی سولس ۸:۴ که پولس هم می باشد^{۱۵}، سرشار از روح القدس، چشم ها را براو دوخت.^{۱۶} و گفت: «ای پر از مکر و خباثت، پسر ۲۳-۲۰:۸

به مأموریت فرستادن برنابا و پولس^{۱۷}

- ۱۳** ^{۱۸} اما در کلیساي موجود در انطاکيه،
انبیاء و استاداني^{۱۹} بودند: برنابا،
شمعون ملقب به نیجر، لوکیوس قیروانی،
نیز مناج از ندیمان هیرودیس حکمران و
پولس^{۲۰}. آنها در حالی که به خدمت^{۲۱}
خداآوند مشغول بوده و روزه می گرفتند،
روح [آن که] مقدس [است] گفت:
«برنابا و سولس را برای امری^{۲۲} که آنها را
[به آن] خوانده ام، پس برای من جدا
کنید!»^{۲۳} بنا براین پس از روزه گرفتن و
نیایش، دست ها را بر آنها گذاشت^{۲۴} و آنها
را روانه کردند.^{۲۵:۱۸}

در قبرس: سرجیوس پولس و علیمای جادوگر

- ^{۲۰:۱۱} ^{۲۱} پس آنها که از جانب روح القدس

^{۲۶}- تعمید کرنیلیوس و ابلاغ انجیل به غیر یهودیان انطاکیه (۱۹:۱۱ توپیح) میوه هایشان را به بار می آورند. بزودی پولس و برنابا، اوئین سفر بزرگ رسالتی شان را به سرزمین غیر یهودی جنوب آسیای صغیر (۱:۱۳-۲۸:۱۴) آغاز خواهند کرد. این روح است که آنها را به رسالت می فرستد، لیکن از طریق کلیساي انطاکیه (۴-۳:۱۲). بنا براین، پولس و برنابا گزارش کارشان را به کلیسا خواهند داد (۲۸-۲۷:۱۴)، گزارش کاری که در تمام مدت آن روح (۹:۱۳،^{۲۷} ۵:۲) و خدا (۱:۱۳،^{۲۸} ۳:۱۴) همراه آنان عمل خواهند کرد.

^{۲۷}- اسم این اساتید فقط در اینجا آمده است؛ ولی به اقرن ۲۸:۱۲؛ افس ۱:۱۲:۴؛ عبر ۱:۱۲:۵؛ یع ۱:۳:۱(?) رجوع کنید. گاهی همین کلمه به معنی معلم یا علامه آمده است. بنا براین مشخصه این معلمین، بر خورداری از آن عطیه الهی است که مربوط به زیرکی (تیرفهی) و آموزش ایمان می شود. در مورد پیامبران به توضیح ۲۷:۱۱ رجوع کنید.

^{۲۸}- در حالی که برنابا در اول ردیف آمده، پولس در آخر آن قرار دارد. از اینجا به بعد تا بند ۹(ر.ک. توپیح) پولس به عنوان همکار (بندهای ۲ و ۷) برنابا به کارش ادامه می دهد.

^{۲۹}- یا آئین عبادت. ریشه یونانی این کلمه (leitourgia) به معنای جشن همگانی که مخارج آن بر عهده یکی از ثروتمندان بود. یهودیان این کلمه را برای خدمت کاهنان در معبد به کار می بردند (ر.ک. ۲-۲۰:۱۰-۱۳؛ عبر ۱:۱۰-۱۱؛ روم ۱۵:۱۶) در اینجا احتمالاً منظور آئین سپاسگزاری است (۷:۲۰).

^{۳۰}- این کلمه که در ۲۶:۱۴ نیز آمده است، رسالت مشترک برنابا و پولس را در ۱:۱۵-۳۵ تمام شده در نظر دارد. رسالت مختص پولس بعد از آن شروع می شود.

^{۳۱}- ر.ک. ۶:۶ توپیح. در اینجا، این عمل، آغاز یک مأموریت مشخص را نشان می دهد.

^{۳۲}- اعلانی که ترجیحاً برای یهودیان است، روش ثابت پولس می باشد که همواره به آن عمل خواهد کرد. ر.ک. ۱:۱۳؛ ۱۴:۱۳؛ ۱۳:۱۶

^{۳۳}- توضیح کم و بیش مبهم است. احتمالاً باید اینطور فهمید که علیما (از ریشه سامی به معنای پنهان کردن) به کلمه جادوگر، مرد چیزهای پنهان، برگردانده شده است.

^{۳۴}- مؤلف که تا اینجا نام یهودی سولس را به کار می برد، از این به بعد نام لاتینی پولس را به کار می برد. (در مورد نام های

برادران، چنانچه بین شما کلامی برای نصیحت^b مردم هست، بفرمائید.»^{۱۶} و پولس بپا خاسته، بادست اشاره‌ای داد و گفت:^c

«اسرائیلیان و خدا ترسان^d، گوش کنید!

خدای این قوم، اسرائیل، پدران ما را انتخاب کرده و این قوم را در مدت اقامتشان در مصر سرافراز گردانید. و آنان را از آنجا با بازوan افراشته بیرون آورد.

^{۱۸} و به مدت تقریباً چهل سال، آنان را در خروج^{۱۶:۶} صحراء تحمل^e کرده [و مواطنشان] بود.

^{۱۹} سپس هفت امت را در دیار کنعان از بین تث^{۱:۳۱} برده و مملکتشان را [به اینها] به ارت خروج^{۱۶:۳۵} داد، ^{۲۰} برای تقریباً مدت چهار صد و پنجاه سال^f. و پس از این و تا آمدن سموئیل نبی، داوران را به آنان داد.^{۲۱} پس از آن پادشاهی خواستند و خدا برای چهل سال شاول پسر قیس - مردی از طایفه بنیامین - را به آنان داد.^{۲۲} سپس او را رانده و سمو^{۱۶:۱۲-۱۳}

شیطان، دشمن هر راستی، آیا از منحرف کردن راه‌های راست خداوند باز نمی‌ایستی؟^{۱۱} و اینک دست خداوند روی تو قرار گرفته: کور شده و مدقی خورشید را نخواهی دید.» در همان لحظه تاریکی و ظلمت بر او افتاد، به هر طرف رفته، راهنمایی طلب می‌کرد.^{۱۲} پس با دیدن آنچه اتفاق افتاده بود، والی ایمان آورده و از آموزش خداوند متغیر بود.

سخنرانی پولس در انطاکیه پیسیدیه

^{۱۳} پس پولس و همراهانش از پافس سوار کشتن شده بسوی پرجه در پامفیلیه آمدند. ولی یوحنا از آنان جدا شده و به اورشلیم^a برگشت.^{۱۴} و آنان از پرجه عبور کرده به انطاکیه پیسیدیه رسیدند. روز سبت به کنیسه وارد شده و نشستند.^{۱۵} و پس از خواندن قانون [تورات] و انبیاء رؤسای کنیسه نزد ایشان فرستاده گفتند: «ای

دوگانه ر. ک. ۳۶:۹ توضیح) این تغییر نام پولس برای نشان دادن دو مورد است: یکی برای تماس با دنیاگر رسمًا غیر یهودی و دیگری برای نشان دادن لحظه‌ای است که از آن به بعد پولس نقش اول را در رسالت‌ش همراه برنا با به عهده می‌گیرد (بندهای

۴۲، ۴۶، ۵۰، ۳:۱۴، ۲۱-۱۹) ر. ک. بند ۱ توضیح.

- پولس این ترک کردن یوحنا (ملقب به مرقس) را بخاطر خواهد آورد (۳۸:۱۵) ر. ک. ۱۲:۱۲ توضیح.

b- منظور خطبه‌ای است که معمولاً در کنیسه بعد از قرائت کتاب، ایراد می‌شود. ر. ک. لو^{۴:۲۲} از طرف دیگر این نصیحت یا تشویق برای نشان دادن دو مورد می‌تواند باشد: یکی برای عمل روح مقدس (۳۱:۹) و دیگری برای سخن رسالتی (۳۱:۱۵) برای مسیحیان. این کلمه در نوشته‌های پولس فراوان دیده می‌شود.

c- بند ۱۶ تا ۴: تنها نمونه موضعه کامل و تحلیلی پولس به یهودیان در اینجا آغاز می‌شود (ر. ک. ۱۴:۱ توضیح). قسمت دوم (بندهای ۲۶-۳۹) این موضعه از طرح موضعه پطرس تقليد می‌کند، موضعه‌ای که مرکزیت آن رستاخیز یوسوعست. قسمت آخر (بندهای ۳۸-۳۹) آن شامل عنصری به روش خاص پولس می‌باشد: برایت از طریق ایمان و نه از طریق قانون. قسمت اول (بندهای ۱۷-۲۵) موضعه پولس، شیاهتی خاص به گفتار استیفان دارد (ر. ک. ۲:۷ توضیح).

d- ر. ک. ۲:۱۰ توضیح.

e- روایتی دیگر: او آنها را تحمل کرد. نقل از تث^{۳۱:۳} ترجمه یونانی.

f- تقریباً ۴۰۰ سال اقامت در مصر (پید^{۱۵:۱۳} خروج^{۱۲:۴۰-۴۱}) و ۴۰ سال راه روی در بیابان (تث^{۲:۷}). سنت یهودی در این مورد با هم تفاوت هایی دارد (ر. ک. ۱۷:۳).

g- این طبقه بنده زمانی، بطور مستقیم از کتاب مقدس نمی‌آید. پولس از طایفه بنیامین (روم^{۱:۱۱} و فیل^{۳:۵}) برخاسته و نام این نخستین شاه را برخود داشته است.

زندگی می‌کنند و رؤسایشان، نه این [یسوع] را شناختند، و نه صدای انبیاء را که هر سبت می‌خوانند و با محکمۀ او ۱۸:۳، ۲۳:۲ [یسوع] به آنها تحققⁿ دادند.^{۲۸} و بدون اینکه دلیل مرگ [در او] پیدا کنند، از ۱۴-۱۳:۳ پیلاطس خواستند او را بکشد.^{۲۹} و بعد از ۲۲، ۴:۲۳ اع:۵ به انجام رسانیدن تمام آنچه در مورد او تث ۲۳:۲۱ نوشته شده، او را از دار پائین آورده و در قبر گذاشتند.^{۳۰} ولی خدا او را از میان مردگان برخیزانید.^{۳۱} و در مدت روزهای ۳:۱ بسیار، برآنانی که همراه وی از جلیل به اورشلیم رفته بودند ظاهر می‌شد، همین هایی که اکنون شاهدان وی در نزد مردم اند.^{۳۲}

۳۲ و ما مژده نبیکورا به شما اعلام می‌کنیم؛ وعده ای که به پدران ما داده شده بود^{۳۳} که خدا، با برخیزانیدن یسوع، آن را برای ما که فرزندان آنانیم، انجام داد، ۳۹:۲

داود را برای شاهی ایشان برانگیخت و در مورد او شهادت داده گفت: «داود پسر یسی را، مردی مطابق قلبم یافتم^h که تمام خواسته‌های مرا انجام خواهد داد.»^{۲۳} و از ۳۰:۲ تبار او است که خدا بر حسب وعده [خویش] برای [نجات] اسرائیل^۱، لو:۱، ۷۶:۱ منجی ای آورده^j: یسوع^{۲۴} [درست] قبل از آمدنش، یوحنا^k یوحنا تعمید دهنده تمام مردم اسرائیل را دعوت به تعمیدی برای توبه می‌کرد.^{۲۵} و چون راه یوحنا به پایان می‌رسید، گفت: «آنکه شما می‌پندازید، من او نیستم.^۱ ولی بعد از من کسی می‌آید که من قابلیت باز کردن بندهای کفش‌های پاهاش را ندارم.»^{۲۶} بندان، برادران [شما]^{۲۷} پسران نسل ای مردان، ابراهیم و شما حضار خدا ترس، برای شماست که این کلام نجات^m فرستاده شده است.^{۲۷} در حقیقت آنانی که در اورشلیم

-h مز ۲۱:۸۹ و -smo ۱۴:۱۳؛ پایان موعظه از جایی دیگر گرفته شده (اش ۴:۴۲-۴:۴۳). یادآوری مختصر تاریخ اسرائیل (بندهای ۱۷-۱۷) به داود خاتمه داده می‌شود. اسلاف داده یسوع، جای مهمی در موعظه‌های خطاب به یهودیان دارد (۳۲-۲۵:۲، ۳۴:۷؛ ر.ک.).

-i تحت اللفظی: یسوع مثل ناجی برای اسرائیل.

-j روایتی دیگر: فراهم ساخته. مثل بندهای ۲۲ و ۳۰ (ر.ک. ۲۶:۳ توضیح).

-k تعمید و گواهی یوحنا تعمید دهنده (۱:۱۰، ۳:۷-۳:۹) به زمان و عده تعلق دارند (ر.ک. لو ۱۶:۱۶ توضیح) زمان نجات، پس از یوحنا و با آمدن یسوع شروع می‌شود (ر.ک. بند ۲۶).

-l یعنی من مسیح نیستم (لو ۱۵:۳؛ ر.ک. یو ۱:۲۰-۱۹:۳، ۲۰:۳-۲۰:۴).

-m تحت اللفظی: «کلام این نجات» (ر.ک. ۲۰:۵) به روایتی دیگر: «برای شما» به جای «برای ما».

-n در بندهای ۲۹-۲۷ بر سه دلیل تأکید شده: بی اطلاعی، مسؤولیت فعال جمعیت اورشلیم و رؤسایشان، به انجام رسیدن کتاب. در اینجا بطور خیلی واضح تر از ۱۷:۳ توضیح، بی اطلاعی یهودیان به عنوان ارتکاب کج فهیم مقصّرانه معروفی می‌شود.

-o همزمان با ثابت کردن اینکه فعالیت ۱۲ رسول محدود به مردم اسرائیل است (ویا اینطور به نظر می‌رسد)، پولس به اینکه والترین شاهدین هستند اعتراف می‌کند. مؤلف من بعد و با طیب خاطر، به این نکته اشاره می‌کند که پولس نیز از خدا و عیسی رسالتی دریافت کرده که خصوصاً بطرف غیریهودیان برود و اینکه او این رسالت را به انجام خواهد رساند (۵:۱۸؛ ۱۱:۲۳؛ ۲۲:۲۶؛ ۲۳:۲۸) ر.ک. ۲۱:۲۲ توضیح. ولی اگر باید مثل ۱۲ رسول (۲۰:۴) آنچه را دیده و شنیده (۱۵:۲۲) بازگو کند، پولس همان چیزهایی را که آنها شنیده و دیده اند، ندیده و نشنیده است (۲۲:۱) توضیح. ظاهر شدن یسوع بر پولس که سبب گرایش وی است، بیشتر با ظاهر شدن های بعدی در ارتباط است (۱۶:۴۶؛ ر.ک. ۹:۱۸ توضیح) تا با ظاهر شدن ها بر شاهدان ۴۰ روز (ر.ک. ۱:۹ توضیح). پولس چیزها را نوعی دیگر می‌بیند (۱-۱۵:۱۵؛ ر.ک. ۹:۸-۹:۹؛ ر.ک. ۹:۱۷-۱۶:۱). در مرور استیفان به عنوان شاهد ر.ک. ۲۰:۲۲ توضیح.

[كتب] انبیاء گفته شده به وقوع بیوندید!^۱
^۱ بنگرید! ای تحقیر کنندگان! متعجب شده و ناپدید شوید! زیرا که من در ایام شما کاری انجام می دهم، کاری که اگر آنرا برایتان نقل می کردند، بدان ایمان نمی آوردید.^۲ در حالی که خارج می شدم، از ایشان خواستند تا سبیت آینده این سخنان را به ایشان بگویند.^۳ و آنگاه که جمعشان پراکنده شد، بسیاری از یهودیان و نوگروندهای خدا پرست^۴ به دنبال پولس و برنابا افتاده و این دو در صحبت‌هایشان، آنان را ترغیب می نمودند که در فیض خدا باقی بمانند.

:۲۳:۱
 :۲۶، ۲۲:۱۴
 ۳۲:۲۰، ۴۰:۱۵

پولس و برنابا به سوی ملت‌ها می‌روند^۴ اما سبیت بعد، تقریباً تمام شهر جمع شدند تا کلام خدا را بشنوند.^۵ ولی ^{۵:۱۷، ۱۷:۵} یهودیان با دیدن این جمیعت، پر از ^{۳۷:۱۹، ۶:۱۸} حسادت شدند و به آنچه که پولس می‌گفت کفر گفته، مخالفت می‌کردند.^۶ اما

همانطوری که در مزمور دوم ^P نوشته شده: تو پسر منی، من امروز تو را تولید کردم.

^{۳۴} و اینکه خدا وی را از میان مردگان برخیزانیده تا دیگر بازگشت به پوسیدنی

نباشد، برای همین است که گفته:^۹

«من مقدساتی از داود به شما خواهم داد، چیزهای مطمئن.»

^{۳۵} و نیز به این خاطر است که در جای دیگر می‌گوید^{۱۰}:

^{۲۱:۲} «قدوست را نخواهی گذاشت که پوسیدگی را ببیند.»

^{۳۶} باری، زیرا داود پس از آنکه در نسل

خود به طرح خدا خدمت کرد، به خواب رفته و به پدرانش پیوست و پوسیدگی را

دید، ^{۳۷} ولی آن که خدا او را برخیزانیده، پوسیدگی را ندید.^{۱۱} پس ای مردان،

برادران این را بدانید: توسط او بخشش

گناهان به شما اعلام شده، از تمام آنچه با

^{۱۰:۱۵} قانون موسی نتوانسته اید عادل^{۱۲} بشمار آید^{۱۳} هر که به او ایمان آورد، عادل بشمار

آید، ^{۱۴} مواظب باشید مبادا آنچه در

p - مز ۷:۲: این نقل قول (ر.ک. ۵:۵) رستاخیز یسوع را بعنوان نشاندن وی بر کرسی مسیحیابی اعلا، ارائه می دهد (۳۶:۲) توضیح: ر.ک. ۲۲:۳ توضیح: روم ۴:۱.

q - اش ۳:۵۵: واقعیت‌های مقدسی که به داود و عده داده شده اند، خود یسوع است. که مقدس مطلق است. (بند ۱۴:۳، ۳۵

توضیح) و تبرئه کاملی که او فراهم می کند (بند ۳۸-۳۹).

r - مز ۱۰:۱۶ در بندهای بعدی، این متن همانطوری تفسیر شده که در ۲۵:۲-۳۱.

s - مثل موارد زیادی در اعمال رسولان (۱۸:۲۶، ۴:۳؛ ۳۱:۵، ۳۸:۲) نجات (بند ۲۳، ۲۶) اعلام شده و آورده شده توسط یسوع، ابتدا بخشش گناهان نامیده شده. سپس با بی قدرتی قانون (ر.ک. ۳۱-۲۱:۳ وغیره) تبرئه (ر.ک. ۲۴:۳ توضیح) عطاء شده به هر انسانی که ایمان دارد (ر.ک. ۱۶:۱ وغیره) کلمات و فکر پولس به پیش کشیده می شوند.

t - حب ۵:۱. این یادداشت تهدید آمیز در پایان کتاب پاسخی می یابد (۲۸: ۲۶، ۲۲: ۲۷ = اش ۹:۶-۱۰).

u - این کلمه «نوگروندهای» در اینجا (ر.ک. ۱۱:۲ توضیح) به معنی خداترسان (۱۰: ۲ توضیح) است. منبع این تسمیه با کلمه پرستندگان جانشین خواهد شد (۱۳: ۰: ۱۰، ۵: ۰: ۱۷، ۱۷: ۱۸، ۱۷: ۱۴: ۱۶) این نامخوانانی که در ایمان یهود شریک بودند، می بایست اعضای زیادی را به جمعیت‌های پولسی داده باشند.

v - یا کفرگوئی‌هایی و اگر نه تنها به پولس حمله می کردند ولی همینطور به مسیح که پولس او را اعلام می کرد (ر.ک. ۶:۱۸). (۱۱:۲۶).

آمدند^۵ و شاگردان، [خود] پر از شادی و روح القدس بودند^۶.

پولس و برنابا در قونیه

۱۴ اما در قونیه نیز وارد کنیسه یهودیان شده و طوری صحبت کردند که جمع زیبادی از یهودیان و یونانیان^b ایمان آوردند.^۲ اما یهودیانی که ایمان نیاورده بودند، روح ملت‌ها^[۳] غیر یهود^[۴] را مقلوب ساخته، آنها را علیه برادران شوراندند.^۳ پس مدت مديدة^[۵] پولس و برنابا^[۶] توقف کرده، به خداوندی که به کلام فیضش گواهی می‌داد، شجاعانه سخن^{۲۲:۲۰} می‌گفتند؛ و او عالیم و شگفتی‌ها عطا می‌کرد که به دست ایشان انجام می‌شد.^۴ و بین بسیاری در شهر اختلاف افتاد؛ بعضی حقیقتاً طرفدار یهودیان بودند و بعضی طرفدار رسولان^c و چون از امت‌ها^[۷] غیر یهود^[۸] و یهودیان با رؤسایشان تصمیم به توهمی و سنگسارشان گرفته بودند،^۹ [رسولان]^[۱۰] به محض اینکه متوجه شدند،

پولس و برنابا با اطمینان خاطر گفتند:
«نخست می‌بایست کلام خدا به شما اعلام شود؛ اما چون شما آن را رد کردید و خود را شایسته حیاط جاویدان نمی‌دانید، همانا ما به سوی امت‌ها^[۱۱] غیر یهود^[۱۲] می‌رویم^w.^{۱۳} چون خداوند، این چنین به ما امر نموده^x：

۸:۱ «تورا نور امت‌ها گرداندم تا به اقصاء نقاط زمین برای نجات باشی.»^{۱۴} و با شنیدن این، [افراد] امت‌ها، شادان^{۱۵}، کلام خداوند را تمجید می‌نمودند و تمام آنها بای که برای زندگی جاودانی^{۱۶} برگزیده شده بودند، ایمان آوردند.

۹ و کلام خداوند در تمام آن ناحیه منتشر می‌شد.^{۱۷} اما یهودیان چند زن پارسا ۱۲، ۴:۱۷ و همین طور [افراد] سرشناس شهر را اغوا کردند و اینها برای شکنجه دادن پولس و برنابا شورش کرده و آنها را از سرزمین ۲۳:۲۲، ۶:۱۸ های خود بیرون راندند.^{۱۸} و این‌ها خاک لبو^{۱۹}، پایشان را بر آنها افشاراند و به قونیه ۱۱:۱۰.

W- در اینجا تصمیم ایجاد رخنه‌ای در ارجحیت یهودیان (ر.ک. ۳۹:۲ توضیح؛ ۲۵:۳ توضیح) و بردن انجیل به نزد ملل غیر یهود، بصورت واضح و دردناک دیده می‌شود. همین روشه ب پیش مشرکین در ۱۸:۶ (ر.ک. ۹-۸:۱۹) و ۱۷:۲۸، ۲۸:۲۸ آمده. ولی ۲۷:۲۸ توضیح.

X- اش ۴:۴۹، ۶:۳۲، ۲:۲ در مورد مسیح بکار برده شده. ر.ک. ۸:۸ توضیح.

Z- این اصطلاح متداول یهودی، یک مقدار از قبل (ر.ک. ۲۰:۱۰) را دخالت نمی‌دهد، چیزی که جایی برای آزادی انسانی باقی نمی‌گذارد (ر.ک. بند ۴۶).

a- یعنی: شادی داده شده توسط روح (ر.ک. ۱- تیمو ۱:۶؛ غالا ۲:۵؛ ۲۲:۵).

b- این کلمه «یونانیان» که در ۲۰:۱ آمده، از این پس برای مشخص کردن غیر یهودی می‌شود.

c- در اینجا مثل بند ۱۴، رسولان را باید به معنی اصلی فرستاده فهمید (ر.ک. ۱۶:۱۳). برنابا و پولس توسط کلیسای انطاکیه به رسالت فرستاده شده اند (۱:۱۳-۴:۱ ر.ک. ۲۳:۸). این مفهوم گسترده باید خیلی قدیمی باشد، به هر صورت این مورد کاربرد کلمه رسول در اینجا، مخالف کاربردهای دیگری است که مؤلف در کتابش به کار می‌برد. در موارد دیگر عنوان رسولان مخصوص دوازده نفر به کاربرده شده: فرستادگان به طور مشخص. (۱، ۲ توضیح و ۲۶:۱؛ ۴:۲ و ۳۷:۲؛ ۴:۳ و ۳۳:۴) به توضیح ۲۱:۲۲ رجوع شود.

آورده^۱، می خواست با جمیعت، قربانی تقدیم کند.^{۱۴} ولی با شنیدن آن، رسولان، برنابا و پولس، جامه هایشان را [بر تن] چاک داده به طرف جمیعت دویده در حالی که فریاد می زندن:^{۱۵} و گفتند «ای مردم چکار می کنید؟ ما همسرشت لذ شما و هم چون شما انسان هستیم. [انسان های]^{۱۶} که شما را از بیهودگی ها نصیحت می کنند^k تا خدای زنده که آسمان و زمین و دریا و هر آنچه را در آن است آفریده، بگروید.^{۱۶} در نسل های گذشته، خیروج^{۱۷} تمام امت ها را گذاشت که به راه های خود برonden.^{۱۷} با وجود این با کارهای نیکش از گواهی دادن به خویش کوتاهی نکرد، از آسمان باران و فصل های پر بار به شما داد و دل شما را از خوراک و شادمانی پر کرد.^{۱۸} و با گفتن این [سخنان] به دشواری مردم را از تقدیم قربانی باز داشتند.

^{۱۹} پس از آن یهودیانی از انطاکیه و قونیه آمده، مردم را با خود متحد کردند، و پولس را سنگسار کردند و بدین گمان که او مرده

۶۵:۲۶
۲۶:۱۰، ۱۲:۱۴
۹:۳
۹:۱
۲:۱۴
۲:۱۷
۱۱:۲۰
۱۱:۱۷
۲۵:۳
۸:۱۴۷
۲:۱۷
۱۶:۱۴۵
۱۱:۱۶
۲۵:۱۱
۲:۱۱

به لیکاؤنیه و لستره و دربه و تمام ناحیه آن پناهنده شدند^۷ و در آنجا مژده نیکورا اعلام می کردند.

شفای لنگ مادرزاد در لستره؛ موقعه پولس

^۸ در لستره مردی عاجز نشسته بود با پاها معیوب و لنگ مادرزاد که هیچ وقت راه نرفته بود.^۹ به سخن پولس گوش می داد. وی نگاهی بدوا نداخت و [چون]^{۱۰} دید که ایمان^d [لازم] جهت نجات را دارد، با صدایی قوی گفت: «سریا شو، درست بایست!» پس او جهید و شروع به راه رفتن کرد.^e

^{۱۱} و با دیدن آنچه که پولس انجام داده بود، جمیعت صدا را بلند کرده و به زبان لیکاؤنی^f می گفتند: «خدایان شبیه به انسان شده، نزد ما نزول کرده اند.»^{۱۲} و برنابا را زئوس و پولس را هرمس نامیدند زیرا که وی سخنگوی^۸ اصلی بود.

^{۱۳} و کاهن [معبد] زئوس جلوی شهر^h، گاوان و تاج های گل به دروازه ها

d- شفا یافتن به عنوان جوابی به ایمان: ر. ک. ۱۶:۳ توضیح.

e- این گزارش شفاء یافتن به چندین لحظه، شفا یافتن دیگری را که در ۳:۲-۹ آمده به خاطر می آورد. ر. ک. ۲:۳ توضیح.

f- لهجه محلی. رسولان به خاطر نفهمیدن، عکس العمل فوری نشان نمی دهد.

g- اسطوره فریبی درباره فیلمون و بوسیس که زئوس و هریمس به دیدارشان رفتند، می توان ساده لوحان را به طرف اینطور برداشتی سوق دهد.

h- معبد زئوس که جلوی دروازه های شهر بنا شده.

i- یا: جلو دروازه های معبد. قربانی ها در خارج از معبد انجام می گرفتند.

j- تحتاللفظی: مردان، یا دوستان!

jj- تحتاللفظی: ما تابع شرایطی مثل شرایط شما هستیم.

k- این سخنرانی کوتاه (بندهای ۱۵-۱۷) اوین نمونه ای است که دیگر خطاب به یهودیان نیست (۲:۲ توضیح) بلکه خطاب به یونانیان است، کسانی که قبیله یهود را قبول ندارند. اول خدای آفریدگار و کمک رسان با عباراتی از کتاب مقدس (موارد مشابه ببینید که نشانی آن در حاشیه آورده شد) بدون اینکه هیچ اشاره ای به تاریخ اسرائیل یا پیامبران، اعلام می شود. این موقعه، چیزی جز طرحی پایان نیافته می باشد، طرحی که بعداً در موقعه آتن از نوگرفته و توسعه داده شده است. (۲:۱۷ توضیح).

^{۲۴} و از پیسیدیه گذشته به پمفیلیه آمدند.^{۲۵} و پس از اعلام کلام در پرجه، به اتالیه فرود آمدند.^{۲۶} از آنجا بادبان‌ها را به طرف انطاکیه برافراشتند، جایی که در ^{۴۰:۱۵} آن به فیض خدا سپرده شده بودند برای امری که [تازه] به انجامش رسانیده ^{۲:۱۳} بودند.^{۲۷} و به [هنگام] رسیدنشان کلیسا را گردآوری کرده و تمام آنچه را خدا با آنها کرده بود بازگو کردند و اینکه او [خدا] در ایمان را بروی امت‌ها [ی غیر یهود] باز کرده است.^{۲۸} آنگاه مدتی مدید با شاگردان ماندند.

اختلاف در انطاکیه بر سر موضوع ختنه
^۱ و چند نفر که از یهودیه ^۹ آمده ^{۲۴:۵-۱۵} بودند ^{۱۰} به برادران آموزش می‌دادند ^{۲:۵} غلا

[جنائزه] او را به خارج از شهر کشاندند.
^{۲۰} اما شاگردان^۱ دور او را گرفتند و بلند شده وارد شهر شد. و فردای آن روز همراه برنا با عازم دربه شد،

بازگشت از مأموریت

^{۲۱} پس از نوبت دادن در این شهر و شاگرد ساختن بسیاری به لستره و قونیه و انطاکیه برگشتند.^{۲۲} روح شاگردان را تقویت کرده آنان را نصیحت نمودند که به ایمان ^m ^{۴۳:۱۳، ۴۳:۱۱} پایدار بمانند و اینکه باید با [تحمل] مصیبت‌های فراوان به ملکوت خدا راه ^{۱-۳:۳} متسا
^{۲۳} یابیم.^{۲۴} و آنها برای هر کلیسا پیرانی منصوب کردهⁿ و پس از دعا و روزه آنها را به خداوندی سپردند که به او ایمان آورده‌اند.

۱- روایتی دیگر: شاگردانش: رک ^{۲۵:۹} توضیح.

m- در اینجا ایمان و زندگی مسیحی متراffد می‌باشد.

n- تنها اطلاع داده شده توسط اعمال رسولان در مورد انتصاب پیران که در اینجا برای اولین بار در خارج از اورشلیم دیده می‌شوند (توضیح ^{۳۰:۱۱}). ممکن است که کلیساها در انتخابشان شرکت می‌کرده اند (ر.ک. ^{۵:۶}، ^{۳-۲:۱۶}) ولی در هر صورت تصمیم نهایی با رسولان (ر.ک. ^{۵:۱}، ^{۱:۱}) و به نوعی با روح مقدس (^{۲۸:۲۰}) بوده است. در مورد نقش پیران به توضیح ^{۱۸:۲۰} رجوع کنید.

۰- به نحوی معنی دار، تصویر در باز، که همینطور در ^۱ قرن ^{۱۶:۹}؛ ^۲ قرن ^{۱۲:۹}؛ ^{۳:۴} کول، دیده می‌شود، دقیقاً در وسط کتاب اعمال به میدان می‌آید. دسترسی غیر یهودیان به ایمان ^{۱۰:۴۵}؛ ^{۱:۱۱} و ^{۱۸:۱} اعلام شده، نقطه عطفی است که دو قسمت کتاب به آن تکیه دارند.

P- روایتی که در اینجا آغاز می‌شود (^{۱:۱۵}-^{۳۵}) قسمت مهم طرح کتاب اعمال رسولان و عبارت از شرح گشوده شدن در ایمان بر روی ملت‌ها است (^{۱۴}-^{۲۷}:۱۴) توضیح، دری که در حقیقت نزدیک بود مجدداً مسدود شود (^{۱۵} توضیح). مسیحیان موقع می‌شوند قوم خدا باقی مانده و نامختونان در ایمان و نجات به مختاران بیرونند (^{۱۴:۱۵} توضیح). این بحران در انطاکیه آغاز (^{۱:۱۵}-^۴) و در آنجا پایان می‌یابد (^{۱۵}-^{۳۰:۳۵}) ولی اوج بحران و نتیجه گیری از آن در اورشلیم است (^{۱۵:۵-۲۹}). در آنجا یک سخنرانی از پطرس (^{۱۵:۱۱-۷:۱۱}) و یک سخنرانی از یعقوب آمده (^{۱۵:۱۳-۱۱}) و نامه ای (^{۱:۱۵}-^{۲۳:۲۹}) که مطالب روایتی را به یکدیگر بیوند می‌دهد (^{۱۵:۴-۴:۶}، ^{۲۲-۲۲:۱۲-۱۳}). از نظر وحدت سیک ادبی، این مجموعه روایت‌ها مسئله‌هایی مطرح ساخته و ارتباط آن با فصل دوم نامه به غلاطیان هم مورد بحث است. ممکن است نویسنده کتاب، خواسته یا ناخواسته، به روش خود واقعی را گردآوری و ارائه کرده باشد که در حقیقت کمابیش پراکنده و پیچیده تر بوده اند.

r- روایت نسخه خطی غربی: بعضی ایمانداران که از منشاء فریضی بودند پایین آمدند آنگاه؛ ر.ک. ^{۱۵:۵}.

q- به طوری که از ادامه روایت بر می‌آید (^{۱۵:۱۵}) منظور مسیحیانی هستند که مختارون بوده اند. آیا بایستی این موضوع را با آنچه پولس در ^{۲:۱۱-۱۱:۱۰} ذکر نموده، یکی دانست؟ پاسخ به این سؤال دشوار است زیرا روایت کتاب اعمال رسولان

رسیدند، توسط کلیسا، رسولان و پیران، پذیرفته شدند^x و ایشان هر آنچه را خدا با آنان انجام داده بود گزارش نمودند.

نتیجه اختلاف: جمعیت اورشلیم

^۵ اما چند تن از آنان که از فرقه فریسیان^y

بوده و ایمان آورده بودند برخاسته^z گفتند که باید ایشان را ختنه کنند و دستور دهنده قانون^{۱:۱۵} ۵-۴:۲ غلا^{۱:۱۵} بود و ایمان آورده بودند مترادف شده است^{۱:۱۱} این مسئله به اورشلیم مشرف شوند.^{۱:۱۱} پس

موسی را رعایت نمایند.^۶ پس رسولان و پیران^a گرد آمدند^b تا درباره این سخن بررسی نمایند.^۷ پس از اینکه مباحثه زیادی

پیدا^{۱:۹-۹:۱۷} که «اگر بر طبق آئین موسی ختنه نشده اید^۸ لاؤ^{۳:۱۲} نمی توانید نجات یابید^۹» و چون^{۷:۱۵} مخالفت و مباحثه نسبتاً شدیدی بین ایشان^{۳۰:۱۱} و پولس و برنابا روی داد، تصمیم گرفتند که^{۱:۲} پولس و برنابا و چند نفر دیگر از بین ایشان^{۱:۱۵} به نزد رسولان و پیران برای بحث در باره^{۱:۱۱} این مسئله به اورشلیم مشرف شوند.^{۱:۱۱} پس^{۱:۱۶} کلیسا برای اینان وسیله فراهم کرده^۷ از^{۱:۱۱} فنیقیه و سامرہ عبور نموده، مبدل شدن^{۲:۲۷} امتها را تعریف می کردند و شادی عظیم به تمام برادران می دادند.^۷ چون به اورشلیم

مریبوط به قتل از بحث های مهم^c اورشلیم است (اع ۱۵:۲۹-۴:۲۹) در صورتی که به نظر می رسد روایت پولس مریبوط به بعد از بحث ها می باشد (غلا ۱۰:۱-۱۰:۲) که مسائلی که مطرح شده متفاوت هستند و در روایت کتاب اعمال پطرس ظاهر نمی شود مگر برای اینکه بیانات پندهای ۱۱-۷ را اظهار نماید.

^۸- در روایت نسخه غربی: اگر خود را ختنه نکنید و اگر بر طبق دستور موسی رفتار نکنید (ر.ک. ۱۰:۱۵ توضیح).
^۹- علاوه بر مسائلی که همسفره شرن مسیحیان مختار و مسیحیان نامختار ایجاد می کرد (۱:۱۱ توضیح)، اکنون یک سؤال مطرح شده است: بدین معنی که چگونه می توان نجات یافت؟ (ر.ک. ۱۲:۴ توضیح) و اگر بدون ختنه شدن و بدون رعایت قوانین تورات غیرممکن است (۱۵:۵، ۱۰:۱۰ توضیح)، پس ایمان به چه درد می خورد؟ (۱۵:۹ توضیح).

^{۱۰}- در روایت نسخه خطی غربی (بجای تصمیم گرفتند)، زیرا پولس باشد از این نظر پشتیبانی می کرد که بایستی به همان طوری که وقتی ایمان آورده بودند باقی بمانند (ر.ک. ۱۷:۷-۱۸:۷) ولی آنانکه از اورشلیم آمده بودند، پولس، برنابا و چند نفر دیگر را ملزم کردند که به اورشلیم مشرف شده با رسولان و پیران ملاقات کنند تا درباره این اختلاف نظر داوری نمایند. در اینجا به نظر پولس، ملزم ساختن اجرای ختنه بدان معنی بود که روشی را مجدداً بحث و بررسی نمایند که مأموران تبلیغ پذیرفته و برنابا به نام کلیسا اورشلیم تصدیق کرده بود (۱۱:۲۲-۲۴) و در سطحی وسیع انجام می گرفت (۱۳:۱۴-۱۳).

^{۱۱}- یا: ایشان را بدرقه نمود (در راه: ر.ک. ۵:۲۱).

^{۱۲}- بنا بر این برادران با نظریات پولس و برنابا موافقت دارند، با بعضی موارد تطبیق و برابری که بین اع ۴:۲۹-۳:۲۹ و غلا ۲:۱۰-۱:۱۰ وجود دارد چنین تصور می شود اقامت پولس در اورشلیم که در این دو متن ذکر شده یکی هستند و لی روایت کتاب اعمال رسولان در مورد مسافرت سومی است (ر.ک. ۹:۶-۲۶:۳۰؛ ۴:۲۵ توضیح) در صورتی که روایت نامه به غلطیان درباره دو مین مسافرت او است (ر.ک. ۱:۱۸)، از سوی دیگر، این دو روایت، تفاوت های مهمی دارند و چنانچه درباره همان وقایع باشند منظور و هدف کاملاً متفاوت است.

^{۱۳}- در روایت نسخه خطی غربی: سخاوتمندانه پذیرفته شدند (ر.ک. ۲۱:۱۷). در متن نسخه خطی غربی پس از این تاکید خواهد داشت که اختلافاتی که در انتظاکه ایجاد شده بود مرتفع شده و تمام کلیسا راه حل پیشهادی را به اتفاق آراء پذیرفته است.

^{۱۴}- تحت اللفظی: عضو فرقه فریسیان.

^{۱۵}- در روایت نسخه خطی غربی چنین است: آنان که ایشان را ملزم کرده بودند پیران را ملاقات نمایند، یعنی آنان که عضو فرقه فریسی بودند بیباخته، علیه رسولان دخالت کردند. ر.ک. ۱:۱۵ توضیح.

^{۱۶}- چنین به نظر می رسد که این اجتماع محدود و منحصر به رسولان و پیران است (ر.ک. ۲:۲، ۶) در صورتی که بعداً ذکر خواهد شد که تمام جمعیت مسیحیان حضور داشته اند (۱:۱۵، ۲:۲۲، ۱۲:۱۵)؛ می توان پرسید که آیا اختلاف به سبب بی توجهی در تنظیم و انشاء مطالب است؟ یا این که قطعاتی از منابع مختلف است که دو جلسه مختلف نمایند؟ ر.ک. توضیح بعدی.

^{۱۷}- در روایت نسخه خطی غربی چنین است: رسولان و پیران با مجموعه [برادران] گرد آمدند. ر.ک. توضیح قبلی.

ایمان داریم که به فیض خداوند یسوع^۱ نجات یافته ایم، به همان گونه که ایشان نیز[نجات ۱۸:۱۱ یافته اند].»

^{۱۲} پس تمام جمیعت ساکت شده^a و به غلا^{۱:۲} برنا با و پولس گوش می دادند که آنچه را که خدا، از نشانه ها و شگفتی ها بوسیله ایشان در بین امت ها انجام داده بود، وصف می کردند.^k

^{۱۳} پس از ساکت شدن ایشان، یعقوب شروع به سخن کرده گفت:^۱ «ای مردان! غلا^{۹:۲} برادران، به من گوش دهید!^{۱۴} شمعون^۲-پطر^{۱:۱} برایتان گفت که خدا چطور امت ها[ای غیر یهود] را در نظر آورده و از آنان قومی را که به نامش باشد برگرفته است^m.^{۱۵} و سخنان

^d: ۲:۱۵ روی داد، پطرس برخاسته^c به ایشان گفت: غلا^{۹:۲} «ای مردان! برادران، می دانید که از همان روزهای کهن، خدا از میان شما انتخابی کرد^{۱۸-۵:۱۱} که از دهان من، امت ها[غیر یهود] سخن ۱۴:۱۵ انجیل را بشنوند، و ایمان آورند.^۸ و خدایی^{۱:۱۱} که قلب هارا می شناسد، با دادن روح [آن که] مقدس [است]^{۲۴:۱} به ایشان^۹ گواهی داد، همان طوری که به ما داده [گواهی داده بود]^e ^۹ هیچ فرقی^f بین ما و نیز ایشان نگذاشته، ۳۴:۱۰ ۴۷-۴۴ چونکه به وسیله ایمان قلب های ایشان را پاک کرده است^g.^{۱۰} پس اکنون چرا خدا را^{۱۵:۱۰ ۹:۱۱ ۱۸:۱۱} روم^{۹:۵} غلا^{۱۶:۲} به آزمایش در می آورید تا یوغی بر روى^{۱۶:۵} گردن شاگردان گذاشته شود که نه پدران ما و مت^{۳۰-۲۹:۱۱} نه ما توانسته ایم تحمل کنیم^h?^{۱۱} ولی ما

^c- در روایت نسخه خطی غربی در اینجا اضافه شده است: روح القدس دخالت کرد ضمناً در این نسخه خطی، درباره دخالت روح القدس برای راه حلّ نهایی مرتباً اصرار و تأکید خواهد شد.

^d- پطرس توضیح خواهد داد که گرویندن کرنیلیوس متضمن چه نتایج عقیدتی دائمی خواهد بود (ر.ک. ۱:۱۰ توضیح؛ ۱۸:۱۱ توضیح): بدین معنی که برای مختونان و همچنین نامختونان موهبت روح القدس (۸:۱۵)، بخشایش گناهان (۹:۱۵)، نجات (۱۱:۱۵) عمل خدا است بوسیله ایمان و بوسیله فیض خداوند یسوع (۹:۱۵، ۱۲). بنا بر این منوط کردن نجات به ختنه، به معنای تحریک کردن خداست (۱۰:۱۵).

^e- در روایت نسخه خطی غربی: به همه ایشان روح القدس را داده است همچنانکه به ما (ر.ک. بند ۷ توضیح). ^f- یا: «بدون ملاحظه کاری». بدون هیچ تفاوت، تقریباً به معنی اصطلاحی دیگر است که در بند ۲۰:۱۰ آمده. (ر.ک. ۱۲:۱۱).

^g- معنی رؤیایی که پطرس در قصیره دیده بود همین است (۱۰:۳۵-۱۰:۴۳ توضیح).

^h- منظور از این یوغ فقط ختنه شدن نیست بلکه شامل تمام دستورات قوانین یهود می شود (ر.ک. ۱:۱۵؛ غلا^{۳:۵}) بنا بر این پطرس موافق است که وضع کوتی در مجموع پذیرفته شود (ر.ک. ۲:۱۵ توضیح) و مسیحیان نامختون ملزم نیستند از قوانین یهود پیروی و تبعیت نمایند.

- روایت نسخه غربی: خداوند یسوع مسیح.

ⁱ- در روایت نسخه غربی: چون بیران با پطرس موافق بودند تمام جمیعت ساکت شده

^k- بدین ترتیب مشاهده می شود که خدا فعالیت تبلیغ انجیل را ضمانت کرده است (ر.ک. ۲:۳ توضیح) که از ملت ها چیزی جز ایمان اوردن نمی خواهد (۱۳:۳۸-۱۲:۴۸؛ ر.ک. غلا^{۲:۲}).

^l- یعقوب سخنان پطرس را تصدیق خواهد کرد (۱۵:۱۵-۱۵:۱۸). ولی تنبیجه گیری های یعقوب (۱۵:۱۹-۱۵:۲۰) به پایه پیشرفته نظریات پطرس نمی رسید (۱۰:۱۵ توضیح) و بیشتر الزام های مسیحیانی را در نظر می گیرد که پای بند به دستورات و مقررات آئین یهودی هستند (ر.ک. ۱۹:۱۵؛ ۲۱:۲۱؛ ۱۲:۲؛ غلا^{۳:۵}).

^m- یعنی قومی که اختصاصاً به او تعقّل داشته باشد. ارزش حقیقی این اظهارات مهم (ر.ک زک ۱۵:۲) با مطالبی که از کتاب عاموس نقل شده و در پی آنها می آید، تصریح می شود. در این نقل قول دو کلمه بکار برده شده که ملت ها و نام می باشند: بدین معنی که ملت ها، خداوند را جستجو کرده و به آیین می گروند (۱۷:۱۵) و بدین گونه به قوم اسرائیل می پیونددند (۱۵:۱۶؛ ر.ک. ۶:۱)، قوم اسرائیل که خود توبه کرده و از وعده هایی که داده شده برخوردار می شود (ر.ک. ۲:۳۹).

است.^۹ »^{۱۰} به این سبب است که رأی من

این است که آنها را از امت ها که به خدا

روی می آورند نباید مشوش کرد و اما

فقط برایشان بنویسیم^{۱۱} که از آلودگی های

۲۵:۲۱، ۲۹:۱۵ بتان، و از زنا و از [گوشت حیوان] خفه^{۱۲}

شده و از خون دوری کنند.^{۱۳} چرا که

موسی، از نسل های قدیم در هر شهری

۵:۳-۲ فرنخ مخبرانی داشته که از وی خبر می داده اند،

چونکه در کنائس هر سبت او را قرائت

می کنند.^{۱۴} »

انبیاء بنا بر آنچه نوشته شده با این مطابقت

می کنند:^{۱۵}

^{۱۶} «پس از این بر خواهم گشت، و خیمه

افتاده شده داود و ویرانه های آن را دوباره

بنا خواهم کرد^{۱۶} و خواهم ساخت،

^{۱۷} تا بقیه انسان ها خداوند را جستجو

کنند، و همین طور تمام امت هایی که به

نام من نامیده شده اند^{۱۷} [اینها را] خداوند

ایشان را اینطور فرمود^{۱۸} [او] که همه این

چیزهایی را که انجام داده از ازل می دانسته

۱۶:۱۱ و بند بعدی؛ ۱۲:۱۵). از آن پس قوم خدا از مختونان و نا مختونان ایمان آورده تشکیل می شود (ر.ک افس:۲:۱-۲ پطر:۲:۱۰).

n- نقل قول از ترجمة یونانی عا ۱۱:۹. انتساب این عبارت به یعقوب، از روی متنی عبری غیرمسکن می شد زیرا در پایان^{۱۹} نقل قول عبری چینی است (۱۷:۱۵)؛ از آن زمان بقیه ادوم و ملت ها را تصرف خواهند کرد.

o- ترجمه تحت اللطفی: باز خواهیم آمد و دوباره بنا خواهیم کرد.

p- ترجمه تحت اللطفی: «که بر روی ایشان نام من برده شده است» (چنانکه برای تصرف و مالکیت انجام شود). در نوشته های عهد جدید این اصطلاح فقط در بع ۷:۲ بکار برده شده است.

q- پایان نقل قول به مانند انعکاسی از اش ۲۱:۴۵ است: این عبارت خیلی مبهم است. مثلاً در بعضی از نسخه های خطی غربی نوشته شده است: از ازل عمل خداوند را می دانسته است.

r- یعقوب از یهودیان درخواست خواهد کرد تا از ختنه الزامی صرف نظر نمایند (۱۶:۱۵) و از ملت هایی که به آینین گرویده اند خواهد خواست تا بعضی از الزامات شرعی پذیرفته، تبعیت کنند. یهودیان متوجه خواهند شد که قوم خدا از مختونان و نامختونان تشکیل می شود و نوگرایان ملت ها، روابط انسانی در داخل این قوم را تسهیل خواهند کرد (ر.ک. ۲۰:۱۵ توضیح).

s- ترجمه دیگر: برایشان [کتبیا] حکم کنیم.

t- ممنوعیت هایی که ذکر می شود (ر.ک. ۲۹:۱۵) عبارتند از: - نخست مصرف گوشت حیواناتی که ملت ها برای بیان قربانی می کنند (ر.ک. ۱-۲:۸)، * دوم فساد اخلاقی است و احتیالاً در اینجا منظور وصلت هایی است که از نظر قوانین یهود غیرشرعی است (ر.ک. ۱۸:۶-۱۸). * سومین ممنوعیت مصرف گوشت حیواناتی است که بر طبق مقررات شرعی ذبح نشده اند و مسلمان ممنوعیت^{*} چهارم هم در همین مورد است (ر.ک. لاو ۱۰:۱۷) مگر اینکه در مورد آدم کشی باشد (پید ۶-۵:۹). این مقررات و ممنوعیت ها جنبه آداب دارند و چنین به نظر می رسد که مخصوصاً برای آن بوده که مسیحیان نامختون برای برادران یهودی مخصوصاً به هنگام صرف غذای دسته جمعی باعث آلودگی و نایاکی نباشند (۱۱:۳ توپیح؛ ر.ک. ۱۲:۲). این چهار دستور ممنوعیت تقریباً در هفت دستور نوع پیدا می شود که در نوشته های کاهنان همانطوری به امت ها تحمیل شده است که همچنین به یهودیان (ر.ک. ۷-۳:۹).

u- در روایت نسخه خطی غربی: از آلودگی های بت پرستی پیرهیزند، از فساد اخلاقی و از خون و از رفتار با دیگران به طرقی که نمی خواهند با خودشان چنان رفتاری شود (در بعضی از نسخه های خطی کلمه «فساد اخلاقی» حذف شده است)؛ ر.ک. ۵:۲۹ توپیح. چون در این ممنوعیت ها سخنی درباره گوشت حیوانات خفه شده نیست و در پایان جمع بندی حکیمانه طرز رفتار با دیگران ذکر شده (ر.ک. مت ۱۲:۷) می توان چنین استنباط کرد که فقط جنبه آینین مذهبی ندارند بلکه دستورات اخلاقی هستند و بنابراین کلمه فساد اخلاقی مفهوم کلی پیدا می کند و خون به معنی آدم کشی می آید.

v- یعقوب یادآوری می کند که از دوران کهن، هر هفته قرائت موسی یعنی قسمتی از اسفار بیانگانه در کنائس انجام می گرفت. بنابراین راه حلی را که پیشنهاد می کند موجب تعجب مشرکانی که به مسیحیت گردیده اند نخواهد شد زیرا مسائل قانونی را که باعث اختلاف بین یهودیان و یونانیان شده می شناسند. می توان گفت که این نکته لائق یکی از جنبه های احتمالی این استدلال مبهم است.

چند مردی را [از بین خود] برگزیده و آنها را به نزد شما بفرستیم، همراه بربابا و پولس، عزیزان ما،^{۲۶} انسان‌هایی که جانشان را برای نام خداوند ما یسوع مسیح تسليم.^{۲۷} بنا بر این یهودا و سیلاس را کرده‌اند.^{۲۸} می‌فرستیم که شفاهای^a [با سخن خود] همین چیزها را بر شما اعلان کنند:^{۲۹} زیرا روح [آن که]^b مقدس [است]، و ما^c خودمان مصلحت دیدیم که ضمناً باری جز ضروریات بردوش شما ننهیم.^d از گوشت قربانی^e شده برای بت‌ها، از خون و [گوشت حیوانات]^f خفه شده و از فساد اخلاق^g پرهیز کنید، با خویشن‌داری [در این امور] خوب عمل می‌کنید.^{۳۰} به سلامت باشید.»

تصمیمات و نامه شورا

- ۱۱:۵ ۱۲ آنگاه رسولان و پیران، با تمام کلیسا، تصمیم گرفتند از بین خودشان مردانی را انتخاب کرده و آنها را همراه پولس و بربابا به انطاکیه بفرستند: یهودا ملقب به بربابا و سیلاس، مردانی معتمد در بین برادران بودند.^{۲۳} به دست ایشان نوشته شد:^{۲۴} «از رسولان و پیران^{۲۵}، برادران، سلام بر شما برادرانی که در انطاکیه و سوریه و قیلیقیه بوده و از امت‌ها [ای غیر یهود]^{۲۶} می‌آید.^{۲۷} ۲۴ مطلع از اینکه چند نفری از بین ما، با سخنانشان شما را مشوش کرده و روحتان را منتقلب ساخته‌اند^{۲۸}، بدون اینکه از ما دستور غلام^{۲۹} گرفته باشند،^{۳۰} ما یک دل تصمیم گرفتیم

W- از یهودای بربابا در جای دیگری ذکری نشده. سیلاس با سیلوان همکار پولس خواهد شد (۱۵:۴۰؛ ر.ک. ۱-۲؛ ۱:۱۵). تسا ۱:۲-۲ (قرن ۱۹:۱) و همچنین با پطرس همکاری خواهد کرد (۱۲:۵-پطر ۱) وی با نظریات پولس در مورد اشاعه و تبلیغ انجیل هم آهنگ بوده (ر.ک. ۱:۱۵ و بند بعدی) و به زبان یونانی آشنا بوده است.

X- ترجمه دیگر: این نامه به ایشان سپرده شد. در روایت بعضی نسخه‌های خطی «عربی»: به دست ایشان نامه‌ای نوشته شد که حاوی این بود. بدین ترتیب می‌توان درک کرد که انشاء نامه هم به ایشان محول شده بود (ر.ک. در مورد سیلاس ۱-پطر ۱۲:۵ توضیح). در این نامه پس از عنوان (۲۳:۱۵)، دلایلی تشریح شده (۲۴:۱۵) و دو تصمیم که اتخاذ گردیده است: یکی از اعزم نمایندگان (۱۵:۲۷-۲۵:۲۷) و دیگری دستورها و منویعت‌هایی است که باستی رعایت گردد (۱۵:۲۸ و بند بعدی).

Y- روایتی که محتمل تراست: رسولان و پیران، برادران سلام می‌کنند یا رسولان و پیران سلام می‌کنند. ر.ک. ۲۸:۱۵ توضیح.

Z- منشاء بینانگرایی کلیساهای سوریه (غیر از انطاکیه) و قیلیقیه نامعلوم است. بنا بر کتاب اعمال رسولان تصمیم‌هایی که در اورشلیم اتخاذ گردید بوسیله پولس به کلیساها پیغایی، پیسیدیه و لیکاتونیه ابلاغ گردید (۱۶:۱-۴). این نامه به کلیساها مذکور خطاب نشده: چنانکه شاید به کلیساهای سوریه و قیلیقیه هم ابلاغ نشده است (۱۵:۴ توپیح). با این همه تقریباً چنین می‌نماید که پولس مدت‌ها بعد، از وجود تصمیم‌های اورشلیم آگاه می‌شود و در نامه‌های او هیچ اشاره‌ای به آنها نکرده است (ر.ک. غلام ۱:۱۰-۱۱ یا ۱۰-۸ قرن ۱-۲) که در آنها موضوع گوشت حیوان‌هایی که برای بتان قربانی می‌شود مطرح گردیده است. شاید منشاء این نامه که در کتاب اعمال رسولان ذکر شده است عین آنچه این کتاب تعریف کرده نباشد.

a- در برخی نسخه‌ها، عباراتی اضافه دارد.

aa- در روایت نسخه خطی عربی: یسوع مسیح به منظور هرگونه آزمایشی.

b- روح القدس الهام کننده تصمیمی است که اتخاذ می‌شود (ر.ک. ۱:۱۳-۱۳:۱۰). ضمیر ما (خودمان)، به معنی رسولان و پیران است یا اینکه منظور همه جمیعت مسیحیان است: بستگی به این دارد که کدام نسخه خطی انتخاب شود (ر.ک. ۱۵:۱۵ توضیح).

c- در این نامه پیشنهادهای یعقوب پذیرفته شده است (۱۵:۲۰ توضیح).

d- در روایت نسخه خطی عربی: پرهیز کردن از گوشت‌های قربانی مشرکان، از خون، از فساد اخلاق و از رفتار با دیگران به نوعی که آن را برای خود نخواهند (در بعضی از نسخه‌های خطی کلمه ازفاساد اخلاق وجود ندارد، در نسخه‌های دیگری، حیوانات خفه شده یا گوشت خفه شده ذکر گردیده است) ر.ک. ۱۵:۲۰ توپیح.

e- ترجمه دیگر: خوب خواهید بود. در بعضی از نسخه‌های خطی عربی چنین ادامه می‌باید: و به وسیله روح القدس بُرده خواهید شد.

برادران دیدار کرده ببینم [حالشان] چطور است.»^{۳۷} از طرف دیگر برنا با نیز ۱۲:۱۲ می خواست یوحنای ملقب به مرقس را همراه بیاورد.^{۳۸} ولی نظر پولس این بود که نباید شخصی را که در پمفیلیه از آنان جدا شده و در کار همراهشان نبوده، همراه ببرد.^k ^{۳۹} پس اختلاف آن چنان بالا گرفت که از یکدیگر جدا شدند. و برنا با، مرقس را برداشته به طرف قبرس سوار کشتی شد.^{۴۰} اما پولس، سیلاس را برگزیده برادران او را به فیض خدا سپرده، عازم شد.^۱

۲۶:۱۴

^{۳۰} پس آنان، پس از اینکه آنها را عازم کردند، به انطاکیه رفتند، جمعیت را گرد آورده و نامه را تسلیم کردند.^{۳۱} آن را ۴۱:۱۵ خوانندند و از دلگرمی شادمان شدند.^f ^{۳۲} یهودا و سیلاس که خود نیز نبی^g بودند، برادران را با موقعه های متعدد نصیحت کرده و تقویت نمودند.^{۳۳} پس از مدتی، در سلامتی از برادران رخصت گرفته، به سوی فرستادگان خود، عازم شدند.^{۳۴} [h ۳۵] اما پولس و برنا با در انطاکیه اقامت گزیدند و با بسیاری دیگر نیز، تعلیم و مژده نیکو به کلام خداوند می دادند.^۱

همکاری تیموتاوس با پولس و سیلاس

^{۴۱} و از سوریه و قیلیقیه عبور کرد،^{۱۵} ۲۳:۱۵ کلیساها را تقویت می نمود.^m

۱۶ ^۱ وی نیز به دربه و سپس به لستره رسید. شاگردی بنام

عزیمت پولس به همراهی سیلاس^j برای مأموریت

^{۳۶} و چند روز بعد پولس به برنا با گفت: «برگردیم به شهرهایی که در آنجا کلام خداوند را اعلام کرده ایم، از

f- مخاطبین این نامه، از اینکه مجبور به ختنه نشوند خوشوقت خواهند بود تا اینکه مجبور به پیروی از این دستورها باشند. نظریه پولس هم به همین منوال است (ر.ک. ۱۰:۱-۲). چنانچه این متن مربوط به واقعیت باشد که در اع ۱۵ ذکر شده است).

g- در روایت نسخهٔ غربی: نبی و پیر از روح القدس بودند.

h- در روایت نسخهٔ غربی: سیلاس تصمیم گرفت بماند و فقط یهودا رفت (ر.ک. ۴۰:۱۵).

i- بر بحران فایق شده اند و دروازه ایمان به روی امت ها باز ماند (ر.ک. ۲۷:۱۴ توپیح). بدین گونه سخن خداوند راه خود را از سر خواهد گرفت.

j- در اینجا قسمت جدیدی از اعمال رسولان آغاز می شود که عبارت از مأموریت بزرگ پولس است (ر.ک. ۹:۲-۷). پولس از انطاکیه به راه می افتاد (۱۵:۱۵)، ر.ک. ۱۹:۱۱ توپیح) ولی در حقیقت نقطه عظیمت او اورشلیم است (ر.ک. روم ۱۹:۱۵) که در آنجا آزادی سخن خداوند حفظ شده و مجدها در ۲۱:۱۵-۲۶ به آنجا بر می گردد. و اقامت کوتاهی که پولس در انطاکیه داشته - شاید بعد از مسافرت به اورشلیم - (۲۲:۱۸ توپیح) مأموریت بزرگ رسالتی را به دو دوره تقسیم می کند.

k- در روایت نسخهٔ غربی: کاری که برای آن اعظام شده بودند. (ر.ک. ۳:۱۳، ۵، ۱۳).

l- پولس به اتفاق همراهانش یدواً از کلیساهای نوبنیاد بازدید کرد و آنها را استوار نمود (۱۵:۱۵-۱۶)، سپس به مقدونیه (۱۶:۶-۱۷) و به آتن و بالآخره به فرنس می رود (۱۷-۱۸:۱۸). این پیشروی مهم انتشار انجیل به سوی مغرب که مستقیماً مشیت و اراده خدا بوده (۱۶:۶-۱۰) برای نخستین بار مبلغان مسیحیت را در مواجهه و مقابله با مقامات رومی (۱۶:۱۶-۱۶:۴۰) و فرهنگ یونانی قرار میدهد (۱۷:۱۶-۱۷:۱۸).

m- در نسخه های خطی غربی اضافه شده است: دستورهای پیران، یعنی تصمیم هایی را که در اورشلیم اتخاذ شده بود به آنان ابلاغ می کرد (ر.ک. ۱۶:۲-۴).

عمل شود.^۵ پس حقیقتاً [هر روز] کلیساها کول:۲:۵؛ در ایمان مستحکم^۶ و از لحاظ شمار [اعضاء] روز به روز افزون می شدند.^۷

فراخوانی پولس به مکادونیه

روح مقدس مانعشان شده کلام را در آسیا^۸ اعلان کنند، و بنا براین از منطقه فریجیه و غلاطیه^۹ عبور کردند.^{۱۰} با رسیدن به مرزهای میسیا^{۱۱}، سعی می کردند به اینجا بروند ولی روح یسوع^{۱۲} به آنان اجازه

تیموتاوس در آنجا بود، پسر زنی یهودی ایمان دار ولی از پدر یونانی^{۱۳}، که برادران لستره و ایقونیه از او تعریف می کردند.^{۱۴} پولس خواست که وی همراهش بیاید. او را برداشته و به خاطر یهودیانی که در آن حدود بودند ولی را اختنه کرد، چون همه می دانستند که پدرش یونانی بوده است.^{۱۵} و در حین عبور از شهرها^{۱۶}، تصمیمات اتخاذ شده توسط رسولان و پیران اورشلیم^{۱۷} را به [برادران] ابلاغ می کرد^{۱۸} تا طبق آنها

n- در اینجا نخستین بار نام تیموتاوس ذکر شده که در طی مأموریت بزرگ رسالت پولس همراه او خواهد بود (۱۷: ۱۴-۱۵)؛

تیموتاوس دستورات و مقررات شرع یهود را چندان رعایت نمی کرد؛ وی شاگرد محظوظ پولس رسول خواهد شد (۱۸: ۲-۶؛ ۲۰: ۲-۶؛ ۲۲: ۱۹؛ ۲۳: ۱۸).

۰- دامنه و اهمیت این نکته به خوبی روشن نیست. احتمالاً چنین تلقین می کنند که یهودیان می توانستند از خود بپرسند که آیا

پدر تیموتاوس گراشته بود پرسش را ختنه کنندیا خبر؟ پسri که از نظر حقوق یهود، یک فرد یهودی بشمار می آید. تصمیم

پولس این وضعیت را روشن می کند. نویسنده اعمال رسولان از موارد دیگری یاد خواهد کرد که پولس نشان می دهد که به

بهودیگری وفادار است (۱۸: ۲۱-۲۲ توضیح). همچنانکه مسیحیان اورشلیم وفادار بودند (۲: ۲۰ توضیح؛

۴۶ توضیح). ولی در باره دلایل این تبعیت و وفاداری بوضوح سخنی نمی گوید (۱۰-۱۱: ۶-۷ قرن). شاید در این مورد

تاکید می نماید تا نشان دهد کلیساها اورشلیم و مأموریت رسالت پولس در ادامه، یکدیگرند. مقامه اعمال رسولان را ملاحظه

کنید.

p- در متن نسخه خطی غربی؛ در ضمن گذشتن از شهرها با اطمینان کامل درباره خداوند یسوع مسیح موضعه می کرددند در حالی که تصمیم ها را ابلاغ می نمودند.

q- ر.ک ۱۱: ۳۰ توضیح؛ ۱۴: ۲۳ توضیح؛ ۲۰: ۱۸ توضیح.

۰- ترجمه دیگر؛ تصمیم ها را به ایشان ابلاغ می کردند (ر.ک ۱۵: ۴۱ توضیح). کلمه ایشان در اینجا به معنی مسیحیان این شهرها است. ر.ک ۱۵: ۲۳ توضیح؛ ۲۱: ۲۵ توضیح.

۸- ر.ک ۲۲: ۱۴ توضیح؛ ۱۰: ۴۳ توضیح.

t- این بند به صورت چکیده و خلاصه ای است که آغاز کتاب را به یاد می آورد (۲: ۴۲ توضیح). در بندهای ۱-۵ نویسنده تلقین می کند که مبلغان انجیل با اقدام و به راه افتادن در راه های جدید، همواره در همیستگی و همرأی با کلیساها اورشلیم عمل می کنند.

۱۱- احتمالاً باید راه پولس و تیموتاوس را اینچنین درک کرد (بندهای ۶-۱۰): پولس میل داشته به سوی مغرب برود (توضیح بعدی) ولی روح القدس مانع شده بود، لذا راه خود را عوض کرده به طرف شمال رفته و پس از عبور از فریجیه به سوی شمال شرقی، تاحیه غلاطیه می رود (در مورد غلاطیه، به مقدمه نامه به غلاطیان رجوع کنید) سپس می خواست راه خود را به سوی شمال ادامه داده به طرف بطنیا برود و مجدداً به وسیله روح القدس مماعت می شود. راه دیگری ندارد غیر از آنکه خدا تعیین می کند، یعنی از طریق میسیا به تراواس و اروبا برود.

۷- کلمه «آسیا» به معنی آسیای صغیر است و در اینجا منظور ناحیه بین افسس و ازمیر است در صورتی که متصرفات رومیان در آسیا شامل ایالت های دیگری می شد که از آن جمله ناحیه میسیا بوده است.

W- ترجمه دیگر؛ به مقابل میسیا. حتی می توان ترجمه کرد؛ در میسیا، میسیا، قسمتی از آسیای صغیر است که در کنار دریای مرمره و قیست شمال شرقی دریای اژه قرار دارد.

X- بطنیا که در همسایگی میسیا قرار دارد در کنار دریای سیاه واقع شده است.

y- روح یسوع؛ اصطلاحی منحصر به فرد در انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان. ر.ک. فی ۱: ۱۹. در بعضی از نسخه های خطی؛ روح خداوند یا روح. در مورد روح و مأموریت تبلیغی ر.ک. ۸: ۱ توضیح.

نیاپولیس رفتیم.^{۱۲} از آنجا به سوی فیلیپس، که اولین شهر ناحیه مقدونیه^f و مهاجر نشین رومی^g است [رفتیم] و چند روزی در این شهر ماندیم.^{۱۳} و در روز سبیت، از دروازه شهر خارج شده به کنار مز^{۱۴} رودخانه ای که فکر می کردیم^h محلی برای نیایش^۱ بود، رفتیم. نشسته و با زنانی که در آنجا گرد آمده بودند صحبت کردیم.^{۱۴} و در آنجا زنی به نام لیدیه، فروشنده پارچه ارغوانی، از [اهالی]ⁱ شهر طیاتیرا^j و پرستنده خدا^k، گوش می کرد. که خداوند قلبش را گشود، تا به آنچه پولس می گوید متوجه شود.^{۱۵} و وقتی او و

زداد.^{۱۰} بنا براین از کنارهای میسیا عبور^{۹:۱۸} کرده و در ترواس^a فرود آمدند.^۹ و شبی، پولس رؤیایی^b دید: مردی مقدونی آنجا ایستاده از او خواهش کرده و می گفت: «به مقدونیه بیا و به کمک ما بشتاب!»^{c۱۰} و به محض اینکه آن رؤیا را دید، متقادع به اینکه خدا^d ما^e را خوانده تا انجیل را به آنها ابلاغ کنیم، کوشش کردیم به طرف مقدونیه حرکت کنیم.

ایمان آوردن لیدیه در فیلیپیه

^{۱۱} پس از ترواس به دریا زده، یکسره به طرف ساموتراکی و روز بعد به طرف

- ترجمه دیگر: از کنار میسیا عبور کرده
a- ترواس: بندری در شمال غربی آسیای صغیر که از دوران آگوستوس امپراتور روم مهاجر نشین رومی بوده است. ر.ک ۱۶: ۱؛ ۱۱: ۱؛ ۲: ۲-۴؛ ۵: ۶؛ ۶: ۲-۴-قرن ۲: ۱۲.

b- تحتاللغظی: شبی بر پولس رؤیایی ظاهر شد. ر.ک ۹: ۹ توضیح.

c- بند ۱۰ طبق یک نسخه غربی چنین است: جون بیدار شد رؤیای خود را برایمان تعریف کرد و فهمیدیم که خداوند ما را می خواند که به مردم مقدونیه انجیل را بشارت دهیم.

d- در بعضی نسخه های خطی: خداوند.

e- اگر متن نسخه غربی ۱۱: ۲۸ (رک توضیح) اصل نباشد، اینجا (۱۶: ۱۰-۱۷) اوین روایتی است در اعمال رسولان که از صییر اول شخص جمع («ما») استفاده می کند. و سه روایت دیگر هم خواهند بود که عبارتند از: ۲۰: ۱۵-۵؛ ۲۱: ۱۵-۱؛ ۲۷: ۲۸ الی ۲۶. در این مورد به مقدمه کتاب مراجعه نمایید.

f- اگر نویسنده می خواسته بگوید که فیلیپی حکومت نشین ناحیه مقدونیه بوده، اشتباه کرده است زیرا مقدونیه از چهار ناحیه تشکیل می شده و فیلیپی، جزء منطقه ای است که حکومت نشین آن آمنی پولیس بوده است. همچنین شاید می توان چنین تفسیر کرد: نخستین شهری است که در ورود به این ناحیه وجود دارد و انگهی این عبارت مهم و نامعلوم است. چنانچه متن نسخه خطی را که نوشتی: «شهر اول ناحیه مقدونیه»، بپذیریم، از لحاظ تاریخی صحیح تر است ولی این نسخه های خطی زیاد معتبر نیستند.

g- مهاجر نشین رومی. فیلیپس در چند کیلومتری از ساحل و نه چندان دور از بندر نیاپولیس بر سر راه آگناتا به دریای آدریاتیک قرار داشت. این شهر به عنوان مقبر مهاجر نشینان رومی بیش از یک قرن از تشكیل آن می گذشت و بعضی ساکنان شهر را سربازان قدیمی امپراتور آنتونیو و دهقانان ایتالیانی تشکیل می دادند. اداره امور شهر کاملاً رومی بود (بند ۲۰-۲۱). اهالی شهر به خود می بالیندند که از شهر وندی رومی بر خوردار بودند. و رویه ای داشتند که پولس هنوز با آن آشنا نبود (رک ۲۱).

h- در بعضی از نسخه های خطی: بنابر معمول [رسوم]

i- این محل نیایش احتمالاً یک کنیسه نبوده است زیرا در آین نیایشی که پولس و همراهانش شرکت می کنند از نوع نیایش کنیسه ای نبوده است (برای نیایش در کنیسه وجود ده نفر ضروری بوده است).

j- طیاتیرا در آسیای صغیر مرکز صنایع رنگرزی بوده است. پارچه های ارغوانی رنگ (رنگ قرمز مایل به بنفش) که مورد توجه و علاقه و گران بها بوده اند که از این شهر به جاهای دیگر صادر می شده اند.

k- ترجمه تحتاللغظی: خدا اترس یا خدا پرست. رک ۱۳: ۴۳ توضیح.

داد. و اما پولس که آزرده شده بود برگشته به روح گفت: «به نام یسوع مسیح به تو امر ۱۶:۳، ۱۶ می‌کنم، از او خارج شو.» و او در همان ساعت بیرون آمد. ^{۱۹} و اربابان او که دیدند امید سودشان از بین رفته، پولس و سیلاس را گرفته، به میدان شهر^۸، به پیش مقامات بردند. ^{۲۰} و با بردن ایشان به نزد فرماندهان^۹ گفتند: «این مردان در شهرمان آشوب ایجاد می‌کنند. یهودیانی هستند، ^{۲۱} و رسومی را ترویج می‌کنند که برای ما که رومی هستیم نه مجاز است پیذیریم و نه انجام دهیم.^{۱۰} ^{۲۲} و انبوه مردم علیه ایشان شوریدند، و فرماندهان دستور دادند ^{۲-۲۵:۱۱} قرن ۲:۲۵:۱۱ لباس‌های ایشان را کنده و چوب بزنند، ^{۱۱:۳۰:۲} ^{۱-۲:۲} ^{۲۳} و پس از اینکه آنان را شدیداً مجروح کردند، آنان را به زندان افکنده و به

^{۱۰:۱۱:۲:۱۰} خانوارش^۱ تعمید یافتند، این درخواست ^{۱۶:۳۱} را کرد: «اگر مرا ایماندار به خداوند ^{۴:۱۹-۱۰} می‌دانید، به خانه ام وارد شده و بمانید» ^{۲۴:۲۳:۲۳} ^{۲۹:۲۴} و ما را مجبور کرد.^m

بازداشت و آزادی پولس در فیلیپیⁿ

^{۱۶} باری، [یک روز] وقتی که به محل ^{۱۹:۲۴} نیایش^۰ می‌رفتیم، کنیزکی که روح غیب گویی^p داشت و با غیب گویی سود زیادی برای اربابان خود فراهم می‌کرد، به ^{۱۹:۱۵:۲۴} دیدار ما آمد. ^{۱۷} [و در حالی که] به دنبال ^{۱۹:۲۴:۱} ما و پولس می‌آمد، فریاد می‌زد: «این انسان‌ها، برگان خدای باریتعالی هستند که راه^q نجات را به شما^r اعلام می‌کنند». ^{۱۸} و این [کار] را برای چندین روز انجام

۱- در مورد تعمید تمام افراد خانواده رک ۲:۱۰ توضیح.

m- در مورد مهمان نوازی رک ۱۰:۲، ۴۸ توضیح. پولس ترجیح می‌داد شخصاً احتیاجات خود را برآورد (رک ۲۰:۲۰-۲۵:۱۱) و احتمالاً به همین سبب لیدیه اصرار می‌کرده است. لازم به یادآوری است که کلیسای فیلیپی نسبت به پولس با سخاوت بوده است (فی ۴:۱۵-۱۶).

n- پس از دخالت‌های الهی که پولس را به سوی مقدونیه رهیی کرده (بندهای ۱۰-۶). در اینجا درباره تأسیس کلیسای فیلیپی اصرار و تأکید شده (بندهای ۱۱-۱۵) و بوسیله قدرت مسیح، مأموریت تبلیغ کنندگان انجیل دوباره تأیید می‌شود (۱۶-۱۸:۲۴-۲۵). مسیحیت که در یک شهر رومی در مقابله و مواجه با شرک و بت پرستی آست (بند ۱۲ توضیح) در این مبارزه پیروز می‌شود.

o- رک ۱۶:۱۳ توضیح.

p- ترجمه تحت لفظی: روح پیتون داشت. توضیح آنکه بر طبق اساطیر یونان، پیتون، مار بزرگی در معبد دلف و محافظ آن بوده است و این کلمه، بعداً به معنی هر گونه روح غیب گویی بکار برده شده است.

q- رک ۹:۲ توضیح.

r- در بعضی نسخه‌های خلقی: به ما اعلام می‌کنند.

s- در شهرهای یونان، میدانی در مرکز شهر قرار داشته که در آنجا معاملات و خرید و فروش انجام می‌گردید و محکمه و دادرسی برگزار می‌شد. در شهرهای بزرگ مثل آتن، رواههای میدان، محل بحث و مذاکره و مبادله افکار فیلسوفان و روشن فکران بوده است. رک ۱۷:۱۷.

t- کسانی بودند که قضاوت در محکم را بر عهده داشتند.

u- نویسنده که معمولاً نظر مساعد و خیرخواهی رومیان را نسبت به مسیحیان یادآوری می‌کند، در اینجا استثنائیًّا یک مورد مخالفت اهالی رم را ذکر می‌کند ولی به طوری که شان خواهد داد موارد شکایت (اختلال نظم عمومی و تبلیغ آیین) مبنای ندارد. زیرا اگرچه تبلیغات انجیلی مسیحیان با روحیه رومیان موافق نبود، با این همه هنوز رسمًا معن نشده بود. دلیل حقیقی این مخالفت نارضایتی اربابان کنیز بود که منافع خود را از دست می‌دادند.

زمین افتاد. ^{۳۰} و ایشان را بیرون برده گفت: «ای سروران، چه باید کنم تا نجات یابم؟»^a ^{۳۷:۲} و آنان گفتند: «به خداوند یسوع ایمان آور^b و نجات خواهی یافت. تو و خانواده ات.^c » ^{۳۲} و به او سخن خداوند را ^{۳۱:۱۱} ^{۲:۱۰} ^{۳:۱۶} گفتند [و همینطور] به تمام کسانی که در خانه او بودند. ^{۳۳} و در همان ساعت شب آنان را با خود برد، زخم‌های ایشان را شست و همان ساعت وی و خویشان او همه تعیید یافتند. ^{۳۴} و آنان را به خانه [خود] برده، سفره را گشود و از اینکه به خدا ایمان آورده بودند با تمام خانوارش در شادی بودند. ^{۳۵} اما با فرا رسیدن روز، فرماندهان مأمورانی ^d فرستاده گفتند: «این آدم‌ها را آزاد کنید!» ^{۳۶} و زندان بان این سخنان را به پولس باز گفت: «فرماندهان فرستاده اند که خلاص شوید. پس اکنون خارج شده در آرامش بروید!» ^e ^{۳۷} اما

زندان بان سپردند که از آنان شدیداً مراقبت کند. ^{۲۴} او که چنین دستوری دریافت کرده بود ایشان را به زندان درونی انداخته و پاهایشان را با کنده بست.^f

^{۲۵} و حدود نیمه شب، پولس و سیلاس، افس ^{۱۶:۵} نیایش کنان، خدا را با سرود می‌ستودند و کول ^{۱۶:۳} زندانیان به آنان گوش می‌دادند. ^{۲۶} و ^{۲۱:۴} ناگهان تکان شدیدی روی داد به طوری که بنیادهای زندان ^X تکان خوردند و بلا فاصله همه درهای زندان گشوده شدند و تمام بندها باز شدند.^{۲۷} اما زندان بان که بیدار شده و دید دروازه‌های زندان گشوده است، به خیال اینکه زندانیان فرار کرده اند شمشیر کشیده و می‌خواست خود را بکشد.^{۲۸} اما پولس با صدای بلند صدا زده گفت: «به خودت آسمی مرسان، چونکه همگی در اینجا هستیم». ^{۲۹} وی مشعل ها طلبیده، شتابان و لرزان در مقابل پولس و سیلاس بر

۷- ترجمه تحتاللغظی: به چوب بست. منظور چوب بزرگی بود که در دیوار کار گذاشته بودند و پاهای زندانیان را به آن می‌بستند تا نتوانند فرار کنند.

۸- چنین می‌نماید که موضوع آزاد شدن معجزه آسا (بندهای ۳۴-۲۵، رک ۵: ۲۱-۱۹؛ ۱۲: ۷-۱۱) بعداً به روایت اخراج روح غیب گویی از کبیر افزوده شده است: ادامه این روایت در بندهای ۳۵-۴۰ از سرگرفته می‌شود، بدون این که اشاره ای به آزاد شدن معجزه آسا شود.

۹- ترجمه تحتاللغظی: ساختمان زندان.

۱۰- گرچه در این ناحیه زمین لزه واقعه نادری نیست، ولی به نظر نویسنده در این مورد معجزه بشمار می‌آید.

۱۱- در آن دوران، هرگاه زندانیان فرار می‌کردند، زندانیان را به همان کیفر زندانیان فراری محکوم می‌کردند: رک ۱۲: ۱۹ و ۴۲: ۲۷.

a- از فکر جان به در بردن، به فکر نجات جاودانی می‌رسد. رک ۴: ۹ توضیح.

b- در مورد ایمان: ۱۰: ۴۳ توضیح و در مورد شهادت اصول ایمان ۲: ۳۶ توضیح؛ ۸: ۳۷ توضیح، رک روم ۹: ۶.

c- در مورد تعیید یافتن تمام افراد خانواده ۱۰: ۲ توضیح.

d- بر طبق بعضی نسخه‌های خطی، بند ۳۵ چنین است: چون روز فرا رسید، فرماندهان در همانجا در میدان عمومی گردآمدند و به یاد زمین لزه ای که روی داده بود با ترس فراوان، مأموران را فرستادند تا بگویند: این آدمیان را که دیروز تحويل گرفته ای آزاد کن.

e- همچنان که در شهر رم معمول بود، هر یک از داوران شهر فیلیپی دو نفر مأمور داشت که به همراه او بودند و هر یک از آنان یک دسته ترکه که مظہر و نشانه قدرت بوده در دست داشت. چنین به نظر می‌رسد که لوقا در مورد تأسیسات اداری شهر فیلیپی به خوبی اطلاع داشته است.

f- در بعضی نسخه‌های خطی غربی: بیرون شده و بروید.

شده و به مدت سه سبت، از نوشته‌هاⁱ مقدس^j برای آنها دلیل آورد.^۳ [او آنها نوشته‌ها] را برایشان^k باز کرده و ثابت می‌کرد که می‌بایست مسیح رنج کشیده و از میان مردگان برخیزد و «این مسیح، یسوع^۵ از است که من برایتان ععظ می‌کنم^۴.»^۶ و لوم^{۲۶:۲۳-۲۷:۲۶} چند نفر از بین آنها قانع شده با گروهی عظیم از یونانیان خدا پرست، و بسیاری از بانوان سرشناس^۷، به پولس و سیلاس پیوستند.^۸

اما یهودیان حسد برده و چند نفر از ارازل و اوپاش بازار را برداشت، ایجاد ازدحام کرده و شهر را به آشوب کشیدند. به خانه یاسون تاخته تا آنان را [پولس و سیلاس]^۹ در میانه مردم ببرند.^{۱۰} و چون ایشان را نیافتنند، یاسون و چند نفر از برادران را به پیش حاکمان شهر^m کشیده، روم^{۲۱:۱۶} فریاد می‌زندند: «ایمان که تمامی دنیا را زیر^{۱۱} و رو کرده، نیز اینجا آمده اند^{۱۲} و یاسون از

پولس به آنها گفت: «[با وجود اینکه] شهروند رومی^g هستیم، ما را در ملاع^{۲۵:۲۲} عام بدون داوری چوب زده و به زندان اندخته‌اند و حالا در خفاء ما را بیرون می‌آورند... نخیر! بایستی خودشان بیایند ما را آزاد کنند.»^{۱۳} و مأموران این سخنان را به اطلاع فرماندهان رساندند و آنان چون شنیدند که رومی هستند، وحشت کردند.^{۱۴} و آمدند و نصیحت کردند^h و آنان را بیرون آورده خواهش کردند شهر را ترک کنند.^{۱۵} وقتی از زندان بیرون آمدند به [خانه]ⁱ لیدیه وارد شدند و برادران را دیده، نصیحت کرده و رفتند.^{۱۶}
۱۷ دشواری‌ها در تسالونیکی

^۱ پس از گذار از امفیپولیس و اپلونی به تسالونیکی، جایی که در آن کنیسه^j یهودیان بود، رسیدند.^{۱۷} و طبق عادت [خویش]^k، پولس به نزد ایشان وارد

g- پولس حقوق مدنی رُم را یادآوری می‌کند که بر طبق آن تازیانه زدن یک فرد رومی ممنوع بوده است و بدین سبب فرماندهان ترسیده بودند (رگ ۲۲:۲۹). پولس که عنوان «شهروند» رومی داشت در موارد دیگری از این عنوان استفاده خواهد کرد (۲۷:۲۲، ۲۵:۲۹، ۲۴:۲۳).

h- ترجمه دیگر: از ایشان عذرخواهی کردند. متن نسخه خطی غربی بند ۳۹ چنین است: و با دوستان متعدد به زندان آمده از آنان خواهش کردند که از زندان خارج شوند و می‌گفتند: «در مردم شما، نمی‌دانستیم که مردمان عادلی هستید». پس ایشان را از زندان خارج کرده و چنین خواهش کردند: «از این شهر خارج شوید، مبادا کسانی که علیه شما فریاد می‌زنند دوباره جمع شوند!».

i- استناد به نوشته‌های پیامبرانه کتاب مقدس که یسوع، همان مسیح [موعد] است، یکی از قسمت‌های مشخص موعظه به یهودیان است (۱۴:۲ توضیح: ۳۶:۲ توضیح: ۱۸:۳ توضیح).

j- نویسنده، به طور کلی برگرایش زنان و خصوصاً زنان «سرشناس» تأکید می‌کند. در امپراتوری روم، زنان در پیشرفت و موافقیت ادیان شرقی و مخصوصاً یهودیگری نقش مهمی داشتند و بیشتر از مردان به سوی ادیان مذکور جلب می‌شدند و اکثرًا مأموریت واعظان مسیحی را تسهیل می‌کردند. نویسنده، مسلماً با این محاذ آشنا بوده است (۱۲:۱۷؛ ۵۰:۱۳؛ ۱۷:۱۷؛ رک ۱۰:۱-۳؛ ۳۸:۳۸-۴۲) در بین گروندگان به مسیحیت در تسالونیکی می‌توان از ارسترخس و سکنیس نام برد (۴:۲۰؛ کول ۱۰:۴).

k- یا: توسط پولس و سیلاس مقاعده شدند.

l- ترجمه دیگر: برای محاکمه در جلوی مجلس شهر.

m- داوران شهر تسالونیکی را به زبان یونانی پیتارخس می‌نامیدند، یعنی رئیس شهر.

دانستند که در بیریه هم سخن خدا بوسیله پولس اعلام شده است، نیز به آنجا آمدند، انبوه مردمان را تحریک و آشفته کردند.^{۱۴} آنگاه بلا فاصله برادران، پولس را به طرف دریا روانه کردند و سیلاس و تیموتاوس در آنجا ماندند.^{۱۵} و آنانکه به همراه پولس بودند، او را تا آتن رسانیدند و با گرفتن این دستور برای سیلاس و تیموتاوس که هر چه زودتر به سوی او بیاند، عزیست کردند.

پولس و فیلسوفان آتن

^{۱۶} در حالی که پولس در آتن^۹ در انتظار ایشان بود، از ملاحظه این شهر پر از بت، روحش در درون به غضب آمده بود.^{۱۷} پس در واقع، در کنیسه با یهودیان و خدایران و هر روز در میدان شهر^{۱۰} با عابرین مباحثه می کرد.^{۱۸} همچنین بعضی نیز از فیلسوفان اپیکوری و رواقی^۸ با او مبالغه نظر^{۱۰}- قرن^{۱۱} می کردند و بعضی ها می گفتند که «این

آنان پذیرایی کرده و همگی شان برخلاف فرمان های قیصر عمل کرده می گویند^{۱۲} پادشاهی دیگر وجود دارد، یسوعⁿ و این اظهارات، انبوه مردم و رؤسای شهر را آشفته کرد.^۹ و [فقط] پس از گرفتن ضمانت از طرف یاسون و دیگران، ایشان را آزاد کردند.

پذیرش خوب در بیریه

^{۱۰} و بلا فاصله برادران، پولس و سیلاس را شباهه به بیریه فرستادند. چون بدانجا رسیدند، به طرف کنیسه یهودیان رفتند.^{۱۱} و اینان نجیب تر از [یهودیان] تسالونیکی بودند؛ آنان سخن را با نهایت شوق پذیرفتند، هر روز نوشته [های مقدس] را بررسی می کردند که آیا این چیزها به همین گونه بوده است.^{۱۲} پس ^{۳۴:۱۷، ۱۴:۱} بسیاری از بین ایشان ایمان آوردند و از زنان ممتاز یونانی و از مردان؛ بسیاری.^{۱۳} اما وقتی که یهودیان تسالونیکی

ⁿ- بنابر این مدعی بودند که مسیحیت، نهضتی شورش طلب است که یسوع را به عنوان «بسیلئوس» (پادشاه یا امپراتور) می شناسند که رقیب قدرت امپراتور است (ر. ک لو ۲:۲۳-۲:۲۳ توضیح: یو ۱۹:۱۲). ظاهرًا مسیحیان از این عنوان مبهم برای یسوع اجتناب می کردند و عنوان های «مسيح» یا «خداؤند» را ترجیح می دادند (ر. ک ۳۶:۲ توضیح). مسلمًا یهودیان تسالونیکی هم از معنی این عنوان ها که مفهوم «شاهی» دارند استفاده کرده و اتهام خود را ساخته و برداخته بودند.

^۰- یعنی اگر یسوع واقعاً مسیح موعود بود. (ر. ک بند ۳ توضیح).

^p- آزار و اذیت مسیحیان در تسالونیکی ادامه خواهد یافت (۱-۱۴:۲) و اما تیموتاوس، یا در آتن به پولس ملحق شده و یا به همراه او به آتن رفته و از آنجا به تسالونیکی عزیمت نموده است (۱-۱:۳-۶). نویسنده جریان وقایع را خلاصه می کند.

^q- آتن که پس از ایجاد و توسعه امپراتوری روم، از نظر سیاسی تنزل کرده بود، به عنوان مرکز علم و فرهنگ یونانی باقی مانده بود. این شهر صحنه نجاستین برخورد (۱۷:۱-۱۶:۳) بین انجیل و افکار و فلسفه مللی بین یهود خواهد شد.

^r- پولس از همان اول، هم به یهودیان و هم به ملت ها خطاب می نماید که روشی بدیع و منحصر به فرد است (ر. ک ۱۳:۱۳ توضیح). در مورد میدان عمومی شهر (یونانی «آگورا») ر. ک ۱۶:۱۹ توضیح.

^s- در آن دوران مکتب های فلسفی اپیکوری و رواقی رایج ترین مکتب های فلسفی بودند. این مکتب های فلسفی عمیقاً مغایر یکدیگر بودند و مسیحیت با وجود اینکه با بعضی از جنبه های آنان موافق بود و استفاده می کرد، ولی با آنچه بین آنان مشترک بود برخورد منفی می کرد، رد خدایی شخصی که کاملاً متمایز از جهان باشد و افکار انسان مدارانه و منطق گرا بیان عمومی، از آن جمله آست.

۲۲ پس پولس در وسط^w مجمع داوران بپا خاسته گفت: «ای مردم آتن، می بینم که در هر مورد بسیار متذمّن می باشید.^{۲۳} زیرا وقتی می گشتم و بناهای مقدس شما را تماشا می کردم، حتی قربانگاهی یافتیم که بر روی آن نوشته شده بود تقدیم به خدای ناشناخته.^x پس آنچه را که بدون شناختن^{۱۷:۳} می پرستید، [آن است که] من به شما^{۸:۴} غلام^{۱۷:۱۴} اعلان می کنم^y.^{۲۴} خدایی که جهان و هر^{۴:۴} چه را که در آن است آفریده، او که خداوند^{۱:۱۵-۱:۱۴} آسمان و زمین است نه در معابدی که به^{۶:۱-۶:۲} دست ها[ای آدمی]^{۷:۴-۶:۹} ساخته شده سکونت^{۷:۶}

درهم و برهم چین چه می خواهد بگوید؟» و دیگران [می گفتهند]: «به نظر می آید که مبلغ خدایان اجنبی^z است، زیرا یسوع و رستاخیز را اعلام می کرد.^{۱۹} پس او را با خود گرفته به مقابل مجمع داوران^{۷:۲}[?] آورده گفتهند: «آیا می توانیم بدانیم این^{۲۲:۲۸} آموزش جدید که تو صحبتیش را می کنی، چیست؟^{۲۰} زیرا چیزهای عجیبی به گوش ما می رسانی، پس می خواهیم بدانیم که اینها چه مفهومی دارد.^{۲۱} زیرا همه آتنیان و خارجیان مقیم سرگرمی دیگری نداشتند جز اینکه چیزهای تازه را بگویند یا بشنوند.

t- ترجمه تحتاللفظی: آنکه دانه ها را می چینند. در توصیف پرنده ای است که همه چیز را می رباید و ورآجی می کند. به دشواری می توان گفت منظور کدام پرنده است.

u- کلمه رستاخیز به عنوان نام رب^z النوعی جدید گرفته شده که شریک یسوع است. فکر و نظریه یک رستاخیز جسمانی برای یونانیان غریب و نامأتوس بوده و زندگی پس از مرگ را به صورت نامیراثی روح در کم می کردنند.

v- کلمه یونانی مجمع داوران ترجمه شده: آریوس باگیں است که می توان «تیه مریخ» ترجمه کرد. این تیه در مغرب اکروپل قرار دارد و سورای عالی آتن، قبل از اینکه در میدان عمومی شهر تشکیل شود، بر روی این تیه تشکیل می شده است. در اینجا ممکن است منظور همان تیه باشد که محل ساکت و آرامی است، آنرا انتخاب کرده بودند ولی به اختصار پیشتر منظور، شورای داوران باشد که در آن موقع بیشتر وظیفة مذهبی و «فرهنگی» بر عهده داشته است. تویسنده، مخصوصاً برگاهی دادن در برابر مقامات رسمی تأکید می کند (۱۲-۸:۴؛ ۲۷-۲۷:۵؛ ۳۳-۲۷:۵؛ وغیره؛ ر.ک ۱۵:۹؛ لو ۱:۲۱؛ ای ۱:۹). داوران بدون اینکه بخواهند، موضوع را رسیدگی و داوری نمایند، میل دارند درباره این عقیده جدید و عواقبی که در پی خواهد داشت اطلاعاتی کسب کنند (در بند ۳۴ ذکر شده که یکی از اعضای مجمع به مسیحیت گرویده است).

w- یا: در مقابل. در بین سخنرانی های مفصل پولس که در کتاب اعمال رسولان ذکر شده (۱۳:۱۶-۱۶:۱؛ ۲۰:۲-۲۰:۳۵-۱۸:۲۰؛ ۲۰:۲۲-۲۰:۱) این یکی که در اینجا آغاز شده، مشخصاً نمونه موضعه امت ها است (ر.ک ۱۴:۱-۲؛ ۲۱:۲؛ ۲۱-۲۱:۲؛ ۲۲:۲-۲۲:۲؛ ۳۳-۲:۲۶؛ ۲:۲۱-۱۰:۲؛ ۲:۲۶-۲:۲۱) این توضیح: ۱-تسا ۱:۱۰-۹:۱؛ عبر ۲:۱۶-۱:۱۰). در این سخنرانی، پس از مقدمه ای که به موضوع خدای ناشناخته می رسد (بند ۲۲-۲۳)، پولس می گوید که این خدا، همان خدای خلاق و بخششده ای است (بند های ۲۵-۲۹) که قبلاً در لسته به امت ها اعلام کرده بود (۱۴:۱ توپیح) و سپس مستقیماً انجیل را ارائه می کند (بند های ۳۰ و ۳۱) که باید گفت از جنبه نسبتاً مخصوصی ارائه شده است (بند ۳۱ توپیح). در سخنرانی پولس به امت ها، چندین موضوع وجود دارد که معمولاً در موضعه یهودیان به غیر یهودیان وجود داشته (بند های ۲۴ توپیح: حک ۱۳-۱۴: روم ۱:۱۹-۱:۲۰؛ افس ۴:۲۵-۴:۲۵؛ ۴:۱۷-۴:۱۹)؛ ضمناً برای اینکه شنوندگان خود را کمک کند تا از جهالت بیرون آیند (بند ۳۰ توپیح) پولس کوشش می کند در بین عقاید بُت پرسنی نکاتی مشابه بیام خود بیابد (بند ۲۳ توپیح، وغیره).

x- یا: به خدایی که نمی توان شناخت. معمولاً بنای قربانگاهی را به خدایان ناشناخته تقدیم می کردن تا مطمئن شوند از لطف خدایانی که فراموش کرده ویا نمی شناسند برخوردار شوند ولی پولس در این عبارت به صورت مفرد (خدای ناشناخته) ذکر کرده است. شاید عبارتی به این صورت وجود داشته، گرچه تاکنون در کتبیه های قدیمی مشاهده نشده است و شاید پولس در سخنرانی خود بدین گونه بکار برده تا شنوندگان خود را برای اعلام خدای اسرائیل و یسوع آماده نماید که به نوعی بدون اینکه هنوز آنرا بشناسند تکریم می کند.

y- ترجمه دیگر: آن را که شما بدون شناختن تکریم می کنید، همان است که اعلام کردم.

زیرا در او زنده ایم و حرکت می کنیم^{۲۸}
و هستی داریم^g، چنانکه شاعرانی از بین
شما هم گفته اند: چون که از نزد او هم
هستیم.^h

چون از نزد خدائیم، نشاید خیال
کنیم که الوهیتⁱ شباهتی به طلا یا به نقره
یا سنگ حجاری شده با هنر و اندیشه^j اش^k:
انسانی داشته باشد،^{۳۰} اینک خدا از
دوران جهالت^l چشم پوشیده به تمام
انسانها در همه جا حکم به توبه کردن
می کند.^{۳۱} زیرا روزی را مقرر کرده است

دارد^Z،^{۲۵} و نه نیاز به چیزی دارد^a که به
اشر^{۴۲}: وسیله دستان آدمی^b به او خدمت شود، او
آر^{۲۷}: که به همگان زندگی و نفس و همه چیز
می دهد.

و از یک فرد^c تمام نسل انسانها را
تپ^{۱۰}:^{۳۲} که بر تمامی روی زمین سکونت دارند
آفریده و زمانهای معین^d و حدود سکونت
ایشان را مقرر کرده است.^{۲۷} تا خدا^e را
اش^{۵۵}:^{۱۶۵} بجوبند هر چند به نوعی کورمال در بی او
حک^{۹-۱۳}:^{۲۰-۱۹}:^۱ بگردند و بتوانند او را بیابند که البتہ از هر
یک از ما به دور نیست.^f.

- این موضوع جدلی که قبلاً در نوشته های عهد عتیق بکار برده شده (۱-باد:۲۷:۸؛ اش:۲-۱:۶۶) و در موقعه های یهودیان به
امتها از آن استفاده کردن، در اینجا توسط موضعه گران مسیحی خطاب به امت های غیر یهود و گاهی حتی به یهودیان بکار
برده می شود^{۴۸:۷} توضیح). ر.ک یادداشت بعدی، ضمناً موضوع مشابهی در نظریات فیلیسولان رواقی وجود دارد.

a- در اینجا باز موضوعی از نوشته های عهد عتیق بکار برده شده (مز:۵:۱؛ ار:۲۲:۷) که با افکار و نظریات سنک، فیلسف
رواقی رومی که در آن دوران آنرا تشريع کرده بود، پیوستگی دارد.

b- اشاره به ساختن بستان است. موضوعی که در سخنرانی های واعظان یهودی و سپس مسیحی خطاب به امتها بکار برده شده
است (ر.ک:۱۹:۲۶).

c- ترجمه دیگر: از یک اصل در بعضی نسخه های خطی: از یک خون بدین ترتیب باورهای سنتی در مورد آدم ابوالبشر، به
نظریات رواقیان که معتقد به وجود نوع بشر بودند، می پیوندد.

d- ترجمه دیگر: «برای امت های زمانهایی مقرر کرده که بین ایشان توزیع شده است»، در این صورت بیشتر از نظم جهانی، درباره
تاریخ تأکید می شود ولی متنی که به موازات این بند در ۱۷:۱۴ آمده، بیشتر فکر فضول سال را تلقین می نماید. ضمناً موضوع
نظم جهان، اساس و موضوع مرکزی فلسفه رواقیان است.

e- در بعضی از نسخه های خطی: الوهیت را ر.ک بند:۲۹ توضیح.
f- از مفاد این متن بر می آید که ملت ها بوسیله ملاحظه و بررسی آفرینش، می توانستند خدا را کشف نمایند. نظریه مشابهی در
روم:۱-۱۹:۱ اظهار شده ولی در چهار چویی واقع بینانه تر و تأم با بدینی است. (ر.ک روم:۱:۳۰ توضیحات، با این همه
بند:۳۰ توضیح را ملاحظه نمایید).

g- در این عبارت از شاعری بنام اپیمنید (قرن ششم پیش از میلاد) الهم گرفته شده است. عوامل سه گانه افلاطونی، یعنی
زندگی، حرکت و هستی، در اینجا بکار برده شده اند و به موازات چیزی است که در بند ۲۵ ذکر شده است.

h- این عبارت نقل قول از کتاب پدیده ها، نوشته آراتوس (قرن سوم پیش از میلاد) است. و این نظریه نزدیک به افکار و عقاید
کلمت، فیلسوف رواقی است. متن نوشته آراتوس بدین معنی است: ما اصل و مبنای خود را از او داریم و مسلمان به نحوی
تفسیر شده که با آفرینش انسان به صورت خدا که در سفر پیدایش ذکر شده، تزدیک باشد (پید:۲۶؛ ر.ک ۲-پطر:۱:۱-
یو:۲:۳).

i- بوسیله کلمه الوهیت (ر.ک بند:۲۷ توضیح)، که مفهومی کلی و عمومی دارد، می توان از تنوع خدایان مختلف امتها به
یگانگی خدا رسید، امتها، خدایان را به صورت انسان مجسم می کردند: اکنون با توجه و رعایت همین اصول، در اینجا
روشی مخالف به ایشان پیشنهاد می شود.

j- جهالت یهودیان از آن است که پیشگویی های پیامبران را درک نکرند (۱۷:۳ توضیح: ۲۷:۱۳) و جهالت امتها، آن است
که بوسیله ملاحظه آفرینش، خدا را کشف ننمودند. از طرز بیان پولس، در اینجا چنین استنباط می شود که امتها مسئول
جهالت خویش هستند (ر.ک بند:۲۷ توضیح).

تأسیس کلیساي قرنتس ۱۸

^۱ پس از آن آتن را ترک کرده، به
قرنتس ^p رفت. ^۲ و یک یهودی،

بنام اکیلا را که [اصلاً] اهل پنطوس بود،
یافت که به تازگی با همسرش پرسکله ^۹ از
ایتالیا آمده بود زیرا کلودیوس فرمان داده
بود که تمام یهودیان، رم را ترک کنند.^{۱۰}
وی پیش آنها رفت، ^۳ و چون از همان حرفة
[ایشان] بود در پیش ایشان مانده و کار می
کرد.^۴ زیرا حرفة شان خیمه دوزی بود.^۵ و
هر روز سبیت در کنیسه مباحثه می کرد تا
يهودیان و یونانیان را قانع کند.^۶ اما

که در آن [روز باید] دنیا در عدالت ^k
بوسیله مردی ^۱ داوری شود که تعیین نموده
و همه را دلیل داد به اینکه او را از میان

مردگان ^m برخیزاند.

^{۱۱} قرن:۱:۲۳:۱۵
شنیدند، بعضی ها مسخره می کردند بعضی
دیگر گفتند: «دراین باره یک بار دیگر هم
به تو گوش خواهیم داد.» ^{۱۲} بدین گونه
پولس از میان ایشان خارج شد.ⁿ ^{۱۳} اما
چند مرد به او پیوسته ایمان آوردند، در بین
ایشان نیز دیونیسیوس آریوباغی ^۰، و زنی
بنام دامرنس و دیگران با ایشان بودند.

- در این سخنرانی که به امت ها خطاب شده (ر.ک ۱۵:۱۴ توضیح)، پولس نه از زندگی و نه از مرگ یسوع سخنی به میان می آورد (ر.ک موعده به یهودیان ۱۴:۲ توضیح: ۱۶:۱۳ توضیح). بلکه یسوع مستقیماً به عنوان انسانی ارائه می شود (ر.ک ۲۳:۲) که جهان را داوری خواهد کرد (ر.ک ۱۰:۴۲ توضیح). رستاخیز او تأیید شده ولی به عنوان ضمانتی بر این مأموریت داوری که خداوند به یسوع واگذار کرده است.

۱- در بعضی از نسخه های خطی: بوسیله یک انسان که یسوع است.

۲- ر.ک بند ۱۸ توضیح:

ⁿ- پس از موقعیتی ظاهراً ناچیز (بند ۳۴) آیا به این دلیل در قرنتس به موعده ای پرداخته که بی ملاحظه و گستاخانه تراست؟ (۱-قرن:۲:۵-۵؛ ر.ک:۱۷:۱۸-۲۲، ۲۵-۲۲). به هر صورت یونانی گرایان و مخصوصاً یونانیان در مقابل انجل مقاومت خواهند کرد.

^۰- دیونیسیوس آریوباغی که بعدها به او، به غلط نوشته های مشهوری را نسبت خواهند داد، نمونه فردی از جامعه ممتاز یونانی است که به مسیحیت گرویده است. ر.ک ۱۲:۱۳:۴:۱۷ توضیح.

^p- قرنتس، شهر مهاجر نشین رومی، مرکز ایالت اخایه بود که زولیوس قیصر آنرا بینان گذاری کرده بود و یک مرکز مهم تجاری بشمار می رفت. این شهر در دو طرف یک زیانه خاک دو بدرگاه داشت. اهالی شهر، از مردمان مختلف تشکیل شده بودند ولی بیشتر از نژاد لاتینی و رب التّوّع آفرودیت، یعنی مظہر زیبایی و عشق را می پرستیدند و بدین خاطر شهرت خوبی نداشتند. با این همه، آیین مسیحیت در این شهر بیشتر از آتن و در بین مردم عامّه ریشه گرفت (۱-قرن:۲۶).

^۹- آکیلا و پرسکله برای پولس، همکاران ارزشمندی خواهند بود، نخست در قرنتس و افسس (۱۸:۱۸-۱۹:۱۶-قرن:۱۹).

و سپس در روم (روم ۳:۱۶، ر.ک ۲-تیمو:۴).

^{۱۰}- این فرمان که در تاریخ ۵۰-۴۹ میلادی صادر شده بود، بوسیله مورخ لاتینی سوئتون هم ذکر شده ولی معلوم نیست تا چه مدتی و تا چه اندازه مراعات می شده است (ر.ک ۱۷:۲۸؛ روم ۳:۱۶).

۸- در بعضی نسخه های خطی: کار می کردند.

^{۱۱}- خیمه ها را با چرم و یا به اختصار بیشتر با پارچه هایی از موی بُز می بافتند. ساختن خیمه، فن مخصوص تاحیه قیلیقیه، موطن پولس بوده است. چونکه کاهنان یهودی، معمولاً یک حرفة دستی انجام می دادند و پولس اجرای این حرفة را وسیله ای می دانست که باری بر دوش دیگران نباشد و بتواند انجلی را به رایگان اعلام نمایند. ر.ک ۳۴:۲۰ توضیح.

^{۱۲}- در نسخه خطی غربی: هر سبیت (شبایت) به کنیسه وارد شده، شروع به سخن کرده، نام خداوند یسوع را معرفی می نمود و کوشش داشت نه تنها یهودیان، بلکه یونانیان را هم مقاعد کند.

گفت: «مترس بلکه سخن بگو و خاموش اش^{۱۰:۴۱} از^{۸:۱} این^{۲:۱} قرن^{۱-۱} نمان،^۱ چون که من با تو هستم و هیچ کس به تو تعریض نخواهد کرد که آزار برساند^{۱۴:۱۵} زیرا مردم بسیاری در این شهر دارم».^d ۱-قرن^{۹:۱۶} ۱۱ پس او یک سال و شش ماه در بین ایشان اقامت کرد و سخن خدا را آموختش می داد.

حاضر شدن پولس در برابر غالیون

۱۲ اما غالیون حاکم اخایه بود^e یهودیان^{۳۸:۱۹} ۷:۱۳ یکدل علیه پولس برخاسته و او را به دادگاه^f کشیدند.^{۱۳} می گفتند: «این شخص به مردم تلقین می کند که برخلاف قانون، خدا را بپرستند».^g ۱۴ چون پولس می خواست دهان باز کند که غالیون به

وقتی که سیلاس و تیموتاؤس از مقدونیه آمدند^۷، پولس با شهادت دادن نزد یهودیان^{۱-تسا^{۹:۹}} که یسوع، همان مسیح است، وقف کلام شده بود.^۹ اما در برابر مخالفت و کفرگویی^w ایشان لباس های خود را تکان داده^x آنان را گفت: «خون شما به گردن خودتان^y، من پاکم و از این به بعد به نزد امت ها[ای غیر یهود] خواهم رفت».^z ۷ و از آنجا رفته به خانه شخصی به نام تیتوس یوستوس^a که خدابرست و منزلش در جوار ۱-قرن^{۱۴:۱} کنیسه بود، وارد شد.^b اما کرسیپس رئیس کنیسه با تمام [افراد]^c خانواده اش^b به خداوند ایمان آورد و بسیاری از قرنتیان شنیده، ایمان آورده و تعمید یافتند.^d و شبی در [حال]^e رؤیا^c، خداوند به پولس

۷- ر. ک ۱۴:۱۷ توضیح در همان وقت (بند ۱۲ توضیح) پولس نامه اول به تسالونیکیان را نوشت (۱-تسا^{۱:۱} ۳:۶-۱).
اندکی بعد، نامه دوم به تسالونیکیان (ر. ک ۲-تسا^{۱:۱}).

۸- ترجمه دیگر: و ناسزا می گفتند. ر. ک ۴۵:۱۳ توضیح.

۹- این عمل نشانه قطع رابطه است. یعنی آنجا را ترک می کنند و حتی گرد و غبار آن محل را بر جای می گذارند، ر. ک ۲۳:۲۲:۵۱:۱۳.

۱۰- یعنی تنها شما مسئول هر آنچه بر شما رسید، خواهید بود [هر چه بر سرتان آید، تنها شما مسئول آن هستید] (ر. ک ۲۸:۵).
توضیح: ۲۶:۲۰).

۱۱- ر. ک ۴۶:۱۳ توضیح.

۱۲- در نسخه خطی دیگری: تیتوس یوستوس (بجای تیتوس یوستوس) این شخص، احتمالاً نامختون بوده و پولس با اقامت در خانه او، با کنیسه قطع رابطه کرد. ر. ک ۲۸:۱۰ توضیح.

۱۳- ر. ک ۱۰:۲ توضیح.

۱۴- مأموریت رسالت پولس بوسیله رؤیایی آغاز شده^{۱۰:۹} ۱۰:۹، ر. ک ۳۱:۱۲ توضیح و بوسیله خدا هدایت می شود^{۱۱:۲۳} ۱۱:۲۶ توضیح: به همین گونه ادامه دارد (۱۸:۹:۱۶).
خود بوسیله روح مقدس عمل می کند (۸:۱ توضیح).

۱۵- ترجمه تحت الفظی: افراد زیادی برای من است. ر. ک ۱۴:۱۵ توضیح.

۱۶- بوسیله یک سنگ نیشته که در خراشه دلف بدست آمده، می توان دوران حکومت غالیون، برادر سنک را تعیین نمود که در سال های ۵۲-۵۱ یا ۵۳-۵۲ میلادی بوده است. حضور پولس در برابر دادگاه، مسلمان^f در پایان آقامت ۱۸ ماهه در قرنتس بوده است (بنددهای ۱۱، ۱۸). بنابر این پولس بین سال های ۵۰ تا ۵۲ میلادی در قرنتس اقامت داشته است.

۱۷- تحت الفظی: به رواق. معمولاً داوری در تالاری آنچام نمی شد بلکه محل داوری و مستند قضایت زیر ایوانی یا رواقی بود.

۱۸- قانون رم، دین یهود و قوانین شرعی یهود را تا اندازه ای به رسمیت می شناخت. در اینجا برای اینکه پولس را به جرم ناخوشودنی که (ر. ک ۷:۱۷ توضیح) توهین جدیدی به امیراتوری رم می باشد، متهم کنند. رقبیانش، مسیحیت را به عنوان دین دیگری غیر از یهودیگری معرفی کرده اند و این اتهام چندان اشتباه نبود (ر. ک ۲۶:۱۱ توضیح). ولی غالیون با نظر ایشان موافق نبود (بند ۱۵ توضیح).

با پرسکله و اکيلا از طریق دریا به سوی سوریه رفت و در کنخریه^k می سر خود را روم ۱۶:۱۶ تراشید چون که نذر^۱ کرده بود. ^{۱۹} و به افسس رسیدند، جایی که ایشان را در آنجا^{۲۰} گذاشت و خودش به کنیسه وارد شده با^{۲۱} یهودیان مباحثه می کرد.^m ^{۲۰} و ایشان در خواست کردند برای مدت بیشتری بهماند و نپذیرفت، اما وداع کرده گفت: «اگر خدا بخواهد دوباره به نزد شما خواهم آمد» و با کشته از افسس دور شد.^{۲۲} و در قیصریه پیاده شده رفت و پس از [دیدار و] احوالپرسی از کلیساⁿ به انطاکیه آمد.^{۲۳} و پس از گذراندن مدتی، عزمیت^{۶-۵:۱۶} کرد^۵ و متولیاً از ناحیه غلاطیه و فربیجه^p گذشت، همه شاگردان را استوار می کرد.

یهودیان گفت: «ای یهودیان، چنانچه به بی عدالتی و یا عمل شریر مربوط می شد، به طریق عقل متحمل شما می شدم^{۱۵} ولی چون که مباحثه ها بر سر نظریه ها^h و نام ها^{۲۹:۲۳} ^{۱۹-۱۸:۲۵} و یک قانون که [قانون] شما است، مربوط می شود، خودتان ببینید.^۱ من نمی خواهم داور چنین چیزهایی باشم.^{۱۶} و ایشان را از دادگاه راند.^{۱۷} و همگی^j سوستانیس، ۱-قرن ۱:۱ رئیس کنیسه، را گرفته و او را در مقابل دادگاه می زدند و برای غالیون هیچکدام از این چیزها اهمیتی نداشت.

عبور پولس از انطاکیه

^{۱۸} و پولس باز هم روزهای بسیاری [در آنجا] ماند. و سبیس با برادران وداع کرده و

- ترجمه دیگر: کلمات.

ⁱ- منظور از نام هایی که غالیون ذکر نموده مسلمان^a عنوان هایی است که به پولس می زدند، غالیون مسیحیت را به عنوان قضیه ای می دانست که مربوط به جامعه یهود و قوانین آن آست و مسیحیت، نوع دیگری یهودیگری است که از همان رسمیت قانونی یهود برخوردار است و بنابر این اتهام رقبیان پولس ارتباطی با قوانین رم ندارد (ر.ک ۱۹:۲۵). نویسنده کتاب اعمال رسولان در سرتاسر کتاب خود (۱۶:۳۵-۳۹؛ ۹:۸-۹؛ ۱۷:۳۹-۳۷؛ ۱۹:۲۴؛ ۲۰:۲۲؛ ۲۴:۳۸-۳۷) تصمیم ها و آراء مقامات رسمی را ثبت کرده است که با این قرار منع تعقیب، همسوئی دارند. ضمناً نشان می دهد اتهام هایی که علیه مسیحیت و مخصوصاً علیه پولس می شود، بیهوده بوده و هم اینکه مقامات قضائی رم در داوری خود، بی طرف بوده اند.

^j- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده: همه یونانیان: یا بعضی دیگر: همه یهودیان. در مورد اول منتظر آن نیست که نزاعی بین یهودیان بوده بلکه عمل خصمانه ای علیه آنان بوده است.

^k- کنخریه، نام بندرگاه شهر قرنتس در کنار دریای اژه است.

^l- منظور، نذری بوده که می سر خود را در مدت معینی کوتاه نکنند (اعد ۶:۹-۱۸) ممکن است با نذر دیگری که در ۲۱:۲۳-۲۴

^m- ذکر شده اشتباه شود، در حالی که نذری که در کنخریه شده بود، در اورشلیم انجام خواهد یافت.

ⁿ- ترجمه دیگر: و خطاب به یهودیان سخنرانی کرد.

^{mm}- در برخی نسخه ها، عباراتی افرون تر دارد.

^o- بیشتر منظور، کلیسای اورشلیم است تا کلیسای قصیریه. لوقا، دیدار اورشلیم را به تسامح گذرانده، زیرا نقشه او این است که پولس را از اورشلیم روانه کرده و دوباره به آنجا برگرداند (۱۵:۳۶-۱۶:۳۶ توضیح و یادداشت بعدی). پس از دیدار و احوالپرسی: پس از سلام کردن بر کلیسا.

^p- در اینجا، پس از یک سال اقامت در انطاکیه، مسافرتی آغاز می شود که معمولاً آن را سوئین سفر بشارتی می نامند (۲۳:۱۸-۲۱) ولی بیشتر دو میں دوران مسافرت طولانی پولس است (ر.ک یادداشت قبلی) و روایت بر روی افسس متمن کر می باشد (۱:۱۶ توضیح).

^q- ر.ک ۱۶:۶ توضیح.

رسید، به فیض خدا^w برای آنانکه ایمان روم ۱۶:۱؛ قرن ۲:۱۰؛ زیرا کول ۴:۲۸ آورده بودند خیلی سودمند بود. یهودیان را در برابر مردم با قوت تمام رد کرد و به وسیله نوشتہ ها نشان می داد که یسوع، مسیح است.^x

آمدن پولس به افسس

۱۹ ^۱ و چون آپلس در قرنتس بود، پولس از مناطق مرتفع عبور کرده به افسس رسید^y و در آنجا چند تن از شاگردان را یافت، ^۲ و به ایشان گفت: «موقعی که ایمان آوردید، آیا روح القدس ^{۴۴:۱۰}؛ ^{۱۷:۸} را دریافت کردید؟ [ایشان] به او [گفتند]: «نه حتی شنیده بودیم که روح القدس بوده». ^۳ او گفت: «بس

آپلس در افسس و قرنتس ^{۲۴} و یک یهودی بنام آپلس^q، اهل اسکندریه، که مردی دانشمند^r و در نوشتہ ها [ی مقدس] وارد بود، به افسس رسید. ^{۲۵} وی در مورد راه خداوند اطلاع یافته بود^s و با روحی پر حرارت^t، درباره آنچه مربوط به یسوع بود به دقت سخن گفته و آموزش می داد و فقط از تعمید یوحنا آگاه بود. ^{۲۶} وی دلیرانه در کنیسه آغاز به موعظه کرد. اما پرسکله و اکیلا به او گوش داده او را به نزد خود آورده و با دقت بیشتر^u راه خدا را به او ارائه نمودند. ^{۲۷} چون او می خواست به اخائیه برود، برادران او را تشویق کرده و به شاگردان نوشتند که او را ببینند^v چون به آنجا

- میکن است آپلس وضع موقفیت آمیزی در قرنتس داشته (۲۸:۱۸) یا اینکه در کلیسا موجب بحث و گفتگو شده بود (۱:۲۷-۲۸؛ ۳:۴-۶؛ ۱۶:۱۲)؛ ر.ک تیط ۱۳:۳. بعضی از صاحب نظران تصور کرده اند که او نویسنده نامه به عبرانیان باشد.

- یا اینکه سُخْنَوْر، قضیح.

- در نسخه خطی غربی: به او اطلاع داده شده بود، در موطن خودش، یعنی در اسکندریه. بر طبق این روایت، ایمان مسیحیت خیلی زود به مصر رسیده است. به هر صورت مسیحیت آپلس از نوعی ابتدایی و کهن است که می توان آنرا مسیحیت پیش از عید پنجماهه توصیف کرد، زیرا با تعمید مسیحیت آشنا نیست (ر.ک. ۲۸:۲). ر.ک. ۲:۱۹ توضیح، ۱۸، ۲۸ توپیخ. در مورد کلمه راه، ۹:۲ توضیح.

- ترجمه دیگر: سوزان از روح القدس. ولی از بقیه متن حدّ اقلّ چنین بر می آید که هنوز آپلس روح القدس را دریافت نکرده بود.

- t- منظور از به دقت بیشتر تکمیل در اطلاعات و نه در فهم است.

- v- در نسخه خطی غربی: قرنتیانی که در افسس اقامات داشته و سخنان او را شنیده بودند، از او دعوت کردن که با ایشان به موطن ایشان بیاید: افسسیان، با موافقت خودش به شاگردان قرنتس نوشتند که از او خوب پذیرایی نمایند.

- w- ترجمه دیگر: به وسیله فیض [خدا].

- x- ر.ک. ۳۶:۲ توضیح. توجه شود که آپلس فقط به یهودیان خطاب می کند.

- y- بر طبق نسخه خطی غربی: در حالی که پولس بر طبق طرح خودش می خواست به اورشلیم برود، روح القدس به او گفت: به آسیا برگرد! لذا با عبور از مناطق مرتفع داخلی، به افسس رسید؛ ر.ک. ۲۱:۱۹. بنا بر این پولس، با آمدن از فرجیجه (۲۳:۱۸) از طریق مناطق کوهستانی داخلی به مرکز ایالت آسیایی رسیده است، به جایی که قبل ایک بار هم به آنجا رفته بود (۱۹:۱۸-۲۱). در کتاب اعمال رسولان مشروح از انتشار و تبلیغ انجیل در افسس یاد شده است (۳۹:۱-۱۹). افسس، یکی از بزرگترین مراکز تجاری و مذهبی دنیا رومی- یونانی بوده و اقامات پولس در آن شهر بیش از دو سال طول کشیده است (۱۰:۱۹ توضیح) ولی در این کتاب فقط چند واقعه از این دو سال ذکر شده که چندان به هم مربوط نیستند (ر.ک. ۱۸:۲۰-۳۵). پولس نامه اول به قرنتیان، احتمالاً نامه به غلطیان و شاید هم نامه به فیلیپیان را در همین افسس نوشت. این نامه ها و همچنین نامه ۲- قرنتیان که در آنکه بعد در مقدونیه نوشته شده (ر.ک. ۱۰:۲۰)، جنبه های دیگری از رسالت پولس در افسس را نشان می دهد (همچنین افسس و مکا ۱:۷-۷ را ملاحظه کنید).

- z- ترجمه دیگری: ما حتی از وجود روح القدس سخن نشنیدیم. ولی غیر محتمل است که این شاگردان، این ایمانداران (بندهای

قبول نمی کردند [ایمان بیاورند]، و در ۲:۹
برابر انبیه مردم^d از راه [خداد] بد می گفتند، آنان را ترک کرده، شاگردان را جدا کرد و هر روز در مدرسه طیرانس^e مباحثه می کرد.^{۱۰} و دو سال چنین طول کشید^f، به طوری که همه ساکنان آسیا^g، چه یهودیان و چه یونانیان سخن خداوند را شنیدند.

واقع ناگوار عزایم خوانان یهودی

^{۱۱} و خدا، با دستان پولس، معجزاتی نه چندان عادی انجام می داد،^{۱۲} به طوری که حتی لُنگ یا دستمال هایی را که با پوست او تماس یافته بود، بر روی بیماران می گذاشتند و بیماری ها از آنان دور شده^{۱۳} لوح^{۱۴:۸} ارواح شریر می رفتند.^{۱۵} همچنین بعضی^{۱۶:۵} از عزایم خوانان دوره گرد یهودی^h بر روی کسانی که ارواح شریر داشتند، نام خداوند^{۱۶:۳}

چه تعییدی یافته اید؟» و آنان گفتند: «تعیید یوحننا^a.»^۴ و پولس گفت: «یوحننا تعیید دهنده یک تعیید توبه داده، به قوم^{۲۵-۲۴:۱۳} می گفت به کسی که بعد از او خواهد آمد،^{۱۸-۱۵:۳} لوعنی یسوع، ایمان آوردن.^۵ و با شنیدن^{۱۶:۸} [این سخنان]^{۴۸:۱۰}، به نام خداوند یسوع تعیید^{۱۷:۸} گرفتند^b.^۶ وقتی پولس دست ها را بر روی ایشان گذاشت، روح [آن که مقدس است]^{۴۶:۱۰:۴:۲} بر روی ایشان آمد، و به زبان ها سخن می گفتند و نبوت می کردند.^c^۷ و جملگی آن مردان حدود دوازده نفر بودند.

موقعه پولس در افسس

^۸ پس به کنیسه وارد شده، مدت سه ماه^{۲۰:۹} دلیرانه سخن می گفت، مباحثه می کرد و^{۱۴-۵:۱۳} ^{۲:۱۷:۱:۱۴} ^{۸:۱۹:۵:۱۸} [آنان را]^d در باره ملکوت خدا قانع می نمود.^e اما چون بعضی^f ها سر سخت شده و

^۱ (۲) از وجود روح القدس بی اطلاع باشند؛ بلکه احتمال است که درباره موهبت روح القدس پس از عید پنجاهه چیزی^{۱۵:۵} نشینیده بودند (ر. ک ۳۹:۷)، و ایمان ایشان بی شیاهت به ایمان اپلیس نیست (۲۵:۱۸) توضیح).
^a- تاریخ و محل این تعیید معلوم نیست و لی این نوع تعیید مانع از آن نبوده که این افسسیان، لااقل به نوعی مسیحی شناخته شوند (یادداشت قبلی: ر. ک یو ۲۲:۳-۲۱:۴).
^b- در اینجا تعیید مسیحی کاملاً از تعیید یوحننا متمایز می شود، حتی بدون دست گذاری که بعداً می آید (۱:۵ توضیح: ۶:۶ توضیح).

^c- تا اندازه ای نظر آنچه در قصیره روی داده است (۴۶:۱۰): ر. ک ۴:۲ توضیح و ۲۷:۱۱ توضیح.
^d- به مانند قرنفس (۷-۶:۱۸) در اینجا نیز پولس به علت مخاصمات بعضی از اعضای جماعت یهودیان به ناچار با آنان قطع رابطه می کند (۴۶:۱۳) توضیح) ولی هنوز شنوندگان یهودی خواهد داشت. (۱۰:۱۹)
^e- احتمالاً منظور، مدرسه چند تفر استاد فصاحت بوده که تالار خود را در اختیار او گذاشته و یا به او اجاره می دادند. در یک نسخه خطی تصریح شده از ساعت پنجم تا ساعت دهم روز، یعنی بین ساعت ۱۱ صبح تا ۴ بعدازظهر که کارهای عادی برای ناهار و خواب بعد از ظهر متوقف می شدند.

^f- به این مدت دو سال، سه ماه دیگر که در ۸:۱۹ روایت گردیده افزوده می شود. ضمناً در بند ۳۱:۲۰، پولس خواهد گفت که سه سال در آفسس مانده است.

^g- این اظهار گرچه فقط در مورد ایالت آسیایی بوده و شامل تمام آسیای صغیر نمی شود، با این همه اظهاری خوش بینانه است. ضمناً ممکن است بینانگذاری کلیساها کولسی (کول ۷:۱)، لاڈیکیه و هیراپولیس (کول ۱۳:۴، ۱۵:۱، ۲۲-۱۴:۳) در این زمان بوده است.

^h- همانطور که در فلسطین وجود داشته (لو ۴۹:۹؛ مت ۲۷:۱۲)، شاید روش های این عزایم خوانان نزدیک به روش های سحر و جادو بوده است (ر. ک ۱۹:۱۹). (عزایم جمع عزیسه، به معنی دعاها و ورد هایی است که در گذشته برای رفع بیماری و دفع ارواح شریر می خوانندند و بر روی بیماران و مبتلایان به ارواح شریر می دمیدند).

سحر کنندگان^m، کتابهای خود را آورده در مقابل همه می سوزانند و قیمت آنها را حساب کردند، پنجاه هزار سکه نقره بود.^{۲۰} بدین گونه بر طبق نیروی خداوند، سخن پیشرفت کرده، قوت می گرفت.ⁿ

آشوب در افسوس و عزیمت پولس
 ۲۱ پس از انجام این [امور]، پولس در روح القدس تصمیم گرفت^۰ از مقدونیه و اخایه^p گذشته به اورشلیم برود و می گفت: «پس از رفتن به آنجا باید رم را هم ببینم».^۹ ۲۲ پس دو نفر از ملازمان خود، تیمومتوؤس و ارسطوس را به مقدونیه^۱ فرستاد و خودش مدتی در آسیا توقف نمود.
 ۲۳ و در این موقع، یک آشتفتگی، نه ۱:۱۲ چندان کوچک، در مورد راه [خدای] روی ۲:۹ داد.^{۲۴} زیرا نقره کاری به نام دیمیتریوس

یسوع را یاد کرده می گفتند: «شما را به نام آن که پولس اعلام می کند سوگند می دهیم».^{۱۴} و یک کسی، اسکیووا، کاهن اعظم یهودی، هفت پسر داشت که این کار را می کردند.^{۱۵} اما روح که شریر بود به ۱۷:۱۶ ایشان جواب داده گفت: «هم یسوع را می شناسم و می دانم پولس کیست. ولی شما کیستید؟»^{۱۶} و آن مرد که آن روح که شریر است در او بود، بر روی ایشان جسته چنان علیه شان قوی شد که بر همگی آنان فایق آمد به طوری که بر همه و مجرح از آن خانه فرار کردند.^{۱۷} و این به آگاهی همه یهودیان و همچنین یونانیان ساکن افسس رسید و ترس، همه آنان را فرا گرفت و نام ۴:۴؛ ۱۱-۵:۵ خداوند یسوع را به بزرگی می خوانند.^{۱۸} و انبوهی از ایمانداران^k می آمدند اعمال خود را اعتراف کرده و اظهار می کردند!^{۱۹} و تعداد زیادی از

- کاهن اعظم یهودی به نام اسکیووا ناشناخته است. در نسخه خطی غربی: در بین ایشان [هفت] پسران کاهن اسکیووا می خواستند به همین طریق عمل کنند. عادت بر این داشتند که برای دفع ارواح شریر به بیمار نزدیک شده و بر روی او نام را بر زبان آورده می گفتند: به تو امر می کنیم به نام یسوع که پولس (رسول) اعلام کرده است، خارج شوی.

- در اینجا تجلیل و تکریم در مورد خدا نیست^{۲۱:۴} (توضیح: ر.ک ۱۱:۱۹) بلکه نام یسوع^۳ (توضیح: ر.ک ۲۱:۴) را به عنوان خداوند^۲ (توضیح: تجلیل می کنند و مورد عبادت قرار می دهند).

- در نسخه خطی غربی: انبوهی از ایمان آورندگان: یعنی کسانی که ایمان می آورند، بنا بر این، عمل ایشان هم زمان با گرویدن به آینین بوده و نه اینکه مؤخر بر آن باشد.

- مظور، عملیات سحر و جادو است.

- ترجمه تحت الفظی: بسیار یهودگی ها می پرداختند، که طرز بیان زیباتری برای همین معنی است. در آن زمان، کتاب های جادوی افسوس مشهور بودند.

- یعنی انتشار و موعظه انجیل با موقبت انجام می گردید. ر.ک ۷:۷؛ ۷:۶؛ ۲۴:۱۲.

- ترجمه دیگر: در روح خود تصمیم گرفت. ر.ک ۲۰:۲۲.

- هنگامی که پولس نامه ۱-قرن را می نوشت، طرح مسافرت او به همین ترتیب بود (۱-قرن ۱۶:۵-۶؛ ر.ک ۲-قرن ۱۵:۱ و مطالب بعدی) ولی در این کتاب اعمال رسولان چیزی درباره علت مسافرت به اورشلیم ذکر نشده است که برای بردن اعانه کلیساهای منتبه به او بوده است (ر.ک ۱۷:۲۴ توضیح).

- ر.ک روم ۱:۱۲ و مطالب بعدی: ۲۳:۱۵. چنین به نظر می رسد که پولس در مورد مسافرت به اورشلیم دغدغه خاطری ندارد (ر.ک اع ۲۰:۲۰ و ویندهای بعدی).

- روایت طولانی که از اینجا آغاز می شود بار دیگر نشان می دهد که از نظر قوانین رومی بر موعظه مسیحی اعتراضی وارد نبوده است.

اهل مقدونیه و از همراهان پولس بودند، دستگیر کردند.^{۳۰} اما پولس می خواست به میان انبیوه مردم برود، اما شاگردان او را نگذاشتند.^{۳۱} و بعضی از رؤسای [مذهبی] آسیا^x هم که دوست او بودند به نزد او فرستاده خواهش می کردند با رفتن به تئاتر، خود را به خطر نیندازید.

^{۳۲} پس کسان دیگری فریاد می زدند، زیرا جمعیت خیلی مشنج بود و بیشتر آنان نمی دانستند به چه سبب جمع شده اند.

^{۳۳} پس از میان جمعیت، اسکندر^{۳۴} را برکشیدند که یهودیان او را بیش انداخته بودند. و اسکندر با دست اشاره کرده می خواست در مقابل مردم دفاعیه ای ارائه کند. ^{۳۴} چون شناختند که او یهودی است تقریباً مدت دو ساعت همگی به یک صدا فریاد می زدند: «بزرگ است ارطامیس افسیان!»^{۳۵} و منشی^{۳۶}، مردم را ساخت کرده گفت: «ای مردان افسی، در بین انسان ها، کیست که نداند که شهر افسس حافظ معبد^a ارطامیس بزرگ و (مجسمه او) که از آسمان افتاده است،^b می باشد؟

که معبد های نقره ای^۵ برای ارطامیس ۱۶:۱۶ می ساخت و برای صنعت کاران استفاده ای نه چندان ناچیز داشت.^۶ آنان را با کارگرانی که [پیشه های] مشابهی داشتند جمع کرده گفت: «ای مردان، شما می دانید که رفاه ما از این درآمد است،^۷ و ملاحظه می کنید و می شنوید که می گویند که این پولس، انبیوه عظیمی از مردم را نه تنها از افسیس، بلکه تقریباً از تمام آسیا متقادع کرده و منحرف نموده است، می گوید اینهایی که با دست ها ساخته شوند، خدایان نیستند^۸.»^۹ این خطی است که ۱۹:۱۶ نه فقط کسب ما را بی اعتبار می کند بلکه نزدیک است معبد رب النوع بزرگ ارطامیس هم هیچ بشمار آید و همچنین عظمت او که تمام آسیا و زمین مسکون^۷ می پرستند، از بین بود.

^{۱۰} وقتی که شنیدند، سرشار از خشم شده، فریاد برآورده می گفتند: «بزرگ است ارطامیس افسیان!^۹ و شهر، پراز تشنج شد. آنان نیز متفقاً به طرف تئاتر تاختند و غایوس و ارسترخس^w را که

- در این مورد، منظور، ساختن ماکت معبد بزرگ ارطامیس می باشد که درآمد فراوانی هم داشته است (۲۷:۱۹). رب النوعی به این نام که اهالی افسی می پرستیدند ارتباطی با باکره شکارچی یونانیان نداشته و قابل مقایسه با آن نبوده است بلکه رب النوعی شرقی و مظهر باروری بوده است.

t- ترجمه دیگر: برای صنعت کاران کاری ارزشمند و قابل توجه بود.

u- در حقیقت، یکی از موارد تکراری در موضعه های پولس به امت ها، باطل بودن بیت ها می باشد (۱۷:۲۵ توضیح).

v- دیمیتروس برای اثبات نظریه خود تا اندازه ای مبالغه می کند.

w- ر. ک ۴:۲۰؛ ۷:۱۷؛ ۲:۴؛ ۴:۱۷ توضیح.

X- هر سال شهرهای آسیای صغیر، سه یا چهار نفر را به عنوان رؤسای آسیا انتخاب می کردند که در محلشان سربرستی آین پرستش امپراتور و روم را بر عهده داشتند. این شخصیتهای عالی رتبه بس از خاتمه مأموریت هم، این عنوان را حفظ می کردند.

y- ترجمه دیگر: با شخصی به نام اسکندر به توافق رسیدند. در نسخه خطی دیگر: شخصی به نام اسکندر را به پیش انداختند.

z- درست معلوم نیست به چه هدفی این فرد یهودی (۳۴:۱۹) در این امر دخالت کرده است.

- منشی دیوانی یا به قول امروز رئیس دفتر، با وجود اینکه بالاترین مقام دولتی نبود، ولی در جلسات مجمع عمومی مردم، شخصیت مهمی بوده است.

- ترجمه دیگر: شهر مقدس.

a- عقیده مردم بر این بوده است.

از افسس تا ترواس از طریق یونان و مقدونیه

۴۰ ^۱ پس از آنکه غریو [حضرار] تمام شد، پولس شاگردان را خواسته و ببرون پس از نصیحت آنان را سلام گفته و ببرون رفت که به سوی مقدونیه ^d برود. ^۲ و این ^{-۱:۲-۵:۷} بخش ها را با نصیحت کردن [برادران] با سخنرانی های بسیار در نور دیده و به یونان آمد، ^۳ و سه ماه را ^e [در آنجا] سپری کرد. ^{-۱:۶-۷:۵} یهودیان علیه وی توطئه کردند، وی در حالی ^{۲:۱-۱۲:۳} که از طریق دریا بسوی سوریه می رفت، ^f فی:۱-۲۵:۲-۲۷:۱-۲۳:۹ متعاقد شد که از راه مقدونیه ^g بازگردد. ^۴ و سوباترس [پسر] پیروس، اهل بیریه، و ارستrixs و سکنده اهل تسالونیکی، و غایوس اهل دربه^۵، و تیموفیوس، و از آسیا: تیخیکس و تروفیمس وی را همراهی ^h می کردند. ^۵ اینان ⁱ نیز که پیش رفته بودند، در ترواس منتظر مأبودند. ^۶ و اما ما، بعد از ایام فطیر ^k از [شهر] فیلیپی ^{-۲:۱۲-۲:۱۲}

^{۳۶} بنابراین چون این چیزها انکار ناپذیر است شما باید آرام بگیرید و هیچ کار گستاخانه ای نکنید. ^{۳۷} زیرا شما مردانی را آورده اید که نه بی حرمتی و نه کفر گویی به [رب النوع] ما کرده اند. ^{۳۸} پس واقعاً اگر دیمیتریوس و صنعتکارانی که با او هستند ادعایی دارند، [روزهایی که] جلسه داوری تشکیل می شود و پرونکسول ها هستند، باید علیه یکدیگر اقامه اتهامات نمایند.^{۳۹} اما اگر چیز بیشتری می جویید، در مجلس قانونی حل خواهد شد. ^{۴۰} زیرا در واقع برای ما این خطر هست که در رابطه با شورش امروز متهم شویم، چون که هیچ دلیلی وجود ندارد که بتوانیم برای این اجتماع شورشی عذری بیاوریم.» و چون این چیزها گفته شد، جمعیت را متفرق کرد.

c- ترجمه دیگر: باید طرفین به پیش قاضی بروند.

d- در این بند، مسئله غوغای و شورش پایان می یابد و مجدداً به روایت مسافرت پولس پرداخته می شود (ر.ک ۲۱:۱۹-۲۲).

توجه نویسنده معطوف به اورشلیم (ر.ک ۱:۱۹ توضیح)، بازداشت پولس و آخرین مسافرت وی به رم می شود. در آن موقع، پولس دومین نامه به قرنیان را می نویسد.

e- محل این اقامت، مسلمان در قرنیس و احتمالاً در زمستان سال های ۵۷-۵۸ بوده است، در آنجا علی مسافرت پولس ذکر نگردیده است که بحران قرنیس جمع آوری اعانه برای اورشلیم بوده است (ر.ک ۱۷:۲۴ توضیح).

f- بند ^۳، بر طبق نسخه خطی غربی، به این صورت است: سه ماه. چون یهودیان علیه او توطئه می کردند، خواست به مقصد سوریه به گشتی سوار شود. روح [القدس] گفت از طریق مقدونیه برگردد.

g- در نسخه خطی غربی به جای دربه، شهر دوبرس ذکر شده که در ایالت مقدونیه و در فاصله بین فیلیپی و آمفیپولیس قرار دارد. اگر این شخص که غایوس نام دارد، اهل مقدونیه باشد، احتمالاً همان است که در ۲۹:۱۹ ذکر شده است.

h- در بسیاری از نسخه های خطی اضافه شده است: همراهان او تا آسیا (ر.ک ۲-۲:۱۸-۲۲). در مورد سوسيپاترس ر.ک روم ۱۶:۲۱ در مورد استرخس ر.ک ۱۹:۲۹ در مورد تیخیکس ر.ک ۲۱:۲۹ و ۲:۲۰ در مورد غایوس ر.ک ۱۹:۲۱ تیموم ۴:۲۰ در مورد تیخیکس ر.ک افس ۶:۲۱ کول ۷:۲۰-۴:۲۱-۲:۲۱-۲:۲۰ تیمو ۴:۲۱-۳:۱۲ تیط ۳:۱۲-۱:۱۲ احتمالاً تمام این افراد از طرف کلیسا های خود مأمور بوده آند اعانه ای را که جمع شده بود به اورشلیم ببرند (ر.ک ۲-۲:۱۶-۸:۱۶) ر.ک بند ^۳ توضیح.

j- اینجا آغاز دومین قسمتی است که روایت با ضمیر اول شخص جمع ما شروع می شود (۱۵:۲۰-۵:۱۵) ر.ک ۱۰:۱۶ توضیح.

k- ر.ک ۲:۲۱ توضیح. از این نکته بر می آید که پولس عید گذر یهود را برگزار کرده است ر.ک ۳:۱۶ توضیح؛ ا-قرن ۷:۵.

که پایین رفته بود، خود را بر روی او
انداخته^۹ و او را در آغوش گرفته گفت: مر ۴۳-۴۵:۵
«غوغانکنید! چون که جان او در او
است.^{۱۰}» ^{۱۱} سپس به بالآمده و نان را
پاره کرد و خورد و تا مدتی دراز، تا
روشنایی صبح همچنان گفتگو می کرد و
بدین گونه عزیمت کرد.^{۱۲} اما آن پسر را
زنده بردن و این تسلی کوچکی نبود.

از ترواس به میلیتس
 ۱۳ اما ما که جلوتر رفته بودیم به [مقصد]
 آسوس به کشتی سوار شدیم، جایی که می
 باید پولس را از آنجا برداریم زیرا تضمیم
 گرفته بود خود پیاده^{۱۳} به آنجا برود.^{۱۴} و
 چون در آسوس به ما پیوست، او را برداشته
 به متیلینی رفتیم.^{۱۵} و از آنجا، فردای آن

سوار بر [کشتی] شده و طی پنج روز در
۱۴:۲۸:۴:۲۱ ترواس به آنان پیوستیم، جائی که در آن
هفت روز اقامت کردیم.

رستاخیز افتیخس در ترواس

۱- قرن ۲:۱۶ و در [روز] اول هفته^m، [در حالی
که] برای پاره کردن نانⁿ جمع شده بودیم،
پولس که روز بعد قصد عزیمت داشت، با
ایشان گفتگو^۰ می کرد و گفتارش را تا نیمه
شب به درازا کشاند.^۱ و در بالاخانه ای^p
که جمع شده بودیم، چراغ های زیادی وجود
داشت.^۹ و جوانی بنام افتیخس کناره پنجره
نشسته و به خواب سنگینی فرو رفته بود،
گفتگوی پولس بیشتر به درازا کشید و او که
در خواب سنگین بود، از طبقه سوم به پایین
افتاد و [او را] مرده برداشتند.^{۱۰} اما پولس

۱- روایت مسافت پولس که مجدداً در بند ۱۳ ادامه می یابد با قضیه زنده شدن افتیخس قطع شده است. در اینجا پولس نیایش
کرده و نام یسوع را نخوانده است (ر. ک ۱۶:۳؛ ۱۸:۳؛ ۱۶:۳ توضیح) ولی بعضی از حركات الیاس را انجام داده است (ر. ک ۱-پاد
۲:۱۶-۲:۲۴-۱۷:۱۷-۲:۲۴-۱۷:۲-پاد ۳:۳۷-۸:۳).

۲- یعنی روز رستاخیز یسوع (لو ۱:۲۴) که بعداً روز خداوند خوانده خواهد شد (مکا ۱۰:۱ = یکشنبه) در اینجا، چنانکه از متن
بر می آید، عصر روز شبیه و شب، دور هم جمع شده بودند تا این روز را متمایز نموده و تجلیل کنند (ر. ک ۱-قرن ۲:
۲:۱۶-۲:۲۴-۱۷:۱۷-۲:۲۴-۱۷:۲-پاد ۳:۳۷-۸:۳).

۳- در اینجا منظور آین سپاسگزاری است (ر. ک لو ۴:۳۰-۴:۳۰ توضیح) که قبلاً در اورشلیم انجام می گردید (۲:۲ توضیح ۴۶).
 در اورشلیم هم به مانند اینجا این آینین در خانه، یعنی محل زندگی خصوصی برگزار می شد (۴:۲). عمل پاره کردن نان
 (ر. ک ۱-قرن ۱۱:۲۳-۲۵)، احتمالاً همراه با صرف غذا (بند ۱۱:۱-۱۱:۲:۶-۴:۶:۲ توضیح ۱۱:۳ توضیح ۱-قرن
 ۱۱:۱۱) همچنین نیایش ها (۴:۲:۱)، موضعه (بند ۱۱:۱-۱۱:۲:۶-۴:۲:۲ و شاید گفتگو و مذاکره بین مسیحیان
 بوده است (ر. ک یادداشت بعدی). و چنین به نظر می رسد در محیطی خوش برگزار می شده (۴:۲:۶-۴:۲:۱۶-۳:۳۴؟) چنانکه
 مجموعه زندگی کلیسا تواً با شادی بوده است (۸:۸ توضیح). جاهای دیگری در کتاب اعمال رسولان که اشاره به آینین
 سپاسگزاری می شود، عبارتند از: ۲:۶ توضیح ۲:۱۳ توضیح ۱۶:۳۵-۲:۷ توضیح ۳:۴ توضیح ۱۶:۲۷ توضیح.

۴- ترجمه دیگر: سخنانی به برادران خطاب می کرد. در کتاب موعظه، برگزاری آین سپاسگزاری، در صورت لزوم، شامل گفتگو و
 تبادل نظرهایی بین حاضران می شده و اگر منظور از کلمه بِرَسْتَش که در ۱:۱۳-۴:۳ بکار رفته، برگزاری آین سپاسگزاری باشد،
 در این صورت تأییدی است بر هم زمان بودن سپاسگزاری و تبادل نظر (۱۳:۲ توضیح ر. ک ۱-قرن ۱۴).

۵- یعنی بالاترین طبقه خانه (ر. ک لو ۱:۱۳-۲:۱۲ توضیح).

۶- ترجمه دیگر: بر روی او خم شد. در این صورت، این روایت بیشتر معجزه های الیاس و ایشاع را به یاد می آورد (ر. ک بند ۷ توضیح).
 ۷- ترجمه تحت الفظی: روح او در او است که بدان معنی نیست که هنوز زنده است بلکه زندگی را باز یافته است (ر. ک
 بند ۹). در نظر نویسنده، این واقعه زنده شدن دوباره نظر عملی است که پطرس در مورد طبیتا انجام داده بود (۴۳-۴۶:۹).

۸- ترجمه دیگر از راه خشکی بیاید. فعلی که در این مورد بکار رفته، ممکن است به معنی پیاده آمدن هم باشد.

خدمت خداوند بوده و در اشک‌ها و ^{۸:۱}
آزمون‌هایی که به وسیلهٔ توطئه‌های یهودیان ^{۲:۱۱}
بر من رسید، ^{۱۰} چگونه در هیچ مورد
مضایقه نکرده‌ام^x، چیزهای مفید را چه در
مלאً عام و چه در خانه به شما گفته و تعلیم
داده‌ام، ^{۲۱} و به یهودیان و یونانیان، توبه به ^{۱۰:۱۹}
سوی خدا و ایمان به خداوند ما یسوع را ^{۱۵:۱۴}
شهادت می‌دادم^y. ^{۳۱:۱۶}

^{۲۲} و اینک اکنون بوسیلهٔ روح [القدس]^z
بسته شده به اورشلیم می‌روم و بدون اینکه
بدانم چه چیزهایی برایم پیش خواهد آمد،
^{۲۳} جز اینکه در هر شهری، روح القدس به
من شهادت داده، می‌گوید که بندها و
مصیبت‌ها در انتظار من است. ^{۲۴} ولی به
هیچ وجه زندگی خود را گرانمایه ^{۲۶:۱۵}
نمی‌شمارم، بطوریکه راهم را به پایان برد ^{۲۴:۹}
و خدمتی را که خداوند یسوع بر عهده من ^{۲:۷}
فی ^{۱:۱۲} تبیو ^{۲:۷}

روز از طریق دریا به مقابله خیوس رسیدیم.
روز بعد به سوی ساموس راندیم و روز پس
از آن به میلیتیس^t رسیدیم. ^{۱۶} زیرا پولس
تصمیم گرفته بود از [مقابله] افسس با
کشتی عبور کند بطوری که مقدور باشد در
آسیا درنگ ننماید^u و تعجیل می‌کرد اگر
براپیش ممکن باشد روز پنجاهه به اورشلیم
برسد.

وداع پولس با قدیمی‌های افسس در میلیتیس

^{۳۰:۱۱} ^{۱۷} و از میلیتیس به افسس فرستاده،
پیران افسس^v را احضار کرده بود. ^{۱۸} و
وقتی به نزد او رسیدند به ایشان گفت^w:
^{۱:۱۹} «شما می‌دانید از اولین روزی که به آسیا
^{۱:۱۰} وارد شدم در تمام مدت با شما چگونه
فی ^{۱:۱۸} رفتار کرده‌ام، ^{۱۹} در کمال فروتنی در

^t- در بعضی از نسخه‌های خطی اضافه شده است: در تروجیلیون توقف نموده ولی در تمام نسخه‌های خطی وجود ندارد با اینکه
این توقف تا اندازه‌ای محتمل است.

^u- ر. ک. ۶:۶ توضیح.

^v- ترجمه دیگر. پولس پیران کلیسا افسس را احضار کرده بود.

^w- پس از گفتارهای پولس به یهودیان (۱۳:۴۱-۱۶:۴۱) و به ملت‌ها (۱۴:۱۵-۱۵:۱۷؛ ۱۷:۲۲؛ ۱۷:۱۷-۱۵:۱۴) در اینجا نویسنده گفتاری را
که به مسیحیان و حتی مشخصاً به رهبران کلیسا خطاب شده است ارائه می‌نماید (بندهای ۳۵-۱۸). این گفتار در عین حال
که گفتار وداع است و از بسیاری جهات گفتارهای عهد عتیق و یهودیگری را به یاد می‌آورد (ر. ک. ۲-تیمو): موضعه ای به
مسئولان کلیسا است که شباhtهایی با ۱-تیمو، تبیط و ۱-پطر ۵:۴-۱:۵ دارد. پس از یادآوری گذشته خود در آسیا، (بندهای
۲۱-۱۸) پولس به حال و آینده می‌پردازد (۲۲:۲۸-۲۸). سپس شوندگان خود را به هوشیاری (بندهای ۲۰-۲۲) و محبت
برادرانه (بندهای ۳۳-۳۵) تشویق می‌کند. قبل‌اکه طالبی در مورد پیران ذکر شده بود (۱۱:۳۰-۳۰:۱۴ توضیح)
چیزی درباره مسئولیت و وظایف دقیق آنان گفته نشد. در اینجا ملاحظه می‌شود که پولس به هنگام عزیمت قطعی خود
(بندهای ۲۲-۲۵) آنان را مأمور می‌کند که در افسس به عنوان «پیران» همان کاری را انجام دهند که خود ولی در خدمت به
نوید نیکو و کلیسا انجام می‌داده است (ر. ک. بند ۲۸ توضیح). این احتمالاً همان چیزی است که نویسنده به قبلاً به هنگام حرکت از
افسس از آنان درخواست کرده (۲۰:۱؛ البته در آنجا به سمت پیران اشاره ای نمی‌شد). اهمیتی که نویسنده به این نصایح می‌
دهد، نشان آن است که از نظر ولی خیلی بیشتر از مورد خاص آن می‌باشد.

^x- این عبارت که ترجمه آن دشوار است، بدان معنی است که پولس، نه چیزی را پنهان کرده و نه برای خود نگهداشته است.
ر. ک. ۲۰:۲۷.

^y- در مورد گرویدن و ایمان ر. ک. ۳:۱۹ توضیح؛ ۲:۴ توضیح؛ ۳:۱۶ توضیح؛ ۱۰:۴ توضیح.

^z- ترجمه تحتاللفظی: به وسیلهٔ روح [القدس] به زنجیر شده؛ و نه اینکه در روح به زنجیر شده ر. ک. بند ۲۱:۲۳؛ ۲۱:۱۱ و ۱:۲۳ توضیح.

نموده تا کلیسای خدا^f را که بوسیله خون

خود^g بدست آورده شبانی کنید.

زیرا من می دانم که پس از مفارقت^h

من گرگ هایی سهمگین به نزد شما وارد

شده و رمه را بر سر جایش باقی نخواهند

گذاشت.^{۳۰} و از میان خودتان مردانی

برخواهد خاست که (مطلوب) منحرف

خواهند گفت برای اینکه شاگردان را به

دبیال بکشند.^{۳۱} بدین سبب هوشیار بوده و

به خاطر داشته باشید که سه سال، شب و

روز با اشک ها از یادآوری به هر یک باز

نمی باشد.^{۳۲} نویسنده این عنوان را برای پیران قائل نشده است.

۱۸-۱۶:۲۶ قرار داده به انجام برسانم: شهادت دادن به نوید فیض خدا.

۲۵ و اکنون می دانم که دیگر چهره مرا

نخواهید دید^a، همگی شما که از بینتان

گذشته ام و ملکوت^b را اعلام کرده ام.

۲۶ بدین سبب در این روز به شما شهادت

۶:۱۸ می دهم که از خون همه شما بری هستم.^c

۲۷ زیرا در موعظه همه اراده خدا به شما،

کوتاهی نکرده ام.^d پس مواطن خودتان و

[مواطن] تمام رمه ای^e باشید که

روح القدس شما را بر آن ناظر^f تعیین

a- متن این عبارت مبهم و ترجمه صحیح آن دشوار است ولی مفهوم کلی عبارت روشن است.

b- ر.ک: ۳:۱ توضیح.

c- یعنی هر آنچه را توانسته ام انجام داده ام و از این پس هر کسی مسئول سرنوشت خود است. ر.ک: ۱۸:۶ توضیح.

d- در نوشته های عهد عتیق، کلمه «رمه» به صورت استعاره در مورد قوم خدا بکار برده شده و در انجیل ها، گروهی از شاگردان را تعیین می کند (آو:۱۲ توضیح). در اینجا اگر در مورد کلیسا نباشد، لائق به یک کلیسای محلی اطلاق شده است. شاید برای اینکه نشان دهد که یسوع چوبیان والا و به عبارتی چوبیان منحصر به فرد کلیسا است (ر.ک: ۱- طر:۴؛ ۲:۵؛ ۲:۴؛ عبر:۳:۱۳). نویسنده این عنوان را برای پیران قائل نشده است.

e- کلمه یونانی که در اینجا ناظر ترجمه شده است و کلمه اُنف از آن مشتق شده اند، به معنی بازرس است و گاهی محافظ و نگهبان ترجمه می کنند (کلمه ای به همین معنی به هر یک از مسئولان جمعیت قمّران اطلاق می شده است). در اینجا این کلمه استعاره، مسئولیت دسته جمعی پیران را در مقابل کلیسا تعیین می نماید. ر.ک: ۱- پطر:۲:۵ (که در آنچا به صورت فعلی نگهداشت، مرا اقبت کردن در مورد پیران بکار برده شده بود) و ۱- پطر:۲:۵ (که این کلمه در آنچا به صورت اسم در مورد مسیح شیان آمد است). این مسئولیت نظری وظیفه چوبیان نسبت به رمه خود می باشد، بنابر این مسئولیتی کلی و مخصوصاً مربوط به وحدت و محافظت کلیسا (بند ۲۹ توضیح) و اعلام انجیل است (بند ۱۸ توضیح) در اینجا این کلمه شاید عنوان شغل و وظیفه معین و مدارومی در جمعیت بوده است (ر.ک: ۱:۱- ۱:۲- تیمو:۳:۲؛ تیط:۷:۱). بعدها این کلمه در مورد مسئول یک کلیسای محلی بکار رفته (اسقف) است.

f- بجای کلمه خدا در نسخه های خطی مختلف نوشته شده است: خداوند (یسوع)، (یسوع) مسیح، خداوند، خداوند (و) خدا. این تفاوت ها به علت دشواری که در یادداشت بعدی ذکر شده پیدید آمده است، اصطلاح «کلیسای خدا» در کتاب اعمال رسولان منحصر به فرد است ولی کلمه کلیسا در جاهای دیگر آمده است (۱:۱۱ توضیح) در صورتی که در نوشته های پولس فراوان است، چه به صورت مفرد (۱- قرن:۱:۲- قرن:۱:۱ وغیره) یا به صورت جمع (۱- تسا:۲:۴؛ ۲:۱ تسا:۱:۴؛ ۲:۱۳- ۲:۵- ۲:۷) این فکر را القا می کند که در آخرین باری که در کتاب اعمال رسولان بکار می رود این معنی محدود در واقع به عینی^g سترده تری اشاره می کند (ر.ک: ۳۱:۹ توضیح) و «کلیسا»، مجموعه قوم خدا می باشد (۱۴:۱۵ توضیح).

g- ترجمة بالا شاید بهتر از: بوسیله خون (پسر) خود باشد زیرا به آسانی یک عبارت استعاره منحصر به فرد و جسورانه حذف می شود که بر طبق آن کلمه خون هم به معنی وجود پسر خودش (ر.ک: ۱۷:۲۶ توضیح) و هم به معنی خون این پسر است. در نسخه های خطی که کلیسا به عنوان کلیسای خدا بلکه کلیسای پسر است (ر.ک: یادداشت قبلی) روش دیگری برای اجتناب از عبارت استعاره است.

h- این عزیمت را پولس مفارقت قطعی می شمارد (بند ۲۵). کلمه یونانی که در اینجا مفارقت ترجمه شده و در گفتارهای وداع بکار برده می شود، طرز بیانِ زیبایی برای مفهوم مرگ است.

زمین زده با همگی ایشان نیایش کرد.^P
 و همگی گریه بسیار کرده و به گردن
 پولس آویخته، او را می بوسیدند، ^{۳۸} بسیار
 اندوهگین شدند مخصوصاً به سبب سخن ^{روم ۱۶:۱۶}
^{۱-قرن ۲۰:۱۶} او که گفته بود دیگر چهره او را نخواهند
 دید. پس او را تا کشته مشایعت نمودند.

رفتن پولس به اورشلیم

۲۱ و پس از جدا شدن از ایشان،
[چنین شد که] ما راه دریا را گرفته
مستقیماً به کوس و فردای آن روز به رودس
و از آنجا به پاترا^۱ آمدیم.^۲ و یک کشتی
پیدا کرده که به فینیقیا می‌رفت سوار شده
و به راه افتادیم.^۳ و وقتی قبرس دیده شد،
آن را درطرف چیز گذاشته به سوی سوریه

نایستاده ام. ۳۲ و اکنون شما را به خدا
می سپارم^۱ و به سخن فیض زاو که می تواند
[ساختمان را] بنا^k کند و در بین
همه تقدس یافتگان، به شما میراث عطا
نماید.^۱

۳۳ نقره یا طلا یا لباس کسی را طمع
نکرده ام.^{۳۴} [بلکه] خودتان می دانید که
این دست‌ها احتیاجات من و آنان را که با
من هستند فراهم کرده‌اند^m.^{۳۵} به هرگونه
به شما نشان داده‌ام که با زحمت‌کشی این
چنین، باید به یاری ناتوانانⁿ آمد و سخنان
خداآوند یسوع را به باد آورد که خودش گفته
است: خوشبختی بیشتر در دادن است تا در
دریافت کردن.^o

۳۶ و چون این چیزها گفته شده، او زانو به

- دشمنان: د نوع خواهند بود، بعضی از خارج می آیند و به مانند گرگ هایی در آغل گوسفندان نفوذ خواهند کرد (بند ۲۹) و بعضی دیگر از داخل، جمیعت را آشفته خواهند کرد (بند ۳۰).

ز- ترجمة دیگر: به سخن فرض می سیارم. ر. ک بند ۲۳: ۱۴؛ ۳: ۳؛ لو ۲۲: ۴.

-k البته آنچه را که خدا بنا می کند ساختمند و بنای جمعیت یعنی کلیسا است (ر.ک ۱-قرن ۳:۵، ۱۷:۱-۱۰:۴؛ پطر ۴:۲).
 ۱- ترجمه ای که بیشتر تحت الفظی است: میراثی باشد (یا سهمی از ارث) بین تمام تقسیم شدگان. منظور از تقسیم شدگان (ر.ک ۱۸:۲۶) کسانی بودند که مقدس می شدند، یعنی مسیحیان (۱۳:۹ توضیح). بنا براین خدا است که با ورود آدمیان به کلیسا موافقت می کند. ولی در اینجا به مانند (ر.ک افس ۲۰:۸) بهتر است در کشش شود که خدا موافقت می کند که آدمیان سهمی در نجات داشته باشد (ر.ک افس ۱:۱۴؛ کول ۳:۵؛ عبر ۱:۱۵؛ عبر ۲:۴؛ پطر ۴:۱) همچنانکه ابراهیم سرمیان موعود را دریافت کرد، (ر.ک اع ۵:۵؛ غلا ۳:۱۸؛ عبر ۱:۱۱). اصطلاح «در بین مقدسان، سهم یا حصه ای (از میراث) داشتن»، اصطلاح سنتی بوده است. (حک ۵:۵؛ قیران).

m- ر. ک ۱۸:۳ توضیح: بولس با دست های خود کار می کرد تا نیازمندی های خود را رفع نماید (۱- تسا ۸:۳ -۲- قرن ۹:۶ -۱۳:۵)؛ ضمن اینکه گاهی کسک دیگران را هم می پذیرفت (فی ۴:۱۵-۱۹:۱۹)؛ ر. ک ۲-قرن ۱۱:۹). در اینجا

نتیجه کار کردن او، نیازمندی های همراهانش را نیز تأمین می نماید.

n- احتمالاً بینوایان و کسانی هستند که از نظر مالی ناقوان می باشند ولی همچنین می توان فکر کرد منظور، کسانی باشند که از نظر ایمانی ناقوان هستند (روم ۱۴:۱، ۱:۱۵، ۲۱:۲۰-۲۱-۲۰-۷:۸)؛ قرن ۱:۱۵-۱۰:۹-۶:۹ ر.ک. (۱۵:۲۲-۲۲:۹) و به سببِ مال پرستی پیران (هر چند ظاهراً) دچار لغزش می شدن. (ر.ک. ۱-بطری ۳:۵).

۵- این سخن خداوند که در انجیل ها ذکر نشده (ر.ک ۱:۱۶)، اندرزهای مشابهی را به یاد می آورد که در دنیای یونانی آن دوران نقل می شده است. در نوشته های پولس ممکن است کلمه خداوند به مفهوم سنت انجلی باشد (ر.ک ۱ قرن ۷:۱، ۱۰:۱، ۱۲:۲۵).

p- مسیحیان، پیش از آنکه از یکدیگر جدا شوند، نیایش می کردند (ر. ک ۶-۵: ۲۱).

q- در اینجا سومنی قسمتی از کتاب است که با ضمیر اول شخص ما روابط می شود (۱۸-۱: ۲۱) ۱۶: ۱۰ را ملاحظه کنید.

۲- در بعضی نسخه های خطی: به پاترا و میره آمدیم.

፳፻፲፭

آغابوس از یهودیه رسید.^{۷۷} »^{۱۱} و به نزد ما آمده، کمریند پولس را گرفته پاها و دست‌های خود را بست^w و گفت: «روح آن که» مقدس [است]^x چنین می‌گوید: مردی که این کمریند از آن او است، یهودیان در اورشلیم بدین گونه او را بسته و به دست امت‌ها تسلیم خواهند کرد.»^{۱۲} و وقتی این را شنیدیم، ما و همچنین برادران آنجلا، او را درخواست کردیم که به اورشلیم نرود.»^{۱۳} نگاه پولس پاسخ داد: «چه می‌کنید؟ چرا گربان شده و دل مرا می‌شکنید زیرا حاضرم نه فقط در بند شوم بلکه حتی به خاطر نام خداوند یسوع در اورشلیم بمیرم.»^{۱۴} چون قانع نمی‌شد آرام شده گفتیم: «آنچه اراده خداوند است بشود!»^{۱۵}

^{۱۵} پس از این روزها، آماده سفر شده به اورشلیم^z رفتیم. «اما شاگردان قیصریه هم با ما آمدند، ما را به خانه مناسون نامی برده، که اهل قبرس و شاگردی قدیمی بود.

لو ۳۱:۱۵ روم ۴۲:۲۴ ل ۱۲:۲۱ ل ۳۱:۹

در دریا پیش رفتیم و در صور^y پیاده شدیم ل ۱۹:۱۱؛ زیرا در آنجا بود که کشتی [باید] بار خالی مت ۱۵:۶؛ میر ۸:۳؛ ۳۱-۲۴:۷ می‌کرد. ^۴ پس از پیدا کردن شاگردان، هفت روز در آنجا ماندیم و آنان با [الهام] از روح^t به پولس می‌گفتند که به اورشلیم نرود^{tt}.^۵ و وقتی که آن روزها به پایان رسید ما روانه شده به راه افتادیم و همگی با زنان و کودکان تا بیرون شهر ما را مشایعت کردند. پس از زانوزدن بر ساحل و نیایش کردن،^۶ از یکدیگر وداع کرده و سوار کشتی شدیم اما آنان به خانه خود بازگشتد.^۷ و ما پس از پایان دادن به سفر دریا از صور به پتولامئیس رسیدیم و به برادران سلام کرده یک روز نزد ایشان ماندیم.^۸

^۸ و فردا آن روز به راه افتادیم. به قیصریه آمدیم و به خانه قیلیپس نوید دهنده^۹ که یکی از هفت نفر بود وارد شده و نزد او ماندیم.^۹ و او را چهار دختر باکره بود که نبوت می‌کردند.^{۱۰} و در مدت ۲۸:۱۱ چند روزی که آنجا ماندیم، یک نبی بنام

۸- با اینکه صور اهمیت ساقی خود را از دست داده بود، با این همه بندر فعلی در منطقه فیتنیه بشمار می‌رفت. انتشار انجیل در این شهر به وسیله مسیحیانی انجام شده بود که از اورشلیم پراکنده شده بودند (۱۹:۱۱-۲۰ توپیحات).

۹- احتمالاً پیامبرانی هستند (د. ک بند ۱۱:۱۱-۲۷ توپیح و ۸:۱ توپیح).

۱۰- تحت اللفظی: بالا نرود - یا: مشرف نشود.

۱۱- ر. ک ۵:۸ توپیح. این عنوان مسلمان به سبب فعالیت و موقعیت‌های او داده شده است که می‌توان آن را بشارت دهنده، مبلغ انجیل، نویده‌هندۀ، اعلام کننده انجیل نیز ترجمه کرد (ر. ک افس ۴:۱۱-۲-تیمو ۵:۴).

۱۲- در مورد پیامبران، ملاحظه کنید ۲۷:۱۱ توپیح: در مورد پیامبران زن: ۱-قرن ۱۱:۱۴؛ ر. ک ۱-تیمو ۲-۱۱:۳۳-۳۵؛ ر. ک ۱-تیمو ۲-۱۲.

۱۳- تحت اللفظی: پائین آمد.

۱۴- در اینجا نبوت کردن، نظیر پیامبران کهن با اعمال و حرکاتی همراه است.

۱۵- ر. ک ۲۷:۱۱ توپیح، ۸:۱ توپیح.

۱۶- تحت اللفظی: آنهای آنجا (آتجائی‌ها).

۱۷- نظری همان عبارتی است که در مورد رفتن یسوع به اورشلیم روایت شده است (موارد برابر را در انجیل‌ها ملاحظه کنید).

صورت خواهند شنید که تو آمده ای.
۲۳ پس آنچه به تو می گوییم، انجام بد! ما

چهار مرد داریم که نذری بر عهده ایشان اعد ۱۳:۶-۲۰

است. ۲۴ پس آنان را برداشته و با ایشان خود را تطهیر کن و خرج سر تراشیدنشان

را بدیه. و همه خواهند فهمید چیزهایی را که درباره تو شنیده اند درست نیست بلکه

تو هم همچون رعایت کننده قانون عمل می کنی. ۲۵ و در مورد اینها یی که از امت های

غیر یهود بوده و ایمان آورده اند، تصمیم ۱۵:۲۰-۲۹

گرفته و نوشته ایم^f که ایشان از [گوشت]

قربانی شده برای بتان و خون و حیوانات خفه شده و زنا کردن پرهیز نمایند^g.

۲۶ نگاه پولس آن مردان را برداشته و روز بعد با ایشان خود را تطهیر کرد و به معبد

وارد شده و تکمیل ایام طهارت^h را اعلام نمود تا برای هر یک از ایشان هدیه تقدیم شود.

مقالات پولس و یعقوب در اورشلیم

۱۷ چون به اورشلیم^a رسیدیم، برادران ما را با شادی پذیرفتند. ۱۸ و فردای آن روز،

پولس با ما به نزد یعقوب وارد شد و تمام پیران آمدند. ۱۹ و پس از سلام کردن به

ایشان، چیزهایی را که خدا بوسیله خدمت او در بین امت ها انجام داده بود، بطور

مفصل نقل کرد. ۲۰ و آنان وقتی او را شنیدند، خدا را تجلیل کرده^c و به او

گفتند: «ای برادر، ملاحظه می کنی چندین هزار نفر از یهودیان ایمان آورده اند و

همگی طرفداران غیور قانون هستند. ۲۱

باری در مورد تو به آنها گفته اند که تو ترک موسی را به تمام یهودیانی که در میان

امت ها هستند تعلیم می دهی، می گویی کودکانشان را ختنه نکنند و بر طبق رسوم

رفتار نمایند. ۲۲ چه باید کرد؟ به هر

a- بدین گونه پولس کار بزرگ رسالتی را که روز بعد از جلسه مجمع اورشلیم آغاز شده بود، به پایان می رساند (۱۵:۱۵ توضیح). روایی که آغاز می شود (بندهای ۲۵-۱۸)، بسیار از نکات یادآوری مجمع اورشلیم است (بند ۱۹ توضیح؛ بند ۲۵ توضیح) که ترتیبات مقرر آن مربوط به یهودیان (بندهای ۲۰-۲۴) و همچنین مسیحیانی که از امت ها بودند می شود (بند ۲۵). ضمناً اشاره ای هم به قضیه استیفان شده است (بند ۲۱ توضیح).

b- این وضعیت شاهت کاملی با وضع ۱۵:۱۲ دارد (ولی به ۱۴:۲۷ و ۱۵:۳ ارجوع کنید).

c- بنابراین قبول دارند که خدا در گرویدن امت های غیر یهود به آیین، دحالت می کند (و ظاهراً در این باره خیلی تأمل نمی نمایند).

d- یعنی بر طبق دستورات قانون [تورات] رفتار کنند (ر. ک ۱:۱۵، ۵) حتی یهودی صادق به سهولت می توانست از آموزش پولس نتیجه گیری نماید که نجات به وسیله ایمان است و نیازی به ختنه کردن و اجرای اعمال درج شده در قوانین تورات نیست (روم ۲:۲۵-۲۹؛ ۳:۱-۲؛ ۲۶-۲۱؛ ۰:۴؛ غلا: ۳-۲۲). در حقیقت، پولس بیشتر در این فکر بود که افرادی از امت ها را که به مسیحیت می گرویدند از قید قانون آزاد نمایند تا اینکه یهودیانی را که ایمان می آورند از آن منحرف سازد، به شرطی که بیذیرند که این موضوع، مسئله اساسی نیست. به نظر نویسنده اعمال رسولان، پولس در پذیرفتن پیشنهاداتی که می کرددند (بندهای ۲۳-۲۵) مسلمان نظاهر نمی نماید (ر. ک ۳:۳؛ ۱۶ توضیح).

e- ممکن است خود پولس هم نذری کرده بود که می خواست انجام دهد (ر. ک ۱۸:۱۸ توضیح). وی هزینه های مربوط را خواهد پرداخت که میجر به قربانی های نهایی خواهد شد (بند ۲۶).

f- در بعضی نسخه های خطی چنین است: نباید تذکری به تو بدهند زیرا به ایشان نوشته ایم.

g- چنین به نظر می رسد که پولس در اینجا از وجود نامه ۱۵:۲۳-۲۹ اطلاع می یابد؛ ر. ک ۱۵:۲۳ توضیح.

h- این رسم که تاریخ تقدیم قربانی را تعیین نمایند در جایی دیگر به نظر نرسیده است. و شاید فراوانی قربانی ها ایجاب می کرده است که قبل تعیین نمایند. آداب تطهیر هفت روز طول کشیده است (بند ۲۷).

بازداشت پولس در کنیسه^۱

زنجیر بینندند. و می پرسید «او کیست؟ و چه کرده است؟» اما ^{۳۴} در انبوه مردم فریادهای مختلف زده می شد، چون به علت غوغای نمی توانست چیز مطمئنی بفهمد، دستور داد او را به قلعه ببرند.^k ^{۳۵} و وقتی روی پله ها بود، طوری شد که سربازان به سبب خشونت انبوه مردم او را حمل می کردند، ^{۳۶} زیرا گروهی از مردم به دنبالش لو بودند و فریاد می زدند: «او را از بین ببر!» ^{۱۸:۲۳}

گفتار دفاعی پولس در برابر یهودیان

^{۳۷} چون داشت به قلعه برده می شد، پولس به فرمانده سربازان گفت: «آیا اجازه دارم چیزی به تو بگویم؟» و او گفت: «آیا تو زبان یونانی می دانی؟ ^{۳۸} پس تو آن مصری نیستی که چند روز پیش چهار هزار ^{۳۶:۵} مرد آشوبگر^۱ را تحریک کرده و به صحراء برده بود؟» ^{۳۹} اما پولس گفت: «من فی ^{۳:۲۲:۱۱:۹} الواقع یهودی هستم، از طرسوس قیلیقیه، شهروند شهری که بدون شهرت نیست، خواهش می کنم به من اجازه بدی با مردم حرف بزنم». ^{۴۰} پس از اینکه او اجازه داد،

^{۲۷} چون مدت هفت روز داشت به پایان می رسد، یهودیان آسیایی، او را در معبد مت ^{۵۹:۲۶} دیده، انبوه مردم را شورانده و او را دستگیر کردند، ^{۲۸} فریاد می زدند: «ای مردان اسرائیل، کمک کنید! این همان انسانی است که علیه قوم و قانون و این مکان^۱ در همه جا به همه تعلیم می دهد، و علاوه براین یونانیان را هم به معبد وارد کرده و این مکان مقدس را آلوده نموده است.» ^{۲۹} زیرا قبل^۲ تروفمیس افسوسی را با او در شهر دیده بودند و گمان می کردند پولس او را به معبد وارد کرده است. ^{۳۰} و تمامی شهر تحریک شده و مردم از هر طرف دویده و پولس را گرفته، او را از معبد بیرون کشیدند و بلا فاصله درهای معبد بسته شد. ^{۳۱} چون پی کشتن او بودند، خبر به فرمانده دسته [سربازان] رسید که تمام اورشلیم در تشنج است. ^{۳۲} همانند سربازان و افسرانی برداشته برآنان شتافت، و آنان با دیدن فرمانده و سربازان، از زدن پولس باز ایستادند. ^{۳۳} نگاه فرمانده سربازان نزدیک شده او را گرفت و دستور داد با دو

^۱- با ازدحام و شورشی که متعاقباً روی می دهد (بندهای ۲۷-۳۶)، طرح ها (^{۱۶:۲۰}-^{۲۱:۱۹})، حدس های پولس (^{۲۰:۲۰}-^{۲۱:۲۲})، همچنان در بازداشت و در برابر دادگاه خواهد بود: در اورشلیم (^{۳۰:۲۳}-^{۳۳:۲۱})، در قیصریه (^{۳۱:۲۳}-^{۳۲:۲۶}) و بالآخره پس از مسافرتی طولانی (^{۱:۲۷}-^{۱۷:۲۸})، در روم (^{۱۴:۲۸}-^{۱۱:۲۶}) توپیخ.

^۲- این انهم (ر. ک بند ۲۱ توپیخ، ^{۶:۲۴})، همان اتهامی را بیاد می آورد که بر استیفان وارد کرده بودند (^{۱۱:۶}-^{۱۳:۲۱} توپیخ). افراد امت های غیر یهود اجازه نداشتند به معبد وارد شوند و از اولین صحن (که صحن خارجیان نامیده می شد) فراتر روند و اگر به قسمت داخلی معبد وارد می شدند، این عمل بی حرمتی محسوب شده و مستوجب مرگ بود. این موضوع بر روی لوح ها در جاهای لازم نوشته شده بود.

^k- قلعه آتنویا که هیرودیس ساخته بود، مشرف به گوشہ شمال غربی معبد بود، پادگان رومیان، یعنی دسته سربازان امدادی در آن قلعه استقرار داشت.

^۱- منظور، یهودیان افراطی و مخالف با رومیان اشغالگر که مرتباً به شورش علیه رومیان می پرداختند. ماجراهای فرد مصری را یوسفوس، مورخ یهودی، ذکر کرده است.

ظهر، وقتی به دمشق نزدیک می‌شد، ناگهان از آسمان نوری عظیم در اطراف من درخشید.^۷ و به زمین افتادم و صدایی به من می‌گفت: «ای شاؤل، ای شاؤل، چرا مرا شکنجه می‌کنی؟» و^۸ پاسخ دادم: «خداؤندا، تو کیستی؟» و او به من گفت: «من [آن] یسوع ناصری هستم که تو او را شکنجه می‌کنی». و^۹ آنان که با من بودند حقیقتاً نور را دیدند، اما صدای کسی را که با من سخن گفت نشنیدند.^{۱۰} پس [گفتم]: «خداؤندا، چه باید بکنم؟» و خداوند به من گفت: «بلند شو! به دمشق برو و در آنجا از آنچه که باید انجام دهی با تو سخن خواهند گفت». ^{۱۱} چون به سبب تابش آن نور، نمی‌دیدم، با هدایت دستان همراهانم به دمشق رسیدم.

^{۱۲} و حنانيا نامی [آنجا بود]، مردی پارسا بر طبق قانون که تمام اهالی یهودی [به ۲:۱۶:۳:۶] خوبی او] شهادت می دادند.^{۱۳} به سوی من آمد و ایستاده گفت: «ای برادر شاؤل بینای را بازیاب!» و من در همان دم بینایی را باز یافته به او [نگریستم]. ^{۱۴} او گفت:

پولس ایستاده بر روی پله‌ها، با دست به مردم اشاره کرد، و سکوتی عظیم برقرار شد
۳۳:۱۹:۱۶:۱۳ به زبان عبری خطاب کرده گفت:^m

^{۲۲} ^۱ «مردان! برادران و پدران، حالا به دفاعیه ام گوش کنید!» ^۲ وقتی شنیدند که به لهجه عبرانی به ایشان خطاب می‌کند بیشتر آرام گرفتند. [پس] گفت:
^۳ «من یهودی هستم، و در طرسوس قیلیقیه زاده شده‌ام: اما در این شهر تربیت^۰ یافته‌ام، پیش پاهای غمالائیل^p بر طبق دقت قانون اجداد تعلیم یافته‌ام، نسبت به خدا غیور بوده‌ام چنانکه امروز همگی شما هستید.^۴ من این راه^۹ را تا حد مرگ شکنجه داده‌ام، مردان و حتی زنان را به بند کشیده و به زندان انداخته‌ام;^۵ چنان که کاهن اعظم و تمام مجمع پیران شاهد من هستند، حتی از ایشان نامه‌هایی برای برادران دمشق دریافت کرده به آنچا می‌رفتم تا کسانی را نیز که در آنچا بودند به بند کشیده و به اورشلیم بیاورم تا مجازات شوند.
^۶ باری، در حالی که در راه بودم و حدود

m - یعنی احتمالاً به زبان آرامی.

n - در بی این دفاعیه که به یهودیان خطاب می شود (۲۱-۲۲) دو خطابه دیگر خواهد آمد که یکی به فیلکس والی (۱۰:۲۴) و دیگری به اغripas پادشاه خطاب می شود (۲۳-۲۶). ر.ک. ۱:۲۳، ۶. سیک این گفتارها و محتوای آنها با وضعیت شنوندگان وفق داده شده است و بدین سبب تفاوت های قابل ملاحظه ای با یکدیگر دارند و همچنین با ۱۹:۹ که روایت مربوط به گراش پولس به آیین است. این تفاوت ها در خطابه اولی (۱۶-۶:۲۲) و آخرین آنها (۱۷-۱۲:۲۶) است.

o - زاده شده تربیت یافته تعلیم یافته همین طرح و ترتیب در شرح زندگی موسی آمده است ۷:۲۰-۷:۲۲.

p - تحت لفظی: به پای غمالائیل. در مورد غمالائیل، ر.ک. ۵:۳۴ توضیح.

q - ر.ک. ۲:۹ توضیح.

r - این روایت گرایش پولس را با ۱۹-۳:۹ و ۱۸-۱۲:۲۶ مقایسه کنید (ر.ک بند ۱ توضیح).

s - در اینجا وضعیت نظری^۹ ولی به روشنی وارونه است. اشاره شده به اینکه همراهان شاؤل نمی‌دانند دقیقاً چه می‌گذرد (ر.ک یو ۲۹:۱۰-۳۰).

t - در اینجا حنانيا نه به عنوان یک شاگرد (۱۰:۹)، بلکه به عنوان یک یهودی نمونه. و پولس یهودیان را خطاب می‌کند. ضمناً خواننده، مطالب روایت ۱۰:۹ را می‌داند.

هنگامی که خون استیفان، شاهد^a توریخته شد، من خودم نیز ایستاده بودم و تأیید می کردم و از لباس های قاتلان او محافظت ۷:۸، ۵۸:۷ می کردم. ^{۲۱} و به من گفت: «برو، چونکه من، تورا به سوی امت ها، به دور دست ار ۱:۵ خواهم فرستاد^b ». ^{۲۲} و آنان تا این سخن به او گوش داده و [آن وقت] صدای خود را بلند کرده گفتند: «چنین کسی را از روی زمین بردار! زیرا شایسته نیست که او زندگی کند». ^{۲۳} چون ۲۴:۲۵؛ ۳۶:۲۱ ایشان فریاد برآورده و لباس های خود را پرت کرده و گرد و خاک به هوا می پاشیدند^c، ^{۲۴} فرمانده [سریازان] دستور داد که او را به قلعه ببرند و گفت با تازیانه^d او را بازپرسی کرده تا بفهمد به چه دلیلی عليه او چنین فریاد می زندن. ^{۲۵} و وقتی او

غلا ۱۵: «خدای پدران ما تورا تعیین کرده است که اراده او را بدانی و آن عادل را بینی و صدایی^{۱۱} را که از دهانش بیرون می آید بشنوی، ^{۱۵} زیرا در مقابل همه انسان ها چیزهایی را که دیده و شنیده ای برای او شاهد^w خواهی بود. ^{۱۶} و اکنون چرا تأخیر می کنی؟ برخیز و تعمید بگیر و با یاد کردن نام او گناهانت را بشوی^x! ^{۱۷} باری در برگشت به اورشلیم^y آن گاه که در معبد نیایش می کردم چهار خلسه شدم، ^{۱۸} و اور دیدم که به من می گفت: «بشتا بزود و از اورشلیم به سرعت خارج شو، زیرا شهادت تو را در باره من نخواهند پذیرفت». ^{۱۹} و من گفتم^z: «خداوندا، ایشان می دانند که همین من بودم که در هر کنیسه، ایمانداران به تورا به زندان انداخته و می زدم». ^{۲۰} و

^{۱۱}- ترجمه دیگر: و گفتار او را بشنوی.

^۷- یعنی یهودیان و امت ها [ی غیر یهودی].

^۸- در مورد مفهوم واژه توصیفی شاهد (گواه) ر. ک ۲۲:۱ توضیح: ۳۱:۱۳ توضیح: ۲۱:۲۲ توضیح.

^۹- ر. ک ۱:۵ توضیح: ۱۶:۳ توضیح: ۱۴:۹ توضیح.

^{۱۰}- روایت واقعه رؤیای پولس (ر. ک ۱۸:۹ توضیح) در انجا جای وقایعی را گرفته که در ۲۶:۹-۲۰ ذکر گردیده است. پولس

فقط به سبب توطئه یهودیان، اورشلیم را ترک نگفته بلکه بر طبق دستور صریح خداوند است. ر. ک بند ۲۱ توضیح.

^{۱۱}- پولس جواب می دهد که گواهی او در اورشلیم، که خود قبل مسیحیان را شکنجه می داده و بعداً به این آئین گرویده، قدرت بیشتری خواهد داشت.

^{۱۲}- کلمه شهید، مانند معادل یونانی آن، هم به معنی گواه دهنده آمده و هم به معنی شهید، کسی که با مرگ خود شهادت می دهد (ر. ک ۳۱:۱۳). در اینجا از هم آکنون تقریباً معنی دوم شهید را دارد. ر. ک ۵:۹ توضیح.

^{۱۳}- گفتار دفاعی پولس که بوسیله یهودیان قطع شده با یاددا آوری مأموریت رسالت خود به نزد امت ها پایان می یابد، بدون اینکه عزیمت خود را به طرسوس ذکر کند (ر. ک ۳۰:۹). در روایت های دیگری که سخن از گرویدن پولس به آئین است، مأموریت رسالت به جای اینکه نظری این مورد بوسیله خداوند در اورشلیم به او محو شده باشد یا توسط یسوع در راه دمشق به پولس محول شده است (۱۸:۲۶) و یا بوسیله خداوند به حنانيا اعلام شده است (۱۵:۹) ر. ک ۲۲:۱۵ توضیح. در این مورد، نکته اساسی که پولس در نامه هایش اظهار می کند اینست که مأموریت از جانب خدا آمده است (غلا ۱۵:۱-۱۶:۱؛ کول ۲۵:۱-۲۵:۲ و غیره). به هر صورت پولس که شهادت دهنده (بند ۱۵ توضیح) و فرستاده می باشد، حقاً می تواند خود را رسول بنامد (۱-قرن ۹:۱۵؛ غلا ۱:۹؛ ۸:۲) ولی به مفهوم گسترده تری از آنچه در کتاب اعمال رسولان است (۲:۱ توضیح: ۱۴:۴ توضیح).

^{۱۴}- مفهوم این حرکات روشن نیست (ر. ک ۱:۱۳) و احتمالاً به معنی همان فریادهایی است که در بند ۲۲ ذکر شده و یهودیان می خواهند خود را و زمین معبد را از وجود پولس خلاص کنند.

^{۱۵}- تازیانه زدن روشنی عادی در تحقیق و باز جویی از متهمان بوده است.

دستور داد تمام سانهدرین بیایند و پولس را
پایین آورده در میانشان قرار داد.

سانهدرین و پولس

۳۳ ^۱پولس بر سانهدرین نگاه دوخته

گفت: «ای مردان، برادران، من تا
به امروز با وجودان درست برای خدا رفتار
کرده‌ام. ^۲کاهن اعظم حنانیا^g به حاضرانی^h
که نزدیک او بودند دستور داد به دهانش
بزنند. ^۳آنگاه پولس به او گفت: «ای دیوار یو^۴
سفید شده، خدا تو را خواهد زد و تو مت
نشسته‌ای تا مرا بر طبق قانون داوری کنی و
بر خلاف قانون دستور می‌دهی مرا بزنند!» ^۵او^۶
^۷و حاضران گفته‌اند: «آیا کاهن اعظم خدا را
دشمن می‌دهی؟» و ^۸پولس گفت: «ای
برادران من، نمی‌دانستم که کاهن اعظم
است زیرا ^۹که نوشته شده است از رئیس
قوم خود بد نخواهی گفت.^k

^۹چون پولس می‌دانست که یک قسمت
مجلس صدوقيان و قسمت دیگر فريسيان مت
^{۱۰}می باشند در سانهدرین فرياد برآورد: «ای

را برای شلاق^e زدن دراز کردند، پولس به
افسری که حاضر بود گفت: «آیا مجاز
۳۷:۱۶ هستید یک مردی رومی را تازيانه بزنید، آن
هم بدون قضاؤت؟» ^fچون افسر اين را
شنيد، پيش فرمانده رفته، او را خبر گردد
گفت: «چه می‌خواهی بکنی؟ زيرا اين مرد،
رومی است.» ^{۲۷}و فرمانده نزد او رفته به او
گفت: «بگو به من آیا تو رومی هستی؟» و
او گفت: «آري!^{۲۸} و فرمانده پاسخ داد:
«من اين حق شهر وند را با مبلغ هنگفتی به
دست آورده‌ام^{۲۹}.» لیکن پولس گفت: «و اما
من [آن را] از تولد دارم.» ^{۲۹}پس همان دم
آنان که می‌خواستند از او بازجویی کنند دور
شدند و فرمانده [سربازان] همین که
دانست که يك رومی است ترسید، زيرا
همچنین او را بسته بود.

پولس در برابر سانهدرین

^{۳۰} فردای آن روز چون خواست مطمئن
بداند که چرا بوسيله يهوديان وي را متهم
مي کنند [بندهایش را] باز کرد و فرمانده

^e- ترجمه دیگر: چون می‌خواستند او را بر روی زمین بینند تا تازيانه بزنند.
^f- فرمانده سربازان به نام کلوديوس ليسياس مقام شهر وند رومی را در دروان امپراتوری کلوديوس کسب کرده بود (۴۱-۵۴ میلادی). رسم بر این بود معمولاً کسانی که این مقام را بدست می‌آورند، نام امپراتور روم را که فرمانروایی داشت برای خود می‌گرفتند ولی احتمالاً پولس این مقام را از یکی از اجداد خود داشت، زیرا موقعی که سزار علیه فارناس به آسیای صغیر لشکرکشی کرد، به یهودیان ایالت قبليقه مقام و حق شهر وند رومی عطاء کرده بود.

^g- حنانیا، پسر نبده، از سال ۵۹ میلادی سمت کاهن اعظم داشت و در سال ۵۷ میلادی با شاید زودتر، سال های ۵۱ یا ۵۲ برکنار شده بود (که در این صورت قبل از حاضر شدن پولس در برابر سانهدرین است). در سال ۶۶ میلادی، در آغاز شورش عليه رومیان، یهودیان حنانیا را در مجرای فاصلاب کشند.

^h- معاونیشی که نزد او بودند.
ⁱ- مفهوم این استعاره کاملاً روش نیست. مسلمان حنانیا را به دیواری سُست و نایابدار تشبيه کرده که نمای ظاهری آن را سفید کرده باشند ولی ظاهر زیبا مانع از فرو ریختن تدریجی آن خواهد شد (ر. ک حزق ۱۰: ۱۴-۱۳) می‌توان پرسید: آیا این سخن اعلام پيشگویي عاقبت غم انگيز حنانیا است؟ (ر. ک بند ۲ توضیح).

^j- خروج ۲۷:۲۲.
^k- یا: لعنت نخواهی کرد.

^l- پولس با زيرکى خود را فريسي می‌خواند (ر. ک ۲۶: ۵؛ فی ۳: ۵). ولی در حقیقت مسيحيت وارث چندين نكته از معتقدات فرقه فريسيان است.

مبارا پولس به وسیله آنان تکه شود. به دسته سربازان دستور داد پایین آمدہ او را از میان ایشان برگیرند و به قلعه بیاورند.^{۱۱} اما با فرا رسیدن شب، خداوند بر او ظاهر^۹ شده گفت: «شجاع باش! زیرا همان طور که در اورشلیم به همه چیز درباره من شهادت داده ای، به همان گونه در رم هم باید شهادت دهی.»^{۱۰}

توطئه یهودیان بر ضد پولس

^{۱۲} چون روز فرا رسید، یهودیان^{۱۳} توطئه نموده^۸ قسم خورده، بر خویشن伦 لعن کرده^{۱۴} که نخورند و نیاشامند تا اینکه پولس را بکشند.^{۱۵} و آنانکه این توطعه را کردند

مردان، برادران، من فریسی و پسر فریسیان هستم و برای امید و رستاخیز مردگان^m داوری می شوم.»^۷ چون او این را گفت، بین فریسیان و صدوقيان اختلاف روی داد و در آن جمعیت تقره افتاد. ^۸ زیرا از یک طرف صدوقيان می گویند نه رستاخیز، نه مت^{۲۳:۲۲} فرشته، نه روحیⁿ هست؛ از طرف دیگر فریسیان هر دورا قبول دارند. و^۹ داد و فریاد بلند شد و بعضی از کاتبان فرقه^{۱۰} فریسیان برخاسته شدید^{۱۱} اعتراض کرده می گفتند: «در این انسان هیچ چیز بدی نمی یابیم. و اگر یک روح یا یک فرشته^p با او سخن گفته باشد؟...»^{۱۲} چون اختلاف بالا گرفت فرمانده سربازان ترسید

- صدوقيان، برخلاف فریسیان، بعضی از اعتقادات نظری رستاخیز مردگان و وجود فرشتگان را نمی پذیرند (ر.ک یادداشت^{۱۳}). این اعتقادات، در دوران متاخر در یهودیگری پیدا شده و بدین سبب در نوشته های عهد عتیق نیامده یا به ندرت گواهی شده است، با توجه به اینکه یهودیان نوشته های کتاب مقام را الهامی و برحق می شمردند. بدین سبب، برای صدوقيان، ممکن نبود ایمان به یسوع را که مختسبین برخاسته از مرگ است پذیرند (۴: ۲۶ توضیح: ۲۳:۲۶). بالعکس امکان داشت که این ایمان با معتقدات فریسیان در مورد رستاخیز مردگان تطبیق نماید (۴: ۱۵ توضیح: ۲۶:۸-۶ توضیح: ۲۶:۱۰).^{۱۴}

- در اینجا و در بند^۹، روح به طور مبهم و نامشخص برابر با فرشته است. موضوع وجود فرشتگان را گرجه فرقه صدوقيان بدعنته و رد می کردند با این همه در یهودیگری به طور کلی پذیرفته شده و در نوشته های مکاشفه ای و نزد فرقه اسپیان به اوج شکوفایی رسیده بود. در کتاب اعمال رسولان این موضوع به اعتدال ذکر شده و نزدیک به مطالبی است که در کهن ترین اسفرار کتاب مقدس آمده است. در سخنرانی استفیان، فرشته ای در بونه سوزان بر موسی ظاهر می شود (۳۵:۷). همچنانکه در خروج ۱:۲-۱:۳ هم فرشته ای بر روی سینا به موسی سخن می گوید (۳:۸-۷). این روشی است که در یهودیگری بکار می برند تا حقیقت مداخله خدا را بیان کنند ضمن اینکه مقام والای خدایی که نهان است رعایت گردد. در جاهایی دیگری از کتاب اعمال رسولان (۱۲:۱۱) اکثراً سخن از فرشته خداوند (۵:۱۹؛ ۲:۲۶؛ ۲:۲۳؛ ۲:۱۱-۷:۲) یا فرشته خدا است (۰:۱۰؛ ۷:۳؛ ۷:۲؛ ۰:۲۲). این اصطلاح از نوشته های عهد عتیق می آید (بید ۱:۱۶؛ داور ۱:۱۳-۳:۲؛ وغیره). گاهی این اصطلاح فقط به جای خدا بکار برده شده (۵:۱۹؛ ۷:۱۰؛ ۱:۱۰؛ ۱:۱۰؛ ۱:۱۵؛ ۶:۱؛ ۱:۱۰). در یک مورد فرشته خداوند، روح می شود (۸:۲۶) پس از فصل ۱۲ در اعمال رسولان می کند (۰:۱۰؛ ۱:۱۰؛ ۱:۱۵). فقط یک مورد سخن از فرشته است (۲۷:۲۳). و دخالت خدا به روح القدس نسبت داده می شود (ر.ک ۱:۸؛ h:۸؛ g:۱:۱۰).^{۱۵}

- دومنی باری است که فریسیان (ر.ک ۳۴:۵) به حمایت از یک فرد مسیحی دخالت کرده و نویسنده ذکر می نماید: ر.ک بند ۱۴:۱۴ ل:۷. یعنی افرادی از فرقه فریسیان به مسیحیت گرویده بودند (۱۵:۵).

- در بعضی نسخه های خطی: ... یا یک روح به او سخن گفته است. با خدا جنگ نکنیم. (ر.ک ۵:۳۹). این تذکر که فرشته یا روحی به پولس سخن گفته است آیا اشاره به ظاهر شدن یسوع بر پولس است؟^q

- در نسخه های خطی دیگری: بعضی از یهودیان...^r

- یا: انجمنی کردند.

- یعنی اگر تعهدی را که می کنند انجام ندهند به لعنت گرفتار شوند.

تصمیم گرفته اند از تو درخواست کنند فردا پولس را به سانهدرین بیاوری چونکه باید چیزی دقیق تر درباره او تحقیق کنند، ۲۱ پس فریب ایشان را باور نکن چون بر ضد او کمین می کنند و بیشتر از چهل نفر ایشان هم قسم شده که چیزی نخورند و نیاشامند تا اینکه او را از بین برده باشند و اکنون آماده در انتظار قول تو هستند.» ۲۲ پس فرمانده سربازان آن نوجوان را روانه کرده سفارش کرد: «چیزهایی را که به من خبر دادی به کس دیگر مگو!»

انتقال پولس به قیصریه

۲۳ و دو افسر را خوانده گفت: «از سومین ساعت شب^w دویست سرباز، و هفتاد سوار و دویست نیزه دار^x حاضر کنید که به قیصریه بروند. ۲۴ و مرکب های آماده باشند تا پولس^y را سوار کرده ۲۵ [از] کلودیوس لیسیاس به نوشت:^b ۲۶ آنچه را داشت. ر. ک. ۲۷ این مرد را یهودیان گرفته و می خواستند از بین

بیش از چهل نفر بودند.^{۱۴} ایشان به نزد رؤسای کاهنان و پیران^{۱۵} رفته و [به آنان] گفتند: «[ای پیران]، ما قسم خوردیم که چنانچه پولس را نکشیم و [قبل از آن] چیزی بخوریم، از دین خارج شده محسب شویم.^۷» ۱۵ پس اکنون شما با سانهدرین به فرمانده سربازان بگویید او را به نزد شما بیاورد چونکه باید در مورد امور او دقیق تر تحقیق کنید و ما آماده هستیم پیش از آنکه نزدیک شود او را از بین ببریم.» ۱۶ اما پسر خواهر پولس از این کمین کردن آگاه شده، آمد و به قلعه وارد شد و به پولس خبر داد.^{۱۷} و پولس یکی از افسران را صدرازده گفت: «این جوان را به نزد فرمانده ببر چون که خبری دارد که به او اطلاع دهد.» ۱۸ پس او را با خود برداشت به نزدیک فرمانده سربازان برده و گفت: «پولس زندانی، مرا خوانده و در خواست کرد این جوان را به نزد تو بیاورم چون چیزی دارد که به تو بگوید.» ۱۹ پس فرمانده سربازان دست او را گرفته به کناری کشیده پرسید چه چیزی داری که به من اطلاع دهی؟^{۲۰} و او گفت: «یهودیان

۱۱- توجه نمایید که سخنی از کاتبان نیست یعنی قسمی از اعضای سانهدرین که بیشتر از فریسان بودند (ر. ک. بند ۹ ۰).

۷- ترجمه تحت الفظی: ما به وسیله لغت متعهد شده ایم.

W- ترجمه دیگر: از ساعت نه شب.

X- به نظر می آید که این عده خیلی زیاد است ولی اهمیت شخصیت زندانی را نشان می دهد. کلمه یونانی که نیزه دار ترجمه شده از نظر تحت الفظی: افراد کمکی است. این کلمه که اصطلاحی نظامی است، مهم و غیر واضح است.

y- ترجمه تحت الفظی: حواناتی برای سوار کردن پولس و بُردن او.

z- آنتونیوس فلیکس، برادر بالاین وزیر امپراتور نرون، برده ای آزاد شده بود که از سال ۵۲ تا ۵۹ یا ۶۰ میلادی سمت حکمران منطقه یهودیه را داشت. ر. ک. ۲۴:۲۴.

a- در بعضی از نسخه های خطی اضافه شده است: فلیکس می ترسید مبادا یهودیان پولس را گرفته بکشدند و خودش هم متهم به دریافت رشوه شود.

b- نامه لیسیاس مطابق نامه های رسمی یونان و بازیر کی انشاء و تنظیم شده است. ذکر متن نامه اینجا برای آنست که بار دیگر بی طرفی مقامات دولتی روم، تزویر مقامات یهودی و بی گناهی پولس نشان داده شود.

[وی] نامه را خواند و سؤال کرد از چه لو:۲۳:۶
ایالتی است و اطلاع یافت که از قبیلیقه
است،^۵ گفت: «وقتی که متهم کنندگان تو
حاضر شوند نیز سخنان تورا خواهم
شنید». دستور داد او را در دیوانخانه
هیرودیس^h نگاه دارند.

ادعانامه ترتلس^a

۲۴ ^۱ و پنج روز بعد حنانيا کاهن اعظم با
چند نفر از پیران و وکیلی به نام
ترتلس رسیدند^j و علیه پولس به حکمران ۲:۲۵
شکایت کردند.^۲ پس از احضار او، ترتلس
آغاز به اتهام زدن کرده گفت^k: «آرامش ۱۰:۲۴
کاملی که بوسیله تو به دست آوردیم و
اصلاحاتی که با توجه تو برای این امت
ایجاد شده^۱،^۳ به تمامی و در هرجا^m، ای
عالیجناب فیلکس، با سپاسگزاری کامل
می پذیریم.^۴ و برای اینکه بیشتر مرا حم
نباشم خواهش می کنم با گذشت خود، ۳-۲:۲۶

ببرند با دسته سربازان رفته، او را از ایشان
گرفتم چون دانستم رومی^c است.^{۲۸} و
می خواستم بدانم چه شکایتی دارند که او را
متهم می کنند. او را به مقابل سانه‌درین
ایشان آوردم،^{۲۹} که نیز دریافتم در مورد
مسائلی مربوط به قانون ایشان^d متهم می
کنند، اما هیچ اتهامی سزاوار مرگ^e یا
زنگیر ندارد.^f چون به من خبر رسید
علیه این مرد توطئه‌ای در جریان است،
بلافاصله به نزد تو فرستادم و به متهم
کنندگان هم امر کردم که آنچه را علیه او
دارند، در مقابل تو بگویند.^f »
^{۳۱} پس سربازان بر طبق دستوری که
دریافت کرده بودند، پولس را برداشته،
شبانه به آنتیپاترس رساندند.^{۳۲} و فرادی
آن روز، سواران را گذاشتند که با او بروند
و خودشان به قلعه برگشتد.^g ^{۳۳} و آنان به
قیصریه وارد شده نامه را به والی سپردند و
پولس را هم نزد او حاضر کردند.^{۳۴} پس

c- ترجمه دیگر: همشهری رومی است. در اینجا لیسیاس چیزی درباره زندانی کردن و تازیانه زدن پولس نمی‌گوید.

d- در بعضی نسخه‌های خطی: مربوط به قوا این ایشان و موسی و کسی به نام عیسی است.

e- ر. ک ۱۵:۱۸. اظهارات مقامات رسمی در مورد بی‌گناهی پولس یادآوری می‌شود (ر. ک ۱۸:۱۵). i.

f- در بعضی نسخه‌های خطی افزوده شده است: خداحافظ.

g- منتظر قلعه معبد است.^k ۳۴:۲۱

h- کاخی که هیرودیس بنا کرده بود و محل اقامت والی و حکمران یهودیه شده بود.

i- روایت حاضر شدن پولس در برابر فیلکس (۲۳-۱:۲۴) با مهارت و هنرمندی تنظیم شده است. لوقا بدون اینکه روایت را طولانی کند هیچ قسمی از جلسه محاکمه را حذف ننموده است مثلاً کیفرخواست یا ادعانامه، خطابه دفاعیه و رأی داوری. بار دیگر (ر. ک ۹:۲۳) بی‌گناهی پولس پذیرفته شده است، در این کتاب دو بار دیگر هم این نکته تأیید خواهد شد (ر. ک ۳۲-۳۱:۲۶؛ ۱۹-۱۸:۲۵). ر. ک ۱۵:۱۸.i.

j- یعنی به قیصریه آمدند. در مورد حنانيا ۲:۲۳.g.

k- بر طبق مقررات حقوق قضایی دوران کهن ادعانامه یا کیفرخواست را طرف مخالف بیان می‌کند. ترتلس پس از سخنانی برای جلب نظر مساعد فیلکس (بندهای ۳-۱۴)، و قبل از نتیجه گیری (بند ۸)، دو مورد شکایت را عنوان می‌نماید که عبارتند از برعهم زدن نظم عمومی در جماعت‌های یهودی (بند ۵) و هتك احترام به معبد (بند ۶)، این خطابه کوتاه مطابق اصول علم فصاحت و سخن پژوهی دوران کهن تهیه شده است.

l- این موضوع برخلاف حقیقت است. ظاهرا فیلکس حکمرانی (Z ۲۴:۲۳) بی‌ملاحظه و شدیداً العمل بوده است.

m- بعضی از مترجمان کلمات: «به هرگونه و در هرجا» را به عبارت قبلی مربوط می‌کنند یعنی... برای این ملت به هرگونه و در هرجا ایجاد شده است.

از خود دفاع می کنم^{۱۱} همانطور که می توانی از آن [خود را] مطمئن کنی، بیش از دوازده روز^۸ نیست که من برای پرستش به اورشلیم رفته ام^{۱۲} و نه در معبد، نه در کنیسه، نه در شهر، مرا نیافته اند که با کسی بحث کرده و یا توهه مردم را برانگیخته باشم.^{۱۳} در مورد آنچه اکنون مرا متهم می کنند [هم]^{۱۴}، نمی توانند برای تو دلیلی بیاورند.^{۱۵} با وجود این به تو اقرار می کنم که بر طبق راهی که ایشان فرقه^۹ می نامند، من خدای پدران را پرستش می کنم و به تمام آنچه در قانون و [کتاب های] انبیاء نوشته شده ایمان دارم.^{۱۶} این امید را از خدا دارم چنان که اینان هم دارند که رستاخیز برای عادلان و همچنین ظالمان خواهد بود.^۷ بدین ۲۰:۲۸

مختصری به ما گوش بدھید.^{۱۷} زیرا این مرد را یافتنیم که طاعون است، و تحریک هایی نزد همه یهودیان ساکن زمین برمی انگیزد و سردسته فرقه نصرانیان است.^{۱۸} همچنین خواسته است معبد را آلوه کند اما او را دستگیر کرده ایم.^{۱۹} [P]^{۲۰} خودت می دانی در مورد همه آنچه ما او را متهم می کنیم از وی سوال کرده و مطمئن شوی.^{۲۱} و یهودیان نیز او را تأیید کرده اظهار می نمودند که چنین است.

دفاع پولس

^{۱۰} پس از اینکه حکمران به پولس اشاره کرد که صحبت کند، وی پاسخ داد:^۹ «برای اینکه می دانم سال های بسیار، تو داور^{۱۱} این امت هستی، من با خشنودی خاطر

n- ترجمه دیگر: برای اینکه مرا حتم تو نباشم، گفتار من کوتاه خواهد بود و با گذشتی که در تو سراغ داریم خواهشمندم به آن توجه نمایی.

o- در اینجا کلمه «نصرانی» واژه جدیدی است که در مورد مسیحیان بکار برده می شود (ر.ک ۲۶:۱۱). کلمه ای را که فرقه ترجمه شده (ر.ک بند ۱۴) در مورد صدوقیان (۱۷:۵) و فریسان (۵:۱۵) بکار رفته است ولی در اینجا با مفهومی تحقیرآمیز بکار برده شده است ضمناً اینجا تنها موردی است که در نوشته های عهد جدید مسیحیان، نصرانی یعنی منسوب به ناصره خوانده شده اند چنانکه یوسوپ را ناصری خوانده اند (۲:۲۲).

p- در تعدادی از نسخه های خطی در اینجا افروده شده است: «و ما می خواستیم اورا بر طبق قوانین خودمان داوری کنیم ولی [فرمانده] سربازان دخالت کرده اورا باشدت بسیار از دست ها م اگرفت و به متهم کنندگان دستور داد به حضور تو بیایند» در این صورت کسی را که در بند ۸ پیشنهاد می کنند از او سوال شود، فرمانده سربازان است و نه اینکه پولس باشد.

q- خطابه دفاعی پولس نظیر ادعاینامه ترتلس (بند ۲ k) نمونه زیبایی از هنر بلاغت دوران کهن است. پولس پس از سخنرانی سنجیده و متعدل برای جلب نظر مساعد فیلکس (بند ۱۰) اولین مورد شکایت یهودیان را مطرح می کند (بند ۱۱-۱۳) و سپس اظهار می کند بر طبق «راه» به ایمان پهود وفادار مانده است (بند ۱۴-۱۶) (۵:۱۶) بالاخره به موضوع شکایت دوم می بردارد یعنی آنچه در معبد (بند ۱۷-۱۹) و در ساندھرین (بند ۲۰-۲۱) روی داده است.

r- ترجمه دیگر: تو داوری را تأیین می کنی. در نسخه خطی غربی: تو داور عادل هستی.

s- الیته باید گفت روزی که در ۲۱:۲۷ ذکر شده به بینج روزی که در ۲۴:۱۱ آمده است افزوده شود با این همه با توجه به مفاد ۲۱:۷، ۱۸، ۲۷، ۱۲:۲۳ و ۱۲:۳۲ روش محاسبه دیگر پیشنهاد شده است.

t- پولس بر این اصل بنیادی حقوق قضایی تکیه می نماید که بایستی مجرمیت ثابت شود و نه اینکه کسی مجبور باشد بی گناهی خود را ثابت نماید.

u- در مورد کلمه «راه» ر.ک ۲:۹ b و در مورد «فرقه» ر.ک ۵:۲۴.

v- در مورد ارزش و اهمیت این اظهارات یادداشت C ۲۶:۲۲-۲۲:۲۶ را ملاحظه نمایید.

w- ر.ک ۶:۲۳ m. چنین به نظر می رسد که در یهودیگری رستاخیز مردگان را به دو صورت درک کرده و توضیح می دادند یکی اینکه رستاخیز مردگان فقط برای عادلان خواهد بود (ر.ک لو ۱۴:۷-۲ مک ۷:۷-۱۴:۸) و بر طبق نظریه دیگر همه آدمیان دوباره زنده شده و داوری خواهند شد. در اینجا سخن درباره نظریه اخیر است.

فرمانده سربازان بیاید امور مربوط به شما را تحقیق خواهیم کرد.»^{۲۳} و به افسر دستور داد او را نگهداشته و تا اندازه‌ای آزاد ^{۲۸}_{۳۱:۲۸} بگذارد و از خدمت نزدیکانش به وی، ممانتع به عمل نیاورند.

بولس در زندان

۲۴ و چند روز بعد فیلکس با همسرش دروسلا^b که یهودی بود، آمده، پولس را احضار کرد و در مورد ایمان به مسیح یسوع [سخنان] او را شنید.^{۲۵} اما چون در مورد عدالت، خویشتن داری و داوری آینده گفتگو می‌کرد، فیلکس، ترسان شده^c ۲۰-۱۷:۶ مر ۲۲:۱۷ پاسخ داد فعلاً برو چون فرستی یافتم تو را باز خواهم خواند.^{۲۶} ضمناً نیز امیدوار بود که از پولس پولی به او برسد، بدین سبب بارها او را احضار کرده و با او گفتگو می‌کرد.^{۲۷} اما پس از اینکه دو سال گذشت بورکیوس، فستوس^e، جانشین

سبب کوشش می کنم تا همواره در مقابل خدا و انسان ها ضمیری بدور از لغتش داشته باشم.^{۱۷} و پس از سال های بسیار آدمد صدقه ها و هدیه هایی^X به قوم خود^{۱۸} بدhem.^{۱۹} در طی این امور مرا تقطیر شده در معبد یافته اند، بدون اینکه از حمام یا شورشی باشد.^{۲۰} ولی چند نفر از یهودیان آسیا... اینان باید در مقابل تو حاضر شوند و اگر چیزی علیه من دارند مرا متهم کنند.^{۲۱} یا اینکه اینان که در اینجا هستند، بگویند وقتی در برابر ساندھرین حاضر شدم چه بی عدالتی در من یافته اند؟^{۲۲} مگر اینکه در مورد تنها سخنی باشد که در میان ایشان ایستاده فریاد برآوردم: برای رستاخیز مردگان است که امروز در مقابل شما داوری می شوم^Z.

آنگاه فیلکس که از آنچه مربوط به راه^a است به دقت آگاه بود [داوری را] به تعویق انداخته گفت: «وقتی که لیسیاس،

X- مسلماً پولس اشاره به هدیه های پیان تظیری کند (۲۱:۲۴، ۲۶).

Y- تنها موردی است که در کتاب اعمال رسولان (ر.ک غلا:۱۰:۱-قرن ۸-۲:۱۴:۱۶-قرن ۹-۲) و بنا به اظهار پولس، جمع آوری اعانه موجب اصلی آمدن او به اورشلیم است ولی لوقا به علت نامعلومی این نکته را ذکر نکرده حتی اگر هریک از نویسنده‌گان قصد و منظور جداگانه‌ای داشته اند، خصوصاً این اعانه برای مسیحیانی بوده که قبلاً یهودی بودند و پولس اظهار می‌کند برای قوم خودش بوده و محتمل است آن را به مالیاتی تشبيه می‌کند که یهودیان در تمام امپراتوری روم و در فلسطین به معبد می‌پرداختند (ر.ک مت ۱۷:۲۴).

Z- پولس با مهارت نتیجه‌گیری می‌کند به طوری که مجدداً بحث و مجادله ۶:۶-۹ از سر گرفته شود دعوى و اتهام به اصول معتقدات منحصر بهood کشانده شود که از نظر رومیان فاقد ارزش و اهمیت قضایی بوده است.

b- در سلا دختر که هر پادشاه اغريقیاس بوده که با پادشاه امیس (شهری در سوریه) ازدواج کرده بود و فیلکس با توطئه های توأم با رسوایی او را ربوده بود. با این وضعیت می توان اضطراب و ترس فیلکس را درک نموده موقعی که پولس موضوع خویشتن داری و کف نفس و داوری نهایی را مطرح می کند (بند ۲۵) (ر.ک مر ۷:۶-۱۷).

c- ترس فیلکس از داوری نهایی شاید هم به سبب آنست که می بیند پولس مسائل زندگی خصوصی او را مطرح می نماید (داداشت: قفا: اهل احتجاج: نهایی شاید هم به سبب آنست که می بیند پولس مسائل زندگی خصوصی او را مطرح می نماید)

d- منظور پایان دوران حکمرانی فیلکس است و نه اینکه مدت بازداشت اختیاطی موقع پولس باشد (ر. ک ۳۰:۲۸) (u).

e- اطلاعات کمی درباره پورکیوس فستوس وجود دارد. این شخص از سال ۵۹ یا ۶۰ میلادی سمت حکمرانی یهودیه را داشت، وی فرزند خانواده‌ای مشهور و سرشناس و شخص درستکاری بوده و به پولس اجازه داده بود محل دادرسی خود را انتخاب

نماید: ر. ۹۱-۹۱۵

ایشان گذرانده بود^k به قیصریه آمد و فردای آن روز بر مسند دادگاه جلوس کرده دستور داد پولس آورده شود.^۷ وقتی او رسید، یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند اطراف او ایستاده اتهام‌های زیاد و سنتگینی می‌آوردند که قادر نبودند ثابت کنند.^۸ پولس از خود دفاع می‌کرد^m که «نه نسبت به قانون یهودیان، نه نسبت به معبد، نه نسبت به قیصرⁿ گناهی کرده‌ام.»^۹ اما فستوس که می‌خواست به یهودیان لطفی^{۱۰} بکند به پولس پاسخ داده گفت: «آیا می‌خواهی به اورشلیم رفته در آنجا در باره این چیزها در مقابل من محاکمه شوی؟»^{۱۱} اما پولس گفت: «من در مقابل دادگاه قیصر ایستاده، در آنجا باید محاکمه شوم، به یهودیان هیچ آسیبی نرسانده ام هم چنان که نیز تو خیلی خوب می‌دانی.^{۱۲} پس اگر حقیقتاً ناشایستی کرده و چیزی سزاوار مرگ مرتکب شده‌ام، مردن را رد نمی‌کنم.^p و اما چنانچه اتهامات ایشان بی‌پایه باشد، هیچ کس نمی‌تواند مرا به

فیلکس شد اما فیلکس که می‌خواست بر یهودیان منت گذارد پولس را در بازداشت نگه داشت.^f

پولس در مقابل فستوس، تقاضای دادرسی از امپراتور

۲۵

بعد از سه روز از قیصریه به اورشلیم رفت.^۳ کاهنان اعظم و بزرگان یهودی علیه پولس به او شکایت کرده^g و^{۱۵:۲۵} التماس می‌کردند^۳ علیه او [و] در خواست داشتند لطف کرده او را به اورشلیم روانه کند^h، چونکه کمین کرده بودند تا در بین راه، او را از میان ببرند.ⁱ اما فستوس پاسخ داد که باید پولس در قیصریه نگهداشته شود چونکه خودش هم بزودی آنجا را ترک خواهد کرد.^j پس گفت: «آنها بی از بین شما که شایسته هستند همراه من ببایند.^{۱۲} و اگر چیزی ناشایست در این مرد هست، او را متهم کنند.

^۶ چون حداکثر هشت یا ده روز در میان

f- در نسخه خطی غربی چنین است: و پولس را به سبب دروغ‌سلا در زندان گذاشت.

g- همان اقداماتی که یهودیان نزد فیلکس کرده بودند (ر. ک ۳۰:۲۳ و ۲۴:۱).

h- ترجمه تحت الفظی: درخواست کردن علیه او (پولس) این مرحمت را که پولس منتقل شود...

i- همان نقشه توطئه که در ۱۲:۲۳ داشتند.

j- ترجمه دیگر: ... به من ملحق شوند تا به قیصریه پایین برویم.

k- ذکر این نکته و کلمه «فردای آن روز» نشان می‌دهد که فستوس می‌خواهد سریعاً موضوع پولس را فیصله دهد.

l- به مانند متهم کنندگان بسوع (لو ۱۴:۲۳؛ مر ۱۵:۱۴؛ مک ۱۵:۲۳-۵۵).

m- سه نکته‌ای که در دفاع پولس ذکر شده نشان می‌دهد که متهم کنندگان یهودی مجموعه اتهام‌هایی را که تا آن وقت علیه پولس

(و علیه مسیحیان) اقامه می‌کردند مجدداً از سر می‌گیرند یعنی: جرم‌هایی علیه قوانین یهود (۶:۱۳، ۱۱:۷؛ ۷:۱۳؛ g: ۱۳:۱۸؛ g: ۱۳:۱۸؛ ۷:۱۷؛ ۲۱:۱۶؛ ۲۱:۱۶؛ ۷:۱۷؛ ۲۱:۲۱؛ ۲۱:۲۸؛ ۲۱:۲۹؛ ۲۹:۲۳) در صورتی که روم این قوانین را به رسمیت شناخته بود؛ تعرض‌های مستقیم به امپراتور

یعنی به قوانین روم (۵:۲۴؛ g: ۱۳:۱۸؛ u: ۷:۱۷؛ ۲۱:۲۴) پولس می‌خواهد در مورد مجموعه این اتهام‌ها و شکایت‌ها (که در بند ۷ تأکید شده است اساس و پایه‌ای ندارند) در دادگاه امپراتور داوری شود (بند ۱۱).

n- در آن موقع نرون امپراتور روم بود (۵۴ الی ۶۸ میلادی). در اینجا و در متون بعدی (۷:۱۷؛ ۲۱:۲۳؛ ۱۰:۱۲-۱۱؛ ۲۰:۲۱؛ ۳۲:۲۰)

کلمه امپراتور با عنوان امپراتوری «قیصر» ترجمه شده است.

o- فستوس به علت ضعف روحی و اراده، پولس را آزاد نمی‌کند و نه اینکه مجرمیت او را پذیرفته باشد.

p- این طرز استدلال از زمان سقراط معمولی است و پولس در مورد ارزش قوانین بحث و ایرادی ندارد.

انسانی را پیش از آنکه متهم در مقابل متهم کنندگان فرصت داشته و بتواند در مورد شکایت از خود دفاع نماید، تسلیم نمایند.^۱ ۱۷ پس آنان همراه من آمدند^۲ و روز بعد بدون تأخیر بر مسند داوری نشسته و دستور دادم آن مرد آورده شود.^۳ دور او متهم کنندگان ایستاده^۴ هیچ اتهامی - از آن اعمال شر که می‌پنداشتم - نیاوردنند. بلکه ۱۹ مسائلی چند درباره دین^۵ خودشان علیه ۲۹:۲۳:۱۵:۱۸ او داشتند^۶ و در مورد کسی به نام یسوع که ۱۸:۱۷:۱۰:۲۰ مرده و پولس اظهار می‌کرد زنده است. و ۴:۲۳-۵:۲۴ لون-۲ در این مسئله شک داشتم، پرسیدم آیا ۹:۲۵ می‌خواهد به اورشلیم رفته و در این موارد محکوم شود. ۲۱ آما پولس در خواست کرده ۱۲-۱۱:۲۵ بود برای تصمیم آگوستوس^۷ نگه داشته شود، فرمان دادم تا او را نگه دارند تا که او را به حضور قیصر بفرستم.^۸ ۲۲ و اغripas به فستوس[گفت]: «می‌خواستم

ایشان بسپارد، به قیصر دادخواهی می‌کنم.^۹ » ۱۲ آنگاه فستوس با مشاور خود گفتگو کرده پاسخ داد: «از قیصر دادخواهی کرده ای، به حضور قیصر خواهی رفت.»

پولس در مقابل اغripas و برنیکی

۱۳ پس از گذشت چند روز، پادشاه اغripas^{۱۰} و برنیکی برای سلام کردن به فستوس به قیصریه رسیدند.^{۱۱} ۱۴ و چون چند روزی در آنجا مانند فستوس امور مربوط به پولس را برای پادشاه شرح داده ۲۷:۲۴ گفت: «در اینجا مردی است که به وسیلهٔ فیلکس زندانی شده است،^{۱۲} در مورد او، هنگامی که به اورشلیم رفت، کاهن اعظم و ۲۴-۲:۲۵ پیران یهود شکایت کرده و تقاضای محکومیت او را داشتند.^{۱۳} به ایشان پاسخ دادم عادت رومیان این نیست که هیچ

۹- موضوع درخواست رسیدگی و دادخواهی از امپراتور سوئالهای تاریخی و قضایی متعددی را مطرح می‌کند. در چه مواردی چنین درخواستی امکان داشته است؟ آیا فقط کسانی که رومی بوده یا عنوان همشهری رومی داشتند می‌توانستند به این دادگاه عالی متولّشوند؟ آیا فقط قبل از صدور رأی دادگاه چنین درخواستی ممکن بوده است؟ آیا پس از چنین درخواستی، قانون دادگاه را ملزم می‌کرده به آن ترتیب اثر بدهد؟ به هصصوت در کتاب اعمال رسولان شرح و توضیح ترتیبات و مقررات رویه قضایی مورد توجه نیست بلکه بی‌گناهی پولس و عمل خدا را در این واقعیت نشان داده و روشن می‌کند.

۱۰- مارکوس یوپیوس اغripas دوم، پسر هیرودیس اغripas است (ر. ک. ۵-۱:۱۲) وی در سال ۲۷ میلادی متولد شده و در حدود سال ۱۰۰ میلادی در گذشته است. از سال ۵۰ میلادی پادشاه کاسیس واقع در لیبان شده و بعدها اداره سرزمین‌های دیگری به او واگذار گردید. برنیکی که خواهر اغripas دوم و دروسلا است (ر. ک. ۲۴:۲۴) در آن تاریخ بیوه بوده و در دربار برادرش زندگی می‌کرد. عشقی که تیتوس امپراتور روم به او خواهد داشت مشهور است.

۱۱- آیا این دیدار از روی ادب و نزدیک یا نشانه انتقاد و اطاعت بوده است؟ ۱۲- در اینجا فستوس اصل عدالت را با کلمات و عباراتی صریح بیان می‌کند که رومیان واقعاً رعایت می‌کرند و نویسنده آن را تحسین می‌کند.

۱۳- ترجمه دیگر: در اینجا حاضر شدند ر. ک. ۵:۲۵. ز.

۱۴- یا: که احضار شده بودند.

۱۵- کلمه ای را که دین ترجمه شده می‌توان خرافات ترجمه کرد، ولی چون روی سخن فستوس با یک نفر یهودی است باید «دین» ترجمه نمود.

۱۶- فستوس که رومی است در مقابل قوانین مخصوص یک دین بیگانه، خود را به دور نگه می‌دارد.

۱۷- کلمه اغسطس یا آگوست عنوانی به معنی: همایون، خجسته، شکوهمند است (ضمیماً عنوان امپراتور روم اکتاویوس آگوستوس هم بوده است) در اینجا به معنی «عام» است و بدین سبب گاهی آن را اعلیحضرت ترجمه می‌کنند.

حضور تو، ای پادشاه اغريپاس آورده ام تا
چون باز جویی شود چیزی برای نوشتن داشته
باشم.^{۲۷} زیرا به نظر من نامعقول است یک
زنданی را بفرستم و شکایت‌های علیه او را
تعیین نکرده باشم.

سخنرانی پولس در مقابل اغريپاس

۲۶ ^a پس اغريپاس به پولس گفت: «به
تو اجازه داده می‌شود در مورد ^{۱۶:۱۳}
^{۴۰:۲۱} خودت سخن بگویی.» آنگاه پولس دست
را دراز کرده دفاع^f [خود] را ارائه کرد.
^۲ «ای پادشاه اغريپاس، خودم را خوشبخت
می‌پندارم که در مورد همه چیزهایی که
توسط یهودیان به آن متهم هستم امروز می‌
باید در حضور تو از خود دفاع نمایم^g،
خصوصاً^۳ تو که به تمام آنچه مربوط به
رسوم یهودیان و همچنین چیزهای مورد

لو ۸:۲۳ من هم [حروف‌های] این انسان را بشنو.»

وی گفت: «فردا او را خواهی شنید.»

^{۲۳} پس روز بعد، اغريپاس و برنيکی با
لو ۱۲:۲۱؛ تشریفات کامل^z و با فرماندهان سربازان و
مت ۱۸:۱۳ مردان سرشناس شهر در تالار جلسه وارد

شدند و فستوس دستور داد پولس را
آوردن.^{۲۴} و فستوس گفت^a: «ای پادشاه
اغريپاس و ای تمام مردانی که با ما حاضر
هستید، ملاحظه کنید، آن کسی را که تمام
توده^b یهودیان درباره او به من مراجعه
کرده، [همانطور] در اورشلیم که در اینجا
نیز فرباد می‌زند او دیگر نباید زندگی
کند.^{۲۵} اما من فهمیدم چیزی سزاوار مرگ
انجام نداده است^c، و [چون] خودش از
آگوستوس^d تقاضای دادرسی نموده تصمیم
گرفته ام او را بفرستم.^{۲۶} اما در باره او چیز
مطمئنی ندارم که به خداوندگار^e بنویسم،
بدین سبب او را به نزد شما و مخصوصاً به

Z - نویسنده بیش از آنکه به جزئیات اقدامات قضایی ببردازد نشان می‌دهد که موضوع مسیحیت در چه جلسه‌ای مطرح می‌شود.
پولس به مانند بسیع در مقابل پادشاهی یهودی حاضر شده است (لو ۲۳:۶-۱۲).

a - در این فصل، سومین باری است که درباره بی‌گناهی پولس تأکید می‌شود (ر.ک ۱۲:۲۵ و ۲۱-۱۴). تکرار مطلب روشی
است که لوقا عمدها برای تأیید و تأکید وقایع مهم بکار می‌برد (ر.ک موضوع دریافت الهام پولس، قضیه کرنلیوس، بند ۲۵
c).

b - با کلمات «تمام توده یهودیان» که تعیین داد شده (ر.ک بند ۲)، مسؤولیت‌های یهودیان در دادرسی طولانی پولس تأیید
می‌شود.

c - سومین باری است که بی‌گناهی پولس اعلام می‌شود و از زبان یک افسر یا کارمند عالی‌ترتبه رومی است (ر.ک ۲۹:۲۳ و
۱۸:۲۵). که به سه باری که بی‌لاطس بی‌گناهی بسیع را اظهار کرده بود (ر.ک لو ۲۳:۴، ۲۲، ۱۴ واع b).

d - ترجمه دیگر: چون که از اعلیحضرت... ر.ک ۲:۲۵ y. ۵ - ترجمه تحت الفظی: خداوند. از زمان فرمانروایی کلودیوس، همچون مالک الرقاب مطلق جهان، امیراتور را با این عنوان
می‌نامیدند. البته این عنوان مخصوص آن نیست که امیراتور دارای سرشت الهی است. با این همه به روش ملت‌های شرقی شکوه
و جلال خدا را به او نسبت می‌دهد. ر.ک ۱۲:۱۲ و ۱۶:۱۳ f - نظری همان حرکتی است که در ۱۶:۱۳ و ۴۰:۲۱ انجام داده است.

g - این مدح و ثنای رسمي (بندهای ۲۳-۲) از نظر شکل دقیق تر و سنجیده تر از قبلی است (۲۱-۱۰:۲۴) ضمناً آخرین مدحی
است که پولس بیان کرده و آن را به شخصیتی سلطنتی خطاب نموده است. پولس روایت وقایع مربوط به گرویدن خود را (در
بندهای ۱۸-۹) در اینجا (ر.ک ۱۸-۱:۹) به مانند قسمتی از ارائه خود منظور نموده است بر اینکه ایمان در
مسیح برخاسته از مرگ مخصوص در امیدواری اسرائیل است (بندهای ۸-۴) و موعده او محتوای دیگری ندارد جز آنچه در
نوشه‌های مقدس اعلام شده است (بندهای ۲۳-۱۹).

^{۱۰} و در اورشلیم چنین کردم و از کاهنان
اعظم قدرت یافته بسیاری از مقدسانⁿ را
نیز به زندان انداختم و چون آنان را
می کشتند، رأی موافق می دادم.^{۱۱} و در
همه کنیسه ها بارها آنان را مجازات کرده
مجبور می کردم کفر^p بگویند و در شدت
جنونی که علیه ایشان داشتم تا به شهرهای
خارج آنان را تعقیب می کردم.
^{۱۲} در این میان که با قدرت و فرمان از^{۲:۹}
کاهنان اعظم به دمشق می رفتم،^{۱۳} ای
پادشاه! در راه، در وسط روز، نوری^{۹:۲} لو
درخشان تر از خورشید دیدم که از بالای
آسمان آمد و من و همراهان مرا احاطه
کرد.^۹ ^{۱۴} و چون همگی مان به زمین
افتادیم، صدایی شنیدم که به من به لهجه
عبرانی^r می گفت: «شائل، شائل، چرا مرا
شکنجه می دهی؟ برای تو دشوار است در
مقابل سر نیزه^s لگد بزنی»^{۱۵} اما من گفتم:
«خداوندا، تو کیستی؟» و خداوند گفت:

بحث آشنا هستی، بدین سبب خواهشمند
با حوصله به من گوش فراداری.
^۴ از آغاز جوانی در میان امت خود، نیز در
اورشلیم^h بسر می بردم؛ پس فی الواقع تمام
يهودیان زندگی مرا می دانند.^۵ از اول مرا
می شناسند و اگر بخواهند می توانند
شهادت دهند که بر طبق صحیح ترین^t فرقه
دین خود [همچون] فریسی زندگی کرده ام.
^۶ و اکنون به علت امیدواری به وعده ای^j که
بوسیله خدا به پدران ما داده شده مقابل
دادگاه هستم؛^۷ [وعده ای] که همه دوازده
قبیله ما به شدت، شب و روز [خدا را]
خدمت می کنند و امیدوار آمدن آند. ای
پادشاه، به سبب این امیدواری، بوسیله^{۱۵:۲۴}
يهودیان متهم شده ام.^k ^۸ چرا در بین شما
آن که خدا مردگان را برخیزاند باور^{۱۹:۱۱}
غير^{۱۹:۱۷} نکردندی قضاوت شده است!^۹
^۹ باری پس من، به نظرم رسید که بایستی
علیه نام^m یسوع ناصری مخالفت بسیار کرد.

- h. ر. ک ۲:۲۲. در اینجا پولس در مورد تولدش در طرسوس سخنی نمی گوید. مطالب خود را مختصر کرده است برای اینکه مخصوصاً درباره فعالیت هایش در اورشلیم یاد اوری و تأکید نماید (ر. ک ۹: ۲۰، ۲۱، ۰۲:۶).

- i. ترجمه دیگر: دقیق ترین و سخت ترین جنبه دین خود...

- j. این امیدواری که بوسیله وعده به پدران گشود شده (ر. ک ۳: ۲۵-۲۶) به نظر پولس در رستاخیز مردگان متمرکز است که قبلاً در یسوع تحقق یافته است (بند ۲۳ d: بند ۲۶ f).

- k. ر. ک ۳:۲۳.

- l. با این اصرار که نه درباره رستاخیز نهایی بلکه در مورد قدرت حیات بخشی خدا است اظهارات مربوط به رستاخیز یسوع در بند ۲۲ آماده می شود.

- m. ر. ک ۳:۱۶.

- n. بکار بردن کلمه مقدسان موجب تأکید بیشتری به مجرمیت پولس می شود (۱۳:۹ j).

- o. رأی موافقی که در مورد قتل استیفان داده بود یکی از این موارد بوده است (۱:۸).

- p. کفر گفتن، عبارت از لعنت کردن نام یسوع بوده است (ر. ک ۱: ۱۳-۱۲: ۷ ۴۵).

- q. در اینجا گفته می شود که روشنایی تمام حاضران را احاطه کرد و فقط منحصر به پولس نبود (۹: ۶، ۲۲: ۳: ۹)؛ شاید تجسم قبلی نوری است که در ۲۳ ذکر می شود.

- r. تصریح «زبان عبری» مختص به این روایت است (ر. ک ۹: ۴-۶) و توضیحی برای بکار بردن نام «شائل» است.

- s. کلمه ای که در اینجا سرنیزه ترجمه شده، در حقیقت سیخ کیمی سیخ کوچک است که گاوچران بوسیله آن گاو را وادار به حرکت کرده و هدایت می نماید. این ضرب المثل که از منشأ یونانی است در روایت های برابر دیگر نیامده و بدین معنی است

نسبت به رؤیای آسمانی نافرمانی نبرده ام؛
۲۰ بلکه نخست به آنان که در دمشق
بودند، سپس به اورشلیم و به تمام
سرزمین یهودیه^z و امت ها، موعظه
می کردم توبه کنند و به سوی خدا
بازگشت نموده^a، اعمال شایسته توبه را
بجا آورند.^b ۲۱ به سبب این چیزها یهودیان
در معبد مرا گرفته و سعی کردند مرا از
بین ببرند.^c ۲۲ اما تا امروز با کمکی که از
خدا یافته ام ایستادگی کرده به خرد و
بزرگ شهادت داده ام و غیر از آن
چیزهایی را که انبیاء و موسی گفته اند^d
باید روی دهد نگفته ام،^e ۲۳ که مسیح
باید رنج بکشد و نخستین برخاسته از

«من آن عیسی هستم که تو او را شکنجه
می کنی.^f ۱۶ اما بر خیز! و روی پاهایت
بایست!^g زیرا بدین سبب بر تو ظاهر
شده ام که تو را خدمتگزار و شاهد چیزهایی
تعیین کنم که مرا برای آنها دیده ای^h و
آنچه را که [باز هم برای آنها] بر تو ظاهر
خواهم شد.ⁱ ۱۷ و تو را رهای خواهم داد از
قوم و از امت هایی که تو را به سوی آنها^j
می فرمسم،^k تا اینکه چشمانشان را باز
کنی تا از ظلمت به سوی خدا بر گردند و به
تسلط شیطان به سوی خدا بر گردند و به
وسیله ایمان به من^l بخشایش گناهان و
کول^m میراثی در بین مقدسانⁿ دریافت کنند.
۱۲:۱ ۱۹ بدین سبب، ای پادشاه اغربیاس،

که مقاومت گاو در مقابل دستورهای گاوچران بیهوده است. در این روایت فقط بحران روحی و درونی پولس توصیف نشده
بلکه وضعیت حقیقی او است. یعنی پولس در مخالفت با نیروی مقاومت ناپذیری که در او ظاهر شده وضع خود را وحیم تر
خواهد کرد.

t- اشاره به دریافت الهام حرقیال است (حرق ۲: ۱، ۳)؟ سخنان یسوع که در اینجا می آید بر مبنای دو نکره ترتیب یافته اند و آنها
را کلید و مفتاح عبارت می یابیم: یکی: «امت مشرک» که الهام یافتن ارمیا را بیاد می آورد (۵:۱، ۸-۷)، و دیگری
«روشنایی (ملکت ها)» است که به برگزیدن خدمتگزار در کتاب اشعیا برمی گردد (اش ۷-۶:۴۲). در اینجا یسوع به
پولس خطاب می نماید، همچنانکه خدا به پیامبر ارش در هنگام فرستادن آنان خطاب می کرد و اعزام به مأموریت نزد امت ها به
تمامیت رساندن نبوت ها در عهد عتیق است (ر. ک ۱۵: ۱۵ m ۱۴: ۱۳ x ۴۷: ۱۳: ۲۸-۲۵: ۲۸). در مورد لحظه و زمان این
مأموریت (ر. ک ۲۱: ۲۲ b: (ر. ک ۱۷: ۲۲).

u- در نسخه خطی دیگری: رؤیایی که داشته ای.
v- ر. ک ۱۳: ۱۳ ر. ک ۰: ۳۱: ۱۳.

w- ضمیر موصول که در اینجا آمده نشان می دهد که منظور از امت ها نه فقط مشرکان است بلکه شامل یهودیان (قوم) هم
می شود.

x- ر. ک ۱۳: ۱۳ s ۳۸: ۲ ر. ک ۴۴: ۲ .a

y- ر. ک ۲۰: ۲۰ ر. ک ۱۳: ۲۰ a

z- در بعضی نسخه های خطی: سرزمین یهودیان. این موعظه پولس در یهودیه با مفاد غلا ۱: ۳۲ تطبیق نمی کند. شاید نویسنده در
اینجا طرح اعزام رسولان را به مأموریت ۱: ۸ را یادآوری کرده تا نشان دهد که پولس پس از دوازده رسول مجری این طرح
است.

a- ر. ک ۱۹: ۳ .a

b- ترجمه دیگر: زندگی به طرزی که پاسخ به این توبه کردن باشد.

c- در اینجا پولس ایمان خود را به تمامیت رسیدن نوشته های مقدس به حدّ نهایت می رساند (ر. ک ۱۸: ۳ z). به یک معنی
انجیل چیزی به عهد عتیق نمی افزاید زیرا هرچه اظهار می شود (بند ۲۳) قبلًا اعلام شده است (ر. ک یادداشت قلبی). و
منظور آنست که نشان داده شود چقدر ایمان مسیحیت بدرسی و کاملاً متنضمّن در ایمان اسرائیل است (ر. ک بند ۲۸ g).

خدا التماس دارم که به اندک یا بسیار، نه تنها تو بلکه همه آنها بی نیز که به من گوش می دهند هم چنان که من نیز هستم بشوند^h، ۲۹:۲۳ به استثنای این زنجیرها...»

۳۰ پادشاه برخاست، همچنین حکمران و برنیکی و آنانی که با ایشان بودند، ۳۱ و در حین رفتن بین خودشان صحبت کرده می گفتند که این انسان سزاوار هیچ مرگ یا بندی نیست. ۳۲ و اغripas به فستوس گفت: «این انسان، اگر از قیصر دادخواهی نکرده بود، می توانست آزاد شود.»

سوار شدن به کشتی به مقصد رمⁱ
۳۷ ۱ و چون تصمیم گرفته شد به مقصد ایتالیا به کشتی سوار شویم^j، پولس و به علاوه چند زندانی دیگر را به افسری از

میان مردگان^d باشد و روشنایی^e را به قوم ۹:۲ و امت ها اعلام نماید.» ۱۳:۴

۲۴ وقتی با این چیزها دفاع خود را ارائه کرد، فستوس به صدای بلند گفت: «ای پولس، تو مجnoon هستی، دانش بسیار تو را به جنون کشانده است.» ۱۴:۵ اما پولس گفت: «ای فستوس عالیقدار، من مجnoon نیستم بلکه سخنانی را از حقیقت و از حکمت بیان می کنم، ۱۵:۶ زیرا پادشاهی که در مقابل او با اطمینان سخن می گویم از این چیزها آگاه است چون معتقدم چیزی از اینها بر او مخفی نیست و در گوش خلوتی روی نداده است.» ۱۶:۷ ای پادشاه اغripas، آیا به انبیاء ایمان داری؟ می دانم که ایمان داری...» ۱۷:۸ اما اغripas به پولس [گفت]: «با همین اندک، می خواهی مرا قانع کرده و مسیحی کنی؟» ۱۸:۹ پولس [گفت]: «از

d- ترجمه دیگر: و او که نخستین برخاسته از میان مردگان است... در اینجا رستاخیز یسوع همچون نخستین تحقیق یافتن و اجرای قبلي امید بزرگ اسرائیل است (ر. ک ۱۸:۱ q: ۲۰:۱۵ j: ۱۳:۳). کول ۱۸:۱ (ر. ک بندهای ۶ و ۸). در اینجا مشاهده می شود که ایمان مسیحی در ایمان یهود متضمن است (ر. ک یادداشت قبلی و بند ۲۸ g).

e- یعنی نجاتی که اعلام آن نه به پولس نسبت داده شده (۱۳:۴-۷) و نه به موضعه های مسیحی (۱۴:۲-۵) بلکه مستقیماً منسوب به یسوع است (ر. ک ۲۶:۳). این آخرین بار بکار بردن کلمه «روشنایی» در کتاب اعمال رسولان است که در خارج از روایت های (۱۶:۷-۱۲ q: ۲۹:۱۶) مربوط به دریافت الهام پولس نیامده است (بندهای ۱۳:۳-۶، ۱۸:۱۳-۱۵، ۲۷:۱۳-۱۴).

f- زیرا مرگ و رستاخیز یسوع و همچنین اعلام روشنایی (بند ۲۳) از اورشلیم گذشته (بند ۴ h) سپس در یهودیه و در تمام دنیا اعلام گردیده است (بند ۲۰).

g- ترجمه دیگری که کمتر محتمل است: باز هم اندکی و تو مرا قانع می کنی که یک مسیحی ساخته ای. اغripas به خوبی روش استدلال پولس را درک کرده است که می خواهد بگوید کسی که به پیامبران ایمان دارد (بند ۲۷) مسیحی است (بند ۲۲) ولی این طرز استدلال را که به نظرش زیاد سهل و ساده است نمی بذیرد. پولس از کلمه تحقیرآمیز «اندک» استفاده می کند که مجدد دعوت نهایی به توبه و گرایش را پیشنهاد کند (ر. ک یادداشت بعدی).

h- کسی به وسیله یک انسان مسیحی نمی شود بلکه این امر با دخالت خدا انجام می شود (ر. ک ۱۸:۱۱ m) سخنان دفاعی پولس بدین گونه و به مانند موضعه عادی با دعوت به توبه و گرایش پایان می پذیرد (۱۹:۳ a).

i- نتیجه دادخواهی پولس از امپراتور (۲۵:۲۶-۳۲)، فرستادن او به روم و تحقیق یافتن یک نقشه رسالتی (۱۹:۱۹) و اجرای مشتی الهی است (۱۱:۲۳). این مسافت طولانی خالی از خطرها و موارد تنازع اتفاقاً بود (۱۶:۲۸-۱:۲۷) ولی ظاهراً به نظر نویسنده، خدا جریان وقایع را هدایت می نماید. (بندهای ۷:۹ g: ۲۴ t: ۳:۲۸).

j- در اینجا مجدداً روایت با ضمیر اول شخص جمع «ما» است و تا رسیدن به روم به همین ترتیب ادامه خواهد یافت. نویسنده خود را همچون یکی از شرکت کنندگان در این مسافت ارائه کرده و روایتی دقیق و زنده می دهد.

روزها به آهستگی رفته و به دشواری برابر قنیدس^۸ رسیدیم، ولی چون باد به ما رخصمت نمی داد [در طول ساحل در] زیر [جزیره]^۹ کرت بدر مقابل سلمونی^{۱۰} راندیم.^{۱۱} و به دشواری از کنار ساحل آن گذشته به مکانی رسیدیم که آن را بندرهای نیکو می نامند و نزدیک شهر لسائیه^{۱۲} است.

^{۷۹} چون مدت زیادی گذشت و حالا دریانورده خطرناک شد، زیرا اکنون حتی [ایام] روزه^{۱۳} نیز گذشته بود، پولس هشدار داده،^{۱۴} به ایشان گفت: «ای مردان! می بینم که دریانورده بدون خسارت و ضایعات بسیار نه فقط برای بار و کشتی بلکه هم برای جان های ما نخواهد بود.»^{۱۵} ولی افسر بیشتر به ناخدا و ملاح

۲۵:۱۱-قرن ۲

اشکریان اغسطس^k به نام یولیوس سپردند.^۲ و به یک کشتی ادراهمیتی^۱ که قرار بود به طرف بنادر آسیا حرکت کند سوار شدیم. از ساحل دور شدیم. استرخس مقدونی از ^{۴:۲۰؛ ۲۹:۱۹} فیل^{۲۴} تسالونیکی همراه ما بود. ^۳ و روز بعد در صیدون^m پیاده شدیم و یولیوس که نسبت به پولس با انساندوستیⁿ رفتار کرده اجازه داد ^{۲:۲۳:۲۴} به نزد دوستانش رفته از توجهات [ایشان]^{۲۳، ۱۶:۲۸} برخوردار شود.^۴ از آنجا روانه شده و [از طول ساحل]^۵ زیر قبرس^۰ گذشتم چون بادها مخالف بودند.^۶ و از دریای کنار کیلیکیه و پامفیلیه گذشته و در میرای^p لیکیه پیاده شدیم.^۷ و در آنجا، افسر، یک کشتی از اسکندریه^r را یافت که به ایتالیا می رفت و ما را بر آن سوار کرد.^۸ و برای بسیاری

- شاید یک واحد نظامی مخصوص در خدمت امپراتور بوده است.
۱- ادراهمیتین شهری در ساحل غربی آسیای صغیر و در مقابل جزیره^s اسپرس است. کشتی های تجاری علاوه بر حمل بار، مسافرینی هم می گرفتند.

- صیدون شهری در فنیقیه است که امروزه هم دارای اهمیت است. در مورد اشاعه انجلیل در این شهر ر.ک ۱۹:۱۱. منظور از دوستان پولس که در اینجا ذکر شده مسلمان مسیحیان شهر هستند.

- ر.ک ۳۱:۲۷، ۴۳ نویسنده مخصوصاً نظر مساعد افسر را نسبت به مسیحیان (۱۰:۱۰:۱۷-۲۳؛ ر.ک ۲۶-۲۵:۲۲) یا نسبت به عیسیی یاد می کند (لو ۵:۷:۵؛ n:۲۳:۴۷).

- منظور ساحل شمالی قبرس است و باد از مغرب است.

- در بعضی نسخه های خطی: پس از پانزده روز پیاده شدیم.

- میرا در لیکیه محل توقف معمولی مسافرت بین مصر و یونان بوده است. ر.ک ۱۰:۲۱.

- کشتی های تجاری اسکندریه متعدد و مهم بوده اند. این کشتی ها گنبدی را که مصر به امپراتوری روم می داد حمل می کردند. ر.ک بند ۳۸.

- در انتهای جنوب غربی آسیای صغیر.

- در جنوب جزیره^t کریت.

- در ساحل جنوبی جزیره.

- روایت طوفانی که در اینجا آغاز می شود از نوع ادبیات معین و متداول دوران کهن است (مز ۱۰۷: یون ۱؛ اُدیسه؛ ائیید). برطبق این طرح ادامه می یابد: نخست شرحی درباره دریانورده (۱۱-۹). طوفان هیچ امیدی باقی نمی گذارد (۱۳-۲۰)، فرشته ای دلگرمی داده و پولس دخالت می نماید (۲۶-۲۱) بالاخره کشتی به شن نشسته و متلاشی می شود (۴۴-۲۷) ولی فکر اساسی در این روایت آنست که خدا پولس را به سوی مقصدی که تعیین شده یعنی روم هدایت می کند. (بندهای) (۲۵-۲۴)

- منظور عید استنفار است که در ماه سپتامبر برگزار می شد. معمولاً از ماه سپتامبر تا فوریه یا مارس دریانورده نمی کردند. شاید پولس الهام یافته و برخلاف نظر دریانوردان حرفه ای حق داشته است (بند ۲۱). (f ۲۱).

تسلط پیدا کنیم.^{۱۷} آن را بالا کشیده^b، طناب های کمکی به دور کشته کشیدند^c و چون می ترسیدند میادا در [خیچ] سیرتس^d فرو روند، لنگر شناور را به پایین انداختند^e و بدین گونه به هر طرف رانده می شدند.^{۱۸} و روز بعد چون طوفان به شدت ما را می کویید [مقداری] از بار را بیرون ریختند؛^{۱۹} و روز سوم با دست های خود تجهیزات کشته را دور انداختند. یون ۵:۱

۲۰ چون روزهای بسیار نه خورشید و نه ستارگان ظاهر شدند و طوفانی بزرگ [بر ما] افتاد، دیگر هر گونه امید به اینکه ما نجات یابیم از بین رفته بود.

۲۱ نیز مدتی طولانی غذا نخورد بودند. آنگاه پولس در میان ایشان ایستاده گفت: «ای مردان!^f می بایستی به من گوش می کردید و از کرت عزیمت نمی کردیم و این خسارت و زیان را نداشتم.^{۲۲} اما اکنون به شما نصیحت می کنم که دلگرم باشید زیرا هیچ خسارتی به [جان] شما نخواهد رسید. تنها کشته [از بین خواهد رفت]^{۲۳} زیرا

باشی^x اعتماد می کرد تا به گفته های پولس.^{۱۲} اما چون بندر برای [گذراندن] زمستان مناسب نبود، اکثراً بر این رأی بودند تا از آنجا عزیمت نمایند و اگر بتوانند برای [گذراندن] زمستان به فینیکس برسند که بندری در کرت می نمود، به طرف جنوب غربی و به طرف شمال غربی^y.

طفوان

^{۱۳} چون نسیم ملایمی از جنوب وزید، گمان کردند که به مقصد رسیده اند [پس لنگر] برداشته و کناره کرت را می بیمودند.^{۱۴} اما پس از مدت کوتاهی [ناگهان] باد طوفانی که شمال شرقی^z نامیده می شد بر آن[جزیره] وزیدن گرفت،^{۱۵} و کشته را برد آن طوری که نمی توانست در مقابل باد مقاومت کند، [پس خود را] رها کرده، همراه [باد] رانده می شدیم.^{۱۶} پس در پناه جزیره ای به نام کودا رانده و با دشواری توانستیم بر زورق

X- بعضی از مترجمان این کلمه را نماینده مالک مال التجاره یا نماینده صاحب کشته ترجمه کرده اند.
y- ترجمة دیگر: «که به سوی جنوب غربی و شمال غربی باز است». این جمله را می توان همچنین در ک کرد: که «به سوی جنوب غربی و شمال غربی مسدود است» که از نظر جغرافیای مناسب تر است ولی معنی عبارت را نقض خواهد کرد. این بندر که از طرف مغرب به خوبی محفوظ نیست، لاقل از بادهای شمال و شمال شرقی این است: در مورد تعیین محل دقیق این بندر نظرهای مختلفی وجود دارد.

z- باد شمال شرقی که کشته را به سوی آفریقا می رانده است.
a- در نسخه خطی غربی: ...بر اثر باد رانده می شدیم و بادبانها را پیچیده بودیم.
b- معمولاً زورق در بی کشته کشیده می شد.
c- در دوران کهن طباهايی به دور بدن کشته کشیده و محکم می بستند تا بر اثر ضربه های امواج قطعات مختلف بدن کشته از هم جدا نشده و متلاشی نگردد.
d- خیچ سیرنائیک (قیروان) در ساحل آفریقا.
e- قطعه چوبی بزرگی که در عقب کشته بر روی آب شناور بوده و کشیده می شد تا کشته را در امتداد جریان باد نگه دارد.
f- : «ای دوستان من»، پولس با توجه به اینکه نظریه او «بیشگویی او» تحقق یافته است با اطمینان و قدرت سخن می گوید. این بار اظهارات او (بند ۷) صریحاً منسوب به دخالت الهی است و دعوت ضمنی به ایمان آوردن به خدا می باشد.

نمانند شما نمی‌توانید نجات یابید.^۹ ۳۲ پس سربازان طناب‌های زورق را بریده و گذاشتند بیفتند.^{۱۰} ۳۳ و پولس تا فرا رسیدن روز همه را تشویق می‌کرد غذا بخورند. می‌گفت: «امروز چهاردهمین روز است که غذا نخورده انتظار می‌کشید و هنوز چیزی نخورده‌اید.^{۱۱} ۳۴ بدین سبب به شما توصیه می‌کنم غذا بخورید، چونکه برای نجات شما است، زیرا هیچ مویی از سر شما نخواهد افتاد.»^{۱۲} و مت ۳۵ پس از گفتن این چیزها در مقابل همه نانی گرفته، خدا را سپاس گفته، آن را پاره کرده و شروع به خوردن کرد.^{۱۳} پس آنان نیز همگی دلگرم شده غذا گرفته خوردن.^{۱۴} و همه نفوس در کشتی دویست و هفتاد و شش نفر بودیم.^{۱۵} پس از اینکه از غذا سیر شدند [بار] گندم را به دریا ریخته، کشتی را سبک کردند.^{۱۶} ۳۹ و چون روز شد، آن زمین را نمی‌شناختند اما متوجه خلیجی شدند که ساحلی [شنی] داشت و می‌خواستند اگر بتوانند کشتی را به طرف آن برانند. ۴۰ پس لنگرهای را [از دو طرف]^k بریده، به دریا انداختند و هم زمان بندهای سکان‌ها^۱ را باز کرده و بادبان مقدم^۱ کشتی را در مقابل بادی که می‌وژید برافراشتند و به

۹:۲۳ دیشب از خدایی که متعلق به اویم و او را عبادت می‌کنم فرشته‌ای بر من ظاهر شده،^{۱۷} ۹:۱۸:۱۵:۹ می‌گفت: مترس، ای پولس، تو باید^g در ۱۸:۱۰:۹ برابر قیصر حاضر شوی و اینک خدا تمام همسفران تو را به تو بخشیده است.^{۱۸} پس، ای مردان! جرأت داشته باشید زیرا به خدا ایمان دارم که همان گونه که به من گفته شده است انجام خواهد شد.^{۱۹} ولی باید^h در جزیره‌ای ما بیفتیم.

نجات یافتن از کشتی غرق شده

۲۷ و چون چهاردهمین شبی بود که [بی اختیار] در [دریای] آدریاتیکⁱ رانده می‌شدیم در نیمه شب بعضی از ملوانان گمان کردند به خشکی نزدیک می‌شوند.^{۲۸} و عمق سنجی کرده دریافتند بیست قامت است. و اندکی دورتر شده دوباره عمق سنجی کرده، دریافتند پانزده قامت است.^{۲۹} و چون می‌ترسیدند مبادا به جاهای صخره‌ای بیفتیم، از عقب کشتی چهار لنگر انداخته و [خیلی]^j آرزو داشتند روز فرار سد.^{۳۰} اما ملوانان در پس آن بودند که از کشتی فرار کنند و به بهانه کشیدن لنگرهای جلو، زورق را به دریا پایین داده بودند.^{۳۱} پولس به افسر و سربازان گفت: «اگر اینان روی کشتی

^g- «باید»، این ضرورت به طرح مشیت خدا بر برمی‌گردد (۲۱:۳) (۲۳:۲) ر. ک. ۱:۲۷.

^h- در مورد این ضرورت ر. ک. به یادداشت قبلي.

ⁱ- منظور دریایی که امروزه آدریاتیک نامیده می‌شود نیست بلکه سرتاسر دریای بین یونان و جزیره سیسیل است.

^j- در نسخه خطی «غربی»: به ما هم داد. با این تذکر که در نسخه «غربی» آمده است نویسنده به جنبه آین سپاسگزاری این عمل تأکید می‌نماید در صورتی که مسلمان^k برای پولس فقط نان خوردن عادی است.

^k- ترجمه تحت الفظی: ترمذهای سکانها. که عبارت از پاروهای بزرگ و پهنه بوده که با طباهايی بسته شده بودند.

^l- بادبان کوچکی که در جلو کشتی است.

انسانیتی غیر معمول ابراز داشتند، زیرا به ۲-قرن ۱۱:۲۷ سبب بارانی که می آمد و به سبب سرما، آتشی روشن کرده و همگی ما را پذیرا شدند.^۳ چون پولس مقداری چوب خشک جمع کرده و بر روی آتش گذاشت، یک افعی بر اثر حرارت از آنها بیرون آمده به دستش محکم شد.^۴ وقتی بومیان دیدند جانور از دستش آویزان است به یکدیگر گفتند: «حتماً این آدم جناحتکاری است که از دریا نجات یافته [اما] عدالت^۵ نمی گذارد زنده بماند.»^۶ اما او جانور را در آتش تکاند، صدمه ای متتحمل نشد. لو ۱۰:۱۹-۱۱:۱۴:۲۲:۱۲ آنان منتظر بودند که [باید] ورم کند یا ناگهان افتداده بمیرد، مدت زیادی انتظار کشیدند و چون ملاحظه کردند هیچ ناراحتی بر او نرسیده است تغییر عقیده داده و گفتند او یک خدا است.

^۷ و در اطراف آن محل، املاکی^t از آن رئیس جزیره^u به نام پوبليوس بود که ما

سوی ساحل راندند.^۱ اما در وسط جایی افتادند که بین دو دریا^m بود، کشتی را به جانب گل راندند و جلو [کشتی] سریعاً به گل [چسبیده]، بی حرکت ماندⁿ و عقب کشتی، از شدت امواج متلاشی شد.^۲ و سریازان قصد داشتند زندانیان را بکشند تا کسی با شنا کردن فرار نکند.^۳ اما افسر که می خواست پولس را نجات دهد، مانع طرح ایشان شده و دستور داد نخست آنان که شنا بلد هستند در آب پریده خود را به خشکی برسانند،^۴ و بقیه، بعضی ها [بر] روی تخته ها، بعضی ها بر روی چیزهایی از کشتی^۵، و بدینسان همگی صحیح [و سالم]^۶ به خشکی رسیدند.

پولس در جزیره مالت

۲۸-قرن ۱۱:۲۶ و پس از اینکه نجات یافتیم، دریافتیم که این جزیره مالت نامیده می شود.^۷ و بومیان^P نسبت به ما،^۹

m- ترجمه تحت الفظی: جایی در میان دو جریان آب.

n- پادآوری داستان ادبیه: ۹:۴۶.

o- با اینکه می توان در ک و ترجمه کرد (به احتمال کمتر): و بعضی ها که به وسیله کارکان کشتی حمایت می شدند.

p- این کلمه یونانی را گاهی وحشیان یا بربریان ترجمه کرده که صحیح نیست زیرا یونانیان این کلمه را در مورد کسانی بکار می بردند که به زبانی دیگر سخن می گفتند (ر. ک روم ۱:۳۴). در جزیره مالت اهالی به زبانی از ریشه زبان اهالی کارتاژ سخن می گفتند.

q- برخلاف فصل ۲۷، در اینجا و در بند ۷ منظور از ضمیر «ما» فقط مسیحیان هستند و نویسنده دیگر چیزی در مورد همراهان پولس نمی گوید (ولی ر. ک ۲۸:۶).

r- این روایت معجزه (بندهای ۳:۶؛ ر. ک لو ۱۰:۱۰؛ مر ۱۶:۱۸) و روایت بعدی (۷:۱۰-۱۱) نشان می دهند که خدا همیشه با بولس است (ر. ک ۱:۲۷ (j)).

s- ترجمه دیگر: عدالت الهی، در نظر یونانیان عدالت نام رب النوعی بود که فرار از او امکان نداشت. در اینجا این سؤال پیش

می آید که آیا اهالی جزیره مالت هم بر این عقیده بوده اند؟

t- برطبق روایات این ملک در محلی به نام سن پل میلتنی (یعنی خوشامد یا پذیرا) قرار داشته که در نخستین شب های تپه های

مورموراد و چندان از خلیج کوچکی به دور نیست و ممکن است این خلیج محل غرق کشتی باشد. کاوش های جدیدی که شده

نشان می دهند که این روایات کهن لاقل مربوط به قرن چهارم میلادی است.

u- ترجمه تحت الفظی: از آن نخستین جزیره. که عنوان صحیح و رسمی بالاترین مقام دولتی جزیره مالت در دوران تسلط رومیان

بوده است.

که از اسکندریه می‌آمد و زمستان را در جزیره گذرانده بود و علامت جوزا داشت.^z در سراکوس پیاده شده سه روز ماندیم.^x از آنجا با حرکت به موازات ساحل^y به ریغیون رسیدیم و پس از یک روز باد جنوب برخاسته، روز بعد به پوطیولی^b رسیدیم.^z در آنجا برادرانی یافته که از ما دعوت کردند که هفت روز نزد ایشان بمانیم و بدین گونه به رم رسیدیم.^c و در آنجا برادران^d که در مورد ما شنیده بودند تا میدان آپیوس و سه میکده^e به پیشواز ما آمدند و چون پولس آنان را دید خدا را سپاس گفته دلگرم شد.^f

^{۱۰:۴۸:۱۰} را پذیرا شده و سه روز با مهربانی به ما منزل داد.^g و چنین شد که پدر پوبليوس ^{۱۵:۱۶:۲۸:۱۴} لوه^{۶:۴:۲۰} به علت تب و اسهال [مزمن]^{۹:۲۹} بستره بود، پولس [به نزد او] وارد شده و نیایش کرده و دست‌ها را بر او نهاده^۷ او را شفا داد.^۹ پس از این رویداد بقیه هم که در ^{۷:۸:۱۵:۱۶} جزیره بیماری‌هایی داشتند [پیشش]^{۵:۲۰:۱۶} می‌آمدند و شفا^w می‌یافتدند.^{۱۰} آنان نیز به ما احترام^x زیاد گزارند و چون ^{۲۰:۲۴} عزیمت کردیم نیازمندی‌های ما را فراهم کردند.

مسافرت از مالت به رم ۱۱ و پس از سه ماه^۷ سوار کشته شدیم

^۷- ترجمه دیگر: بوسیله نیایش و گذاشتند دست‌ها. در مورد این عمل ر. ک ۶:۶.

^۸- این نوع اظهارات کلی در جاهای دیگر کتاب اعمال رسولان آمده است (۸:۷:۸؛ ۱۱:۱۹؛ ۱۲:۳؛ ۳۱:۹؛ ۲۴:۲؛ ۲۰:۱۹) و تا اندازه‌ای روایت‌های مهم اجمالی آغاز کتاب را به یاد می‌آورد (۲:۴۲). ر. ک. لو ۴:۴؛ ۱۵:۵؛ ۷:۲۱. نویسنده این معجزه‌ها را (ر. ک. بند ۳) به موعظه‌ای ارتباط نداده و انگه‌ی در طول روایت مسافرت از قیصریه تا روم هیچ موعده‌ای به معنی واقعی کلمه روایت نشده است و فقط در شهر روم است که اعلام انجیل از سر گرفته می‌شود (۲۳:۲۳-۲۸).

^۹- محتملاً در ماه مارس یا فوریه. ر. ک. ۹:۲۷.

^{۱۰}- کلمه یونانی که جوزا ترجمه شده نام تعدادی از ستارگان است که یکی از دوازده برج نجومی را تشکیل می‌دهند ضمیماً بطبقه آساطیر یونانیان، دو پسر رب النوعی زئوس را (کاستور و پلوكس) به این نام می‌خوانندند. حتیً تصویر تقاضی شده یا مجسمه آنها در عقب کشته علامت مشخصه کشته بوده است. پرستش این دو رب النوع در مصر شایع بوده است.

^a- در ک و ترجمه این متن مهم و نامعلوم است چنانکه می‌توان ترجمه کرد: طباهای یهار کشته را گشود...

^b- فاصله بین ریغیون و پوطیولی در حدود ۳۵۰ کیلومتر است. بند پوطیولی در خلیج ناپل قرار دارد و در آن تاریخ بندراوستی که کلودیوس ایجاد کرده و ترتیب داد هنوز رونق و اشتهرار پوطیولی را نپوشانده بود. درباره بنیانگذاری و منشأ جمعیت مسیحیان پوطیولی چیزی نمی‌دانیم و در کتاب اعمال رسولان نام چندین جمعیت ذکر شده بدون اینکه منشا و آغاز تشکیل آنها تعیین شده باشد مثلاً: جمعیت دمشق (۹:۶:۱۰؛ ۱۵:۱۱؛ ۱۵:۱۲؛ ۱۸:۲۴؛ ۱۸:۳۱؛ ۱۸:۲۴؛ ۱۸:۲۵) (بنابه نسخه‌های مختلف): افسس ۱۸:۷؛ پنلامس ۲۱:۷؛ روم ۲۸:۷.

^c- نویسنده پیش‌پیش آنچه را در بند ۱۶ خواهد گفت اظهارات می‌کند: شاید منظورش اینست که مسافرت عملاً به پایان رسیده است، زیرا آگر شخصی از پوطیولی، از طریق جاده کالپانا و سپس جاده آپیا، پیاده به روم می‌رفت پنج روز طول می‌کشید. (تقریباً ۲۰۰ کیلومتر).

^d- در آن موقع، از چند سال پیش یعنی از حدود سال ۵۰ میلادی (۱۸:۲) برادرانی در روم بودند ولی نویسنده چیزی درباره منشا کلیسا‌ی پایتحت امپراتوری نمی‌گوید (ر. ک. بند ۱۳ b).

^e- میدان یا استادیوم آپیوس در حدود ۶۵ کیلومتری روم و «سه میکده» در حدود ۴۹ کیلومتری روم قرار داشته است.

^f- از این اظهارات می‌توان حدس زد که پولس دلوپس بوده و از نخستین تماسهای خود با کلیسا‌ی روم چندان اطمینان نداشته است. روم ۱۵:۱-۱۵ (ر. ک. ۲۰:۱۵).

نه نامه هایی درباره تو از یهودیه دریافت
کرده ایم و نه هیچ کدام از برادران که به
اینجا رسیده درباره تو خبری داده یا
[چیز] بدی گفته است.^{۲۲} اما سزاوار
دانستیم آنچه را فکر می کنی از خودت
 بشنویم زیرا فی الواقع ما می دانیم درباره
این فرقه^k که در همه جا با مخالفت
روبرو می شود. »^{۲۳} پس روزی را برای او
تعیین کرده، تعداد زیادتری به منزلش به
نزد او آمدند. وی توضیح داده ملکوت^۱
خدا را شاهادت می داد و از صبح تا شام

در مورد یسوع با استناد به قانون موسی و آنیباء سعی در قانع کردن ایشان داشت.^m ۲۴ و بعضی ها حقیقتاً با این گفته ها قانع شده، دیگران ایمان نیاوردند.ⁿ ۲۵ چون ۷:۲۳ با یکدیگر موافق نبودند^o از هم جدا شدند، در حالی که پولس فقط یک سخن اضافه کرد: «روح [القدس] بوسیلهٔ شعبای نیم، خوب به بدران شما گفته

-ff در برخی نسخه ها، عباراتی افرون در ابتدای آیه آمده است.
g- پولس از ترتیبی مساعدی برخوردار بوده که به زندانی اجازه می داده است در جایی که می خواهد سکونت نماید و تحت محافظت یک سرباز به کارهای خود پردازد. در اینجا لوقا مجددًا موقعیت مقامات رومی و وضع پولس را که زندانی است یادآوری می کند. در بعضی از نسخه های خطی ذکر شده که پولس را در محوطه ساختمان حکومتی جا داده بودند در نسخه های دیگر، نوشته شده است: خان ادراه گاه و همک: است، این طلاقات صبح را شد.

h- در روم نظری جاهای دیگر (W:۱۳:۴۶) پولس نخست به یهودیان و سپس به امت ها خطاب می کند (۲۸:۲۸-۳۱).
i- در یکی از نسخه های خطی غربی در اینجا افروده شده است: بلکه فقط برای اینکه روح خود را (یعنی جان خود را) از مرگ
نمات دهم.

j- امید اسرائیل، رستاخیز مردگان است که برخاستن یسوع از میان مردگان تحقق قبلي آن است (۶:۲۶ j).

۲۴:۵۰ - ک

ل-ک ۱:۳-گ

.x ۳:۱۷ ک-م

- ر. ک ۳:۱۷. حکیم سام مساحت به رو شان مختص لوقا است.

-**n** بدين گونه نويسنده بار دیگر ذكر می کند (ر.ک ۱۴:۲-۵؛ ۱۷:۴-۵، ۱۲:۸-۶، ۱۸:۸-۶) که يهوديان در برابر انجيل (ر.ک بند ۲۹ ت) توافق نظر ندارند و سپس يادآوري و تأكيد می نمایند که روی هم رفته وضع قوم يهود (بند ۲۶) پذيرفتن و انكار است (بند ۲۵).
-

۵- خیلی محتمل است که منتظر یهودیان باشند (ر.ک. یادداشت قبلی)؛ ولی مسکن است به این مفهوم هم در ک نمود که یهودیان با پولس موافق نبودند.

پولس در رم

۱۶ ff و وقتی به رم وارد شدیم اجازه دادند پولس با سرباز محافظ در [خانه] خودش بماند.^۸ و پس از سه روز او بزرگان یهودی^h را احضار کرده و چون ایشان جمع شدند گفت: «ای مردان، برادران! من که هیچ چیزی علیه قوم یا رسوم اجداد نکرده ام از زمانی که در اورشلیم مرا تسليیم دستان رومیان کرده ام، زندانی هستم؛^۹ که آنان از من باز جویی کرده و چون هیچ علتی برای اعدام در من نیافتدند می خواستند مرا رها کنند. ^{۱۰} ولی چون یهودیان مخالفت کردند مجبور شدم از قیصر دادخواهی کنم بدون اینکه قوم خود

۲۰ پس بدین سبب تقاضا کرده ام شما را ببینم و با شما صحبت کنم زیرا به سبب امید اسرائیل است که این زنجیر بر من است.»^{۲۱} و آنان به او گفتند: «ما

- در پرخی نسخه ها، عباراتی افزون در ابتدای آیه آمده است.

g- پولس از ترتیبات مساعدی برخوردار بوده که به زندانی اح
محافظت یک سرباز به کارهای خود بپردازد. در اینجا لوقا
یادآوری می‌کند. در بعضی از نسخه‌های خطی ذکر شده که یو
نیگر، نوشته شده است: «از اندوگاه و همکن: استاد: ا

دیاری خوشنام

در روم صیر

دریسی ار سس

جیل دھم۔

ک-۲۴: ۸ کمپین اسٹرائل، رستا چیر مزدیں است کہ برحاسن یسوع اریل مزدیں ک

کارکرد ایجاد کننده

١٠٣ - مکالمہ کے درجہ ایجاد کرنے والے افراد کا سلسلہ

م- ر. ۱۱۷-۸. چنیده پیام سیحیت به روس بیان مختص بود است.

۵۲) تأثیرات اقتصادی بر این آنالیز را تأکید نماید.

(۱۱) توافق نظر بدارند و سپس یاداوری و تایید می شماید که روی هم

۵- حیلی محمل است که منصور یهودیان باشد (ر. ۳ یادداشت ببی): و

است p:

و به گوش‌ها [یشان] بشنوند^{۲۶}
 و از دل بفهمند و بازگردند^۹
 و من آنان را شفا دهم^{۱۰}?»
 ۲۸ پس بر شماست که آن را بدانید که
 این نجات خدا بر امت‌ها فرستاده شده^۸ و
 ایشان [هم] خواهد شنید. [۲۹]^t ... ۳۰ وی^t
 ۲۳، ۱۶:۲۸ دو سال تمام در خانه اجاره‌ای خود ماند^{۱۱} و
 همه کسانی را که به نزد او می‌آمدند
 می‌پذیرفت^۷، ۳۱ ملکوت خدا را اعلام
 مبادا با چشمان [خود] ببینند

۲۶ «به سوی این قوم برو و بگو: به گوش

خود خواهید شنید و هیچ نخواهید فهمید

و نگاه کرده می‌نگرید و هیچ نخواهید

دید،

۲۷ چون دل این قوم کدر شده،

گوش‌ها یشان سنگین شده

و چشمان خود را بسته اند

مبادا با چشمان [خود] ببینند

p- اکنون نویسنده متن کتاب اشعبا را عیناً نقل می‌نماید (ر. ک لو:۸ a) اش:۶ ۱۰-۹:۱؛ این متن «صحیح» و بجا است زیرا اکنون تحقق می‌باید (همچنانکه حب:۵ در ۱۴:۱۳)؛ ر. ک مت:۱۳ ۱۵-۱۴:۱۳؛ مر:۴ ۱۲:۱۰؛ ۴. انکار انجیل بوسیله این قوم، در حقیقت بدین معنی است که اکثریت یهودیان نسی‌پذیرند و بدین گونه واقعه‌ای که قبل‌ا در نوشته‌های مقدس اعلام شده (Z ۱۸:۳) و جزو طرح مشیت خدا است تحقق می‌باید (R. ک ۲۳:۲). R. ک بند ۲۷.

q- هرگاه مجموعه قوم یهود را در نظر بگیریم، توبه و گرامی‌را که موضعه مسیحیت می‌خواهد نمی‌پذیرد (a ۱۹:۳).

r- اگر نقل قول اش ۱۰-۹:۶ از متن عبری گفته شده بود چنین خاتمه می‌یافتد: «شفا نیایند» (ر. ک مت:۱۳ ۱۵:۱) ولی نویسنده مثل اکثر اوقات (مثالاً ر. ک ۱۵:۱۵ n) از ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) پیروی می‌کند که در آن امیدی که برای اسرائیل گشوده است در اش:۶ ۱۳-۱۱ پیش‌اپیش اظهار گردیده و ترجمه شده است: «(اما) آنان را شفا خواهند داد. اگر نویسنده این متن را به همان گونه که نقل می‌نماید درک کرده بود فکر او به همان سمتی متوجه بوده که در روم ۱۵-۱۱:۱۱ ذکر شده و در آنجا انکار اسرائیل قطعی نیست. ولی در حقیقت نویسنده مخصوصاً معنی کلی این نقل قول را در نظر گرفته است (اگر نگوییم منحصراً) (ر. ک یادداشت بعدی) و بدین سبب ترجمه کرده است آیا آنان را شفا خواهند داد؟ و در این عبارت با وجود تهدید، امکان یک دعوت و پذیری آخری منتفی نیست (ر. ک بند ۷۳).

s- این آخرین باری است که در کتاب اعمال رسولان ذکر می‌شود انجیل به امت‌ها اعلام می‌گردد (R. ک ۴۶:۱۳ w) و بدین سبب لحنی رسمی دارد. انکار و سنتگدلی اسرائیل چه قطعی باشد یا نباشد (ر. ک یادداشت قبلی) نجات خدا را (R. ک اش:۵:۵ ترجمه یونانی) برای امت‌ها می‌گشاید و ایشان برخلاف قوم گوش خواهند کرد (R. ک بند ۲۷).

t- در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی در اینجا نوشته شده است: در موضعی که این را به ایشان می‌گفت یهودیان رفند و بین خودشان مجادله بزرگی داشتند.

u- بنا بر این پولس مدت دو سال آزاد و تحت نظر بوده است (بند g). اظهارات اخیر از نظر محاسبه زمانی مورد بحث است و سوالاتی را مطرح می‌نماید. آیا کتاب اعمال رسولان در پایان این دو سال و پیش از اتمام محاکمه پولس نوشته شده است؟ آیا پولس در این موقع آزاد شده بود چون هیچ شاکی یهودی خود را معرفی نکرده بود؟ (R. ک e ۲۷:۲۴)، یا اینکه در این موقع پولس داوری شده و محکومیت یافته بود؟ مقدمه کتاب را ملاحظه کنید. آنچه روش است، نویسنده کمتر به سرنوشت پولس پرداخته تا اینکه موضعه و اعلام ملکوت خدا را (R. ک ۳:۱) در روم، پایاخت دنیای مشرکان ذکر نماید، آن هم بوسیله کسی که مأموریت شخصی او تبلیغ انجیل در این دنیا بوده است (R. ک ۲۱:۲۲ w:۱، ۵:۱، ۱۴:۱). اعلام انجیل تا به اقصی نقاط زمین، به طوری که یسوع برخاسته از مرگ می‌خواست (R. ک مقدمه) بدین سان به مرحله‌ای رسیده بود، بدون اینکه مرحله‌نهایی باشد (R. ک روم:۱۵ ۲۴-۲۳:۱۵) مرحله‌ای قطعی بشمار می‌رفت (R. ک ۲۸ w:۳۱).

v- در بعضی از نسخه‌های خطی افزوده شده است: یهودیان و یونانیان. این تفاوت نسخه‌ها هرچه باشد مسئله‌ای واقعی مطرح می‌کند: بدین معنی که وقتی نویسنده از «همه کسانی که به نزد پولس می‌آمدند» سخن می‌گوید آیا منظورش فقط امت‌ها هستند؟ (بند ۲۸). یا یهودیانی هم بودند که از روحیه سنتگدلی اسرائیل به دور شده بودند؟ فرضیه اخیر با روش و دورنمای اساسی کتاب بهتر تطبیق می‌کند (۱۱:۱۵، ۱۱:۱۸).

۱۳:۴ کمال اطمینان و بدون مانعی آموزش
۲۰:۲۵:۲۸:۲۳:۱۹:۳:۱ می‌کرد و درباره خداوند یسوع مسیح با
می‌داد.^w

- کلمات «با اطمینان کامل» راجع به هیئت و رفتار بولس است (ر.ک ۱۳:۴) و کلمات «بدون مانع» آخرین احترام و ستایش صمنی است که نویسنده از عدالت عاقلانه رومیان می‌نماید (ر.ک ۱۵:۱۸)، ولی چنین به نظر می‌رسد که نویسنده در این نتیجه‌گیری می‌خواهد مخصوصاً تأکید نماید که با وجود تعقیب و شکنجه‌ها و دشواری‌هایی که در سرتاسر کتاب گفته شده است سخن خدا به زنجیر کشیده نشده (۲-تیمو ۹:۲) و برای همه کسانی که آن را می‌خواهند (یادداشت قبلی) تا به اقصای زمین طین انداز خواهد شد (بند ۳۰). ضمناً در بعضی از نسخه‌های خطی غربی، این بند و کتاب چنین پایان یافته است: «و می‌گفت: او است مسیح عیسی، پسر خدا، که بوسیله او داوری تمام دنیا آغاز خواهد شد». آیinde در برابر سخن خدا است تا به روزی که در این نسخه‌ها یاد شده است.